

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آثار و اسناد سبقت و اویشا کران

وصیت نامه کامل شهدا
استان آذربایجان غربی



دقراول
آذربایجان شرقی

تصحیح و تنظیم
دکتر حسین شریفی

اداره کل اسناد و انتشارات

پاییز
۱۳۹۷

ف ه ر س ت

۱۱۱	آقازاده، حسن	۱۵	سخن ناشر
۱۱۴	آقازاده، عروجعلی	۱۸	مقدمه
۱۱۸	آقایان، ذبیح الله	۴۳	آب برین، پرویز
۱۲۱	آهن دوست، بهزاد	۴۹	آب برین، محمد
۱۲۵	آهن دوست، محمد	۵۶	آجودانی، رشید
۱۳۰	آهوز، یعقوب	۶۱	آخوندزاده، نصرت الله
۱۳۳	امیدباراندوزی، کریم	۶۹	آذریان، بلگر
۱۳۶	استادحسنلو، سیفعلی	۷۴	آذری اهرنجانی، علی
۱۴۴	ابراهیم اوغلی، زین العابدین	۸۰	آذین، رحیم
۱۵۳	ابراهیم زاده، فرامرز	۸۵	آزادی، محمد
۱۵۸	ابراهیم زاده، محمدرضا	۹۰	آغار، حسن
۱۶۲	ابراهیمی، اسماعیل	۹۶	آقاپور، سهراب
۱۷۱	ابراهیمی، برات	۱۰۰	آقاجانی، محرم
۱۷۷	ابراهیمی، حسین	۱۰۷	آقاخانی، قربانعلی

۲۶۶	اسماعیلی ممکنانی، محمد	۱۷۷	ابراہیمی، محمد
۲۷۱	اسمعلی پور، ہمت علی	۱۸۰	ابراہیمی، ودود
۲۷۴	اسمعلی، مختار	۱۸۲	ابراہیمی شوره گلی، اصغر
۲۷۷	اشراقی، عزیز	۱۹۴	ابراہیمی قدسی، محرم
۲۸۱	افتخاری حسن لویی، ابراہیم	۲۰۳	ابراہیمی قرہ خانی، قربان
۲۸۵	اکرامی، میرحمید	۲۰۶	ابراہیمی کوزہ گران، میرعسگر
۲۸۹	امامی، علیرضا	۲۰۹	اسکندری، صیاد
۲۹۲	امام زادگان، سلطانعلی	۲۱۴	اسلامیان، رشید
۲۹۵	الیاسی، فریدون	۲۱۹	اسماعیل پور، امداد
۳۰۱	انفرادی، رضا	۲۲۴	اسماعیل زادہ، مجید
۳۰۹	ابوالحسن لو، حسین	۲۳۰	اسماعیل دوست، اسلام
۳۱۳	ابوالحسن، علی	۲۳۵	اسماعیلو، صفر
۳۲۴	احمدپور، خلیل	۲۳۸	اسماعیلو، محمد
۳۲۹	احمدپور، محرم	۲۴۱	اسماعیلی، ابراہیم
۳۳۲	احمدپور حورمغان، زین العابدین	۲۴۵	اسماعیلی، سلماس
۳۲۸	احمد گورچین قلعه، عبدالرحیم	۲۵۰	اسماعیلی، سید ابراہیم
۳۴۱	احمدوندا قدم، صادق	۲۵۷	اسماعیلی، میرمحمد
۳۴۵	احمدنزا، خسرو	۲۶۲	اسماعیلی احمد آباد، اقبال

۴۷۴	اصغری پهلوان، قوجعلی	۳۵۰	احمدنژاد، داود
۴۷۷	افشاری، فتح الله	۳۵۵	احمدی، صفرعلی
۴۸۶	افشانی، عباس	۳۶۱	احمدی، عبدالعلی
۴۹۱	اکبری، صابر	۳۶۹	احمدی، محمدرضا
۴۹۴	اکلیو عطاری، بایرامعلی	۳۷۲	احمدی، معصوم
۴۹۹	الفی، ذبیح الله	۳۸۰	احمدی قلعه جوق، بهمن
۵۰۳	الله وردی زاده، محمد	۳۸۹	احمدی نژاد، حبیب
۵۰۸	الله یاری، ابراهیم	۳۹۳	اخلاقی، نوروزعلی
۵۱۳	الله یاری نژاد، خداورد	۴۰۰	ادیبی، یونس
۵۱۹	امراهی، محمد	۴۱۱	ارلنی زاده، ابراهیم خلیل
۵۲۲	امرهی قلعه جوق، محمدعلی	۴۱۵	اسدزاده بسطامی، مرادعلی
۵۲۶	امینی قاضی جهانی، مهدی	۴۳۶	اشرف پور، سعید
۵۳۲	اولاد دیلمقانی، امیر	۴۳۹	اشرف پور حوری، نادر
۵۴۰	اولیایی، عزیز	۴۴۴	اصغرزاده، پاشا
۵۴۴	اهری، امیر	۴۵۰	اصغرزاده، غلام عباس
۵۵۲	ایران سرشت، اصغر	۴۵۳	اصغرزاده، محمد مهدی
۵۵۵	ایران نژاد، بیاض	۴۶۲	اصغری، محمد
۵۶۰	بابازاده، جعفر	۴۶۹	اصغری اصل، مهدی

۵۶۳

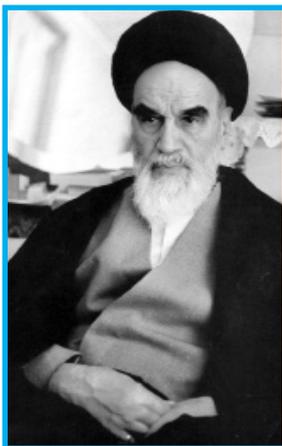
بابازاده، مقصود

۵۶۸

بابایی بخشکندی، رضا

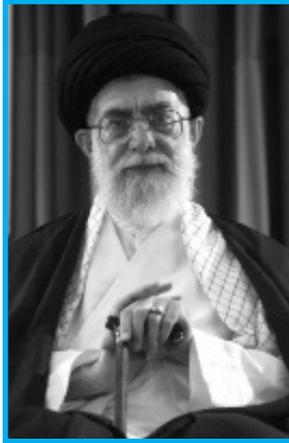
۵۷۴

بابایی، قربانعلی



«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنید، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید.»

امام خمینی (ره) - صحیفه نور - جلد ۱۵ - ص ۳۲



منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همه چیزهایی که برای اداره امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامه امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعه فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

بیانات مقام معظم رهبری - نماز جمعه تهران - آذرماه ۱۳۸۱

سخن‌ناشر

تاریخ و فرهنگ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که کشورهای مختلف جهان هنگام تعیین جایگاه خود در جامعه جهانی، به آن استناد کرده و به تناسب تأثیرگذاری این تاریخ و فرهنگ در تمدن بشری به آن مباحثات می‌کنند. شکی نیست که جمهوری اسلامی ایران به علت برخورداری از تاریخ کهن و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی در صف مدعیان این عرصه قرار دارد. آداب، رسوم و فرهنگ ایرانی-اسلامی که سینه به سینه و نسل به نسل در قرون مختلف، به نسل‌های بعدی منتقل شده است، نشانه هویت و مایه مباحثات ملت ایران می‌باشد.

امروزه نقش اسناد و مدارک در بازشناسی و تنویر اندیشه بخش‌های مختلف اجتماع، به ویژه برای کسانی که توفیق لمس و درک فرهنگ و شرایط ویژه دوران تأثیرگذار آن اجتماع را نداشته‌اند، اهمیت فراوانی دارد. این موضوع از چنان اهمیت روزافزونی برخوردار است که بخش عمده‌ای از تلاش و همت مراکز اسنادی و آرشیوی صرف گردآوری، محافظت، نگهداری و مراقبت از این گنجینه‌های گرانبقدر فرهنگی می‌شود. اهمیت این رویکرد در خصوص اسنادی که از بار فرهنگی و هویتی منحصر به فرد و

ویژه‌ای برخوردارند، دو چندان است. بدون شک این گونه اسناد می‌توانند ضمن ایفای نقش اطلاع‌رسانی که خصیصه اصلی این ارزش‌های مکتوب می‌باشد، خود موجب و موجب یک هویت مستقل فکری و فرهنگی و مبلغ یک جریان انسان‌ساز معنوی باشند. اسناد شهدا و ایثارگران حافظه تاریخی و میراث معنوی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. گردآوری، حفظ و نگهداری این اسناد سبب خواهد شد تا آیندگان با بهره‌گیری از این گنج عظیم به بازشناسی و درک صحیح از تاریخ دست یابند.

پس از فرایند گردآوری و مستندسازی اسناد و وصایای شهدا و ایثارگران، انتشار اسناد دست اول شهدا جزو اولویت‌های نشر شاهد بشمار می‌رود. به باور اندیشمندان و صاحب‌نظران فرهنگی و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام (□) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکارتر می‌سازد.

کتاب حاضر حاوی؟ وصیت‌نامه از وصیت‌نامه‌های شهدای استان آذربایجان غربی (دفتر اول) است که حاصل بررسی‌ها و بازنگری‌های کارشناسانه همکاران محترم بنیاد شهید و امور ایثارگران استان آذربایجان غربی و اداره کل اسناد و انتشارات می‌باشد. در اینجا شایسته است که از تلاش و کوشش وافر همکاران محترم در استان بویژه آقایان: مهدی فعال □ مسکین مدیرکل محترم بنیاد شهید استان، معصوم نیکخو معاون محترم فرهنگی استان، علی □ اصغر صلاحلو رئیس اداره و در ستاد مرکز آقایان: رضا حاجی آبادی، ابوالحسن صمدی شجاع، محمد علیایی مقدم، سعید گنجی، اکبر صادقی و خانم زهرا شیرکوند قدردانی شود و نیز از آقای دکتر حسین شریفی استاد؟ دانشگاه؟ پژوهشگر تاریخ دفاع مقدس و همکاران □ نشان که زحمت تدوین این مجموعه را به عهده گرفته و تلاش بی‌وقفه داشته‌اند تشکر و قدردانی شود.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحب‌نظران گرانقدر آقایان: دکتر محبوب شهبازی، حجج الاسلام محمدحسن کاویانی و احمد مازنی، دکتر رحیم نریمانی، دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی هفت لنگ و تمامی کسانی که در به ثمر رساندن این مجموعه ما را یاری رساندند صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

در پایان دست صاحب‌نظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران با عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گرفته و موجبات خشنودی شهدای والامقام و امام شهدا و رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را فراهم سازد.

مدیر مسئول نشر شاهد

پاییز ۱۳۹۷

مقدمه

جایگاه و نقش فرهنگی و صایای شهدا بررسی و صایای شهدا می‌تواند نمادی روشن و مستند از تفکر و اندیشه هر قوم و ملت، شهر و منطقه و حتی خانواده و شخص باشد. نقطه اشتراک همه و صایای شهدا، از شمالی‌ترین نقطه کشور تا سواحل نیلگون خلیج فارس و مناطق غربی و شرقی ایران وحدت و همدلی برای آزاد سازی ایران از دست صدام و شکست برنامه تهاجم امریکا به ایران است. همه رزمندگان در یک هدف کلی اشتراک مساعی داشتند و آن دفاع از اسلام و ایران عزیز و لیبیک عاشقانه به ندای حضرت امام خمینی(؟) بود. در این حضور و انجام تکلیف هیچ منطقه و قوم و نژادی را بر دیگری رجحان نبود. دفتر روشن شهادت نام و نشانی را ثبت نکرده است که جز برای رضای حضرت حق و یاری و نصرت نایب امام عصر(عج) حضرت روح‌الله(؟) جان در کف اخلاص نهاده باشد. حماسه‌هایی در دوران دفاع مقدس رقم خورده است که واقعاً قلم از بیان و توصیف آنها عاجز است. شکوه حضور نیروهایی مردمی از سطوح و سنین مختلف از جوانان، نوجوانان و نوحطی که ۱۳ ساله‌های آن در صف شهادت ایستاده، تا پیران محاسن سفیدی که بعضاً با نوه و فرزند خویش همسنگر

بودند، اگر مدعی نباشیم که تکرار ناشدنی است، حداقل می‌توان بر این نکته پای فشرد که پیش از این ایران چنین تجربه‌ای نداشته است. مادرانی که فقط برای رضای خدا از عزیزان خویش دل می‌کنند و خم بر ابرو نمی‌آوردند. جوانانی که خلاف طبع و انتظار جوانی بقدری از ایمان و رشادت و اخلاص سرشار بودند که به تعبیر بلند حضرت علی (ص) مرگ را «شیرین‌تر از عسل» می‌دانستند.

وصایای شهدا تنها به انگیزه توصیه شرعی نوشته نشده‌اند. وصایای شهدا دفتر معرفت و ایمان و اخلاص دلاور مردانی است که صرفاً برای آزادسازی نقطه یا ناحیه‌ای از ایران به استقبال مرگ نمی‌رفتند. در درجه اول رضای خدا و خشنودی امام عصر (عجل‌الله) و اطاعت از ولی‌امر امام خمینی (ع) انگیزه حضورشان در جبهه‌ها بوده است. در حالت عادی هم هر مسلمان موظف است برای فردای خود وصیت‌نامه‌ای داشته باشد. وصایای شهدا از لون و صبغه و رنگ دیگری است. وصایای شهدا دانشنامه سلوک و معرفت و عرفان حماسی است. شاید فقط در برخی از دوره‌هایی از تاریخ بتوان چنین شرایطی فراهم آید تا چنین مردانی پای در میدان رشادت و غیرت و آزادگی بگذارند. بی‌تردید وقتی خداوند سبحان از بندگانی اخلاص و پاکی و صداقت ببیند، عنایت خاص خود را برای الهی شدن یک امت شامل می‌گرداند.

اسناد شهدا به‌خصوص وصایای آنان نمایانگر ظرفیت و میزان معرفت آنان از اسلام و ولایت است. این وصایا سندی است برای انتقال تجارب ارزشمند دفاعی نسلی که تمام قد در برابر استکبار جهانی و اذتاب و اقمارش ایستاده و از کیان عقیدتی خویش دفاع کرده است. محتوی این وصایا پاسخی به چرایی جنگ است. با همین اسناد معتبر می‌توان از حقانیت و مظلومیت جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی دفاع کرد.

هر وصیت‌نامه مدرک معتبری برای معرفی و شناخت دقیق رزمندگان است. به خصوص که این وصایا در شرایطی نوشته شده‌اند که افراد از همه قیود و تعلقات دنیوی رها شده و انگیزه ناب و ایمان زلال و معنوی آنان در وصایایشان متجلی است. این وصایا آینه عبرت و آگاهی ملتی است که در مسیر تاریخ و خمگردهای راه پر پیچ و خم زندگی حماسه‌آفریدند. جوانان غیرتمند و مؤمن و شجاع و دلاور را در نظر داشته باشد. این وصایا می‌تواند از ایجاد شکاف نسلی و فکری بین دیروز و فردای ما ممانعت کند. بی‌تردید نسل‌های کنجکاو و پیچیده بعد، نسل‌های پرسشگر را می‌توان با وجود این وصایا در برابر «چرا جنگ» متقاعد کرد.

اعتبار اسنادی

وصیت‌نامه شهدا، ابتدا به لحاظ سندی مورد بررسی قرار گرفته و فرآیند مستندسازی را طی می‌کند. اطلاعات پایه‌ای شهدا از مراکز ذیربط بنیاد شهید و امور ایثارگران دریافت می‌شود تا اصل معتبر بودن اسناد و اطلاعات در تدوین کتاب رعایت گردد.

اصل اصالت و احترام به منشأ سند و رعایت حفظ نظم و ترتیب اولیه، توجه به اهمیت و ارزش معنوی اسناد از دیگر اصول آرشیویی است که می‌بایست دقیقاً رعایت شود. در تصحیح متون خطی و اسنادی، پژوهشگر مجاز به تغییر یا دست بردن در اصل سند حتی با توجیه اصلاح نیست. به دیگر سخن، دست بردن در اصل اسناد آن را خدشه‌دار می‌کند و از اعتبار ساقط می‌سازد. یقیناً در نسخه بازنویسی و تایپ شده و منقح تا آنجا که به روح کلی و اصالت عبارت‌ها لطمه وارد نشود می‌توان با توجه به روش‌های علمی ویراستاری بر روی اسناد انجام داد. رعایت امانت و توضیح در پانویس هر صفحه ضروری است.

در اکثر وصایا امکان مقایسه و تطبیق چند نسخه از یک متن وجود ندارد، زیرا وصیت‌نامه در یک نسخه نوشته شده، به دیگر زبان مصحح، با تصحیح یک سند تک نسخه‌ای روبروست. تصحیح تک نسخه‌ای کاری سهل و ممتنع است. سهل است چون مصحح موظف نیست در تصحیح، پنج یا ده نسخه را که در زمان‌های متفاوت و با خطوط مختلف تحریر شده است، با یکدیگر مقایسه و با شم و تجربه و تخصص، نسخه اصلی را معین و سایر نسخه‌ها را با نسخه اصلی یا مادر مقایسه کند، ممتنع است زیرا بعضاً از شهید، هیچ اثر دیگری وجود ندارد که با بررسی و مقایسه ساختار نگارش، جمله‌بندی، نوع قلم، کاغذ و نگارش عصری و سبکی بر مبنای تصحیح قیاسی، اصلاحات لازم را اعمال نماید یا بر مبنای اصل استحسان، در مواردی گمانه‌زنی‌ها یا کنار هم گذاشتن مشابهت‌های تحریری و خطی یا نوع قلم، مصحح را کمک کند تا به اصالت یکی از نسخه‌ها یقین کند.

ساختار وصایای شهدا

وصایای شهدا در کلی‌ترین سطح از الگوی معینی پیروی می‌کند که در نمودار زیر به خلاصه ترسیم شده است:

- آیه و روایت			ساختار وصایا
- درود و سلام بر رسول خدا(ﷺ) و ائمه و امام خمینی و شهیدان			
- شهادت به یگانگی خدا			
- غیره			
- نصیحت و ارشاد کلی			ساختار وصایا
- ترسیم آرمان‌های انقلاب			
- مناجات			
- غیره			
- وصیت به خانواده			ساختار وصایا
- وصیت به ملت			
- شعار			
- سفارش‌های کلی			
- مناجات			ساختار وصایا
- مؤخره			
- تذکار ادای تکالیف فرعی قضا شده مثل نماز، روزه و...			
- غیره			
- نام و نام خانوادگی			ساختار وصایا
- تاریخ			
- دعا یا شعار			
- امضاء			

الگوی کلی وصایای شهدا که عناصر آن در اکثر وصایا تکرار شده است، الگوی فوق است. البته این الگو در وصایای مختلف، گاه تفاوت می‌کند و گاه نیز در موارد معدودی از این الگو پیروی نشده است. حتی در مواردی عناصر ذکر شده، ترتیبی متفاوت از نمودار را دارند، اما اصولاً در مطالعات علمی، وجه غالب در نظر گرفته می‌شود و وجه غالب در الگوی وصایای شهدا همین است که ترسیم شد. نکاتی که باید در باب این ساختار و الگوی کلی گفت این که بعضی از عناصر این ساختار ممکن است مفصل یا مختصرتر از دیگر قسمت‌ها باشد و این در وصایا تفاوت دارد. گاه مقدمه‌ای مفصل و مؤخره‌ای یا وصیتی مجمل و گاه در وصیتی تمام عناصر وصایا وجود دارد و در وصیتی دیگر فقط چند عنصر به چشم می‌خورد.

ویژگی‌های کلی وصایا

این وصایا چون با خط خود شهیدان نوشته شده و پشتوانه روح بلند و نفس گرم و مسیحیایی و مطهر شهیدان را دارد جان‌های شیفته را با خود همراه می‌سازد. چاپ این وصایا در واقع انتشار و ترویج فرهنگ شهادت است، ترسیم خط روشنی است در برابر نسل‌های در راه، به دیگر زبان نقشه راه است برای آنان که در خمناخم و پیچاپیچ دنیا سرگردانند، چراغ هدایت است از وادی دنیا تا سرای آخرت.

نویسندگان این وصایای ارزشمند از سطوح علمی و معرفتی و تحصیلی متفاوتی برخوردار بوده‌اند. برخی حتی از نعمت تحصیل رسمی محروم بوده‌اند، در حالی که در جایگاه معرفتی بالایی نشسته بودند. یقیناً تنوع وصایا از جهت ظاهر و نوع خط و عبارت پردازی و ادبیات، گویای تکثر اقشار مختلف جامعه در دفاع مقدس است. از دل این وصایا به‌خوبی می‌توان دفاع مقدس را یک دفاع مردمی و مسئله ملی و فراگیر دانست. این وصایا آینه‌ای است از حضور اقشار شهری و روستایی، دانشگاهی، بازاری، روحانی، کشاورز، کارگر، دانشجو، معلم و صنوف دیگر از اقشار جامعه. بسیاری از شهدا به‌قدری در جمال حضرت دوست غرق بودند که حتی وصیت نوشتن را نوعی تعلق دنیوی می‌دانستند، و البته بسیاری از وصایا در شرایط خاص جنگی و حملات و عوارض طبیعی جنگ از دست رفته است. بسیاری از وصایا به خط خود شهید قبل از شهادت با ذکر دقیق تاریخ و روز و بعضاً ساعت معینی قلمی شده است. برخی از شهدا چون از نعمت نوشتن محروم بوده‌اند از هم‌زمان و دوستان خود برای نوشتن وصیت‌نامه کمک گرفته‌اند. در مواردی چنین برمی‌آید که برخی

از رزمندگان با وجود توان نوشتن از دیگران تقلید کرده‌اند. چنین برمی‌آید که برخی از رزمندگان در سنگر مشترک در فراغ بال و فرصت مناسب وصیت‌نامه نوشته و از وصایای یکدیگر باخبر بوده‌اند.

برخی در دفترچه یادداشت این وصیت‌نامه‌ها را می‌نوشتند. برخی در برگه‌های مخصوص وصیت‌نامه، وصایا را قلمی کرده‌اند. برخی در شرایط خاص جنگی و در تنگنای زمان به این مهم دست زده‌اند، حتی فرصت تکمیل وصیت را نداشته و کلی و عام سخن رانده‌اند. برخی با حوصله با ذکر مقدمه و حتی آمیخته با نوعی تحلیل از جنگ و منطقه و اوضاع سیاسی اجتماعی ایران و کشورهای منطقه و شهر و محل خدمتشان بیان فلسفه حضور در جبهه‌ها و نقش عوامل داخلی و ستون پنجم استکبار در کشور حرف زده‌اند. برخی وصایای عمومی و سیاسی را از وصایای شخصی و خانوادگی جدا کرده‌اند. برخی ریزترین مسئله شخصی را یادآور شده‌اند. از جمله نقاط مشترک این وصایا که فلسفه وجودی جنگ و نوع اعتقاد رزمندگان را روشن می‌کند، تعهد به تکالیف شرعی است. از جمله اینکه چند روزی روزه و نماز قضا دارند که از بازماندگان خواسته‌اند ادا شود.

برخی وصایا در چند نسخه و خط موجود است. برای مثال اصل دستخط شهید موجود است. پس از شهادت عین همان نوشته بدون کم و کاست از سوی مراکز فرهنگی نهادها و ارگان‌ها اعم از سپاه و بسیج یا بنیاد شهید و حتی واحد تعاون سپاه و ارتش تایپ شده و تصویری هم از شهید کنار وصیت قرار گرفته و حتی جمله‌ای از امام خمینی(؟) یا حدیثی از ائمه بر پیشانی برگه قرار گرفته است.

برخی از وصایا را در بازنویسی، خلاصه کرده‌اند. در مواردی عین وصیت‌نامه شهید با خط خوش و شیوا، بازنویسی شده است و اغلاط احتمالی و سهوی وصایا نیز رفع شده است. در مواردی تمام وصیت شهید در اختیار نیست از آن چند سطر یا بعضاً صفحه‌ای افتاده است. در مواردی در تایپ مجدد اغلاطی دیده می‌شود که یقیناً با اصل نسخه مغایر است. این اغلاط می‌تواند اغلاط تایپی باشد.

به‌خصوص که بسیاری از این وصایا در شرایط اضطراری تایپ شده و کسی با دقت و حوصله به تطبیق نسخه و نمونه تایپی با دست‌نویس نپرداخته است. در مواردی شهید قبل از اعزام به جبهه وصیت خود را با زبان خود بازگو کرده و در نواری از خود به یادگار گذاشته، پس از شهادت، از نوار پیاده شده است. چه بسا در حین خواندن، جمله یا کلمه یا

عبارتی را نتوانسته بخوانند یا اشتباه خوانده‌اند. در مواردی هم اصل اغلاط املائی در خود وصیت‌نامه بوده و در تایپ هم همان موارد تکرار شده است. در مواردی هم فقط نسخه تاپی از وصیت‌نامه در اختیار است حتی بدون امضای شهید. نمونه‌هایی هم موجود است که نسخه خطاطی شده از وصیت باقی مانده است. در اندک موارد انگشت‌شمار هم، به نسخه وصیت‌نامه مطالبی اضافه شده است که با توجه به تطبیق خط و نوع قلم وصیت‌نامه برمی‌آید که توسط خود شهید اضافاتی صورت گرفته، دلایل این کار می‌تواند فاصله نوشتن وصیت و شهادت باشد. یعنی شهیدی به کرات به جبهه اعزام شده و شرایط خانوادگی یا سیاسی تغییر کرده و شهید به بازنویسی یا به روز کردن وصایا پرداخته است. در محدود وصایایی هم افراد دیگری در اصل وصایا مطالبی را اضافه یا خط کشیده‌اند. بعضی از شهدا دارای وصایای متعدد حتی تا سقف ۹ مورد هم هستند، که در تاریخ‌های گوناگون و اعزام‌های متعدد نوشته‌اند. طبیعی است که سیاق و عبارت‌های برخی از وصایا مشابه و در قسمت‌هایی یکسان باشد. می‌تواند در مواردی شباهت‌های دو وصیت‌نامه از دو رزمنده در اثر توارد باشد. بدون اینکه حتی در عمرشان یکدیگر را دیده باشند، یا از وصایای همدیگر باخبر باشند. این شباهت‌ها می‌تواند در اثر شرایط خاص و سطح دانش یکسان و یا شباهت کلاس‌های آموزش عقیدتی یا معارف یا فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی قبل از اعزام فراهم آید. رشته تحصیلی، پیشینه مطالعاتی و ذوق ادبی و مطالعه و علاقه برخی را به خوبی می‌توان از نوع نگارش، فحوای کلام و سبک عبارت‌پردازی آنان دریافت. حتی می‌توان از دیدی کلی وصایا را به دو نوع سنتی و غیر سنتی تقسیم کرد.

در نوشتن وصایا و نوع نگارش و عبارت‌ها و جمله‌بندی آنها تفاوت‌هایی محسوس است. برخی با زبان گفتار و محاوره‌ای مطالب را نوشته و برخی با زبان ادبی با رعایت کامل اصول نگارش و حتی نثر مسجع و آهنگین و شعرگونه. برخی از ذوق شعری و حافظه بسیار قوی برخوردار بوده‌اند. برخی از شهدا در وصیت‌نامه هم از آثار و کتاب‌هایی که مطالعه کرده‌اند، تأثیر پذیرفته حتی به نقل عبارت‌ها و جمله‌های معروف از یک نویسنده پرداخته‌اند. بی‌تردید دقت و تأثیری که کلام و سخنان حضرت امام بر آنان داشته در اکثر وصایا مشهود است. عبارت‌ها و کلمات قصار امام را در حافظه داشته و حرف‌ها و نصایح خود را با عبارت‌ها و توصیه‌های امام مزین و مستند کرده‌اند.

روح حماسی و سلحشوری که لازمه این افراد است حتی در وصیت‌نامه‌هایشان نیز ریشه دوانده و متجلی است. عطش و شوقی که به شهادت داشته‌اند، نقطه اشتراک همه آنان

است. عواطف انسانی نسبت به اقوام و خانواده و حتی همشهری‌ها و هموطنان از خصلت متعالی انسانی آنان خبر می‌دهد.

چون برخی از شهیدان احتمال می‌دادند که وصایا و دست نوشته آنان در اختیار دشمن قرار گیرد با دقت خاص امنیتی و با کنایه از منطقه عملیاتی یاد کرده‌اند. این تعهد و احساس مسئولیت آنها قابل تحسین است.

از آنجا که در این مجموعه مأموریت ما تحلیل و نقد وصایای شهدا نیست، از وصیت‌نامه در اختیار، مهم‌ترین عبارت‌ها و نکات استخراج، و با عنوان «عبارت‌های کلیدی» در جمله‌های کوتاه آورده شده است. بی‌تردید پس از چاپ این آثار گنجینه‌ای بسیار غنی و عبرت‌آموز در اختیار همگان است. در آن صورت می‌توان پایان‌نامه‌های متعددی را به بررسی و تحلیل وصایا و حتی به ترسیم و بازشناخت شخصیت شهیدان اختصاص داد و فرصت خوبی است که این آثار از زوایای گوناگون تحلیل شوند. معمولاً آنچه با عنوان عبارت‌های کلیدی از وصایا استخراج می‌شود بین ۵ تا ۱۰ عبارت است. شاید تنها کاری که روی نسخه اصلی وصایا شده و به‌نوعی اصالت بخشی بدانان است. سعی شده تمام اعداد و نوشته‌هایی که پس از شهادت به وصایا اضافه شده پاک شود از جمله برخی در شرایط خاص و یقیناً شناختی که از شهید داشته‌اند مسائلی را در حاشیه وصیت‌نامه آورده که معلوم است پس از شهادت صورت پذیرفته.

در برخی از وصایا ذیل عبارت‌ها و جملاتی از وصایا خط کشیده شده که در خلاصه‌سازی یا مناسبت نکوداشت شهید، فرازهایی از وصیت آن را به اطلاع عموم برسانند به همین دلیل در اصلاح و منقح‌سازی، این خطوط را هم برداشته‌ایم تا به اصالت وصیت‌نامه شهید نزدیک‌تر شویم.

هرگونه یادداشت اضافی از وصایا پاک شده است. مثلاً ذیل برخی وصایا نوشته شده این وصیت از سوی واحد فرهنگی سپاه پاسداران تایپ و تکثیر شده است یا اطلاعات یا نحوه ارسال وصیت‌نامه از سوی نهاد اعزامی اضافه شده یا از برخی وصایا فیش‌برداری شده یا خلاصه‌سازی صورت پذیرفته است که یقیناً خارج از وصیت‌نامه تلقی می‌گردد. از مهم‌ترین کارهایی که در تصحیح و آماده‌سازی وصایا صورت پذیرفته عبارت‌اند از:

۱- در حد امکان سعی شده همه وصایا با آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شوند.

۲- آیات و احادیثی که در متن وصیت‌نامه موجود است از جهت نام سوره یا رقم آیه یا

آیات مشخص شده است.

۳- در عبارت‌هایی که افتادگی کلمه به‌خصوص حروف ربط یا فعل صورت گرفته با حفظ امانت، واژه اصلاحی داخل [] آورده شده است.

۴- در موارد بسیار خاص که تکرار واژه به‌خصوص حروف ربط و اضافه عبارت را از اعتبار یا فصاحت می‌اندازد واژه یا حرف تکراری داخل [] آورده شده است.

۵- در پیوسته یا مجزانویسی عبارت‌ها یا ترکیب‌ها جهت کلی به شیوه فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. در مواردی که پیوسته‌نویسی موجب غلط خوانی نشده است، اصل بر شیوه نگارش شهید قرار دارد.

۶- کلیه اغلاط تایپی یا ارقام اشتباه و شماره‌های آیات با ذکر اصل کلمه، در پانویس اصلاح شده است.

۷- در مواردی که خواندن کلمه یا عبارتی مشکل بوده روی نسخه تایپی بالای کلمه یا عبارت شماره‌گذاری شده و در پانویس با عنوان «خوانا نیست» آمده است.

۸- هر جا که شهید کلمه الله را به‌صورت «...» آورده، کلمه مقدس الله جایگزین شده است.

۹- هر جا که کلمه یا عبارتی خوانا نبوده اعم از اینکه واژه یا واژه‌هایی ذیل آرم «مرکز اسناد ایشاگران» یا به‌جهت نوع خط، رطوبت، حتی تاشدگی و یا رنگ پدیدگی صورت پذیرفته با قرار دادن [...] مشکل را یادآور شده یا در پانویس «خوانا نیست» آمده است.

۱۰- آنجا که در عبارتی به ترجمه آیه قرآن یا حدیث مبارک یا به سخنان شاخص حضرت امام اشاره داشته، از منابع معتبر و مراجع مستند، گویا سازی شده است.

۱۱- در مواردی که عبارت دست‌نوشته شهید، عین جمله امام خمینی (؟) نیست بلکه اقتباس از سخن امام، است در پانویس با ذکر عدد عین عبارت یا سخنان امام خمینی (؟) آورده شده است.

۱۲- در مواردی شهید آیه یا حدیثی را بکار برده اما چون از حافظه کمک گرفته یا در شرایط سخت جنگی بوده رقم آیه و حتی نام سوره را به جهت شباهت آیات، اشتباه نوشته، در پانویس صحیح آن آمده است.

۱۳- در وصایایی که اشعاری به‌خط شهید یا بعضاً تایپی آمده، سعی شده است با ذکر دقیق منبع، شاعر معرفی گردد.

۱۴- برخی از اشعار که به‌صورت نوحه یا اشعار مدحی است و معلوم نیست واقعاً سراینده خود شهید است یا فرد دیگر به نوشته شهید اعتماد شده است.

- ۱۵- در تنظیم وصایایی که متعددند اصل بر آن است که ترتیب تاریخی آنها رعایت شود.
- ۱۶- عبارت‌های کلیدی را از وصیت شهید برگرفته‌ایم و در تنظیم به‌جز وصیت اول در آغاز هر یک عبارت «وصیت دیگر» آمده است.
- ۱۷- خود را موظف دانسته مجموعه اطلاعات کلی اعم از اعلام شهید، تصویر و عبارت‌های کلیدی را در یک صفحه جای دهیم.
- ۱۸- اصل بر این است که پس از ذکر نام مبارک ائمه هدی، حضرت ختمی مرتبت در صورتی که خود شهید حروف (ع، ص، س) را آورده به همان حروف و علائم اختصاری بسنده شود و در سایر موارد (۶) برای رسول اکرم، (۷) برای ائمه (۳) برای حضرت زهرا و حضرت زینب در نظر گرفته شده است. در صورتی که شهید صراحتاً از ذکر نام پیامبر یا ائمه خودداری کرده باشد مثلاً نوشته پیامبر اکرم، رسول اکرم یا امام زمان یا امام عصر (عج) به همان صورت دست نوشته اکتفا شده است.
- ۱۹- معیار مجلدات موجود یک‌صد وصیت‌نامه است البته در صورتی که در جلد آخر تعداد وصایا به‌حدی باشد که قطر یک جلد از حد معمول اضافه نشود، می‌توان تعداد باقی‌مانده را به عدد مذکور اضافه کرد.
- ۲۰- اگر پس از چاپ نخست وصایا، وصیت‌نامه‌ای از سوی بنیاد شهید استان و اداره کل اسناد و انتشارات تأیید شود می‌توان در چاپ‌های بعد آنها را لحاظ کرد. یا اگر پس از چاپ کل وصایای یک استان اطلاعات جدید برسد در کتابی با شماره ممیز آخرین کتاب استان شماره‌گذاری و منتشر می‌شود.
- ۲۱- اینک که بین تاریخ شهادت این عزیزان و ما که چشم‌مان به جمال وصایایشان منور می‌گردد، بیش از سی سال فاصله است، نسل امروز حتی توفیق دیدار افراد و بزرگانی چون شهید رجایی، شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید دستغیب، شهید مطهری را نداشته با ذکر عدد به پانویس ارجاع شده است. در تعلیقات معرفی کوتاهی از شهیدان شاخص را آورده‌ایم تا انگیزه‌ای باشد برای مطالعه دقیق زندگی و آثار و اندیشه‌ها و نقش و جایگاه آنان در انقلاب و نزد حضرت امام. برخی از مناطق جنگی را که در وصیت بدان اشاره شده به اختصار معرفی کرده‌ایم. همه این‌گویی‌ها برای دفع سوال مقدری است که به جهت فاصله نسلی فراهم می‌آید و امری طبیعی تلقی می‌گردد.
- ۲۲- از آنجا که تکرار مطالب پانویس خارج از عرف علمی تصحیح و تعلیقه‌نویسی

است به جز عبارت‌های خاص و اشکال‌های تاییبی و اغلاط املایی، سایر موارد به ذکر ر.ک. تعلیقات به پایان کتاب قسمت تعلیقات ارجاع شده است.

۲۳- در وصایایی که در فرم‌های چاپی در اختیار شهدا گذاشته شده، تمام متن وصایا را مورد تأیید شهید می‌دانیم و همه وصایا که مجدداً تایپ شده بدان شهید اختصاص می‌یابد.

۲۴- وصایای تاییبی همگی از سوی اداره کل اسناد و انتشارات مهر شده و برای ما ملاک اعتبار وصایاست. این وصایا از سوی واحدهای فرهنگی نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط از روی نسخه اصلی دست‌نویس و یا تایپ شده است. در مواردی که نسخه اصلی و دست‌نویس شهید وجود ندارد، به نسخه تاییبی مهور، استناد شده است.

آنچه در خاتمه در باب این کتاب باید به آن اشاره کرد این است که مصحح در این مجموعه به امر تصحیح یکصد؟ وصیت‌نامه از وصایای شهدای استان آذربایجان غربی اقدام کرده است و از آنجا که وصایای شهدا برحسب حروف الفبا تنظیم شده، این مجموعه مجلد اول وصیت‌نامه ثبت شده شهدای این استان را دربرمی‌گیرد، در نظر است نمایه‌های مجلدات کامل این استان در دفتر پایانی درج شده و در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار گیرد.

معرفی کوتاه از استان آذربایجان غربی

استان آذربایجان غربی با احتساب دریاچه ارومیه حدود ۴۳۶۶۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. این استان که در شمال غرب ایران واقع شده ۶۵/۲ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. استان آذربایجان غربی از طرف شمال و شمال شرق با جمهوری آذربایجان و ارمنستان، از غرب با کشورهای ترکیه و عراق، از جنوب با استان کردستان و از شرق با استان آذربایجان شرقی و زنجان همسایه است. بر اساس آخرین آمار تقسیمات کشوری این استان دارای ۱۲ شهرستان، ۲۸ بخش، ۱۴ شهر، ۱۰۳ دهستان و ۳۲۲۷ آبادی دارای سکنه می‌باشد و مرکز آن شهر تاریخی ارومیه است.

موقعیت خاص جغرافیایی و داشتن وضعیت مناسب آب و هوایی، این استان را از توان آبی بالایی برخوردار کرده است. از مهمترین رودهای استان می‌توان به ارس، زرنه‌رود، زاب، سیمینه‌رود، نازلو، گذار، باراندوز، قطور و ... اشاره کرد. این استان با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، تحت تاثیر چهار توده هوای عمده شامل توده هوای سرد شمالی، توده هوای قطبی سیبری، توده هوای قطبی بحری و توده هوای حاره بحری در طول سال می‌باشد. به دلیل واقع شدن استان در عرضهای جغرافیایی بالا و ارتفاع زیاد، میانگین سالانه دمای آن نسبت به میانگین سالانه دمای اکثر مناطق کشور کمتر بوده و جزء مناطق سردسیر کشور محسوب می‌شود. اختلاف دمای حداقل و حداکثر مطلق آن نیز زیاد می‌باشد؛ به طوری که دمای ۴۴ درجه بالای صفر در ایستگاه داشبند و ۳۴ درجه زیر صفر در ایستگاه خوی مشاهده شده است. با این حال هر چقدر از نواحی شرقی استان به سمت کوهستانهای غربی حرکت می‌کنیم از میزان دمای هوا کاسته می‌شود.

این استان یکی از مناطق مستعد کشاورزی است. علاوه بر این وجود ایلات و عشایر در دامداری استان نقش قابل توجهی دارد. این استان از نظر استقرار صنایع نیز مطابق با بررسی ترکیب کارخانها و کارگاههای موجود استان نشان می‌دهد که دو گروه صنعتی کانیهای غیرفلزی و غذایی - دارویی در بین سایر صنایع بالاترین تعداد میزان اشتغال را دارد. از جمله معادن این استان میتوان به معادن مصالح و سنگهای ساختمانی، گرانیت، میکا، زرنیخ، تالک، تراورتن، طلا، خاک نسوز و پوکه معدنی اشاره کرد.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت استان آذربایجان غربی معادل ۳۰۸۰۵۷۶ نفر بوده است. این جمعیت در حدود یک چهارم درصد از جمعیت کل کشور را دربرمیگیرد. با توجه به مساحت نسبتاً اندک استان، تراکم جمعیت در این استان بسیار بالاتر از میانگین ملی است.

پیشینه تاریخی استان

از نظر تاریخی، تاریخ باستانی آذربایجان با تاریخ قوم ماد در آمیخته است. مادها پس از مهاجرت به ایران آرام آرام قسمتهای غربی ایران از جمله آذربایجان را تصرف کردند. مقارن این ایام دولتهایی در اطراف آذربایجان وجود داشت که از آن جمله میتوان به دولت آشور در شمال بین النهرین، دولت هیت در آسیای صغیر، دولت اورارتو در نواحی شمال و شمال غرب، اقوام کادوسی در شرق و کاسیها در حوالی کوههای زاگرس اشاره کرد. بعد از تاسیس دولت ماد، آذربایجان به ماد کوچک معروف شد و مشتمل بر شهرهای قدیمی همدان، ری، اصفهان و کرمانشاه بود. بعد از غلبه اسکندر مقدونی به ایران، سرداری به نام آتورپات در آذربایجان ظهور کرد و از اشغال آن توسط یونانیان ممانعت به عمل آورد. از آن به بعد این سرزمین به نام آتورپاتگان معروف شد. آتورپات به پادشاهی رسید و آن ناحیه را مستقل اعلام کرد. حکومت جانشینان آتورپات در آذربایجان در زمان اشکانیان نیز ادامه یافت و این منطقه توانست کماکان استقلال خود را حفظ کند. سرانجام اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی بر حکمرانان آذربایجان استیلا یافت.

شهرستانهای آذربایجان غربی

ارومیه

ارومیه در ناحیه مرکزی استان دارای جمعیت ۸۷۱۲۰۴ نفر میباشد که قدمت آن به ۲۰۰۰ سال ق.م میرسد. این شهر در جلگه وسیع و سرسبزی واقع شده که انواع درختان کهنسال، باغهای انگور، سیب، مزارع زیبا و چمنزارهای سبز و خرم و بوستانهای باصفا آن را دربرگرفتهاند. به عقیده بعضی از مورخان، ارومیه محل تولد زرتشت پیغمبر بوده است. انتساب چند زرتشتی که در هنگام تولد عیسی(ع) به بیت اللحم رفته بودند و در ارومیه مدفونند حاکی از آن است که این شهر یکی از بزرگترین کانونهای مذهبی و اجتماعی گذشتههای دور بوده است و سرداران و امپراطوران روم جهت دستیابی به پایتخت ساسانیان

(گزنه) - تخت سلیمان - بارها از آن عبور کرده‌اند.

نام باستانی این شهر و دریاچه آن چی چست و چی چتا است. سریانیان آن را اورمیا و ارمنیها اورمی و اعراب آنرا ارمیه و ایرانیان ارومی یا ارومیه نوشت‌هاند. بعد از اسلام نیز ارومیه دومین شهر مهم آذربایجان، پس از مراغه، به شمار میرفت. شهر ارومیه نقطه تلاقی اقوام و ادیان پیرامون خود از قبیل آشوریها، ارمنیها، یهودیها و مسلمانان بود و به تبع آن حائز ویژگیهایی شد.

در حال حاضر شهر ارومیه دارای یازده بخش و ۷۸۹ آبادی است. از مجموع روستاهای ارومیه بالغ بر ۳۷ قریه مسیحی نشین وجود دارد و در ۵۹ قریه دیگر با مسلمانان مخلوط هستند. مسیحیان آرامی نژاد ارومیه، خود را آشوری یا آسوری میخوانند.

بناها و یادمانهای تاریخی این شهرستان عمارت چهاربرج، سه گنبد، یخچال دوقوز پله، خانه انصاری، ساختمان شهرداری، قلعه اسماعیل آقا، قلعه روستای بردوک، بخشی قلعه، کاظم داهی، قلعه دم دم، تپه باستانی کردلو و آتشکده تمر میباشند و از جاذبههای طبیعی آن میتوان به چشمه‌های معدنی زنبیل، چشمه معدنی هفتابه، چشمه قیزجه، منطقه حفاظت شده پارک ملی و دریاچه ارومیه اشاره کرد. دریاچه ارومیه در دوره اتوسن تشکیل شده و وسعت آن در زمان کم آبی ۴۰۰۰ و در مواقع پر آبی ۶۰۰۰ کیلومتر مربع است. آب دریاچه بینهایت شور و میزان نمک محلول آن دو برابر اقیانوسها میباشد و از این جهت هیچ ماهی و نرم تنی به جز گونه سختپوستان، و هیچ رستنی به جز جلبکهای کبود سیانوفه در آن زندگی نمیکنند. به همین علت نیز آب آن هیچ وقت یخ نمیزند. از زمانهای قدیم آب دریاچه ارومیه به علت املاح آن، مورد توجه بیماران امراض جلدی و اطباء محل بوده است. پزشکان استفاده از آب دریاچه (مخصوصاً از لجن آن) را به بعضی از بیماران توصیه میکردند. این دریاچه دارای ۱۰۲ جزیره کوچک و بزرگ با صخره‌های سنگی بدون سکنه (غیر از جزیره اسلامی) میباشد که محل تخم گذاری انواع پرندگان مهاجر و آبزی است و از اهمیت توریستی قابل توجهی برخوردارند. جزیره کبودان، جزیره اشک، جزیره آرزو و جزایر اسپیر از جمله جزایر این دریاچه هستند.

همچنین مسجد جامع، مسجد سردار، مسجد مناره، مقبره امامزاده برکشلو، امامزاده دیزج تکیه، مقابر روستای تمنا، مقبره صخره‌های سنگی، کلیسای مارقوریاقوس، کلیسای مارقوبا، کلیسای ننه مریم و کلیسای سیر اماکن زیارتی و مذهبی شهرستان ارومیه هستند.

تکاب

شهرستان تکاب در ناحیه جنوب شرقی استان با جمعیت ۸۲۲۷۴ نفر، به مرکزیت شهر تکاب و در فاصله ۳۰۷ کیلومتری از مرکز استان قرار دارد. این شهرستان از شمالغربی به هشتروند، از شمالشرقی به زنجان، از طرف غرب به صائیندژ و از جنوب و جنوبغربی به سنندج و سقز و از طرف جنوب شرقی به شهرستان بیجار محدود است و وسعت آن ۲۵۲۳ کیلومتر مربع است.

تکاب به معنی آب باریکه و زمین کم آب است. منطقه تکاب دارای دهها اثر تاریخی قبل و بعد از اسلام است که از آن جمله میتوان به تخت سلیمان اشاره کرد که در ۴۵ کیلومتری شمالشرقی آن واقع شده است. شهر باستانی شیز در آن مکان قرار داشت و احتمالاً به علت فعالیتهای آتشفشانی کوه زندان در فاصله ۱۰۵ کیلومتری تخت سلیمان، ویران شده و آثاری از آن برجای نمانده است. نام تکاب تا سال ۱۳۱۶ هجری شمسی تکانته (تپه پر از خار) بوده است.

بناها و یادمانهای تاریخی این شهرستان عبارتاند از: بالاخانه قزقیان سنگ، زندان سلیمان، قلعه تخت سلیمان، قلعه سردار افشار (حسینعلیخان افشار)، قلعه اربابی یلقون آغاج (چهار باغ)، قلعه رشیدالدوله (حسنخان افشار) دورباش، دژ ساری قورخان، قلعه محمدحسینخان میرپنج دورباش، دژ بلقیس، تپه مجید، مسجد جامع، مسجد جامع روستای اغولبیک و کلیسای چهارطاق. همچنین آبهای گرم احمدآباد، غار کهریز، زندان برنجه و دریاچه خسرو از جمله جاذبههای طبیعی این شهرستان هستند.

اشنویه

شهرستان اشنویه در ناحیه غربی استان با جمعیت ۶۴۵۵۱ نفر و به مرکزیت شهر اشنویه، در فاصله ۶۹ کیلومتری از مرکز استان قرار دارد. به علت عبور رودخانه اشنویه از این منطقه و آب و هوای مناسب، در تابستانها محل استراحت و تفریح مردم است. دره بیلاقی و زیبای چلاشی در شمال غربی اشنویه و روستای آغبالاغ (روستای هدف گردشگری) از جمله جاذبههای طبیعی این شهرستان به شمار میروند.

در این ناحیه اقوامی چون لولوییها، هوربائیان، آشورها، اورارتوها و مادها در دورههای

معینی از تاریخ میزیستانها. در کتیبه کورش نیز از ایالات اشنوآک (اشنویه) به نام خراجگزار نام برده شده است. در کلی شین (جنوبغربی اشنویه) سنگی به ارتفاع ۱۷۰ سانتیمتر وجود دارد که بر روی آن کتیبه‌های به دو زبان اورارتویی و آشوری حک شده و متعلق به هشت قرن پیش از میلاد است.

این شهر در حیات تاریخی خود جولانگاه جنگ و گریزهای زیادی بود. در سال ۱۹۰۹ میلادی عثمانیها اشنویه را تسخیر کردند و با قدرت تمام دست به کشتار زدند. جنگ روسها و عثمانیها نیز زیان زیادی به جان و مال مردم وارد کرد. پس از کشتار روسها و عثمانیها نوبت به مرگ و میر ناشی از قحطی بزرگی رسید که مردم مجبور به مهاجرت به عراق (موصل و کرکوک) شدند. در سال ۱۳۲۰ هجری، زلزله بزرگی شهر اشنویه را تکان داد و خسارات مالی و جانی سنگینی را به بار آورد. امروز شهر اشنویه یکی از شهرهای متوسط استان محسوب می‌شود.

نقده

شهرستان نقده در جنوب آذربایجان غربی، از شمال به شهرستان ارومیه، از شرق به دریاچه ارومیه و شهرستانهای مهاباد و میاندوآب، از جنوب به شهرستان پیرانشهر و از غرب به مرز ایران و عراق محدود است و به عنوان کانون ارتباطی بین شهرهای فوق است. عبور رودخانه گدار، وجود اراضی حاصلخیز و موقعیت نظامی آن از علل ایجاد این شهر بود.

مساحت این شهرستان ۲۲۱۰ کیلومترمربع و دارای دو بخش و سه شهر است. جمعیت شهرستان بالغ بر ۱۶۲۲۲۸ نفر است و تا مرکز استان ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد. آب و هوای این شهرستان به علت مجاورت با دریاچه ارومیه معتدل و مرطوب است.

نقده سرگذشت پر حادثه‌های داشته و آثار متعددی را در خود به یادگار دارد. آثار باستانی فراوانی در روستا و تپه حسنلو قرار دارد. اقوام مختلفی، مانند آشوریها، کردها، مانها و ترکان پیوسته به این ناحیه مهاجرت میکردند و ساکن میشدند، تا آن که طایفه قره پایاق (کلاه سیاه) که در زمان فتحعلی شاه از قفقاز به ایران مهاجرت کردند، در جلگه وسیع سلدوز مسکن گزیدند و به کشت گندم و برنج و پرورش درختان میوه پرداختند و ماندگار شدند. از جمله مراکز تاریخی و باستانی در اشنویه میتوان به تپه حسنلو و کتیبه کلی کلیشن اشاره نمود.

پیرانشهر

شهرستان پیرانشهر در ناحیه جنوب غربی استان با جمعیت ۱۱۲۹۹۴ نفر، به مرکزیت شهر پیرانشهر در فاصله ۱۴۹ کیلومتری از مرکز استان قرار دارد. این شهرستان به دلیل داشتن میزان بارش ۶۰ میلی‌متر در سال یکی از زیباترین و سرسبزترین مناطق کشور به شمار می‌رود. این شهر دارای آب و هوایی معتدل می‌باشد. نام قبلی آن ایرانشهرخانه بوده اما بعدها با توجه به نام ایل پیران به پیرانشهر تغییر نام یافت. پیرانشهر به دلیل قرار گرفتن در مسیر ترانزیت با دیگر کشورهای حوزه مدیترانه، یکی از مراکز تجارت خارجی در ایران است.

خوی

شهرستان خوی در ناحیه شمال غربی استان با جمعیت ۳۷۰۰۷۲ نفر، به مرکزیت شهر خوی در فاصله ۱۶۰ کیلومتری از مرکز استان قرار دارد. خوی به عنوان مهد تمدن ۶۰۰۰ ساله که در سالنامه‌های آشوریان به نام خویه وه، در تورات به نام حویه، در کتاب العالم من المشرق الی المغرب با نام خویه آمده و در کتاب المسالک‌الممالک نیز با نام کنونی خوی از آن یاد می‌شود.

شهر خوی را که به علت استقرار در محلی پست اصطلاحاً (خوی چو خوری) نیز مینامند، از اهمیت نظامی و تجاری ویژه‌ای برخوردار بود و پیش از اسلام شعبهای از بزرگراه معروف ابریشم بوده که شرق را به غرب متصل مینمود. در صدر اسلام نیز راهی که بلاد جزیره‌العرب را به ماورای خزر، ارس، اردبیل و مرکز آذربایجان وصل میکرد، از خوی میگذشت. خوی در زبان کردی به معنای نمک است و به واسطه وجود معادن نمک در منطقه، به خوی معروف شده است. به علت زیبایی شهر و وجود باغات سبز به دارالصفای نیز مشهور میباشد. از جمله مراکز تاریخی و مذهبی این شهرستان میتوان به دروازه سنگی، مناره شمس تبریزی، قلعه باستانی بسطام، قلعه بلورآباد، پل خاتون، مسجد مطلب‌خان، مسجد ملاحسن، مسجد سید الشهداء، کلیسای سورپ سرکیس، کلیسای مهلذان و بازار قدیمی خوی اشاره نمود.

این شهرستان به واسطه شرایط خاص جغرافیایی دارای چشمه‌های آب معدنی متعددی مانند چشمه‌های معدنی ویشلق، چشمه‌های معدنی ایواوغلی، چشمه شوربولاغ بیلوار،

چشمه معدنی زارعان (زوران)، چشمه معدنی دسته‌دره، چشمه معدنی کلوانس، چشمه معدنی نوایی و چشمه معدنی خان است که از جمله جاذبه‌های طبیعی منطقه به شمار می‌آیند.

چالدران

شهرستان چالدران که نام دیگر آن سیهچشمه است در شمال غربی ایران و بین شهرستانهای خوی در جنوب و ماکو در شمال قرار دارد. این شهرستان از غرب به کشور ترکیه محدود است و صد و پنجاه کیلومتر مرز مشترک با آن دارد. آب و هوای آن معتدل کوهستانی و دارای تابستانهای خنک و زمستانهای سرد است. این شهرستان با ۶۰ هزار نفر جمعیت دارای دو بخش به نامهای مرکزی و زردشت است و تا مرکز استان ۲۲۴ کیلومتر فاصله دارد. یکی از بناها و یادمانهای معروف تاریخی این شهرستان مقبره شیرین و فرهاد است. این مقبره سنگی در دامنه کوهی کنده شده و دارای اتاق‌های سنگی متعددی است. مقبره در کوهی به همین نام در غرب سیهچشمه واقع شده و قدمت آن به هزاره اول پیش از میلاد می‌رسد و به دوره اورارتویی تعلق دارد.

چایپاره

شهرستان چایپاره طبق آخرین تقسیمات کشوری از شهرستان خوی منفک و با مرکزیت قره‌ضیال‌الدین تشکیل شده است.

سردشت

شهرستان سردشت در منتهی‌الیه جنوب‌غربی آذربایجان غربی قرار دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان پیرانشهر، از جنوب به استان کردستان، از شرق به شهرستان مهاباد و استان کردستان و از غرب به مرز ایران و عراق محدود است. این شهرستان دارای ۱۴۰۶ کیلومتر مربع مساحت، دو بخش و یک شهر است. جمعیت این شهرستان ۹۳۱۸۶ نفر است و تا مرکز استان ۲۴۴ کیلومتر فاصله دارد.

مردم سردشت این شهر را زادگاه زرتشت (پیغمبر ایرانی) میدانند و عقیده دارند که از نام این پیغمبر اخذ شده است. سردشت طبیعتی زیبا دارد و آبشار آن معروف است. از جاذبه‌های طبیعی این شهرستان میتوان از چشمه گراو نام برد.

سلماس

شهرستان سلماس در شمال غربی ایران و در مرز ایران و ترکیه قرار دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان خوی، از جنوب به شهرستان ارومیه، از شرق به دریاچه ارومیه و از غرب به مرز ایران و ترکیه محدود است. این شهرستان با ۲۵۴۱ کیلومتر مربع وسعت دارای دو بخش و دو شهر است. جمعیت این شهرستان ۱۵۶۵۵۸ نفر و فاصله آن تا مرکز استان ۹۱ کیلومتر است.

سلماس به علت مرکزیت ارتباطی - تجاری و با گسترش مبادلات بازرگانی و وجود بازارهای هفتگی به صورت شهر در آمده است. با توجه به حفاریهای به عمل آمده از تپه تیان قدمت سلماس به زمان مادها میرسد و در زمان هخامنشیان (زاروند) نام داشت. این شهر در دوره اشکانیان یکی از ایالات حایل بین ایران و روم بود و پس از آن ضمیمه متصرفات ساسانیان شد. یادگاری که از این سلسله در کوه پیرچاوش بر سر راه ارومیه به سلماس باقی مانده، تخته سنگی است که بر آن شکل دو نفر سوار بر اسب حکاکی شده است. بناها و یادمانهای تاریخی و مذهبی این شهرستان سد جمال آباد، گورچین قلعه، حجاریهای خان تختی و کلیسای سنت جورج هستند و از جمله جاذبههای طبیعی شهرستان سلماس میتوان به چشمه معدنی میناس، چشمه صدقیان و آب گرم ایستی سو اشاره کرد.

صایندهژ (شاهین دژ)

شهرستان شاهیندهژ از شمال به استان آذربایجان شرقی، از جنوب به استان کرستان، از شرق به شهرستان تکاب و از غرب به شهرستان بوکان محدود میشود. صایندهژ در منطقهای بیلاقی و کشاورزی واقع شده و قسمت شرقی آن محل چرای دامهای عشایر کوچنشین است. این شهرستان ۲۹۰۷ کیلومتر مربع مساحت دارد و دارای دو بخش و یک شهر است. جمعیت این شهرستان ۱۰۴۵۹۸ نفر است و تا مرکز استان ۲۲۷ کیلومتر فاصله دارد. در زمان ساسانیان در ۳۰ کیلومتری آتشکده آذر گشنسب، قلعه‌ای با نام صائین (نگهدارنده) دژ بنا شد. این قلعه مورد استفاده افرادی بود که برای نیایش و زیارت به آتشکده میآمدند. بعد از حمله اعراب، نام آن به صائین قلعه تغییر یافت. این قلعه در دورههای بعد محل عبور و اقامت زائران کربلا شد. بعدها نام این شهر به شاهین دژ تغییر یافت.

ماکو

شهرستان ماکو در انتهای شمالغربی ایران، در مرز ترکیه و جمهوری آذربایجان قرار دارد. این شهرستان از شمال به رود قره‌سو و کشور ترکیه، از شرق به رود ارس و جمهوری آذربایجان، از جنوب به شهرستان خوی و از غرب به کشور ترکیه محدود است. این شهرستان ۶۰۸۹ کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیت آن ۲۰۲۹۳۹ نفر است. فاصله این شهرستان تا مرکز استان ۲۷۶ کیلومتر است.

شهرستان ماکو در گذشته یکی از قلاع محکم سرحدات ایران و عثمانی محسوب میشد. از این شهر در طول تاریخ به اسامی مختلفی یاد شده است. بنا به روایتی میگویند. اسم قدیم ماکو (شاوارشان) از کیارستان که امروزه به نام سیاوش معروف است، اخذ شده است. ماکو را آرتاز، قلعه قبان و روساومکی (محل مرتفع گوسفند و آغل زمستانی) نیز میگفتند که احتمالاً به علت خوبی مراتع از طرف ارامنه منطقه نامگذاری شده بود. شهر ماکو علاوه بر آن که از نظر ساختار فیزیکی شهر جالبی است، دارای آثار متعدد باستانی و تاریخی نیز میباشد. از جمله مراکز تاریخی و مذهبی این شهرستان میتوان به کاخ باغچه‌جوق، عمارت کلاه‌فرنگی، ساختمان شهربانی، قلعه سیاه، قلعه راوز، شهر اورارتویی بام فرهاد، مقبره صخرهای سنگر، پل پنج چشمه، سنگ نبشته شهر روسا، قره کلیسا (طاواوس)، کلیسای زور زور و کلیسای دره شام اشاره نمود و جاذبه‌های طبیعی و گردشگری این شهرستان نیز چشمه معدنی شگفتی، آب گرم شوط‌آباد، آب گرم باش‌کندی، چشمه معدنی عرب‌دیزج، منطقه حفاظت شده مراکان و منطقه حفاظت شده آغگل هستند.

مهاباد

شهرستان مهاباد با مساحتی حدود ۲۶۲۰ کیلومتر مربع در ناحیهای کوهستانی و جنگلی در جنوب این استان قرار دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان میاندوآب، از جنوب به استان کردستان، از شرق به شهرستان بوکان و از غرب به شهرستانهای نقده و پیرانشهر محدود است. مساحت این شهرستان ۲۶۲۰ کیلومتر مربع است و جمعیتی برابر با ۱۷۱۶۲۴ نفر دارد.

در سال ۱۰۳۸ هجری قمری در اواخر سلطنت شاه عباس اول، شخصی به نام بداقالسلطان

که ریاست قوم مگری را به دست گرفته بود، مرکز حکومت خود را به مهاباد منتقل کرد. نام قبلی این شهر ساوجبلاغ (چشمه سرد) بود که در ۱۴ مهر ماه ۱۳۱۴ همزمان با تغییر نام تعدادی از شهرهای ایران به مهاباد تغییر یافت. مراکز تاریخی و مذهبی این شهرستان مقبره بداق السلطان، شهر تاریخی اندرقاش، و مسجد جامع هستند و از جمله جاذبه‌های طبیعی مهاباد میتوان به مهاباد رود، غار بورینگ بزرگ، غار بورینگ کوچک اشاره نمود.

میاندوآب

شهرستان میاندوآب در منتهیالیه جنوب شرقی آذربایجان غربی واقع است. این شهرستان از شمال به استان آذربایجان شرقی و دریاچه ارومیه، از جنوب به استان کردستان، از شرق به استان زنجان و از غرب به شهرستان مهاباد محدود است. مساحت این شهرستان ۱۵۳۴ کیلومتر مربع و دارای دو بخش و دو شهر است. جمعیت این شهرستان ۲۰۹۸۴۰ نفر و فاصله آن تا مرکز استان ۱۶۶ کیلومتر است. این شهر به دلیل این که میان رودهای زرينهرود و سیمینه رود واقع شده است، میان دوآب نامیده میشود و همواره مورد توجه بوده است. در این منطقه اقوام مختلفی مانند مادها، اورارتوها، کردها، سلجوقیان، ترکها و مغولها زندگی و حکومت کردهاند. از جمله مراکز تاریخی و باستانی این شهرستان میتوان به قلعه بختک اشاره نمود و جاذبه‌های طبیعی این شهرستان زرينهرود و چشمه زندان سلیمان می‌باشند.

بوکان

شهرستان بوکان در ناحیه جنوبی استان با ۲۰۴۳۰۸ نفر جمعیت، یکی از پرجمعیتترین شهرهای استان است. این شهر دارای دو بخش مرکزی و سیمینه با حدود ۱۸۶ روستا میباشد. این شهر دارای آب و هوای مطبوع و باغهای سرسبز و خرم میباشد. اغلب مردم بر این باورند که واژه بوکان از کلمه بوک، به معنای عروس و آن تشکیل شده و عروسان معنی میدهد. اراضی بوکان به علت وجود رودخانه سیمینه رود بسیار حاصلخیز است. مردم این شهرستان گویش کردی دارند و با توجه به همجواری با شهرستان میاندوآب اکثریت مردم به زبان ترکی نیز مسلط میباشد.

پلدشت

شهرستان پلدشت در شرق شهرستان ماکو، در کرانه جنوبی رود ارس واقع و مشتمل است بر دهستانهای چایباسارشرقی، زنگبار، گچلرات شرقی و گچلرات غربی با ۷۲ آبادی و شهر پلدشت که منطبق بر دشتی مرتفع و حاصلخیز با آب و هوای معتدل و خشک است. از شمال و مشرق به رود ارس، از جنوب به شهر قرهضیالدین در شهرستان خوی و از مغرب به شهرستانهای ماکو و شوط محدود است. از جمله مهمترین کوههای آن گچه داغ و مرادتپه است. رود ارس و زنگمار با چند رود کوچک دیگر و چشمه‌ها و قنوات اراضی آن را مشروب میکنند.

محصولات عمده زراعی آن پنبه و توتون (عمدتاً در گذشته) و پس از احداث سد‌ها، برنج، گندم و جو است. دامداری شایان توجهی دارد و بعضی از فرآورده‌های دامی و محصولات زراعی آن صادر می‌شود. صنایع دستی مهم آن جاجیم بافی و گلیمبافی است. برخی طوایف کوچرو (از جمله جلالی) در دشت پلدشت قشلاق دارند و بازار مشترک (بازارچه مرزی) پلدشت صنم بلاغی در این شهرستان قرار دارد. اهالی پلدشت به فارسی، ترکی آذربایجانی و کردی سخن می‌گویند.

شوط

مرکز این شهرستان شهر شوط میباشد. آن طور که برخی کتب و نوشته‌های تاریخی نشان می‌دهند این شهر ابتدا متعلق به ارمنه بوده است، اسم این شهر نیز دلیلی بر این گفته است. نام این شهر ابتدا «آشوط» که یک نام ارمنی است بوده و در گذر زمان تبدیل به شوط شده است.

نقش استان آذربایجان غربی در هشت سال دفاع مقدس

استان آذربایجان غربی به لحاظ موقعیت استراتژیک و ممتاز جغرافیایی و نظامی و داشتن ۲۳۸ کیلومتر مرز خاکی با کشور عراق از سمت غرب، در طول هشت سال دفاع مقدس، نقش مؤثر و ارزنده‌ای داشته است. رزمندگان و دلاورمردان این منطقه در جهت ایجاد امنیت پایدار با اجرای ۲۸۹ عملیات در این استان، در حدود ۴۸۰ منطقه را پاکسازی و یا تصرف کردند. در دوران ۸ سال دفاع مقدس، استان آذربایجان غربی درگیر اغتشاشات و آشوبهای داخلی ناشی از حضور گروه‌های ضدانقلاب نیز بود. با این همه مردم این استان نقش مهم و مؤثر در جهت تأمین نیروهای بسیجی و مردمی لشکر ۳۱ عاشورا برعهده داشتند و به دفعات

از شهرها، بخشها و روستاهای این استان در قالب کاروانهای اعزامی در جمع رزمندگان این لشکر حضور یافته و تحت امر فرماندهان لشکر، برادران مهدی و حمید باکری (قائم مقام شکر) و دیگر فرماندهان به دفاع از کشور پرداختند.

قرارگاه فرماندهی شمال غرب به نام حمزه سیدالشهدا(ع) در شهر ارومیه هدایت عملیاتی رزمندگان علیه گروه‌های ضدانقلاب، اشرار و متجاوزین بعثی عراق را در این استان و استان‌های کردستان و کرمانشاه برعهده داشت.

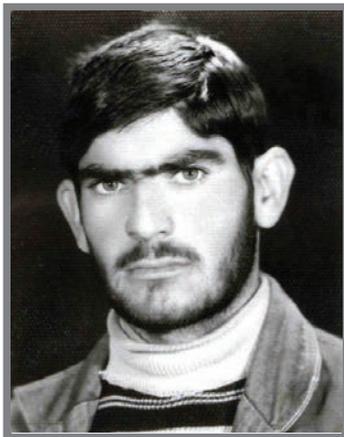
دارلک، آلوآتان، سرو، حکمی، دوله‌تو، دوبره، بند، حاج عمران، کلاشین، جهنم دره، جاسوسان، دره شهدا، دویازا، دره بانی، تپه شهدا و ... مناطق عملیاتی استان بودند.

سه راهی نقده، محل شهادت محمد بروجردی فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) است. امیر شهید آبشناسان از فرماندهان ارتش در عملیات قادر ۲ در اشنویه به شهادت رسید. سردار محمود کاوه در ارتفاع ۲۵۱۹ به شهادت رسید. سرداران مهدی (فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب(ع) قم) و حمید زین‌الدین در روستای کاولان سردشت به شهادت رسیدند. سردار علی قمی در دارلک و سردار گنجی‌زاده در محور آلوآتان به کاروان شهدا پیوستند. سردار ناصر کاظمی در بادین‌آباد پیرانشهر و نیز سرداران شهید احمد کاظمی فرمانده نیروی زمینی سپاه، قهاری، درستی، طالعی، بهرامی و... در این خاک به خون غلتیدند.

عملیات کربلای ۵، با حضور رزمندگان این استان در مناطق عملیاتی جنوب و عملیات کربلای هفت توسط لشکر ۶۴ ارومیه در سال ۱۳۶۵ برای آزادسازی قله ۲۵۱۹ متری در منطقه حاج عمران صورت پذیرفت. هم‌چنین در هفتم تیرماه ۱۳۶۶ شهرستان سردشت توسط ارتش عراق بمباران شیمیایی شد که تعداد ۱۱۳ تن از مردم این شهرستان به شهادت رسیده‌اند.

این استان از نظر تعداد شهدا رتبه هشتم را در سطح کشور با تعداد ۹۸۴۵ شهید، ۱۷۰۰۰ جانباز و ۲۰۲۰ آزاده به خود اختصاص داده است. یک سوم از شهدای استان از اهل تسنن (مناطق کردنشین استان) هستند که در پاکسازی شهرها و روستاها توسط گروه‌های ضدانقلاب به شهادت رسیده‌اند.

نام: پرویز
نام خانوادگی: آبرین
نام پدر: محمدعلی
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: اول اردیبهشت ۱۳۴۳
محل تولد: شهرستان پلدشت
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نهم آبان ۱۳۶۷
محل شهادت: -
نحوه شهادت: تفحصی
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * از خط امام خمینی خارج نشوید.
- * نهی از منکر نمایید و جهاد کنید و نماز بخوانید.
- * ما هم به سوی جبهه ها رفتیم تا اینکه مکتبمان زنده بماند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنًا»^۱

مژده بشارت ده بندگان را که سخنان را گوش کرده و از بهترین آنها تبعیت می‌کنند.^۱
«شهادت دریچه‌ای است که بشر بسوی خالق خویش بازمیگردد»

انسان وقتی زندگی را می‌یابد که مردن آموخته باشد کمی که قدم در راه پرافتخار و پرمشقت میگذارد و آگاهانه جهاد کرده و پیروز و شهید میشود همیشه در سعادت بوده و در پیش خداوند روسفید خواهد بود. امتی که پیش‌رو و پیرو راه حسین است باید همیشه راه او را ادامه دهد، ما پاسداران^۲ مکتب او را که می‌خواهیم و شاگردان مکتب او هستیم نیک می‌دانیم که هر روزمان عاشورا و هر جای‌مان کربلاست. چرا که عاشورا یک واقعه نیست بلکه یک مکتب است، مکتب توحید. پدرجان! از من به شما وصیت از خط امام خمینی خارج نشوید و همیشه در فکر صالح بودن و^۳ پیرو خط امام باشید. چون ایشان نایب امام است و بت‌شکن قرن و پدرجان امر به معروف کرده و نهی از منکر نمائید و جهاد کنید و نماز بخوانید.

و روزه‌تان را بگیرید و پدرجان بنده به مشهدی قربان و رمه یاری مقداری قرض دارم خواهش میکنم آن را بپردازید. پدرجان! اگر من شهید شدم اصلاً برایم ناله و گریه نکنید اگه بخواید برایم دعا کنید، تا اینکه این دعای شما به شادی روح ما منجر شود و به مادرم وصیت میکنم که مرا حلال بکنند و اصلاً برایم گریه نکنند، چون ما از طرف خدا بودیم و به سوی او بازگشتیم و مادرم بایستی تو صبر کردن را از مادر علی‌اکبر و زینب کبری یاد بگیری، چرا آنها برادرش و تمام بزرگانش را از دست دادند و لکن^۴ هیچگونه ناراحت نشدند و همیشه خوشحال بودند، شما هم مثل آنها باشید و از برادرانم عاجزانه میخواهم که مرا

۱. آیه سوره

۲. اصل: که آمده است.

۳. اصل: در آمده است.

۴. اصل: و لکن آمده است.

گذشت کنند، هرگونه رنجوری و کم احترامی از من احساس نموده‌اند مرا ببخشند. من دیگر نمی‌توانم به حضورشان برسم و از آنها رضایت می‌خواهم.

از مادر بزرگ (نه‌نه‌ام) رضایت می‌خواهم و از خاله‌هایم و عموهایم و دائی‌م رضایت می‌خواهم مرا حلال بکنند، چون من به سوی شهادت می‌روم و امیدوارم که اگر لایقم باشد خداوند این مقام را به من^۱ عنایت بفرماید. عزیزان وقتی که در مملکتی مکتب مطرح است هم باید خون بدهند، همانطوریکه در صدر اسلام هم از علی اکبر و اصغر شش ماهه و حبیب ابن مظاهر ۸۰ ساله گرفته تا سایر افراد خون دادند تا اینکه مکتبشان زنده بماند و ما هم دیدیم که مکتب مطرح است، ما هم به سوی جبهه‌ها رفتیم تا اینکه مکتبمان زنده بماند و خلاصه از شما می‌خواهم که بفکر ما جوانها نباشید زیرا که خون پاک و مطهر شهدا یزیدان تاریخ را رسوا ساخته و درخت تنومند اسلام را بارورتر خواهد ساخت. خداوند شما را توفیق عنایت بفرماید و لذا متذکر میشود که مشهدی قربان در علمدار است.

والسلام پرویز آبرین

خدایا خدایا تو را به جان مهدی

خمینی را نگهدار

بسم الله الرحمن الرحيم

۵۱/۲

۲۷/۹

« وصیت نامه مرحوم که در کتب ... »

« فسریرنا فی الدنیا نستعملون العتول و نستعملون الاحسان
 مراد است از آنکه در دنیا ما از عتول و احسان استفاده می‌کنیم و در آخرت ... »

« و در این ایام است که شهر سبزگنج خالق فرزین بنا شده است ... »

لسان دهنی زنده می‌ماند و بکده مرگ آنوقت ... در راه پیرانفتار در بر وقت حضور در

را کاشانه می‌گذرد و سپردن کتب به دیگران در وقت نبود و در پیش خانواده که سفید خواهد بود

تقریباً که در این راه و در راه حسن است باید همیشه یاد او را از همه دهرد ... کتب او را که در قفسه

و کتابخانه کتب او همیشه نگه می‌داریم تا هر روز ما را یاد او را و ما را یاد او است چرا که

ما را یاد او را که ما دوست داریم که کتب او را کتب او را در هر حال که در هر حال که در هر حال که

حفظ تمام فضیلتی خارج از خود هستیم و در هر صحنه و در هر وقت و در هر جا که در هر جا که در هر جا که

است و هستی بکن عمران در هر حال که در هر حال که در هر حال که در هر حال که در هر حال که

۹۱۱

KFAA-۱۱-۱

و بعد از آن در شهر و در بیابان
فرمانی گشت که در این شهر و در بیابان
نیواصل بر این دعا گشته تا آنکه این دعا می آید
در دست منکم که در اصل کتبه و در این شهر
عبارت گشته و در این شهر و در این شهر
و آنجا که بر این دعا گشته تا آنکه این دعا
در این شهر و در این شهر و در این شهر
گشته و در این شهر و در این شهر
در این شهر و در این شهر و در این شهر
و در این شهر و در این شهر و در این شهر
و در این شهر و در این شهر و در این شهر

من جمیع اموال منقوله من در این تاریخ و در این مکان منتهی به طریقی که در این
صورت مندرج است در اختیار شماست و در این مورد هیچ گونه اعتراضی ندارم و در این
تاریخ ۱۰ ماه ۱۳۵۷ در شهر تهران در نزد آقایان ... در حضور ...
طریق است و من به این وجهها در تمام ...
مقرر نمودم این بنده را در این مورد و طریقی که در این ...
دوست شماست السلام ایام بود و در هر چه است خداوند شما را قوتی کند منتهی به طریقی که
طریق است که منتهی به طریقی که در این ...
باشد ایام خود را با تو را به جفا نمود
تجهیزی در این تاریخ

نام: محمد
نام خانوادگی: آبرین نازک علیا
نام پدر: محمد علی
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: پنجم آذر ۱۳۴۸
محل تولد: شهرستان پلدشت
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و چهار مرداد ۱۳۶۲
محل شهادت: سردشت
نحوه شهادت: غرق شدن
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * بسوی جبهه های حق علیه باطل بروید.
- * خون شهیدان را نگذارید زیر پای دشمنان بیافتد.

بسمه تعالی

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا عِنْدَ اللَّهِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ^۱

درود و سلام به رزمندگان اسلام و با درود و سلام بر رهبر کبیر بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت العظمی امام خمینی با درود و سلام بر شهیدان بنیانگزاران جمهوری اسلامی ایران سلام وصیت نامه ام را به امید پیروزی رزمندگان اسلام آغاز می کنم وصیتی را که با شما عرض خواهم کرد این بود پدرجان و مادر جان اگر خداوند تعالی شهادت را برایم نصیب کرد، هرگز در میان مردم و در مقابل دشمنان تان غمگین و آه و ناله نکشید و برادرانم! اگر من شهید شدم هرگز نگذارید اسلحه ما به زمین بیافتد و دشمنان اسلام بر افتادن سلاح من به زمین سوء^۲ استفاده کند و سلام ای دانش آموزان و ای هم رزم آوران من، بسوی جبهه های حق علیه باطل بروید و خون شهیدان را نگذارید زیر پای دشمنان بیافتد. پدرم من به جبرئیل حسن زاده ۲۰ تومان پول قرض دارم آن را بدهید و نیز از همه دکانهای روستایمان بپرسید من به چه کسی قرض دارم و نیز همیشه

۵۳ - شهید محمد آب برین - نازک علیا

۱. آیه سوره

۲. اصل و آمده است.

در صلح عشق جزء؟؟؟ را نکنشد
روبه صفتان جزء خود را نکنشد

بِسْمِ رَبِّ الشُّهَدَا وَ الصِّدِّيقِينَ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِي قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند گمان مبرید مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و در سوی پروردگارشان روزی میگیرند.

با دورد فراوان بر قطب عالم و لنگرگاه زمین حضرت ختمی مرتبت ارواحنا فدا حضرت ولی عصر(عج) و ؟؟؟؟؟؟؟؟؟/ امام و به امید پیروزی عاشقان اباعبدالله ؟؟؟؟؟؟ برای شادی ارواح مقدس شهدای کربلای ایران و برای آزادی کربلا و قدس

السلام
 ابوی آسمو و جاحو و اوجا هدر و افی مسلح اقله با ما اولم و انفسهم اعظم حرج عنز ائمه و اولادهم هم انا عنون
 دور و مسالام با برهنه گان اسلام با دیده و سدا هم برهنه کنیز بنی نزار جمهوری اسلام ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی
 مددور و مسالام بر شمعان بنی نزار ایرانی جمهوری اسلام ایران سرکار سلام و وصیت نامه ام را با امضا پیروزین از منتهای اسلام
 ما زینکم و مستقی را با شما عزیزان و همکاران اینا و جود و جود باری و مادر جان ائمه و خدای تعالی امین شهادت را با برکت نصیب
 رهبر در بیان مردم و در ضعیف دشمنان گمان غمگین و آه و ناله نلسیر و بر در تمام گریه من سینه ششم عزت شاداری و
 مسامحه ما بیدینی باضنه و دشمنان اسلام برانساندهی سلام من بر اینی مسود استفاده کنه و سلام اولدایع آه زاری و
 می هم بر بر آوری صبی جسوم ما می نماند باک بر و بر و خوف بشیران را شاداری بر زاری و دشمنی بیگانه
 بزرگ من با جبریتیل صحبانه بر تو مان نیله قرض دارم آن را بر هدیه و نیر از هشتاد گانه بر ستاریان پیروز من بد جیبی
 رض دارم و نیز همیشه
 محمد مراد آیت بزرگ - نایب علی -
 ۵۲



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بسم رب الشهداء والصدیقین

«ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل اَحیاء عند ربهم یرزقون»

کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند گمان مکن مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی میگیرند.

با درود فراوان بر قطب عالم و لنگرگاه زمین حضرت ختمی مرتبت ارواحنا فدا حضرت ولیعصر (عج) و نایب بر حقش حضرت امام و به امید پیروزی عاشقان اباعبدالله بر؟ و برای شادی ارواح مقدس شهدای کربلای ایران و برای آزادی کربلا و قدس معلی وصیتنامه‌ام را با نام خدا شروع می‌کنم. اول از همه چیز به دانش‌آموزان و آینده‌سازان این مملکت و همکلاسان خودم پیامی دارم ای دوستان اگر اسلحه‌ای از دست رزمندگان به زمین افتاد باید سلاح رزمنده را بر دوش و بروی صهیونیستی نشانه بگیرید و مهمتر از همه از ذکر خداوند و دعاها دست برندارید که آرامش قلب پیدا خواهید کرد و شما دانش‌آموزان با خواندن درسهایتان روی صدام و؟ را سیاه کردید؟ دیگری به امت حزب‌الله دارم که مبدا امام را فراموش کنید و تنها بگذارید که این امام برای امت ما یک نعمت است که بدست ما افتاده است و باید از پیام‌های؟ و باید در تمام تظاهرات و مانورها شرکت فعال داشته باشیم و آنهایی که قدرت دارند حتماً بروند و دشمن را مأیوس کنند.

هرچه قدر میتوانید در نمازیتان [نمازهایتان] کوشا باشید و حتماً در نماز جماعت شرکت کنید. به گفته امام آنهایی که توان برداشتن سلاح را دارند باید به جبهه بروند و آنهایی که ندارند باید در پشت جبهه حضور فعال داشته باشند.

بخدا جبهه دانشگاه است. در آخر امکان دارد هر کسی؟ به سوی معبودش پرواز می‌کند و دیگر اینکه هر کس نان این مملکت را بخورد و برای این مملکت توطئه و خیانت می‌کند بخدا مسلمان نیست و پیام دیگری به خانواده‌ام دارم پدرجان از اینکه باز بدون اجازه تو به جبهه رفتم خواهش می‌کنم که مرا حلال کنید. من چکار می‌کردم جبهه به ما نیاز دارد و همه چیزم را کنار زده‌ام تا توانسته باشم خدمتی برای این انقلاب بکنم.

پدرجان اگر من شهید شدم خداوند هدیه شما را قبول کرده و حتماً در آن دنیا روسفید

خواهید شد و اصلاً ناراحت نباشید و مبادا گریه کنید.

؟ چونکه دشمنان همیشه در کمین هستند با گریه شما آنها خوشحال می شوند و مادرم تو باید؟ زینب گونه باشید و صبور را پیشه بگیرید. زینب چگونه رفتار و؟ کرد. شما باید از تمام جهت زینب گونه باشید. تو را به خدا مادر جان شیرت را بر من حلال کن و شما خواهرانم در حفظ حجاب خودتان کوشا باشید و تقوا را پیش گیرید و تو برادرم تنها پایه و اساس خانواده مان هستی. حتماً در؟ پدرم باش چون که پیر شده و به پدرم بگو که پیش برادرم پرویز می روم. ما تنها نیستیم و از همه اهالی روستای مان که احیاناً از من بدی دیدند مرا حلال کنند و مرا ببخشند و در آخر؟ به پایان می رسانم و شما خانواده ام را به خداوند می سپارم.

همچنین به خاله هایم و بچه هایم و عموهایم و بچه هایم سلام دارند و از شماها حلالیت می خواهم.

شهید محمد آبرین

۶۶/۹/۲۷

در موقعیت رحمانلو

دستخط محمد علی نازک علیا

مقام استاندار آذربایجان غربی

۱۳۸۲

جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب در این خصوص به استحضار می‌رساند که ...

... (The rest of the handwritten text is illegible due to blurring and bleed-through)

محمد علی نازک علیا

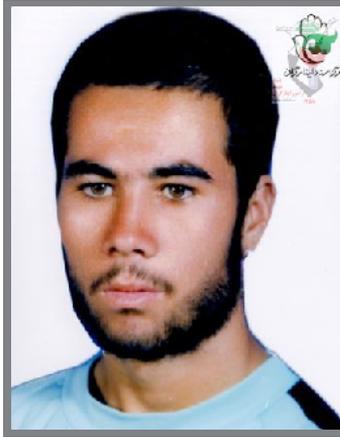
۱۳۸۲/۵/۲۷

۱۸

۱۵۰۰۱۱۹

درویش گلزار

نام: رشید
نام خانوادگی: آجودانی
نام پدر: علی
نام مادر: شاه‌صنم
تاریخ تولد: دوم اردیبهشت ۱۳۴۵
محل تولد: نقده
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و سوم آذر ۱۳۶۳
محل شهادت: سرو ارومیه
نحوه شهادت: اصابت گلوله ضدانقلاب
مزار: زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

* خدایا! خودت شاهی که عشق به حسین بن علی (ع) بود که ما را به اینجا آورد.

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت همانند گردنبندی است که برگردن دختری زیبا انداخته می‌شود.

(امام حسین)

بنام خداوند جهانیان و بنام پروردگار مهربان و با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با درود و سلام به تمامی مستضعفان جهان و سلام و درود به تمامی خانواده‌های شهداء. السلام علی‌الحسین و علی‌بن‌الحسین و علی‌اولاد‌الحسین و علی‌اصحاب‌الحسین، السلام علیک یابن رسول الله، السلام علیک یابن فاطمه زهرا (س).
خدایا! بارالها! با یک بار سنگین از گناه و معصیت رو بدرگاهت آورده‌ام. خداوندا! اگر ما را نبخشی به کی پناه ببریم و کجا فرار کنیم.

خدایا! خودت شاهی که عشق به حسین بن علی (ع) بود که ما را به اینجا آورد.
خدایا! می‌دانی که مصیبت گلوی پاره پاره علی‌اصغر بود که به این راه آمدیم.
خدایا! می‌دانی که درد پهلوی فاطمه زهرا (س) و جگر پاره امام حسن (ع) و دستان بریده ابوالفضل العباس (ع) بود که ما را به سوی این دیار خواند. وای من به غیر از عشق به این اهل بیت امیدی و چاره‌ای ندارم و خوشحالیم به همین است که عشق حسین در دلم بود و این مصیبت‌ها عشق ما را زیادت‌تر کرد.

پس از خداوند می‌خواهیم مرا ببخشد. خدایا آرزویم بر شهادت و دیدار اولیائت [...] شده است و از طرفی دیگر گناهان را از نظر می‌گذرانم و شرمند می‌شوم ولی ناامید نمی‌شوم. خدایا این را نیز می‌دانم و می‌بینم که همه می‌میرند و کسی هم نمی‌داند که به چه نحوی از این دنیا می‌رود پس خوشا ... گریه و زاری زیاد از حد ننمائید، در خاتمه از تمام بستگان برادر بزرگم، از تمام دوستان و بستگان برادر احمد در خوزستان طلب عفو می‌کنم.
[...] گاه در بهاران - رفتید بکوه و دشت و بیابان - بادی زعا [...] [...] نمائید اندر

میان گل‌ها

شب ساعت ۷

۶۳/۹/۲۱

رشید آجودانی

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت دهانند مرد بنفدی است که بگردن دهنش زبانه اش را
 میبرد (از آن حسین)

بنااموز او نر هم ایثار و بیایم پروردگار مهربان او با سلا که در روز پیر رهبر
 کبیر انقلاب اسلامی و با ورود و سلا که به تمامه مستفقان مهران و با
 سلا که در روز به تمامه خانواده های شهیدان

المصن
 السلام علی الصبیح و علی بن الصبیح و علی اولاد الحسین و علی اصحاب
 السلام علیک یا بنی مسعود السلام علیک یا بنی خاظمه و السلام علیک
 یا بنی بارانها یا بنی بارنگین از آن شاه و مکتبش بر بر کفایت آورده ان
 قدر او نر از هر ماران یعنی می کشد و شاه بیدار او کجا فدا کردیم

خداوندت شاهری که عشق به حسین من علی بود که ما را به
اینجا آورد - خدا میدانی که مصیبت تلویک باره باره با ما افتاد بود
که به این راه آمدیم خدا میدانی که در دین تلویک غاطس
و خطری باره ما که حسن و علی بودستان بریده ابرو القفل العباسی بود
که ما را به سوی این دیار خوانند - وای من به غمخوار عشق به این
اهل بیت امیری و چاره ای ندارد که وضو شالم به همین است که عشق
حسین که در دم بود و این مویستها عشق ما را زیاد تر کرد پس از حق او نذر بزرگ
به خواهم مرا ببخشند طریا که از دینم بر شهادت و دردی را اولی است نکند
دوره شده است و از طریق دیگر نماند از نظر من بدارانم و شرمند
به تو که تا میدانی سوگند خدایا این از نیریه دانم و به بنام سید الطاهر که
باید ببینند و کسی که نه دانند به چه نوعی از این دنیا می رود پس خرمنا

مصر
و تریه و زاری زیاد از هر نفسی در فاقه از تمام بستگان برادر بزرگم
و از تمام دوستان و بستگان برادر احمد در خورستان طبیب محترم که
در قاهره در بهاران - رفیق دیکو و دوست و یار بان - جاری زما
نمائید از زبان طیبا - شب ساعت ۷ ۶۴،۹،۲۱


نام: نصرت الله
نام خانوادگی: آخوندزاده
نام پدر: رحمت الله
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: بیست و دوم دی ۱۳۴۹
محل تولد: چالدران
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سی ام اسفند ۱۳۶۶
محل شهادت: قوچار عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان ماکو



عبارات کلیدی

※ هدف ما از رفتن به جبهه این است که اولاً به فرمایشات امام لیبیک گوئیم.
※ از آنجائیکه استکبار جهانی به اسلام هجوم آورده‌اند ما با رفتن به جبهه مشت بر دهان
یاوه‌گویان زده و اسلام را زنده نگه‌داریم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیتنامه مورخ ۶۶/۱۲/۱۲

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ كُلُّ مِنْ عَلَيْهَا فَانْ وَيَبْقَى وَجْهٌ رَبَّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ)^۲
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا حَقًّا وَصِيَّ
 رَسُولِ اللَّهِ وَ لِأَنَّمَا الْهُدَى مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَشْرَ الْأَثْمَةِ حَقًّا
 أَمَامَ الْأَوَّلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْحَسَنِ وَ حُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ حُسَيْنٍ وَ مُحَمَّدَ بْنَ وَ
 جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ
 الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ [عَلِيَّ] ابْنَ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ زَكِيِّ أَمَامِ الْمُتَنْتَظِرِ الْمَهْدِيِّ الْقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آيَاتِهِ أَجْمَعِينَ أَمَامَنَا حَقًّا

(احکام) الف) اصول دین: ۱. توحید ۲. عدل ۳. نبوت ۴. امامت ۵. میعاد

ب) فروع دین: ۱. صلوة ۲. صوم ۳. خمس ۴. زکوة^۳ ۵. حج ۶. جهاد ۷. تولی ۸. تبری ۹. امر به معروف^۴ ۱۰. نهی از منکر - به حکم^۵ آیه شریفه قرآن کریم اطاعه الله و اطاع رسول الله و او للامه

عبارتست از مولانا امام المجتبی علی ابن ابیطالب علیهم السلام و یازده اولادش از ذریه حضرت امام [حسین] دوازده امام برحق است و بفرموده امام دوازدهم در توقیعات به آخرین نائب برحقش که در غیبت صغرا نائل شده به امت اسلامی که باید پس از این تاریخ تا آخرین وعده الهی ظهور حضرت موعده حق عجب الله تعالی فرج شریف از فقهاء و مجتهدین باید اطاعت و تقلید و احکام شرعی را حصول. لذا بنا به ندای الهی حضرت امام خمینی

۱. اصل: جمالاتی ناخوانا

۲.

۳. اصل: زکواه آمده است.

۴. اصل: بمعروف آمده است.

۵. اصل: بحکم آمده است.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی و زعیم عالیقدر جهان لیبک‌گویان تا خون و جان در بدن هست باید و باید در مقابل دشمن دین مقدس اسلام و آرمان پاک جمهوری اسلام و در حفظ و حراست خاک پاک اسلام و ایران عزیزمان و تا صلح پایدار در منطقه و امنیت کشور و دفاع از ناموس مردم جنگ را ادامه داده [و] آسوده نخواهیم نشست. انشاءالله تعالی. سلام علیکم ای پدر بزرگووارم، سلام علیکم ای جد بزرگووارم، ای شیخ نعمت‌اله، ای تاجدارم. السّلام علیکم یا اُمّا یا مادر مهربانم، ای دل سوخته مادرم ای روح جانم حلالم کن. سلام بر شما ای برادرانم. سلام بر شما ای خواهران عزیزم. سلام بر امت شهیدپرور ایران. سلام بر همه معلمانم و مدیران محترم. سلام بر استادانم و فامیل و آشنا و دوستان و همسایگان^۱ عزیز، از همه حلیت می‌طلبم^۲. ضمناً از پدرم رضایت گرفتم و مرا هم به جنگ و جبهه تشویق کرده اما به مادرم^۳ اظهار نکردم به جبهه رفتنم را، ولی به خواهران گفتم دوباره مراجعت نخواهم کرد، دیدار تا قیامت و پدرم عزیزم در خطبه ۶۵ نهج‌البلاغه حضرت علی علیه‌السلام فرموده است قرآن را زیاد بخوانید تا [به] ایمانتان بیفزاید. قرآن را زیاد و زیاد بخوان و مولا علی علیه‌السلام فرمود: وَاللَّهُ وَاللَّهُ فِي جِهَادِ بَأْمَوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ. وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ يَا حَسِينَ مَظْلُومٍ - و چند کلمه سؤال جواب پشت صفحه

نصرت‌الله آخوندزاده

۶۶/۱۲/۱۲

۱. اصل: همسایه‌گان آمده است.

۲. اصل: مطلبم آمده است.

۳. اصل: به مادرم آمده است.

وصیایا منبره ۱۳۱۲ هـ ق ۱۳۱۲ هـ ق ۱۳۱۲ هـ ق ۱۳۱۲ هـ ق ۱۳۱۲ هـ ق ۱۳۱۲ هـ ق ۱۳۱۲ هـ ق ۱۳۱۲ هـ ق ۱۳۱۲ هـ ق ۱۳۱۲ هـ ق

(کلی نفس ذلتنا الموت) و کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام

آشهد ان لا اله الا الله قد شهدت ان محمدا رسول الله قد شهدت ان امیر المؤمنین علی
 حقا قضا و حق رکنه و انما یؤمنون الا بقرآن و انما ینطقون الا بحسن و انما ینسبون الا بحسب
 عشر الاصل حق امام الاقل علی بن ابیطالب علیه السلام و الحسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام
 و جعفر بن محمد و محمد بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و محمد
 ای الحسن بن علی بن امام المنتظر مهدی القائم آل محمد صلی الله علیه و آله اجمعی امانا خاتما
 (احکام) اصول دین ۱۰ قواعد ۲ عدل ۳ نبوت ۴ امامت ۵ سیدک

۱- زود عیال - احصا ۲ صوم ۳ خمس ۴ زکوة ۵ حج ۶ جهاد ۷ تقوی ۸ شری

۹ امر معروف ۱۰ نهی از منکر = تمام آیه تزیین قرآن کریم اطاعه الله و اطاع رسول الله و اولاده
 عبارت از خواندن امام متبیین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده ارشد از ذریه حضرت امام حسن
 دوازده امام مرجع است و بیست و نه امام دوازدهم در توقیات بیست و نه مرجع است و بیست و نه
 کدر عیبت حضرت امالی است و است اسلامی که باید پس از این شرح تا آخر منبر و بعد الهی ظهور حضرت
 مؤعد حق حج الله تعالی زین شریفه فقیرا و محسنه و بیست و نه با بواضاعت و تلبیه در حکام شرعی را حصول نما
 لذاتنا بنزای الهی حضرت امام حسین که کبریا زلاب اسلامی از جمیع عالمین در جهان کبریا کانی تا آخری داشته
 در بین هست یا بیاید و باید و تا بل دشمن دینی خودی اسلام و آرمان پاک جمهوری اسلام و در حفظ و حراست
 خاک پاک اسلام و اولین عزیزان و مصالح پایدار در منطقه و امنیت کشور و دفاع از ناموس مردم جنگند
 ادره داده آسوده نخواهد شد استقامت و تقوی سلاح علیکم ای پدر فرزندان سلام علیکم ای جد فرزندان حاج
 لیکن گفت ای ای جبارم السلام علیک یا امامای ما در هر باجم ای دل سوخته ما در ای روح جانم حلالم من سلام
 بر شما ای برادران من و شما ای جوانان عزیزم سلام بر است شهید پروران سلام بر همه مدلمان و مدبران فرخ
 سلام بر ستوانم و نامیل و دانشم و دستان و همایان عزیزانم و حلیت و طلم شما از پرورم و صاحب روح
 و راهم بر جنگ و جبهه شوق کرده اما ملامت اظهار رنگم بر چه بر قسمم را دلی به خواندن گفت در باره مراجعت شما
 دیدارنا قیامت و بیستم عزیزم و در خطبه ۵ در نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام فرموده است قرآن را زیاد بخوانید
 تا در استان بیفزاید قرآن را زیاد و مانده در خواندن ۱۱ ص ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶۶/۱۱/۱۸

سوال ۱- خودتان را معرفی نمائید - اینجانب نصرت الله آخوندزاده از کلاس دوّم معارف سوال ۲- هدف شما از رفتن به جبهه چیست - هدف ما از رفتن به جبهه این است که اولاً به فرمایشات امام لبیک بگوئیم. ثانیاً با توجه به آیه شریفه وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً ثَالِثاً عمل به بیانیه ده ماده‌ای شورای عالی دفاع. رابعاً از آنجائیکه استکبار جهانی به اسلام هجوم آورده‌اند ما با رفتن^۱ به جبهه مشّت بر دهان یاوه‌گویان^۲ زده و اسلام را زنده نگه بداریم. سوال ۳- پیام شما به دانش‌آموزان چیست . بنده کوچکتر از آنم که به برادران دانش‌آموز پیام بدهم ولی بعنوان یک برادر کوچک پیام ما به دانش‌آموزان این است که آنان نیز با خواندن درسشان قرآن و اسلام را یاری کنند. خداحافظ و هو خیرٌ حافظا السلام عَلٰی مَنْ اتَّبَعُ الْهُدٰی

نصرت الله آخوندزاده

۶۶/۱۲/۱۲

۲۹۲- ماکو - محله معرفت خیابان امام - روبروی ستاد عملیات کمیته انقلاب اسلامی سابق بسیجی شهید آخوندزاده

۱. اصل: رفتنی آمده است.

۲. اصل: یاگویان آمده است.

۳. اصل: سؤل آمده است.

۴. اصل: الهداء آمده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وصیت‌نامه کتبی^۱

اینجانب مشهدی عباس آبیاری حسنلوئی، فرزند حاجی رحیم ساکن شهرستان نقده در حضور همسر و فرزندان خود وصیت خود را بطور کتبی به عرض^۲ برسانم. مبلغ هشتاد هزار ریال معادل هشت هزار تومان برای خرج خودم در مجالس عذر و ترحیم اختصاص داده شود و ضمناً مبلغ فوق از کل مال و دارائیم بغیر از باغ و املاک دیمی و ساختمان خودم می‌باشد و نیز اگر پس از من فرزندانم در مورد نگهداری مادرشان بهانه‌ای زیادی بگیرند بدینوسیله یک اطاق هم از اطاقهای ساختمان مزبور متعلق به همسر من ستوره خانم می‌باشد و فرزندان هم هیچ حقی در این مورد نخواهند داشت.

امضاء	امضاء	امضاء
فرشته دیانی	عوض آبیاری	مرتضی آبیاری

اثر انگشت
آقای مشهدی عباس آبیاری

تاریخ: ۲۵۳۶/۸/۲

۱. اصل: وصیت‌نامه کتبی آمده است.
۲. اصل: بعرض آمده است.

۱- طریقه بیخ - اصله ۲ صم ۳ جم ۴ زکوة ۵ حج ۶ جهاد ما مولی ما سرى
۶ امر معروف ۱۰ نهی از منکر **بسم الله الرحمن الرحیم** اطاع الله و اطاع رسول الله و اطاع اولی الامر
عبارتست از مولانا امام المتبحر علی ابن ابیطالب علیه السلام و یا زنده اودست از زنده حضرت امام حسن
در باره امام مرجع است و پیغمبره امام دوازدهم در توقیعات بر او فرموده است **یا زین العابدین** بر حقش
که در عین حق نامش بود دولت اسلامی که باید پس از این تاریخ تا آخر سیزدهم و عهد الهی ظهور حضرت که
موجود حق حج الله تعالی روح شریف از فقهاء و مجتهدین با بواصحت و تقلید در حکام شرعی را حصول نماید
لذا انما برزای الهی حضرت امام جمعی بود که در انقلاب اسلامی مؤمنان عالمی در جهان کبک گوئی تا حق و نفسی
در بین هست باید و باید در مقابل دشمن دینی عدلی اسلام و آرمان بآل جمهوری اسلام و در حفظ و حراست
حاکم پاک اسلام و اولین عزیزان و مصالح پایدار و منطقه و امنیت کشور و دفاع از ناموس مردم جنگند
اداره دله آسوده نخواهیم منت است ان شاء الله تعالی سلام علیکم ای پدیران کورم سلام علیکم ای خیرین کورم حاج
لینغ نقی ای نایب عالم اسلام علیین ای امانت دار هر باجم ای دل سوخته مبارکم ای روح مانع حلاکت کس سلام
مردم ای برادرانم سلام بر شما ای خواجه عزیزم سلام بر است شهید پرورداران سلام بر همه معلمان و معلمات و فرخ
سلام بر استادانم و نامیل و دانشاوردستان و همسایگان عزیزانم و حقیقت معلّم حق الزیورم و صاحب کرم
و راهم و جنگ جبهه دشمنانم کرده اما مملکت اظهار نکندم به جیره بر قسم را اولی به خواجه انتم در باره مراجعت نخواهیم
و مدارات قیامت و پند هرگز و در خطبه ۵ که شرح البلاغ حضرت علی علیه السلام فرموده است قرآن را زیاده بخوانید
تا به ایستان بیفزاید قرآن را زیاد و مانند بر خوان و سواد علی علیه السلام فرمود **قال الله** و لا یحی جهاد ما سوانکم
عاشتم و الیسئکم فی سبیل الله فصر من الله و فتح قریب و السلام علیکم در مقام الله و برادره و فتح علی السانیا
نصرت الله آخوندزاده **الله**
العزیز القدر العزیز المظلم - و جنگه سرک جبار بیخ

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره اول - خودمان را معرفی نمائید - اینجانب حضرت آخوند خیرزاده از ملا سرخس در شهر مشهد
 سوره ۲ - هدف شما از زندگی چه بوده است - هدف ما از زندگی چه بوده است که اولاً به فریاد استقامت امام
 کبیک بگوئیم تا ما را بفرجه بر آورند و در راه حق شهادت کنیم - ثانیاً عمل به بیان نبی و صلوات بر او
 عالی دفاع را بعد از آنجا که استقامت مبارجه را می بینیم و در راه خدا ما را بار خدای تعالی چه چیز است
 بر دهان یا گویان زده و اسلام را از نو زنده نگه داریم سوره ۳ - پیام شما به دانش آموزان چیست - سوره کوچکتر از
 آنچه که به یاران دانش آموزان پیام بدهم ولی بعنوان تک بار کوچک پیام ما به دانش آموزان اینست
 است که آنان نیز با خواندن در سبیل قرآن و اسلام را بیاورند که خدا حافظ ما را در هر چه حفظ
 السلام علی من اتبع الهدی - حضرت آخوند خیرزاده

۶۶۵ - مکتوب - جمله سوره صبح حیال امام - در صورت دعوت که استقامت بر او ایستاد

بسم الله الرحمن الرحيم

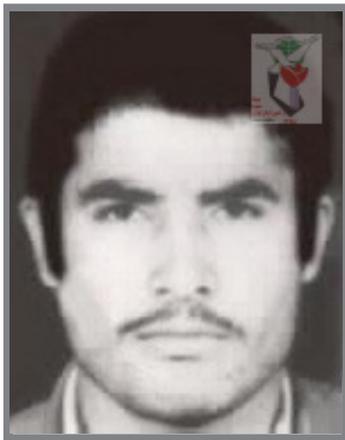
۶۶۶

۷۸۶۰۹۷۷

۶۶۶۶۸




نام: بیگلر
نام خانوادگی: آذریان
نام پدر: غفار
نام مادر: آسیه
تاریخ تولد: سوم تیر ۱۳۴۳
محل تولد: میاندوآب
تحصیلات: خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران
تاریخ شهادت: پنجم فروردین ۱۳۶۶
محل شهادت: اسلام آباد سردشت
نحوه شهادت: سانحه رانندگی
مزار: زادگاهش



عبارات کلیدی

✽ امام را تنها نگذارید و به فرمان ایشان گوش فرا دهید.
✽ اگر شهادت نصیب من گشت برایم افتخار کنید که چنین فرزندتان را نوکر امام زمان
کردید.

بسمه تعالی

اینجانب بیگلر آذریان فرزند غفار آذریان بعلت اینکه خدمت سرباز در منطقه عملیاتی می‌باشد و مشاییت انشا... تعالی شهادت نصیب اینجانب شد وصیت می‌نمایم اگر شهادت نصیب بنده گردید ولایات ام اجابت کرد و خداوند بنده قبول به شهید شدنم نمود. در آن وقت سرپرست خانواده خودم همسر می‌باشد و با اینکه ایشان زن هست و ناظر^۱ خودم دائمی عبدالله اصغری می‌باشد و ایشان حق دارند درباره بنده به مشکلات خانواده ام را پیشروی نمایند.

بگلر آذریان

مورخه ۶۵/۱۱/۳

بسمه تعالی

با درود فراوان به رهبر^۱ کبیر انقلاب اسلامی ایران و درود [و] سلام به روح^۲ پاک شهیدان راه حق و حقیقت که با خون خویش این ثمره انقلاب را آبیاری کردند و سلام به رزمندگان پرتوان اسلام ضمن اینکه بنده وصیتام را آغاز نمایم اولین سخن‌ام این که امام را تنها نگذارید و به فرمان ایشان گوش فرا دهید و اگر شهادت نصیب من گشت برایم افتخار کنید که چنین فرزند خودتان را نوکر امام زمان کردید.

و در آخر خدا یا! به امام امت طول عمر و به اسلام پیروز بگردان و به ما شهادت را نصیب‌ام بفرما انشاء [الله] تعالی

۶۵/۱۱/۳

۱. اصل: برهبر آمده است.

۲. اصل: بروح آمده است.

بسمه تعالی

وصیت نامه بزرگواران
 مورخ ۳/۱۱/۶۴

دختر بزرگوار فرزنده محترم آرزوین بخت آنکه
 خدمت گری باز در منطقه عملیاتی می باشد و شایسته است که...

فدای شهادت لقب اینجانب شد وصیت می نمایم
 اگر شهادت لقب بنده گردید ولایات ام اجابت کرد
 و خداوند بنده قبول به شهید شدن نام ننموده در آن وقت
 سرپرست خانوار خودم همسرا باشد و با آنکه ایشان
 زن است و تازر خودم دانمم عبد اکا امیری می باشد
 و این حق دارند در باره بنده به مشکلات خانوارم را

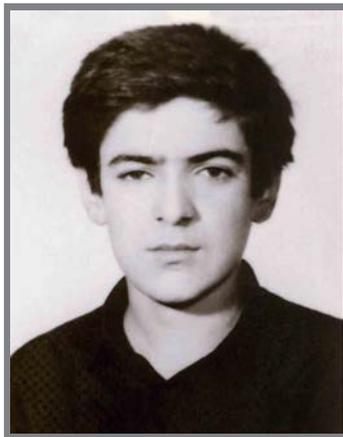
پیشروی نمایند
 بزرگواران

بسمه تعالی ۳/۱۱/۴۰

درد فراوان بر همه کبیر انقلاب اسلام ایران و درد
سلام بر روح پاک شهیدان راه حق و حقیقت که با خون خویشی
این نهن انقلاب را آبیاد کردند و سلام به زنده‌ها که می‌توانند اسلام
صحن آینه بینه و صیبت امام را آغاز نمایم اولین سخن امام
این که امام را تنها نگذارید و می‌فرمایند این کوشش فرا
دهی و اکثر نجات لقب منی نشت برای اقتضای کینه
که حسین فرزند خود را نوکر امام زید کرده
و در آخر حدیث به امام است طول عمر و به اسلام پیروز بگردان
و به عاقبت را نفعم بیزمانت و تعالی

۳۷۱.۲۲

نام: علی
نام خانوادگی: آذری اهرنجانی
نام پدر: رضا
نام مادر: طاهره
تاریخ تولد: سیزدهم بهمن ۱۳۴۸
محل تولد: سلماس
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و ششم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارات کلیدی

- * سنگرها و جبهه‌ها را خالی نگذارید.
- * بدانید که من این راه را با شناخت و آشنایی کامل برگزیدم و جبری در این راه نبود.
- * به وظیفه شرعی خویش عمل نمودم که جهاد و دفاع از اسلام بود.

لاله این چمن آلوده به رنگ است هنوز
لیکن از کف مگذارید که جنگ است هنوز

«بسم الله الرحمن الرحيم»

وصیت به همسنگران و دوستان

به نام خداوند که خلق کرد انسان و تمامی آسمانها و زمین را. آنکس که ترا شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند و خلق نبود انسان را از خاک و پس هدایت کرد وی را. دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی، دیوانه تو هر جهان را چه کند. پروردگارا! ترا سپاس می گویم که مرا آفریدی و راه و طریق زندگی را به من آموختی و شهادت قسمت من کردی و مرا از درد، هجران و فراق رهانیدی و بسویت رهنمون شدی و با درود بر مهدی صاحب الزمان و بر آن دادگستر جهان و بر آن ذخیره‌ی عدل و داد و با سلام بر امام امت و نائب به حق امام زمان که ما را از خواب جهالت رهانید و به سوی خداوند رهنمون کرد. و با سلام و درود بر شما امت شهیدپرور و دوستان و عزیزان و همسنگرانم. برادران و دوستان عزیز و گرامی! بدانید که من این راه را با شناخت و آشنائی کامل برگزیدم و جبری در این راه نبود و به وظیفه‌ی شرعی خویش عمل نمودم که جهاد و دفاع از اسلام بود. به شما وصیت می‌کنم که سنگرها و جبهه‌ها را خالی نگذارید، چرا که دنیا و شرف و ایمان و موجودیت ما در گرو دفاع از حق و اسلام است و از تمامی دوستان و برادران و عزیزان تقاضای بخشش و عفو دارم و طلب بخشش و التماس دعا.

لاله‌ی این چمن آلوده به رنگ است هنوز
لیکن از کف مگذارید که جنگ است هنوز
کربلا، کربلا ما داریم می‌ایم.
کربلا، کربلا، کربلا
آن کس که ترا شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی^۱
دیوانه‌ی تو هر دو جهان را چه کند

به نام الله پاسدار خون و حرمت شهیدان و با سلام به پیر جماران و آرزوی ظهور امام زمان و سلام و درود بر شما عزیزان. سلام بر پدر و مادر عزیز و گرامیم که رنج و زحمت مرا کشیدید و مرا بزرگ کردید و موقعیت عشق و بندگی را به من آموختید و با سلام و درود بر برادران و خواهران عزیز و گرامیم و با سلام به تمامی دوستان و آشنایان، از تمام شما می‌خواهم که اگر از من خطا و رنجی دیدید مرا ببخشید و عفو کنید و حلال نمائید و وصیت دیگری که از شما دارم بر من مگریید و شیون نکنید، چرا که [از] طریق^۲ خون دادن و عاشقی و شهادت هرگز دشمنان ما را شاد نکنید و با ایمان و ایستادگی خویش هرچه بیشتر در تداوم انقلاب و اسلام بکوشید و در جهت آن مهربان باشید و مواظب باشید که عوامل مادی و مادیان و شیطان دست اخوت ندهد و متعهد و استوار باشید و مرا حلال کنید و از تمامی شما التماس دعا و بخشش دارم.

علی آذری [...]^۳

۱. اصل: دیوانه کنی خود و جهانش بخشی آمده است.

۲. اصل: با آمده است.

۳. ناخوانا است.



نام: رحیم
نام خانوادگی: آذین
نام پدر: علی اکبر
نام مادر: صفرا
تاریخ تولد: بیست و سوم بهمن ۱۳۴۷
محل تولد: سلماس
تحصیلات: سوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نوزدهم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

بسمه تعالی

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَّ لَّا تَشْعُرُونَ»^۱

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با دروهای بی پایان بر محضر یگانه منجی عالم بشریت حضرت امام زمان (عج) و نایب برحقش امام خمینی و با اسلام بر امت همیشه در صحنه انقلاب و خانواده‌های محترم شهدای گلگون کفن و با آرزوی شادی ارواح طیبه شهیدان اسلام و جنگ تحمیلی و با عرض سلام خدمت خانواده عزیزم وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم.

انسان روزی به دنیا می‌آید و روزی از دنیا خواهد رفت پس چه بهتر که در راه خداوند و افتخار‌آمیز باشد.

امت قهرمان حزب‌الله و شهیدپرور سلماس! همیشه پشتیبان امام عزیزمان باشید و به فرمایشات ایشان که نشأت گرفته از سخنان ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد اطاعت کنید و او را هرگز تنها نگذارید.

رزمندگان دلاور شما که در جبهه‌های حق با^۲ ستیز به کفر جهانی مشغولید، کمر همت بسته‌اید که اسلام را جهانگیر نمائید و این انقلاب را به انقلاب بزرگ حضرت امام زمان متصل گردانید و تمامی استعمارگران و خونندانسته و هر سلاحی که از دست شهید می‌افتد باید برای رفتن آن از هم سبقت گیرید چرا که سعادت دنیوی و اخروی ما در گرو جهاد در راه خداست. ما آنقدر خون می‌دهیم تا کفر در خون غرق شود و جوانه‌های انقلاب به درخت تناور اسلام تبدیل گردد.

مادران داغدار شهیدان! همواره صبر را پیشه خود کنید زیرا زینب(س) در کربلای خونین با اینکه تمامی عزیزان خود را از دست داده ولی باز در برابر تمامی مصائب صبور بود و شکیبا. پس بیائیم آن زن بزرگ تشیع سرخ علوی را الگوی خود کنیم و در برابر یزیدیان خم به ابرو نیاوریم.

۱.سوره آیه

۲.اصل: به آمده است.

خانواده عزیزم! امیدوارم که در جدائیمان زیاد دلتنگ نشده و برای من گریه نکنید برای حسین(ع) و علی اکبر و علی اصغر امام مظلومان گریه کنید که ما در رکاب آنان می‌جنگیم و داغ مظلومیت آنان را بر دل [و] بر جبین داریم.

تاریخ ۶۵/۹/۲۹

رحیم آذین

« ولا تقولوا لمن تثبيلوا في سبيل الله امواتا بل امياء ولاكن لا تعلمون »

ما امام الله پابندار مومت خون شهيدان و با سردهاي بي پايان بر
مخبر تقايتا معني عالم بشريت حضرت امام زمان (عج) و نائب حقش
امام خنوي و با سلام برامت هيبه در صحنه انقلاب و خانواده هاي
مختم شهداي مظلون گمن و با آذري شادو ارواح طيبه شهيدان
اسلام و ملت تحصيلي و با عرض سلام خدمت خانواده عزيزيم و ميت
نامه خود را شروع مي كنم.

انسان روزي به دنيايي آيد و روزي از دنيا خواهد رفت پس چه بهتر كه
درياه خداوند و امتحان را ميز باسد.

اهنت شهيدان عرب الله و شهيد پرور سلمان، هيبه يمينان
امام عزيزمان با شهيد و به فرما يمينات امينان كه نشانت كرمتم از سخت
الله المطار عليهم السلام باسد اطاعت كنيد و او را عزت نما خداوند.
در زندگان دلاور شما كه در صحنه كوي حق به شهادت نمايند و شهيد
كبره ميت بسته آيد كه اسلام و امامان را نماند و اين اعلام را به انقلاب
ترت حضرت امام زمان متصل كنيد و تقايت استعمارگران و خون.

دو هفته در هر صلاهی که از دست سپهر می آمد باید برای نرسیدن آن
 از هم سخت گیرید چرا که سعادت دنیوی و اخروی ما در گرو جهاد
 در راه خداست.

ما آن قدر خون می دهیم تا لفر در خون غرق شود و خواهی های انقلاب
 به درخت تنادار اسلام تبدیل گردد.

مادران داغدار شهیدان، همواره مسیر را پیشینه خود کنید و بیایید در
 گریهای خود بین ما ایستاده قنای عزیزان خود را از دست داد ولی ما در راه
 قنای مصائب صد بود و شکلیا، پس بیاییم آن زن نزلت تسبیح سبع
 علوی را القوی خود کنیم و در برابر یزیدیان هم ما خود نیادیم
 خامواده عزیزم: امیدوارم که در جوار نبیان زیاد دلگش شده
 و برای من توبه کنید برای همین در دعای استر و علی اصغر امام
 مظلومان گریه کنید که ما در رحمت آنان می جنیم و داع مطلوبیت
 آنان را بر دل بر چین داریم.

تاریخ: ۱۹، ۹، ۶۵

وصیت نامه شهید: رحیم آذین

۱۰۰۱۹۰۰

نام: محمد
نام خانوادگی: آزادی
نام پدر: امامقلی
نام مادر: خانم قیز
تاریخ تولد: هشتم فروردین ۱۳۲۹
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: سوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم مرداد ۱۳۶۷
محل شهادت: سردشت
نحوه شهادت: اصابت ترکش به پاها
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * من راه خود را آزادانه انتخاب کرده ام و درس شهادت از حسین (ع) آموخته ام.
- * همیشه گوش به فرمان امام عزیز باشید.
- * هر قدر که می توانید در راه اسلام و انقلاب اسلامی باشید.

بسمه تعالی

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ^۱

آنکه ایمان آوردند و از وطن خود هجرت گزیدند و در راه خدا جهاد کردند اینان امیدوار و منتظر رحمت خدا باشند که خدا بخشنده و مهربان است. ما برای خدا می‌جنگیم ما سر اسلام دعوا داریم. (امام خمینی)

این کمونیستها یا طرفدار شوروی هستند یا طرفدار چین، کمونیست هستند یا اینکه همانطور که گفته‌ام چپگرا اصلاً نیستند.

تا مرز شهادت دست از یاری امام خمینی برنخواهیم داشت.

(آیت... منتظری)^۲

وصیت من به همه آشنایان و به همه مردم قهرمان ایران این است که در پشت جبهه با توطئه‌های ضدانقلاب و منافقان ضد دین مقابله کنند زیرا اگر ما در جبهه در جنگ رویارو با دشمن می‌جنگیم شما کاری بس مهمتر از ما دارید چون دشمن در هر لباسی ظاهر می‌شوند و به دنبال امام و روحانیت متعهد در جهت تداوم انقلاب تا پیروزی حکومت عدل اسلامی بکوشند. من به قصد کشورگشائی به جبهه نرفته‌ام بلکه فقط بخاطر خدا و جهاد با کفار [...]»^۳

دنیا بدانند ملت مسلمان ایران که انقلاب کرده و رهبری چون خمینی دارند از صدام می‌ترسد و نه از منافق و نه از شوروی و نه از آمریکای جنایتکار.

آنها از انقلاب ما می‌ترسند انقلاب اسلامی خواب خوش جهانخواران را بهم زده است و نویدبخش‌رهایی مستضعفان جهان است. این انقلاب متعلق به ما است باید برای تداوم آن فداکاری کنیم و چه باک اگر در این راه شهید شویم شهادت [...]»^۴

۱. سوره آیه

۲. ر.ک تعلیقات

۳. ناخوانا است.

۴. ناخوانا است.

ناراحت بشویم چون اینها در مقابل اسلام هیچ است و جبران می‌شود. مادرم بر وجودت می‌نازم از اینکه فرزندی به اسلام هدیه کرده‌ای. مبدا ناراحت شوی، بلکه افتخار کن و بدان من راه خود را آزادانه انتخاب کرده‌ام و درس شهادت از حسین(ع) آموخته‌ام.

ما نباید از این حرکات ضدانقلاب و دشمنان ترسی داشته باشیم چون آخر پیروزی از آن ماست و [...] مساجد را که دشمن [...] می‌ترسد حفظ نماییم و نفاق‌افکنان را از خود طرد نموده هر حرکت آنها به ضرر اسلام و به سود ابرقدرتهاست و این را نیز بدانید که این شیادان از اعمال مخرب خود دست برنمی‌دارند ولی همواره خوار و زبونند و عاقبتی ندارند [...] توصیه می‌کنم لیاگونه فرزندان را چون علیاکبر پرورش کنید.

برادرم و خواهرم شما همچون زینب پیام مرا به گوش مسلمین برسانید و از اموال دنیوی هر اندازه که ممکن باشد برای [...] بدهید و همیشه گوش فرمان امام عزیز باشید و هر قدر که می‌توانید در راه اسلام و انقلاب اسلامی باشید.

والسلام

محمد آزادی

[...] نصیب شد تشیع جنازه این حقیر یادتان نرود. انشاءالله

خدايا خدايا ما اهل كوفه نيستيم	حسين(ع) تنها بماند
امت بايد بميرد	امام تنها بماند
خدايا خدايا	مرا بجان گرفتن
تا انقلاب مهدي	خميني را نگهدار

آمين

امضاء

وصیت نامه محمد آزادی غفر ربیع خوی

بن‌الذین آمنوا والذین هاجروا وجاهدوا فی سبیل الله اولئک یرحمون رحمت الله والله غفور رحیم

آنکه اینک آورنده باز درین خود حرمت گزیده بود در راه حق ایماں امیدوار و منتظر رحمت خدا باشد که ستا
 زایشه هرگز یک است

ما برای خدا بیجمع باسر اسلام دستور داریم .
 اینگونه نیست که با مکرر از شوری مستعد یا طرد از زمین گزشت هستند یا اینکه ممانعت و تقیام بگیرد اسلام است
 تا بر سر دست دست از یاری امام خمینی رنجورم داشت . آیت الله ...

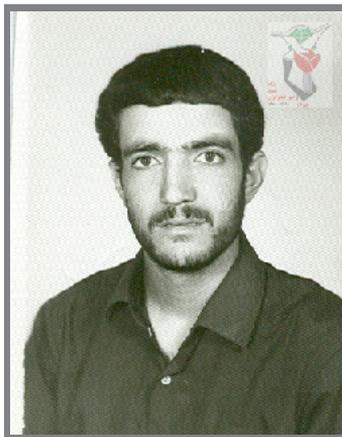
وصیت من به شماست که همه مردم قهرمان ایران این است که در پشت جبهه با توکل و شجاعت و شادمان
 بگردین متبادله گشته زیرا اگر مادر جبهه در جنگ رویا و در شکیبایی جنگیم شمارای پس گوید از ادایه خود
 در هر لباسی ظاهر شود و در حال ایثار و شجاعت بماند در صورت تمام انقلاب بر عتق حکومت عمل است
 تا که همه قصه کن که به جبهه منم که ...

دنیایمان ملت مسلمان برای که انکسب کرده و در هر امری چون فتنه دارند از صدام می ترسند و از منافق و نواز
 شوری و نواز در یکای می کار .

آنها از انقلاب با هم ترسند انقلاب اسلام خواب خوشی که خوابان را بهم زده است و فرج عجبی رهای مستضعفان
 گمان است . این انقلاب مطلق به ما است تا به همه مردم آن خدا کار کنیم و به یک گرد این راه رسید شویم حالت
 و ما عاقلان و متفکران و سادگان به ما است تا به همه مردم آن خدا کار کنیم و به یک گرد این راه رسید شویم حالت
 ما را در وجودت ج نام از این که فرزندی با ما که در هر دهی . ما را تا اوست شوی . بلکه انتخار کن و بدانی
 من راه خود را آزادانه انتخاب کرده ام و در هر شری از حسین اص آموخته ام .

ما نیاید از این حرکات فتنه انقلاب و دشمنان طاعنی داشته باشم چون آخر روزها از آن بااست و
 ما را که دشمنان از ام ترسند و حقیقتاً ما به و حقایق انگلستان را از خود طرد نمود .

نام: حسن
نام خانوادگی: آغار
نام پدر: محرم
نام مادر: ماه سلطان
تاریخ تولد: هشتم اسفند ۱۳۴۵
محل تولد: شهرستان تکاب
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران
تاریخ شهادت: بیست و ششم فروردین ۱۳۶۶
محل شهادت: کوه کمر سردشت
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * آنچه من از انقلاب آموختم اخلاص و ایثار بود.
- * تا پای جان از آرمان خود دست بردار نیستم.
- * شهادت را نقطه اوج سعادت می دانیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مورخه ۶۴/۹/۸ وصیت‌نامه برادر حسن آقا

[...] الله رب العالمين و صلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين^۱ اما بعد، اينجانب حسن آقا [...] محرم ساكن قره‌چای باباوسطی خداوند و رسالت پیامبر اکرم محمدالمصطفی (ص) و به ولایت علی ابن ابیطالب (ع) و یازده فرزند معصومش. هم اکنون که توفیق خداوند متعال شامل گردیده در جبهه‌های حق علیه باطل عازم شده‌ام و در جبهه بسر می‌برم چند کلمه خونین و یا وصیت به پدر و مادرم و سایر وابستگانم عرض می‌دارم دنباله مطلب سلام و درود [...] تازان راه حق و قاعد اعظم حضرت امام خمینی پرچمدار راهیان [...] یزید و یزیدیان شورید و طاغوتیان زمان را از صفحه روزگار برانداخت و چون ابراهیم بت شکن [...] خواهی و خودپرستی را درهم شکست، می‌رود تا پرچم لاله‌الله^۲ و محمد رسول الله را [بر] قلّه جهان به اهتزاز دریاورد.

ای امام و ای رهبر مسلمانان و ای امید مستضعفان جهان! من عاشق شهادت و عاشق توام من در مکتب حسین راه و رسم ایثار و فداکاری را [...] تو که همان خط خدا و اولیاء و انبیاء است گام نهاده‌ام و تا پای جان دست بردار نیستم، امیدوارم بی‌تابی نکنید.

آنچه من از انقلاب آموختم اخلاص و ایثار بود. پدر و مادرم که وقتی که شما این وصیت‌نامه‌ام را می‌خوانید من دیگر در این دنیا نیستم امیدوارم [...] اجر شما نزد پروردگار کاسته خواهد. انسان برای گذراندن یک امتحان در این جهان [...] است فرزندی که خداوند به یک خانواده می‌دهد و محبتش را در دل آنها می‌اندازد [...] قلّه جهان به اهتزاز دریاورد ای امام و ای رهبر، امامان و ای امیر مستضعفین جهان، عاشق شهادت و عاشق توام من در مکتب حسین راه و رسم ایثار و فداکاری را [...] تو که همان خط خدا و اولیاء و انبیاء است گام نهاده‌ام و تا پای جان از آرمان خود دست بردار نیستم امیدوارم بی‌تابی نکنید.

۱.

۲. اصل: لا اله الا الله آمده است.

آنچه من از انقلاب آموختم اخلاص و ایثار بود. پدر و مادرم [...] که وقتی که شما این وصیت‌نامه‌ام را می‌خوانید من دیگر در این دنیا نیستم امیدوارم بی‌تابی نکنید اجر شما نزد پروردگار کاسته خواهد [شد]. انسان برای گذراندن یک امتحان در این جهان خواسته است فرزندی که خداوند به یک خانواده می‌دهد و محبتش را در دل آنها می‌اندازد. می‌گیرد این یک امتحان الهی است.

از طرفی پایان زندگی انسان بدون شک برگشت بسوی خداست و طبق^۱ نص صریح قرآن و هر وجودی طعم مرگ را خواهد چشید پس انسان آگاهانه و هوشیارانه^۲ مرگش را خود انتخاب کند، ای مادر عزیز قامتت را استوار [...]

بخوانید زیرا من [به] آرزوی خودم^۳ نرسیده‌ام، چون آرزوی^۴ من زیارت حسین در کربلا بود. حسین تنهاست، امروز فرزند فاطمه در برابر سپاهیان کفر و شرک بی‌یار و یاور در کربلای ایران اسلام و کفر در برابر یکدیگر ایستاده‌اند، همانگونه که علی و با عمر در جنگ [...] دیگر ایستاده بودند ما بایستی نشان دهیم که از تبار حسین و از یاران علی (ع) هستیم و [...] و شهادت را نقطهٔ اوج سعادت می‌دانیم.

ای امت و ملت مسلمان! شما را به پروردگار متعال سوگند [...] به انقلاب و دستاوردهای آن و همچنین نسبت به جنگ و جبهه سرسری فکر نکنید [...] که ما اکنون پرچم‌دار اسلام در جهان هستیم و بایستی تا آخر ایستاده و تا آخرین نفس از [...] گله داریم.

ای پدر و مادر عزیزم! هر وقت و هرگاه خیر شهادت مرا برایتان آوردند به خداوند توکل کنید و از او برای خودت صبر شکیبائی طلب کنید. دیگر عرضی ندارم عمرم را به اسلام و قرار [...] من عقدهٔ دلوان‌کردم = گشتم ولی قبر تو را پیدا نکردم = پیغام سربازان ما از جبهه این است [...] مثل این سرزمین است =

تقدیم [...] حسن آقا آقار

۱. اصل: و آمده است.

۲. اصل: هشیارانه آمده است.

۳. اصل: از روی آمده است.

۴. اصل: از روی آمده است.

۵. اصل: ناخوانا

بسم الله الرحمن الرحيم
 مورخه ۱۸ فروردین ۱۳۰۸ هجری قمری
 حضرت العالمین و مسلمات و اسلام علی محمد و آله الطاهرین تا بعد اینجانب حسن آغار
 محرم سائین فرزند مبارک خداوند و رسالت پیامبر اکرم محمد المصطفی (ص) در بدو ولادت
 به ابيطالب (ع) و یازده فرزند مخصوصش هم اکنون که توفیق خداوند متعال تخطی
 برگزیده در جبهه مبار حق علیه باطل عازم شده ام و در جبهه بسریزم چند کلمه
 خونین و یا وصیت به پدر و مادرم و سایر وابستگانم عرض میدارم دنیا را طلب مکن
 بی تازان راه حق و تا عدا عظم حضرت امام حسین (ع) بر چیدار را بجان
 نبرد و نیز بیان شورید و طاغوتیان زمان را از صفت رفیقار بر انداخت و چون ابراهیم بن
 خوافی و خود پرستی و در هم شکست هر دو تا بر حرم لا اله الا الله و محمد رسول الله را
 قلند جهان به اهتزاز در بیاورد ای امام و ای رهبر مسلمانان و ای انبیا مستغنیان جهان
 عاشق شهادت و عاشق تو ام می در کتب خمسی راه در رسم انبار و فدا کار در
 خط تو که همان خط خدا و اولیا و انبیا است گام نهاده ام و تا بار خوار **تو**
 بر دار نیست امیدوارم به تابی نلتید آنچه می از انقلاب اموختن اخلاص و ایثار بود پدر
 کم که وقتی که شما این وصیت نامه ام را می خوانید همه دیگر در این دنیا نیست امیدوارم
 اجر شما نزد پروردگار باشد خواهد انسان برانگیزانند بلب امتحان در این خطان
 تا است فرزند که خداوند به یک غایبانه می دهد و محبتی را در دل آنها می اندازد

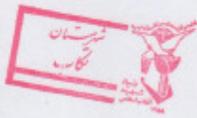
۵۴
۳

بخوانید زیرا منی از روز شنبه ۳ فرسیده ام چون از روز شنبه ۲۶ فروردین که با
 حسین تنهاست امروز فرزند فاطمه در برابر سما هیان کفر و شرک بی بار و
 زبیر ایران اسلام و کفر در برابر یکدیگر ایستاده اند لهذا تلوت نه علی و نه عمر در
 دیگر ایستاده بودند ما با یستی نشان دهیم که از تبار حسینی و از یاران علی (ع) هستیم و
 با دست را نقطه اوج سعادت می دانیم ای امت مسلمان شما را به پروردگار متعال استواری
 به انقلاب و دست آوردهای آن و همچنین نسبت به خلف و جبهه سر سر می کشید
 که ما اکنون پرچم دار اسلام در جهان هستیم و با یستی تا آخر ایستاده رتا آخری
 راسته کلداریم ای پدر و مادر عزیز هر وقت ^{۴۹/۰۰۶۵} ~~مهرگاه~~ خبر سعادت مرا برایتان آورد
 و ند ترک کنید و از او برار خودت صبر کنی ای منقلب کنید دیگر بر من ندارم بحرم را به اسلام و برادر
 من من عقده دل و اندرم = ~~کشم ولی غیر خود را پیدا نمودم~~ = مقام سرایان ما از جبهه ایمن است = با ما
~~مقدم اخبار~~ ~~و با اقا~~ ~~آقا~~
 در این سرزمین است =
 ۵۲
 ۳



تله جهان به اهتزاز دریا ورد ای ۲۱ دای ره بره حسن وای امیر حسن حسن
 عاشق شهادت و عاشق توام مع در کتب عین راه در ستم ایثار و فدا کار را امیر
 خط تو که همان خط خدا و اولیا و انبیا است گام نهاده ام و تا پارسیان از آرزو
 برادر نیستم امیدوارم بی تابی نلتید آئید من از انقلاب آموختم اخلاص و ایثار بود پدرم در ۳۰
 تم که وقتی که شما این وصیت نامه ام را می خوانید من دیگر در این دنیا نیستم امیدوارم شما
 اجر شما نزد پروردگار کرامت خواهد آتسان برار گذاردن یک امتحان در این جهان
 ته است فرزندی که خداوند به یک غنا نوازی دهد و محبتش را در دل آینه ام اندازد
 بگیرد ای یک امتحان الهی است از طرفه پایان زندگی انسان بدون شک برکت
 خداست و طبق وصی مریح قرآن در هر نفوس صلح مریح را خواهد چسبید پس
 انسان آگاهانه و هشیارانه مریح را بخورد انتصاب کند ای مادر عزیز قامت را استوار کند

۵۴
۴



نام: سهراب
نام خانوادگی: آقاپور
نام پدر: جلال
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: سی و یکم شهریور ۱۳۳۸
محل تولد: سلماس
تحصیلات: کاردانی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و نهم اسفند ۱۳۶۴
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: ارومیه



عبارت های کلیدی

- * خدایا! امام عزیز را برای مان حفظ کن و قدرت درک روح پر عظمتش را گر چه اندک برای مان عنایت فرما.
- * خدایا! ما را لحظه ای به خودمان وامگذار.
- * خدایا! قدرتی عنایت فرما تا از بند نفس، خود را برهانیم.

بسم الله الرحمن الرحيم و انه هو خير ناصر و معين

با شهادت به احدیت خداوند سبحان و اقرار به رسالت^۱ رسولش حضرت خاتم(ص) و ولایت مولا علی(ع) و اولیایش و با سپاس و سلام بر امام عصر(عج) و نائب بر حقش امام امت و قلب امت و پیرجماران روحی له الفدا.

سپاس خدایی را که غیر او را امیدی نشاید و ما را توانایی قدم از قدم برداشتن بدون مشیتش نیست.

خدایا! تو خود بر ضعف و ذلت ما آگاهی و خود میدانی که اگر یک لحظه نور ولایت و هدایت خود را از ما قطع فرمایی و الطافت را شامل حال ما درماندگان نسازی، همانا نفس اماره به بدیمان سوق خواهد داد و شیطان رانده شده از درگاہت بر زمینمان خواهد زد.

سپاس ترا که لطفت شامل حال ما شده و ما را از رکود و سستی چندین صد ساله رهانید و نیز نعمتهای بیکرانت را بر ما ارزانی داشت، سپاست می‌گوییم که چنین نعمتی عظمی، رهبری که از سلالهی پاک حسین(ع) است، نصیب ما فرمودی، تا بعد از سالیان دراز که تاریکی و ظلمت جهل و نادانی‌ها و شیطان صفتی‌ها سایه گسترده بود، ما را از ولایت شیطان و طاغوت بقبول ولایت... و اولیایش رهنمون سازد.

[...] ^۲ دهیم خدایا امام عزیز را برایمان حفظ کن و قدرت درک روح پر عظمتش را گرچه اندک، برایمان عنایت فرما. خدایا! ما را لحظه‌ای به خودمان^۳ وامگذار تا در هر موقعیت و در هر مکانی که هستیم بتوانیم خالصانه و برای تو قدم برداریم. خدایا! قدرتی عنایت فرما تا از بند نفس، خود را برهانیم.

آمین یارب العالمین.

به امید زیارت کربلا

التماس دعا - سهراب آقاپور

۱. اصل: برسالت آمده است.

۲. به نظر میرسد صفحه‌ای مفقود شده است و موجود نیست.

۳. اصل: بخودمان آمده است.

۲۱۳۳/۱۹۶
۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم وانه هو خير ناصر ومعين

اللهم غير مؤجالتنا بحسن مالك وتوفيقك الي لفلانك واشفقنا بديكرتك وطاعتك واعدنا من سخطك واجرا من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من فضلك ^{ولا} وحفظ قلبنا سببا وشقيقك وتصديقنا بكتابتك انك على كل شي قدير...

باشهادت به احديت خداوند سبحان وافرار به رسالت رسولش حضرت خاتم (ص) وولايت مولاي (ع) واوليائش ويا-سياس ولام بر امام عصر (عج) ونايب بر حقش امام امت وقلبش امت بهر چارار ان روسي له الفداء سياس خدايي را كه غير اورا اميدى نشايد ومارا توانايش قدم ارقدم برداشتن بدون متبشست نيست خدايائش خود برضع وذلّت ما كاغي و خودميدانى كه اگر يك لحظه نور ولايت وهدايت خود را از ما قطع فرمايش و الطافت را شامل حال ما در ماندهگان نساى همانانض اماره به بيديمان سوي خواهد داد وشيطان رانده شده ادر كاغت بر زميمان خواهد زد سياس ^{خود را} نرا كه لطفت شامل حال ما شده ومارا از ركسود و سستی چندين ساله رها نيد و كلك نعمتهاي بهر گرانما را بر ما ارزاني داشت . سياست من گوشه كه جنين نعمتي عظمى رهبرى كه از سلاله ناك حسين (ع) است نصيب ما فرمودى تابعه از سايلان دراز كه تاريخي وظلمت جهل و نادانى ما وشيطان عفتي ما سابه گسترده بود ما را از ولايت شيطان و طاقت به قبول و اطاعت ولايت ... و اوليائش رهنمون سارده.

۹۴/۰۵/۹۹ سراسر آياييز

(اين حقير همچون قطره اي در درياي خروشان احساس ميكنم كه بايد حركتي داشته باشم و رسالتي را كه سالها بردوشم بود و آنرا به انجام نرسانيدم به انجام رسانم و به عهدي كه با خدا بسته ولي ابراشكنم وفا كنم) خدايا خود را مصداق آيه شريفة (ان الانسان لربه لكنودونه نحب الميراث) ميبينم چرا كه متراستنه ام رسالتي را كه برعهده ام نهاده اي به انجام برسانم و از عمل و طاعت كوله ام را خالي ميبينم و چيزي راد خود سراج ندارم كه به در كاغت اراشه كنم به جز اينكه اميد وار رحمت و كرمت باشم بر حسب الامر شريع مقدس و صابايم را اينگونه بجان مبدارم.

... و اما (شماست) شهيد پرور بدانيد كه ولايت امام در طول ولايت ... و حاكيميست اوست . و اطاعت از او اطاعت ار خدا و رسولش ميباشد . آگاه باشيد كه دشمنان اسلام

۴۹

و خاندان و سوسه گر در کتب این انقلاب نشسته اند) نادر فرصت مناسب عرض اندام کند
 جنگ را که به فرموده امام مسئله اصلی است همیشه در رأس امور اتقان قرار میدهد (و بیستین
 بداند جنگ بین اسلام و کفر تمام شد می نیست) و تا ظهور منتقم شهدا حضرت قائم کشته
 انشا... با ظهورش نور الهی را در سراسر گیتی خواهد گسترانید ادامه خواهد داشت .
 (اسلام و انقلاب اسلامی امانتی است که بدست شما سپرده شده است تا آنرا به صاحب
 اصلی اش تحویل دهید) بسا در حفظ این امانت سستی و تزلزل از خود نشان دهید از یاد خدا
 غافل شوید) که (ان اذکر الله اذکرکم وان نسیر الله یبصرکم و یخفیث القلوب) سعی کنید
 در برخورد با مسائل سیاسی و بحرانهای اجتماعی و سایر معضلاتی که گریبانگیران است با
 تکیه بر الطاف غفیه الهی و امداد های غیبی و توکل بر او یابید جای پای امام بزرگوار و روحا
 نابع امام بگذارید . بر رجل سیاسی که مسئولیتی بر دوشان است واجب است اوامر
 امام را منتقدانه اجرا کنند . بر شماست شهید بیرواست که مویه موی دستورات امام
 را با جان و دل گوش فرانهد و ضمن اجرای محکم برای این اوامر باشد تا خدای ماکرده -
 اوامر امام توجیه یا تخریف نشود بدانند که به فرموده شهید مظلوم بهشتی بهشت را بسه
 نهان میدهد و باید بهای گزافی را بابت آن پرداخت و این امر در گرو ایمان به خدا
 و تقوی الهی و صبر و تلاش در صراط حق و عزیز داد نهادن است و یاداندنها و تحمل مشکلات میسر
 خواهد بود . همیشه در صحنه باشید و حرف پاره سربازان را راجع ب شهید که خداوندی شاست
 و دست خدا بالاترین دستهاست . خداوند شفاعت اولیای الهی و شهدا را در غمی و احسرت
 نصیب همه شما و ما بگرداند انشاء...

خدایا بندگان عاصی را به رحمت خود ببشاید و ما را با شهید و صالحان محشور بدار . و بد
 حالی ما را با احسن اجابت خود به نیکی و احسان معدل فرمای حال که دستم از عمل کوتاه
 است ارتعاش مومنین و مومنات عاجزانه التماس دعا دارم از همه دوستان و آشنایان و کسانی
 که حقی بر گردن من دارند و نتوانسته ام آنها را به جای بهاروم حلالیت می طلبم . ح

انالله وانالیه راجعون

سهراب آقاپور

نام: محرم
نام خانوادگی: آقا جانی
نام پدر: عبدالله
نام مادر: ماهی
تاریخ تولد: بیستم فروردین ۱۳۴۸
محل تولد: نقده
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند این در را به روی همه باز نمی کند، روی عده ای خاص از اولیاء خودش باز می کند.
- * برادران و خواهران! صبر و استقامت پیشه کنید که خدا صبورترین را دوست دارد.
- * از نمازهای تان غافل نشوید و در دعای کمیل و نماز جمعه زیاد شرکت کنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد
اشهدو ان لاله الاالله و اشهد ان محمد رسول الله و اشهد ان علی حجت الله

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

با سلامها و درودهای گرم از قلب پر از گناهم بر شما رزمندگان و امت شهیدپرور و با درودهای بیکران بی بر قلب نازنین امام امت و خانواده‌های معظم شهدا و با سلام‌های خالصانه به آه و ناله شبزنده‌داران و با سلام به روح پرفتوح شهیدان معصوم و بدر ندیده آنها. جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند این در را بر روی همه باز نمی‌کند، روی عده‌ای خاص از اولیاء خودش باز می‌کند. عصر ما هم عصری است که خدا این باب جهاد را باز کرده است. پس معلوم میشود که خاصهی اولیاء خدا در عصر ما هستند که خدا این باب جهاد را باز کرده و خدا دوستشان داشته که این در را باز کرده و کسی که از طریق جهاد یا شهادت می‌رود با آن کسی که از طریق بیماری مرگ به سراغش می‌آید فرق می‌کند. آن کسی که از طریق بیماری می‌رود همه کارهایش می‌رود، زیر سؤال، و از او دقیق سؤال میشود.

اما آن کسی که قدرتش را می‌دهد و نیرویش را می‌دهد و آن کسی که قبل از اینکه از دنیا برود او خودش می‌رود، طبعاً به خاطر این جانفشانی که در راه خدا کرده مورد محبت خداست و مورد علاقه خداست، برادران و خواهران! گفتن اینکه ما برای چه قدم به میدان رزم گذاشته‌ایم مشخص است و لازم نیست، که شماها به حرف بی‌خردان و پول‌دوستان و دنیا‌دوستان گوش نکنید و صبر و استقامت پیشه کنید که خدا صبورین را دوست دارد. به مزار شهدا بروید بنشینید و کودکان شهدا را زیاد محبت کنید که آنها داغ زیاد دیده‌اند، از نمازهایتان غافل نشوید و در دعای کمیل و نماز جمعه زیاد شرکت کنید وقتی با جسد من مواجه شدید به یاد اجساد شهدای کربلا سجادگونه و زینب‌گونه و رقیه‌وار استقامت کنید و چنان وانمود کنید که دشمنان از شما ناراحت شوند نه خوشحال، برادران و خواهران!

نگذارید این 'وقت‌ها به هدر' بروند نگذار این خونها پایمال شود. آگاه باشید که این وقتها و این فرصتها دیگر برگشت ندارد رفته‌گان رفته‌اند خوشا^۳ به حالشان که در راه خدا و برای رضای خدا رفته‌اند و حالا برماست که راهشان را ادامه داده ما نیز به صف آنها بپیوندیم^۴.

ما نیز برای خدا که شده به اسلام و ملت ایران و مظلومان جهان خدمتی کرده باشیم فرض کنید زمان شاه باشد همه دخترا به پسرها بپیوندند^۵ همه بی‌حجاب همه کثیف باشند، آن وقت خوب، خواهش می‌کنم فکر کرده جواب بدهید، آن وقت است که آرزوی اسلام خواهیم کرد، حالا که خدا این نعمت را به ما داده بیائید از این نعمت استفاده کنیم کفران نعمت نکنیم.

برادرانم! هر پرچمی که از دست سرداری می‌افتد سردار دیگر آن را برداشته به صف رزمندگان می‌پیوندد^۶ و حالا فرض کنید ما سردار نیستیم یک خدمتگذار ناچیز و ضعیف‌الایمان هستیم.

نگذارید اسلحه‌ی ما به زمین افتد حتی اگر شده همه‌تان به صف دینداران اسلام بپیوندید. اسلام به تک‌تک‌امتش لازم و احتیاج دارد ماها باید این نیاز اسلام را برطرف کنیم انشاءالله.

۱. اصل: و آمده است.

۲. اصل: بهدر آمده است.

۳. اصل: خوشحا آمده است.

۴. اصل: بپیونیدیم آمده است.

۵. اصل: بپیوندند آمده است.

۶. اصل: میپیوند آمده است.

بیاد مادرم

بیوسم دستت ای مادر که پروردی مرا آزاد^۱ بیا بابا تماشا کن که فرزندت شده داماد به حجله میروم شادان ولی زخمی به تن دارم بجای رخت دامادی لباس خون کفن دارم خواهرانم! می‌دانم آن طور که شایسته برادریتان نبودم و بعضی اوقات شما را اذیت می‌کردم و حقی را که در گردن من بود نتوانستم به طور دلخوشتان انجام دهم امیدوارم که بنده را حلال کنید و از تقصیراتم بگذرید و زینب‌گونه صبر تحمل کنید و با عمل و صبرتان دشمنان اسلام را روسیاه^۲ کنید، پدر و مادرم، پدرجان! باور کن آنقدر ترا اذیت کرده‌ام که خجالت می‌کشم.

می‌دانی که تا تو مرا نبخشی من اجر و مزدی ندارم و یقین دارم که به لطف گرم خداوند منان میبخشی پدرجان من برای تو فرزند خلفی نبوده‌ام و آن داغ مادرم که در دل تو بود و تا ابد هم خواهد بود چون همسری برایت نبود که به زودی فراموش کنی این داغ در دل فرزندش (بنده) نیز هست و خواهد بود.

پدرجان! مواقعی میشد که ترا عصبانی میکردم و آن مرحمت و کرمی که در وجود تو بود مرا عفو میکردی باور کن. حالا هم ناراحتم و از اینکه در مواقعی بلندتر از تو صحبت میکردم باور کن ناراحتم، و از این ناراحتی‌ها نیز ناراحتم امید زیادی دارم که مرا ببخشی.

مادرم! من ترا از مادر خودم کوچکتر و کمتر ندیدم^۳ گاهی اوقات می‌شد که خیال می‌کردم که اصلاً اتفاقی نیافتاده است، امیدوارم تو را از مادری برادران و خواهرانم کم نکند انشاءالله، به خانواده عمویم سلام گرم دارم مخصوصاً به یادگار^۴ فرزندشان (سمیه) سلام دارم به او و مادرش به پدر و مادرش (جعفر) بگوئید که (محرم) با داغ ندیدن فرزندشان رفت و دیار را به قیامت گذاشت. بگوئید که او حتی لحظه جان دادن مادرش را نیز ندید، خدا انشاءالله توفیق دهد که در آخرت بتوانم این ناراحتی را جبران کنم، از تمام دوستان و آشنایان خواهش میکنم که بنده را عفو کنند و هرچه بدی از بنده حقیر دیده‌اند به بزرگواریشان ببخشند.

از همکلاسهایمان و از دوستان حالیت می‌طلبم و از آنها نیز می‌خواهم که راه شهیدان را ادامه دهند و به اسلام و مسلمین خدمت کنند، موسی جان! با سلام به خدمت شما امیدوارم

۱. اصل: مرآزاد آمده است.

۲. اصل: روسیا آمده است.

۳. اصل: نمودم آمده است.

۴. اصل: یادگار آمده است.

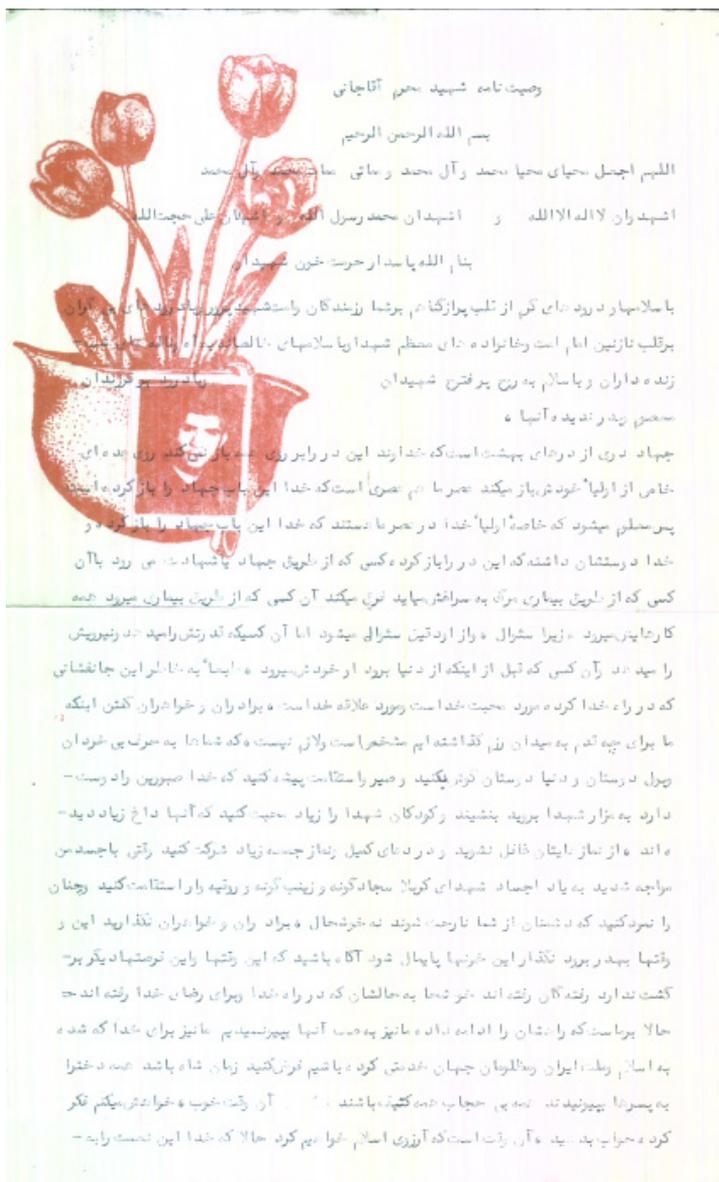
[در] راهی که در پیش گرفته‌ای موفق و موید باشی.

موسی جان! تو برایم برادر بزرگواری بوده‌ای، خدا این بزرگواری را از ما کم نکند، به برادر رحمت‌الله نوری مسئول بسیج دانش‌آموزی از بابت ۶ قطعه عکس چهل تومان، یادم رفت بدهم، امیدوارم ضمن بجا آوردن، حلالیتم را از او بطلبی، دیگر سر شما را به درد نمی‌آورم و همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و [از] دوستانم حلیت می‌طلبم و از آنها نیز می‌خواهم که راه شهیدان را ادامه دهند و به اسلام و مسلمین خدمت کنند، مهدی را خوب ادب کنید و راه ما را به او به خوبی نشان دهید و به سمیه، بابک، سیامک، حجت و سجاد و مهدی سلام مخصوص دارم، از خواهرانم تقاضا دارم که دو ماه روزه و یک سال نماز را که قضا مانده بجا آورند، خواهش میکنم، والسلام و رحمت‌الله و برکاته.

مورخه ۱۳/دی ماه

شصت و پنج

محرم آقاجانی



وصیت نامه شهید محرم آقاجانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ اجْعَلْ حَیَاتِی حَیَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَیْطِی عِبَادِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً علی حجة الله

بنام الله پاسدار حرست خون شهیدان

باسلام مبارک بود برای کسی از قلب پرازگشایم پرشما زندگان راست شهید پروریان بود این مردان
پر قلب نازنین امام است و خاتمه داد جان منظم شهیدان اسلامیان - انصاف به همه با آنکه جان خود را
زنده داران و باسلام به روح پرفتن شهیدان

سبحان پدر زنده و آتیا ه

جهاد دری از دریای بهشت است که خداوند این دریای روی جسمیان نسوخته روی پده ای
خاص از آریا خود تر باز میکند عصر ما هم عصری است که خدا این باب جهاد را باز کرده است
پرسنظم میشود که خاصه آریا خدا در حرماً هستند که خدا این باب جهاد را باز کرده و
خدا درستان داشته که این دریای کرده کسی که از دلش جهاد یا شهادت می رود بآن
کسی که از دلش بیاید مرگ به سرافتر میاید ترن میکند آن کسی که از دلش بیاید میورد همه

کارهای بیورد - زیرا شرال ه و از اودتین شرال میشود اما آن کسیکه ندرش رسیده در نورش
را میدد آن کسی که قبل از اینکه از دنیا برود او خود تر بیورد ه - ایضا به انوار این جانفشانی
که در راه خدا کرده بیورد - محبت خداست و مورد علاقه خداست ه برادران و خواهران گشت اینکه
ما برای چه قدم به میدان رفتن گذاشته ایم شجر است ولائی نیست ه که شما را به طرفین خود ان
بیول درستان و دنیا درستان فرزند بکنید و صبر و استقامت پیدا کنید که خدا صبورین را دوست -
دارد به هزار شهید بریزد بنشیند و کودکان شهید را زیاد محبت کنید که آنها داغ زیاد دید -
ه اند ه از نماز ایقان خاتل نشنید و در دریای کبیل زمان جسمه زیاد شرکته کنید راضی با جسمه من
مواجه شدید به یاد اجساد شهیدای گریلا سجاده گزیده و زینت گزیده و روئیده و استقامت کنید روحان
را نبرد کنید که دشمنان از شما ناراحت شوند نه در خرحال ه برادران و خواهران تقدیرید این و
و آنها بعد برورد تقدیر این خرنها پایمال شود آگاه باشید که این رشتها را این نوصتهای دیگر بر-
گشت ندارد رفته گان رفته اند خرن شما به حالشان که در راه خدا و برای رضای خدا رفته اند ه
حالا بریاست که را دشمنان را ادا نه داد ه مانیز به صبا آنها بیورنیدیم مانیز برای خدا که شده
به اسلام و ملت ایران و ملتوای جهان خودش کرده باشیم فرزند کنید زبان شاه باشد همه دشمنان
به پسران بیورنیدند همه به حجاب همه کشیده باشند ه آن رفته خوب ه فرزندش میکم فکر
کرد و خواب پدید ه آن رفته است که آرزوی اسلام خواهم کرده حالا که خدا این نعمت را به -

ما داده بهائید ازین نسبت استفاد نکیم کفران نعمت نکیم براد را می : هر چیزی که از دست
 سرداری می افتد سردار دیگر آن را برداشته به صفت زندگان پیوسته و حالاً فرض کنید ما سردار
 هستیم یک خدمتگذار ناچیز و ضعیف الا یمان هستیم نگذارید اسلحه ما به زمین افتد حتی اگر
 شده همه تان به صافه پند آید اسلام بیرونید اسلام به نیک تلاشگران و احتیاج دارد ما را
 باید این نیاز اسلام را برآورده کنیم انشاء الله بیاد ما در

بیوسم دست است ای مادر که بر روی برآزاد بیبا پایا تا شاگرد که فرزندت شده داماد
 به حمله میری شادان ولی زحمتی به تن دارم بجای رخت داماد لباس خون کفن دارم
 خواهراتم : میدانم آن لوز که شایسته برادریتان نبودم و بعضی اوقات شما را اذیت میکردم و
 حتی را که در کوفتن من برد نتوانستم به آورد لطفشان انجام دادم امیدوارم که بنده و احلال
 کنید راز تصیراتم بگذرید زینب گونه صبر تحمل کنید و با عذر و صبرتان دشمنان اسلام را رو سیا
 کنید و پدر ما را : پدر جان یا زرگن آفتد ترا اذیت کرد ما که عجلالت میکنم میدانی که تا تو
 مرگبخشی من اجر بودی ندانم و پاتین دارم که به دلانکم خداوند نشان میبخشی پدر جان من
 برای تو فرزند خلقی نبود ما و آن داغ ما را که در دل تو برد تا ایدم خواهرت بود چون
 نسوری برایت نبود که به زردی فراخورگی این داغ در دل فرزندت را (بنده) نیز هست و
 خواهد بود پدر جان مرا می میشد که تو نصیاتی میکردی آن مرحمت رگرم که در وجود تو بود
 مرا غم میکردی یا زرگن : حالا من ناراحتم راز اینکه در سوختی بلند تراز تو صحبت میکردم با زر
 کن ناراحتم و راز این ناراحتی تا نیز ناراحتم امید زیادی دارم که مرا ببخشی

مادرم : من ترا از مادر خودم کوچکتر و کمتر ندیدم کاشی اوقات میشد که خیال میکردم که اصلاً
 اتفاق نیافتاده است : امیدوارم تو را از مادری برادران و خواهرات کم نکند انشاء الله و به
 خانواده و تبریم سلام کنم ما را مخصوصاً به یادگار فرزندتان (سیده) سلام دارم به او و مادرش
 به پدر و مادرش (جعفر) بگوشید که (محسن) با داغ ندیدن فرزندشان رفت و دیدار راه
 قیامت گذاشت بگوشید که او حتی لحظه جان دادن مادرش را نیز ندید : خدا انشاء الله توفیق
 داد که در آنوقت بتراجم این ناراحتی را جبران کنیم : از تمام دوستان و آشناهای خواهرش
 میکنم که بنده را غم نکنند و در چه بدی از بنده حقیق دیده اند به بزرگواریشان ببخشند از
 تکلیفهایمان راز در میان حلیت من : المیم راز آنها نیز میفرماید که راه شهیدان را ادامه دهند
 و به اسلام و مسلمین خدمت کنند : موسی : جان : با سلام به خدمت شما امیدوارم راهی که در پیش
 گرفته ای برود و رسید باشی موسی : جان تو برایم برادر بزرگاری بود ای خدا این بزرگواری را از ما کم
 نکند : به برادر رحمت الله تویی : شارل : بسجج : دانش آموزی از یابست ۶ دانسه مکن جهل توان بیا دم
 رفت بدی ام امیدوارم بجای آوردن : خالیتم را از اطفالین و دیگر سرشارا به دردی آورده شما را
 بنده ای بزرگ میباید رسیدی را شرف اد بکنید روز ما را با بریم : خیر نشان داید به سیدها با کسبیاک
 حجتت و سعاد رسیدی سلام : محمدرحیمی دارم : از خواهراتم تا خدا دارم که در راه روز و نیک سال نماز را که
 تمام ما را به بجا آورده : خواهرت میکنم : زالمسلمین و رحمت الله بزرگانه مرده ۱۲/۱۲ می ما مشتقین
 وصیت : فرزند : اسلام : محسن : آناهیتا

نام: قربانعلی
نام خانوادگی: آقاخانی
نام پدر: الیاس
نام مادر: لیلان
تاریخ تولد: هفتم تیر ۱۳۴۷
محل تولد: شهرستان شوط
تحصیلات: حوزوی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و یکم فروردین ۱۳۶۶
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * راه هایی که من رفتم می تواند افتخار آفرین برای شما باشد.
- * به رهبرتان بنگرید که چگونه در برابر شنیدن خبر شهادت فرزند بزرگوارشان حاج آقا مصطفی صبر نمودند و آن را یک نعمت الهی دانستند.
- * زینب به عنوان اسوه و الگو باید سرمشق همه ی حرکت های تان باشد.
- * حمایت از امام عزیز این نعمت الهی را از دست ندهید.
- * مساجد این پایگاه عظیم اسلامی را خالی نگذارید.
- * نمازهای جماعت را بپای دارید.
- * بیشتر به یاد خدا باشید که خداوند کسانی را که به یاد او هستند دوست می دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا^۱

گروهی از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفادار ماندند پس برخی بر آن عهد ایستادگی کردند تا به راه^۲ خدا شهید شدند و برخی به انتظار فیض شهادت، مقاومت^۳ کره و هیچ عهد خود را تغییر ندادند.

خدایا! با تو پیمان بستیم که تا پایان راه بروم و همچنان بر پیمان خویش استوار ماندیم. بارالها! تو میدانی که من با چشمانی باز و فکری آگاه بحقانیت انقلاب شکوهمند اسلامی پی برده و برای احقاق حقوق محرومین به جبهه هجرت نمودم تا بدور از ناپاکی‌ها بسوی تو روان شوم و به آرزوی دیرینه‌ام برسم.

پدر و مادر عزیزم! می‌دانم که برای بزرگ کردن من چه رنجها و ناملایماتی را متحمل شدید و دین سنگینی بر گردن من دارید با توجه به این شما افتخار میکنم که مرا در چنین راهی قرار داده‌اید و اسلام عزیز را در قلب و روح من رسوخ دادید و اکنون هم که در اینجا هستم از تعالیم گرانقدر شماست و امیدوارم خداوند متعال اجر زحماتتان را به بهترین وجه عنایت فرماید.

حال اگر من شهید شدم برابم ناراحت نباشید چرا که امانتی از طرف خداوند هستم که دیر یا زود باید بسوی خدا بازگردانده شویم. چراکه قرآن میفرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۴ راهی که من رفتم میتواند افتخارآفرین برای شما باشد و خوشحال باشد از اینکه فرزندی به جامعه^۵ تحویل دادید که باعث سرشکستگی شما نشده و راه پیامبر گرامی و ائمه معصومین و به خصوص راه حسین عزیز را ادامه داده، بنابراین به رهبرت^۶ان بنگرید که چگونه در برابر

۱. آیه سوره

۲. اصل: براه آمده است.

۳. اصل: مقاومت آمده است.

۴. بخشی از آیه سوره

۵. اصل: بجامعه آمده است.

۶. اصل: برهبرت^۶ان آمده است.

شنیدن خبر شهادت فرزند بزرگوارشان حاج آقا مصطفی صبر نمودند و آن را یک نعمت الهی دانستند، اگر واقعاً فرزند خوبی برایتان بودم انتظار دارم که راهم را ادامه دهید، راهی که ادامه دادن آن باعث زنده نگه داشتن اسلام و سرفرازی آن در سراسر گیتی خواهد بود. و اما خواهران عزیزم! آیا زینب(ص) را میشناسید که او کسی بود که به مصیبت‌های وارده بر کاروان حسینیان صبر و شکیبائی نمود هرچند که رفتند ولی زینب و زینبیا راهشان را ادامه دادند زینب بعنوان اُسوه و الگو باید سرمشق همه‌ی حرکت‌هایتان باشد که چه در پایگاه افشای یزیدیان زمان و چه در سنگر حجاب که در این عصر از زمان خون‌شمشیری بران بر توطئه‌های استعمارگران فرود آمده باعث پاکدامنی و حفظ عفتشان خواهد بود و فردا از همین دامن‌های پاک فرزندان رشید و حافظانی نستوه برای اسلام پرورش خواهند یافت و اما شما امت دلاور همیشه در صحنه بود و خدا بر اراده‌های پولادیش و دشمن‌شکنتان یا که این چنین بیباکانه بر خصم کافر یاختید و آن را بر خاک مذلت و خاری نشانید بدانید که این حرکت و نهضت و مقاومت بوسیله‌ی آن بزرگ رهبر آگاه و انقلاب شکوهمند اسلامی امام امت می‌باشد که همه‌مان به او مدیون هستیم چرا که او دستهای ناتوان و ضعیف ما را گرفت و از تاریکی‌ها بسوی نور هدایت کرد و چشمان دل‌مان را روشن نمود تا حقایق را درک نمائیم بنابراین حمایت از امام عزیز این نعمت الهی را از دست ندهید که در غیر اینصورت چون کوفیان خواهیم بود همیشه آمادگی اجرای فرامین او باشیم و در کارهایتان از او سرمشق بگیرید تا به رستگاری برسید جبهه‌ها را چون گذشته پر نگه دارید و تا پیروزی نهایی از پای ننشینید.

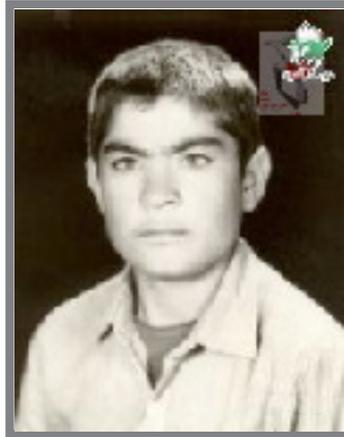
مساجد این پایگاه عظیم اسلامی را خالی نگذارید نمازهای جماعت را بی‌پای دارید مراسم مذهبی بخصوص ایام محرم و رمضان را گرمی دارید که ما هر چه داریم از اسلام است و انقلابمان نیز از همین ایام محرم برخاسته. بیشتر به یاد^۱ خدا باشید که خداوند کسانی را که به یاد^۲ او هستند دوست میدارد، در پایان از شما برادران و خواهران گرمی طلب بخشش و التماس دعا دارم به امید پیروزی نهائی کفرستیزان اسلام و زیارت کربلای حسینی بفرماندهی خمینی کبیر

طلبه بسیجی آقاخانی

۱. اصل: بیاد آمده است.

۲. اصل: بیاد آمده است.

نام: حسن
نام خانوادگی: آقازاده شیبیلوی سفلی
نام پدر: عباسعلی
نام مادر: ملاح
تاریخ تولد: بیستم بهمن ۱۳۴۹
محل تولد: میانداوآب
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هجدهم اسفند ۱۳۶۶
محل شهادت: هزارقلعه مریوان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * همه بدانند، من آگاهانه و با انتخاب خود در این راه قدم گذاشتم.
- * امام خمینی را دعا کنید و راه امام را دنبال نمایید.
- * ای مسلمانان! بر علیه دشمنان اسلام بجنگید که یا پیروزی می شوید و یا شهید می شوید که باز هم پیروز هستید.

به نام خداوند بخشنده مهربان

من از تمام ملت مسلمان می‌خواهم که امام خمینی را دعا کنید و راه امام را دنبال نمایید و دعا کنید که خداوند بزرگ از عمر ما بکاهد و به عمر او بیافزاید! همه بدانند من آگاهانه و با انتخاب خود در این راه قدم گذاشتم و از آن زمان که مزه این راه را شناختم و انتخاب کردم روز به روز که بر عمرم می‌گذشت موفق‌تر و پربارتر در زندگی گام برمی‌داشتم، لذا اگر توفیق زیادی پیدا کردیم و سعادت نصیب شد و توانستم فائق و رستگار شوم، هیچ کس مسئول مرگ و شهادتم نیست. ای مسلمانان! بر علیه دشمنان اسلام بجنگید که یا پیروز می‌شوید و یا شهید می‌شوید که باز هم پیروز هستید و در ضمن دعای همیشگی خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، را فراموش نکنید.

«والسلام»

اسفندماه ۱۰/۱۲/۶۶

حسن آقازاده

بیتام خداوند بخشنده بر دل

و حجت نامه تشهیر حسن آقازاده
اشتراک ۱۰، ۱۱، ۹۹

من از تمام مدت سال من خدام به اسم علی زاری کعبه و راه امام
بوده ام نه تنها در دعا گفتن و دعا خواندن بلکه از همه جا بکاهم و به مجرد
به آفرینم همه در اندیشه آن گاهان و بنا استخار خود در این باره
قدم گذاشتم و از آن زمان به نزه این راه رفتنم و استخار
کردم و نوزده روز به هر روز که در وقت صبح از خواب بیدار شدم و در روزی
تمام بر من و شمع و کذا که در وقت زبانی بیدار کردم و در هر روز تقسیم
شد و در اینست عایشه در استخار استم هیچ کس استخار نکرد
و شهادت من نیست. پس مسلمانان بر علم و فضیلت (السلام بگفتند)
یا بیرون از هر وقت که در یاد تشهیر می شود چون که بازم به هر روز همیشه در
حجت دفاع همیشه خود را با تا انقلاب خودی حسین را
نگه دار را فراموش نگفتند.

۹۹، ۱۱، ۱۰
دو و السلام

اشتراک
حسن آقازاده

نام: ارو جعلی
نام خانوادگی: آقازاده

نام پدر: یوسفعلی

نام مادر: نوبر

تاریخ تولد: دهم تیر ۱۳۴۶

محل تولد: ماکو

تحصیلات: -

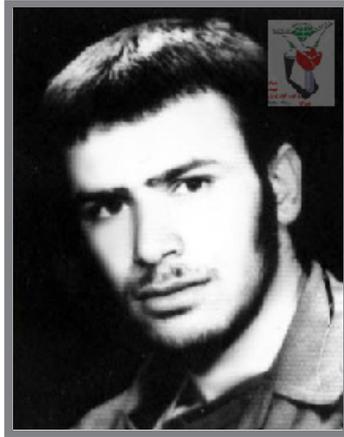
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران

تاریخ شهادت: بیست و یکم مهر ۱۳۶۵

محل شهادت: شهر سرو ارومیه

نحوه شهادت: حزب دمکرات

مزار: زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

* از برادرانم می‌خواهم همیشه پشتیبان امام امت باشند و از برکت وجود ایشان استفاده نمایند.

* سنگرها را خالی نگذارند و جای خالی شهدا را در جبهه‌های اسلامی پر نمایند.

* به خواهرانم توصیه می‌کنم که عفت را زینت خود سازند و همانند مادرم رفتاری فاطمه‌گونه داشته باشند.

* خدایا! به پدران و مادران ما صبر و شهامت عطا بفرما.

بسمه تعالی

حمد و سپاس خدایی را که رحمان است و رحیم و همیشه بندگان را مورد لطف و رحمت خود قرار میدهد.

سلام و درود به پیشگاه صاحب عصر، منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) و با سلام و درود بر نایب برحق او امام امت و با سلام بر تمامی فداکاران، خانواده‌های معظم شهدا، اسراء، مفقودین.

سلام علیکم، ضمن عرض سلام خدمت پدر و مادرم درباره خودم که بدون اجازه شما روانه جبهه نور علیه ظلمت شدم حلالیت می‌طلبم.

پدر عزیزم! از اینکه همیشه محیط خانه را با عقیده‌های مذهبی و اسلامی خود صفا می‌بخشیدید سپاسگزارم و جبهه رفتن من هم کاری جز انجام رهنمودهای امام امت و شما پدر بزرگوaram نبود. شما میدانید که خداوند بزرگ در بنده همانند شما مسکن داده است که من هرگز به مقام دنیا و ارزش دنیوی بیشتر تکیه نمی‌کنم.

همانطور که حضرت امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «بخدا قسم کسی که در دنیا به مقام دنیوی ارزش قائل می‌شود من آنرا پستترین و بدترین و منفورترین انسان میدانم.» از برادرانم می‌خواهم که همیشه پشتیبان امام امت باشند و از برکت وجود ایشان استفاده نمایند و زندگی ایشان را الگوی زندگی خود قرار بدهند و همچنین خواهشمندم که سنگرها را خالی نگذارند و جای خالی شهدا را در جبهه‌های اسلامی پر نمایند.

ای مادری که ۱۹ سال در بزرگ کردن من یعنی پسری که در آخر هم بدون اجازه شما به جبهه عازم شده به جبهه‌های که نور علیه ظلمت می‌جنگد، سلام. مادر! نورچشمم بنده، از تو خواهش میکنم که اصلاً گریه نکنید و همیشه افتخار کنید که پسران را فرستاده‌اید در راه اسلام می‌جنگد و شهید می‌شود.

سعی کن همانند زینب (س) و همانند مادرانی که چندین شهید داده‌اند باشی و همیشه سلام و امام امت را در نماز دعا کن. به خواهرانم توصیه می‌کنم که عفت را زینت خود سازند و همانند مادرم رفتاری فاطمه (س) گونه داشته باشند و در آخر از همه دوستان،

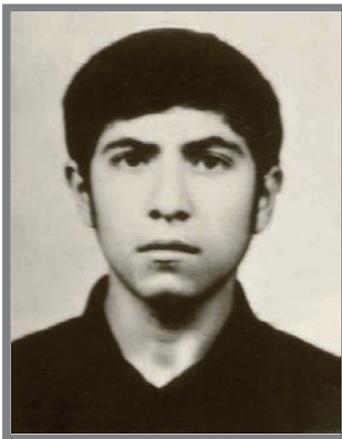
آنهایی که احیاناً از بنده بدی دیده‌اند طلب حلالیت می‌کنم.
خدایا! گناهان مرا به آب رحمت خود بشوی و روسفید به درگاہت قبول کن. خدایا! به
پدران و مادران ما صبر و شہامت عطا بفرما. خدایا! این جنگ را کہ حق علیہ باطل میباشد
با پیروزی حق به پایان رسان و امام امت طول عمر بیشتر عطا بفرما.

بنده مجرم و گناہکار تو اروجعلی آفازاده

۱۶/۱۱/۶۵

امضاء

نام: ذبیح الله
نام خانوادگی: آقایان
نام پدر: محمد
نام مادر: قدمخیر
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۷
محل تولد: میاندوآب
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: هجدهم بهمن ۱۳۶۶
محل شهادت: دهلران
نحوه شهادت: اصابت ترکش خمپاره
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* مردن بهتر از ننگ است.

* امام را تنها نگذارید.

بسمه تعالی

بحضور محترم پدر گرامی آقای محمد آقایان، از جبهه حق علیه^۱ باطل [...] از تقدیم عرض سلام و سلامت شما را از درگاه خداوند متعال خواهان و خواستارم. امیدوارم که آن [...] وجود نازنین در زیر سایه ایزد تبارک و تعالی صحت و سلامت بوده باشید. پدرجان! من الان در جبهه حق علیه باطل مشغول انجام وظیفه هستم و از مقدس دین اسلام در جبهه راضی هستم.

پدرجان! از شما خواهش [...] به وصیت این جانب عمل نمائید. پدرجان! اگر من در جبهه حق علیه باطل شهید شده باشم بخاطر من گریه نکنید، [...] من، اگر گریه بکنید روح من عذاب خواهد کشید. من در این جبهه برای پیروزی اسلام و انقلاب عزیزمان به نبرد و پیوسته [...] اسلام عزیز پیروز نشود دست از نبرد نمیکشم. چون امام عزیزمان فرمود که مردن بهتر از ننگ است. ما هیچ [...] به نبرد؟ صدام سر خم نمیکنیم. ما حتماً پیروز خواهیم شد.

پدرجان! در جبهه برای من خیلی خوش می‌گذرد شما هم آنچه دارید در پشت سنگر خدمت بکنید به مسجد بروید بر سربازان اسلام دعا بکنید، در بیمارستان‌ها به پیش مجروحان جنگی بروید تا آنها شاد باشند.

پدرجان! به مادرم بگوئید برای من گریه نکند، همچنین به برادران و خواهران توصیه می‌کنم پشت سر من [...] حتی نباشند و هیچ وقت سنگر را خالی نگذارند و امام را تنها نگذارید. کسی که پشتیبان انقلاب است فقط سنگر را پر بکنند.

[...] مادر در آغوشم - تفنگم بر سر دوشم - حلالم کن دم آخر

ارادتمند شما
ذبیح الله آقایان

۱. اصل: علیح آمده است.

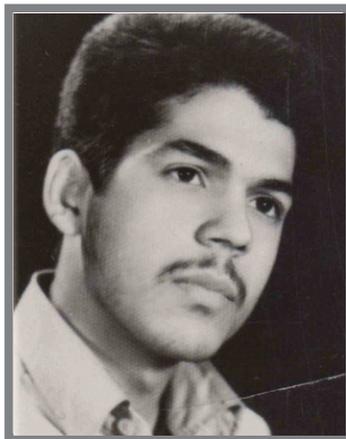
۲. ناخوانا

۶۹۸۸۳/۱
 ۶۹۴۶۵
 حضور محترم پدر و مادر گرامی آنرا عرض کنیم . از جمله حق مسلم ما ملت
 بعد از تقدیم روحی سالم و سلامت همواره از درگاه خداوند متعال خواهان و فریادکنیم امیدواریم که آن
 روح عزیزتان در نزد سرکارم انزلی در کتابت و تعالی الهی و سلامت بودید بکنیم . پدر جان من ایان در چه
 شیخ و علمای باطل مفسول انبیا و اهل بیت علیهم السلام در چه راهی هستیم . پدر جان از ما فراموش
 نشوید و بهت این جانب بچشم نشانی پدر جان اگر خدا در چه حق علی باطل شمشیر تیر با هم بجایمان گزیند
 چون اگر گریه بکنیم روح ما عزاب خواهد گشت . خدا در اینجا همه جوان بیروزگار اسلام و انقلاب عزیزان ما بیروزگار
 اسلام عزیز بیروزگار نشود دست از بند ما نکشیم چون اسلام عزیزمان غرور که مردان بهتر از شماست . ما هیچ
 دست بیروزگان اسلام سرخم نمائیم . ما خدا بیروزگاریم . شکر و حمد و سپاس خدا را در چه جوان در چه جوان من خیر تو گمانند که در راه
 ملت ما در چه دوست شکر و حمد است بکنیم چه بیروزگار اسلام و انقلاب در چه جوان در چه جوان من خیر تو گمانند که در راه
 روح ما تا آنها که با کینه پدر جان به ما درم بگویند بر ما دست نگذارند . هر چه که در راه ما
 واقع میماند و هیچ وقت گمراهی نماند و ما هم دانستیم که در راه ما که پشیمان انقلاب است فقط ما گمراهی نماند
 صادر در آن وقت . ما انقلاب بر سر داریم . حلال که گمراهی نماند

ارادتمند شما ذبیح الله آقایان

۱۳۵

نام: بهزاد
نام خانوادگی: آهن دوست
نام پدر: عزیز
نام مادر: هاجر
تاریخ تولد: بیستم ونهم آذر ۱۳۴۴
محل تولد: خرم آباد
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سوم خرداد ۱۳۶۱
محل شهادت: هویزه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: بهشت زهرای تهران



عبارت های کلیدی

- * به امید ثانیه ای هستم که مرگ سرخ را که از محراب علی (ع) و شمشیر حسین (ع) سرچشمه می گیرد به آغوش بگیرم.
- * امام را تنها نگذارید.
- * همیشه در صحنه حاضر باشید تا توطئه گران آرزوی خود را به گور ببرند.
- * مبدا امام امت این قلب ملت و هدیه خدا را تنها بگذارید.

بسم الله الرحمن الرحيم انا لله و انا اليه راجعون

پیکار کنید برای احراز حق و بگذارید بجای ذلت و ننگ دامن و کفن شما آغشته به خون بدنتان باشد. **امام علی (ع)**

باید عزیزان خود را فدای اسلام بنمائیم. **(امام خمینی)**
به امید ثانیه‌ای هستم که مرگ سرخ را که از محراب علی (ع) و شمشیر حسین (ع) سرچشمه می‌گیرد در آغوش بگیرم. پدر و مادر و دیگر عزیزان و دوستان با جملات بالا دیگر فکر نمی‌کنم برای شما اندوهی مانده باشد که برای آن غصه بخورید شما توجه کنید به گفته‌های بزرگان اسلام و ببینید این بزرگان دین چه می‌فرمایند و شما هم از آنها پیروی کنید. حال که خبر شهادت مرا دریافت می‌کنید از شما می‌خواهم که بی‌تابی نکنید و آیه‌ی شریفه‌ی «انا لله و انا اليه راجعون»^۱ را زمزمه کنید.

می‌خواهم که اگر به مقام رفیع شهادت نائل آمدم با نثار خون ناقابل خود به این نابخردان و بی‌دینان بفهمانم که اگر نبودم در صحرای کربلا یاری امام حسین رهبر آزادمردان را نمایم. امروز به ندای حسین زمانم خمینی بت شکن فریاد لیبیک را سر می‌دهم و تا آخرین قطره خونم دست از چنین رهبری و چنین مکتبی نخواهم کشید.

و تقاضای من از ملت مسلمان و قهرمان و شهیدپرور ایران این است که امام را تنها نگذارید و همیشه در صحنه حاضر باشید تا توطئه‌گران آرزوی خود را به گور ببرند. مردم: مبادا امام امت این قلب ملت و هدیه خدا را تنها بگذارید.

خدایا! تو را به حق خون تمام شهدا قسم می‌دهم رهبر انقلابمان را از تمام بلیات ارضی و سمائی مصون و محفوظ بدار. و عمر ما را لحظه‌ای بگردان و آن یک لحظه را به عمر رهبرمان بیفزای...

خدایا! شهادتم در راه اسلام و قرآن را که خاری بر چشم دشمنان است بپذیر.

۱. بخشی از آیه سوره

بامید پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری^۱ امام امت و نابودی تمامی ابرقدرتها و در رأس آنها آمریکا.

و در آخر می‌خواهم که جسم بی‌روح مرا در بهشت زهرا در کنار بهشتی‌ها و رجائی‌ها و دیگر شهیدان گلگون‌کفن به خاک بسپارید.

به امید پیروزی اسلام در سراسر گیتی

بهزاد آهن دوست

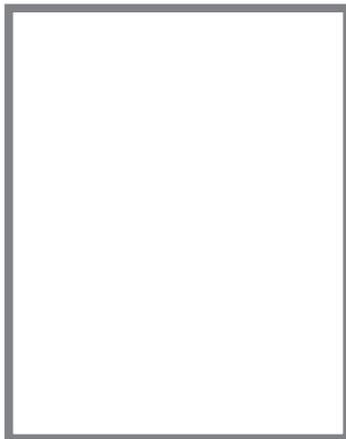
بسم الله الرحمن الرحيم
 ما لله وانا اليه راجعون
 ۱۳۹۲/۰۶/۰۱

وصیت نامه
 بیگار کشیده برای اهراز حق و بگذارد بیای دلت و تنگ دامن و کفن شما آفتاب به خونه دهرستان
 با شد ۱۳۹۲/۰۶/۰۱

باغی عزیزان خود را برای اسلام بنی اتم (ایم حسین)
 به امید لایای هستم که برگ صدف را که از خواب می (۱) و و شکر حسین (۱) سرچشمه و کمر
 در آغوش بگیرم . پدر و مادر و دیگر عزیزان و دوستان با اجالات با او و کج فکر من کنم برای
 خداوند سائده باشد که برای آن غصه بخورد من به توبه کشیده می گفتن طای مبارک اسلام و بیرون
 این برنگاه دین چه می فرمایید و شما هم از آنجا پیروی کنید .
 حال که خبر شدست مراد از شکر کشیده از شما می خواهم که بی تا می نکنی و آن را شکر کنید
 ما لله وانا اليه راجعون را از منزه کنید .

بی خلاصم که اگر به شرم رفیع شهادت تا آن آید من با شاکه و قابل خود این تا ایران و بی دلت
 بمانم که اگر خبرم در هموار کرد بلا یاری امام حسین رهبر آزادیان و ایام هر روز به نای
 حسین زمانم حسین است شکن مراد و لبیک را سر می دهم و تا آخرین قطره خونم و دست از حسین
 رهبر می چینم مکتبی که نامم کشیده (دستاواص من از ملت مسلمانان و همزمان و سهیل بود ایران
 این است که نامم را که نگذارید و همیشه در محبت با من با کشید تا در طایفه ایران آرزو خود را
 به کوه بچینه سردم . منار ایام است و من تکلیف است و هر دو جو اراش نگذارم .
 بی و از آن جن خون نام سردا قسم من دهم رهبر انقلابان را از کرامت بیعت (رض و مسلمانان مصون
 و محبت بدار . و هر بار از محبت اس بگردان و آن تک توبه را به همه رهبران ایثار .
 دلای شهادت در راه اسلام و قرآن را که خوار سر چشمه دشمنان است بیخیز .
 با مسیح بود از انقلاب اسلامی ایران بر هر یک ایام است و تا بدو در همان ایام در راه و در راه با آرزو
 در آرزو می خواهم که جسم بی روح مرا در بهشت رها در کن . بهشت ها و جنان ما و دیگر شهیدان بنگران
 کفن هم خاک چسبها رو .
 به امید پیروز اسلام در راه است .
 بهر آن که

نام: محمد (بهروز)
نام خانوادگی: آهن دوست
نام پدر: عزیز
نام مادر: هاجر
تاریخ تولد: یکم اسفند ۱۳۴۷
محل تولد: خرم آباد
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نهم اردیبهشت ۱۳۶۵
محل شهادت: هوپزه
نحوه شهادت: اصابت ترکش گلوله توپ
مزار: باغ رضوان ارومیه



عبارت های کلیدی

* بارالها! مرگ و شهادت من را در راه خودت قرار بده.

* چه بهتر که مرگ و شهادت انسان در راه خدا باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هر که به پیغمبر (ص) گرویده مأموریت استقامت دارد. «امام خمینی»
 آنقدر در دریای خون شنا کنید تا به ساحل پیروزی برسید. «امام حسین (ع)»
 خدایا این بنده گنه‌کارت در خود لیاقت فیض شهادت را نمی‌بیند، چرا از آنجا که امامان (ع) سفارش کرده‌اند که انسان وصیت‌نامه را بنویسد.

بارالهی، گناهانم بقدری زیاد است که از تو شرمندهام که بگویم چند سال زندگی راحتی لحظاتی عبادت تو را کرده‌ام و بنده‌ی تو بوده‌ام، ولی چه کنم که در دعاهایم بعد از استغفار از معاصی همیشه طالب یافتن عشق به تو بوده‌ام و این [را] با توفیق شهادت همراه می‌دانم و این تنها خواسته‌ی بنده از آفریدگار خود بوده و هست. چون این وصیت‌نامه را در سنگر و خیلی باعجله شد، عذر می‌خواهم.

پدر و مادرم! از خدا اول برای شما صبر و اجر خواسته و بعد می‌خواهم که بعد از بنده عمری را که خداوند مقرر کرده را در طاعت خدا و کار برای اسلام بسر برید و از همه مهمتر بنده نتوانسته‌ام وظایف دینی خود را در حق شما انجام دهم و از شما حلالیت می‌طلبم (انشاءالله). تنها سخنم با دوستان و مردم این است که تا تحقق آرمانهای اسلامی از پا ننشسته و امام را هیچگاه خدای نکرده تنها نگذارید.

والسلام.

عبدخطا کار خدا

محمد آهندوست

ساعت ۶/۲۰ بعد از ظهر

۵ رکعت قضای نماز صبح و ۴ رکعت نماز شکر برایم بخوانید. تمام وسایلم را به نیازمند بدهید و چیزی را نگه ندارید. و از تمام دوستان برایم حلالیت بطلبید. از تمام اهل خانواده حلالیت می‌طلبم.

جسم بی‌روح مرا در باغ رضوان دفن کنید.

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^۱

«کسانی که در راه خدا کشته می شوند، مرده نپندارید. بلکه آنان زنده اند و در نزد پروردگار روزی می خورند.»

درود به روان پاک امام امت رهبر مستضعفین جهان رهبر دردمندان و مصیبت زدگان، رهبر زحمت کشان و رنجبران و مظلومین جهان. چرا که این طبقه دل به او بسته اند و امیدوارند که رهبری او به رهبری و قیام حضرت امام زمان مهدی موعود(عج) متصل گردد. انشاء...

خدایا، پروردگارا! من به خود می بالم که سرباز اسلام هستم، سرباز امام زمان و در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خدمتگزارم. بارالها! مرگ و شهادت من را در راه خودت قرار بده. افسوس که من یک جان بیشتر نداشتم که در راه نایب امام زمان(عج) که راه برپا شدن حق و عدالت است، هدیه نمایم.

پدرجان، می دانم که محبت من در دل تو بسیار است و رنج و اندوه از دست رفتن من برایت سنگین است. ولی در راه ... و در راه به ثمر رسیدن حکومت اسلامی بسی ناچیز است و از درگاه خداوند شما باید تشکر کنی که این نعمت را بر شما ارزانی داشته و شما را از این ثواب برخوردار گردانیده است.

پدر عزیزم! تو را به خدا سوگند می دهم که مرا فراموش کن و مبادا خدای ناکرده گریه کنی و اجر و منزلت خود را در برابر پروردگار از میان ببری.

پدر و برادران و خواهران و مادر عزیز و دلسوزم! می دانم که غم از دست دادن فرزند برای هر خانواده ای مخصوصاً برای مادر بسیار مشکل و دشوار است.

اگرچه می گویم خانواده محترم مرا فراموش کن. ولی می دانم که این امر برای خانواده امکان پذیر نمی باشد. ولی عمر دنیا کوتاه است.

بالآخره آدمی یک روز به دنیا آمده و یک روز هم از دنیا می رود. چه بهتر که مرگ و شهادت انسان در راه خدا باشد.

مادر عزیزم! از زحماتی که در مدت ۱۹ سال از عمر من کشیده‌اید، تشکر می‌کنم و از خدای بزرگ خواهانم که در قیامت با فاطمه زهرا(ع) همنشین کند و از خداوند متعال می‌خواهم که طول عمر و سلامت کامل به امام عطا کند.

والسلام علیکم و رحمة‌الله... و برکاته.

نام: میر یعقوب
نام خانوادگی: آهوز
نام پدر: ابراهیم خلیل
نام مادر: خوشقدم
تاریخ تولد: دهم بهمن ۱۳۴۵
محل تولد: ارومیه
تحصیلات: چهارم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: جهادسازندگی
تاریخ شهادت: بیست و نهم اسفند ۱۳۶۶
محل شهادت: سوسنگرد
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* بارالها! گمراهان را هدایت فرما و اگر قابل اصلاح شدن نیستند مرگشان را زودتر برسان.

* پشتیبان ولایت فقیه بوده و سنگرها را مگذارید خالی شود.

بسمه تعالی

مادر عزیز!

از اینکه حق واقعیت را ادا نکرده‌ام و بر تو ظلم روا داشته‌ام عذر می‌خواهم ترا به خدای^۱ آسمانها و زمین و به جان امام عزیزمان اگر افتخار شهادت یافتم حلالم کن تا نزد خدایم حجل نباشم و در آن دنیا سربلند به پیشواز معشوقم بروم.

دوست دارم گمنام بمیرم. تا شاهد گریه و زاری تو نباشم اگر جسدم بدست شما رسید بر مزارم اشک ماتم مرزید که مبادا دشمنان شاد گردند... انشاءالله من به آرزویم رسیده و گمنام خواهم بود. منتظر جسم فانی من باشید.

اگر به درجه^۲ شهادت نائل گشتم و قبول حق تعالی شدم شفیع شما خواهم شد. مادر عزیز بهتر از جانم، از رویت خجلم برای دریدن حجاب خجالت، می‌خواهم که در آن دنیا با روی باز بدیدارت بیایم...

پدر گرامی!

از روی گلت شرمنده‌ام حلالیت می‌طلبم چه بسا روزهایی بوده که نافرمانیت را کرده‌ام، مرا ببخش و از گناهم درگذر،

بارالها! اگر مرا لایق شهادت می‌دانستی مرا مورد لطف قرار ده تا با مرگ خود بار گناهانم را سبکتر کنم... بارالها! گمراهان را هدایت فرما و اگر قابل اصلاح شدن نیستند مرگشان را زودتر برسان، تا نتوانند ضرری به انقلاب برسانند. و در پایان از اُمّتِ حِزب... می‌خواهم که پشتیبان ولایت فقیه بوده و سنگرها را مگذارند خالی شود، از همگیتان حلالیت می‌طلبم.

«خدایا، خدایا تا انقلاب مَهْدی خُمینی را نَگهدار»

أَزْ عُمْرِ مَا بَكَاهُ وَ بَرِّ عُمْرِ أَوْ بِيْفِرَا

۱. اصل: بخدای آمده است.

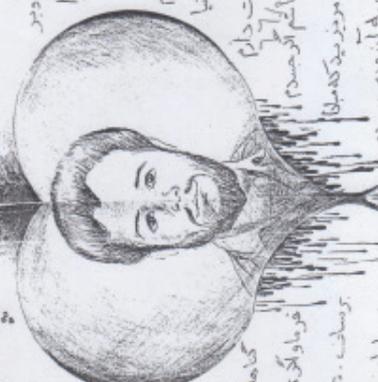
۲. اصل: بدرجه آمده است.

پدر گهرانی

امروز گلت شرمده آ که خلاصت بی طلبم
چهار روز مانی بوده که تا فریادت
را که در دام مرا بپوش و از گمراهی در گره
باز الیها اگر مرا لاین شهادت بی زاری
مرا مورد طلب قرار ده تا با مرگ خود بار
کما حاتم را سبقت کنم... بار الیها کما امان را در آیت
خود ما که قابل اصلاح شرف نیستند مرگشان را برون
برسافت. تا حق اماند ضروری به انقلاب برسانند.
و در جایات از افسوس خیزد... بی غواهم که پشتیبان
ولایت فقیه بوده و مستگرم ما را مکارم نام شود.
از مکتوبات خلاصت بی طلبم.
خدا ای خدا ای تالیلاب مکتوبی از گناه دار
آنقدر مانده و بر نعمت انبیا
شهادت
سه روز آموز

مادر عزیز

را اینکه حق واقعت را آنقدر که ما و بر
خو ظاهر روا داشته اند عذری خواهم ترا
مخدای آسمانها دوریز و به عبادت امام
عزیز مات کن افتخار شهادت یافت حلالم
کن فایز د خدام عمل شایسته و در آلت دنیا
سوییده به پیشواز مصیبت بروم دوست دارم
که در آسیرم تا شاهانه گردیده و زاری تو شایسته اگر مریدم
بدست شمار سید بر مزارم اتک ماتم عزیز که به کمال
دشمنان خادگر دهند... انشاء الله به آرزویم رسیده
و کذا غواهم بود. منتظر جسم مانی من باشید اگر در برده
شهادت نائل گشتم و قبول حق تعالی شدم شایسته شایسته
شدم. مادر عزیز تو را جانم از رویت خجلم برای درودت
چهار روز محبت و غواهم که کفایت دنیا با روی
مادر مدیونت بایم.....



بیمه

وصیت نامه

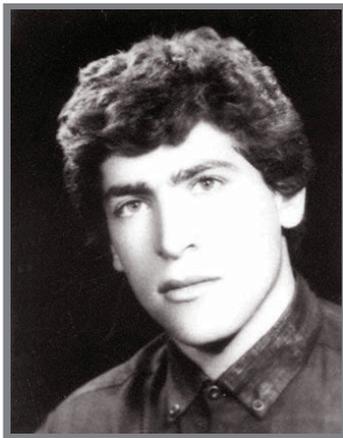
تاریخ شهادت ۳۷/۱۷

شهادت

۳۷/۱۷

۷۸

نام: کریم
نام خانوادگی: امید باراندوزی
نام پدر: رحیم
نام مادر: واله
تاریخ تولد: دهم تیر ۱۳۴۵
محل تولد: روستای باراندوز تابعه شهرستان ارومیه
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هجدهم اردیبهشت ۱۳۶۲
محل شهادت: روستای اودی شهرستان زادگاهش
نحوه شهادت: انفجار مین و اصابت ترکش آن
مزار: روستای اودی



عبارت های کلیدی

* امام را تنها نگذارید و از ولایت فقیه پشتیبانی نمایید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با درود و سلام به امام زمان (عج) و نایب بر حقش رهبر کبیر و بت شکن زمان خمینی و با درود به تمام رزمندگان که در جبهه های حق علیه باطل با کفار ستیز می کنند و از جمله به رزمندگان که در جبهه های کردستان با کفار و منافقین و دمکرات مبارزه می کنند و با درود به تمام شهیدان.

می خواهم چند کلمه با پدر و مادر و امت حزب الله صحبت کنم. سلام پدر، سلام مادر، سلام خواهران، سلام برادرانم. با شهید شدن من اصلاً ناراحت و غمگین نباشید. پدر و مادر، مرا ببخشید و حلالم کنید که نتوانستم در مقابل آن زحمت شما که از کوچکی به من متحمل شده اید به جای بیاورم. پدر و مادر، هیچ فرصتی به دست منافقین بی خبر از خداوند ندهید و در مقابل آنها اصلاً غمگین و ناراحت نباشید، بلکه شاد و خوشحال باشید. زیرا من در راه خدا و به خاطر رضای خدا این راه را تعیین کرده ام و ادامه داده ام و امیدوارم که تا آخرین قطره خون خود از امام امت پشتیبانی کرده باشم. ولی یک خواهش دیگر پدر و مادر در آخر از شما استدعا دارم که امام را تنها نگذارید^۱ و از ولایت فقیه پشتیبانی نمایید و بالاخره در آخر از شما پدر و مادر و برادران و خواهرانم طلب حلالیت می خواهم.

إنا لله و إنا اليه راجعون

به امید پیروزی کامل اسلام و رزمندگان اسلام در تمام جهان

خداحافظ

به امید دیدار

کریم امید باراندوزی

۶۲/۱/۴

۱. دراصل وصیت نامه کلمه " نگذارند " آمده بود.

و صحت نافع با ما را میسر فرماید کریم امیدواراندوزی

بسم الله الرحمن الرحیم

کرمی با امیدواراندوزی ۲۲/۱/۴

با درود و سلام به امام زمان و نائب حقش و بزرگوارترین شیخ زمان حسین و اجداد و پدران و برادران و
 باطل با کفار منسوخ کند و از خود در بر زمینان که در عهد علی کردستان با کفار و منافقین و دشمنان
 برادر در با تمام شیعیان خرافات و کفر با پدر و مادر ملت حزب الله و صحت کرم سلام نور سلام
 کرم سلام برادران با شهادتشان من اعتقاد ناراحت و بیمین باشم پدر و مادر مرا دوست و طلبه کرم
 مقابل آن زحمت نسوا که از کوی کجی که من غسل نموده به حال میادرم دور و طلبه کرم سلام نور صحت
 کرمی خیر آن از حد او اندر بود در مقابل آنها اهل ایمان و ناراحت بنا شد بلیله شاد و خوشحال با
 راه خواجه بنا طرح طلب و معارف خدا این راه را همین کرام و داده داده ام و میگویم که تا آخرین قطره
 پستیابی کرده باشم و می یک خرافات دیگر دور میادرم در آخر از شما دستم دارم کرم سلام نور
 همه پستیابی نماید و بلاعه در آخر از شما دور میادرم و برادران و خواهرها مرا طلب حلال
 کرم

انا الطوبى انما الله راجع

به امید پیروزی کامل اسلام و برانداختن اسلام در

تمام جهان

۲۲/۱/۴

خواهرها به امید

دیر در دنبال دیگر

۱۰۱۹
۲۲/۱

کرم

نام: سیفعلی
نام خانوادگی: استاد حسنلو
نام پدر: حسنقلی
نام مادر: اختر
تاریخ تولد: اختر ۱۳۳۸
محل تولد: شروستای قزلبچه از توابع
شهرستان سلماس
تحصیلات: کاردانی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: ششم مرداد ۱۳۷۱
محل شهادت: دره لولیک شهرستان
زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: همان روستا



عبارت های کلیدی

* راه رسیدن به آن مقام والا، انجام واجبات و ترک محرّمات و اطاعت از اوامر ولی فقیه می باشد.

* تأکید می کنم با صبر و حوصله و استقامت در مقابل مشکلات و مصائب دنیا همچون زینب به پیش رفته و توشه ای برای آخرت ذخیره نمایید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم رب الشهداء و الصديقين

اینک جهت ادای تکلیف و لیبیک به ندای رهبر کبیر انقلاب جهت نبرد با دشمنان خدا و رسول اکرم(ص) هستیم بار دیگر طلب حلالیت از کلیه اقوام و آشنایان[می کنم] اگر حقی بر گردنم داشته باشند طلب مغفرت نموده و از خداوند سبحان بخواهید جمله گناهان ما را ببخشند و از خود شما طلب حلالیت نموده و رسالت بزرگی که در اسلام بر دوش شما زنان با عفت گذاشته آن هم تربیت صحیح فرزندان در دامن پاک که امیدهای آینده انقلاب و اسلام می باشند همچون زینب^۱ به تکالیف خود عمل نموده تا در روز قیامت در کنار ایشان و فاطمه زهرا(ع) روسفید باشید و آن وعده ای که خدا داده که بهشت زیر پای مادران است تا از این نعمت بزرگ الهی بهره مند شوید و راه رسیدن به آن مقام والا، انجام واجبات و ترک محرّمات و اطاعت از اوامر ولی فقیه می باشد و بار دیگر تأکید می کنم با صبر و حوصله و استقامت در مقابل مشکلات و مصائب دنیا همچون زینب آبه پیش رفته و توشه ای برای آخرت ذخیره نمایید. هر چند خود کوله باری^۲ از معصیت و گناه بر گردن دارم و با آمدن به جبهه می خواهم تزکیه نفس [کنم] و از خداوند متعال خواستار بخشش و رحمت بیکران او هستم و از مال دنیا حیاط مسکونی که ارث پدری بوده و مبلغ ۱۱ هزار تومان در مخابرات و نقدینه دیگری ندارم و مقروض بنده به مادرت ۶ هزار تومان است و اگر کسی گفت مقروض به بنده باشد آن را هم پردازید و از شما تقاضا دارم همیشه قناعت را پیشه خود و زندگی ساده داشته باشید و نهایت سعی و کوشش خود را در تربیت بچه ها به کار برده و بنده از خداوند متعال برایتان اگر رحمت خدا شامل حال بنده باشد و به شهادت رسیدم در روز قیامت شفاعت شما از مولای خویش حضرت علی(ع) به درگاه ایزد منان می کنم.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه دار. کوچک شما

سیفعلی استاد حسنلو

۶۶/۱۲/۲۸

۱. در اصل وصیت(زینب وار))

۲. در اصل وصیت(زینب وار))

۳. در اصل وصیت ((با کوله باری))


 نام و فانی: یسیر تقائی
 کلاس: چهارم ابتدایی
 شماره ثبت: ۴۱۸۸۱۹
 نام خانوادگی: محمدی
 نام مدرسه: ...
 شماره مدرسه: ...
 نام معلم: ...
 تاریخ: ...
 امضاء: ...
 مهر: ...


 نام و فانی: ...
 کلاس: ...
 شماره ثبت: ...
 نام خانوادگی: ...
 نام مدرسه: ...
 شماره مدرسه: ...
 نام معلم: ...
 تاریخ: ...
 امضاء: ...
 مهر: ...



مخصوصاً نامردوسی و رشادگان اسلام

(منطقه جنگی)

گروه همبند

استاد آذربایجان غربی

حاج آقا

۱۳۳۷

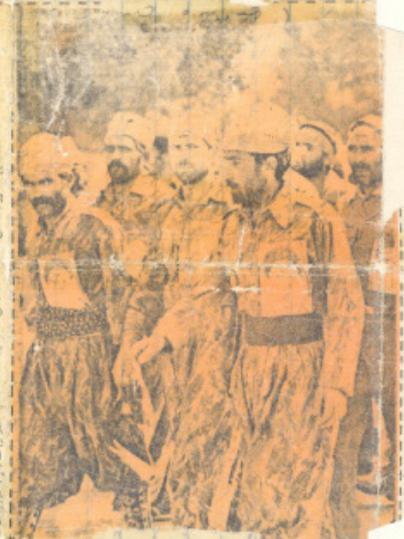
گروه همبند

استاد آذربایجان غربی

حاج آقا

۱۳۳۷

تقدیر از رشادگان اسلام و حسن انجام وظیفه شما لشکریان - ایام عزیزی ما



گرومان عزیز
شما را خدا از خون شهدا همیشه یقیناً تقاضا
میخورد از بوشین طالب محرابه و کتیبه‌های
بزرگ شما ، خدا " خودداری فرمائید ، زیرا استقامت
و رازداری یکی از عوامل مهم در پیروزی است
اسلام میباشد .

بزرگترین عمل بیوفایی
جهاد در راه خداست
پیر کرم شیخ رشاد

اسلام جنبی :
اقتصاد زود قابل حصول است ، اما دوری
انسانی ، مالی و فیزیکی لازم است تا انسانی
به رشد انسانی برسد ، و من اینطور مشاهده
کردم بنا بر اساس راهی اسلام هستند ، بنا بر این
خودتان هم بکنید ، پاسداری از نفس خودتان
بکنید ، نگذارید نفس مرگنی بکند و هر کاری
می خواهید بکنید ، چهار کنید نفس خودتان را که
تابع اسلام باشد ، هر چه خدا می خواهد عمل
کنید .

نام: زین العابدین
نام خانوادگی: ابراهیم اوغلی
نام پدر: قربانعلی
نام مادر: جمیله
تاریخ تولد: بیست و پنج شهریور ۱۳۳۸
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم فروردین ۱۳۶۲
محل شهادت: موسیان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: شهرستان خوی



عبارت های کلیدی

زین العابدین ابراهیم اوغلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اینجانب زین العابدین ابراهیم اوغلی فرزند قربانعلی مبلغ ۲۶۲۰۰ ریال بدهکاری دارم به آقای سعیدی [] که در قبل از پیروزی مقاومت هنرستان بودند و گویا مبلغ ۴۷۰۰ ریال آن از ناحیه دولت آن زمان بوده است که به من داده بودند تا امرار معاش نمایم که آدرس ایشان در تبریز، چهارراه ساعت، مقابل ساعت، اول خیابان ارتش، آموزش و پرورش ناحیه ۲ (امور تربیتی) نشانی منزل خواهرش که بنده یک بار در ۲۵/۱۲/۵۷ خدمت ایشان در آن محل رسیدم و عیادتی از ایشان که مریض بودند نمودم. مبلغ ۲۷۰۰۰ ریال به آقای مهندس علی اکبر غفاری که زمانی ریاست هنرستان را به عهده داشتند

بنده آدرس ایشان را ندارم ولی می توانید از هنرستان پرسید.
و در رابطه با آقای عباس زاهد (مسئول بنیاد مسکن) یکبار ۵۰۰۰ ریال و یکبار ۸۰۰۰ ریال و یکبار ۳۰۰ قالب بلوک سیمانی (یا ۳۵۰ قالب) معادل تقریبی ۱۰۰۰۰ ریال از ایشان گرفته ام برای ساخت دیوار و چاه توالی منزل پدر و در رابطه با مرحوم شوهر خاله ام آقای محمد اسلام پناه، گمان می کنم تا ۱۰۰۰۰ ریال مدیون ایشان می باشم.
در رابطه با آذر خانم همسر پسر عمویم علی راد سعید ابراهیم اوغلی شیشه اجاق گاز ایشان در سال ۵۵ در حین تمیز کردن شکست که حدود ۳۵۰۰ ریال است.
مبلغ ۱۰۰۰ ریال از آقای حاج رضا منافی در ۲۲/۹/۵۶ دریافت شده است که در خوی معلم ریاضیات می باشند.

و ۱۳۰۰۰ ریال به برادر عزیزم آقای حسین پیاھو بدهکارم.
و ۱۰۰۰۰ ریال در رابطه با بچه های هنرستان که آن زمان (دوران تحصیل) برای مستعمندان یا کارهای دیگر جمع می کردیم در ذمه من (بر اثر اینکه یک مقدار سردیها شد و ما دیگر دنبالش را ادامه ندادیم) مانند (یعنی مجالس و محلی برای خرجش پیدا نکردیم)
تا اینجا حدود (بازده) ۱۱۰۰۰ (هزار) تومان و خورده ای بدهکاری دارم که مقداری هم رد

مظلّمه بر گردن من است که تا ۱۵۰۰۰ تومان برآورد کرده ام. اگر مقدار رد مظلّمه را زیاد گرفته باشم برای این است که سبکبار لااقل در این جهت رخت بر بندم.

به برادر بسیار بسیار عزیز و ارجمند و بزرگوّارم وصی من آقای حسین پیاھو وصیت می کنم اگر انشاءالله مردم حقوقی برای ناحیه بسیج بود یعنی اگر ماهیانه دادند به ترتیب از رد مظالمه شروع کنند به اخذ از بسیج و پرداخت این دیون و بعداً و قرضهائیم را بدهند و اگر فقط بسیج حقوق دو سه ماه را داد رد مظالم و قرض های جزئی را بدهید و از کلان ها نامه بنویسید و عرض حال کنید و حلالیت بطلبید. بعداً اگر تمام قروض من تمام شد و چیزی بر ذمه ام باقی نبود بدین وسیله وصیت می کنم:

ماهیانه ۱۵۰۰ (هزار و پانصد) تومان به دست مادرم «بالاجا خانم» بدهند که امرار معاش با بچه ها نمایند و باقی را به خاله ام «فاطمه» که مادربزرگ مادریم هم با ایشان زندگی می کنند بدهند و بدین ترتیب من را حلال کنند و برای من درخواست آمرزش و مغفرت طلب شهادت نمایند.

* مبلغ ۱۰۰۰۰ ریو از پیش بدهندگی در ۲۲ تارخ ۱۳۰۵ در کاشانی

که در صورت مسلم بر ما نسبت می‌دهد

* و بر ۱۳۰۰۰ ریو به برادر بزرگوارم ضعیف پاشوی به عهده

* و بر ۱۰۰۰۰ ریو در اولم به یکم چهار خردشت که آنست (ده روز تکمیل)

بزرگ مستخدمان یا کورصن گویو صیغ می کردیم و تکمیل در ۲۲ اردیبهشت

من (اگر اشتباه کتبتدیه سر در باره و ما دیگر امثال را از این بزرگوارم)

مانند (یعنی محاسنی و محاسنی بوسی خردشتی بنده کردیم)

تا این صده دادیم (بسیار از اجزای تومان بود و ده‌ها)

بسیار است که توارای محرم را در مقابل بزرگوارم (در این است)

که تا بر ۱۵۰۰۰ تومان بود که در ۱۳۰۵ است

تقریباً در مظالم از بزرگوارم که در این کلمه نمی‌تواند بر بیان اول اهل را بی‌گردد

۱۳۰۵ ۸۱۶۱ رضیفونیم

۳

حال به برادر بزرگوارم رضیفونیم و ارضیه و بزرگوارم

و در صورتی من ضعیف پاشوی

و صیغ می‌کنم اگر آنکه مردم

بزرگوارم حقوقی بوسی من آن صیغ بزرگوارم بود

یعنی اگر ما هزینه دادیم

تقریباً از در مظالم شروع کرده است به اخذ از بزرگوارم و بزرگوارم

اینی دیون و بعداً و فرمایم بزرگوارم

بزرگوارم فقط بزرگوارم حقوقی او است ماه را دارد

در مظالم و فرض محاسنی جزئی را به عهده

و از کلان محاسنی طلبیم

نام بنویسید و عرض حال کنید و

۱۳۰۵ ۸۱۶۱

رضیفونیم

بعداً اثر تمام خروج من تمام است و چندتا بر دستم باقی نبود
به نیت و صلوات و وصیت من کنم
ما حیة ۱۵۰۰ (هزار و پانصد) تومان به دست مادرم "بلاجا خانم"
به هند که امر معارف بیکم خانانیه
و باقی را به خاله ام "فاطمه" که مادر زهرا مادرم هم با این زندگی
می گزید به هند
و به نیت تشریف من را حلال کند و برای من درخواست آمرزش و مغفرت
و طلب عبادت نماید اللهم العا
۴۰

وصیت‌نامه دیگر:

بسم ا... الرحمن الرحيم

الان زمان زمان تلاش است و جهاد (جهاد هم یک معنی اش تلاش نهایی و جهاد در حد اعلاء است) دیگر نه زمان شعار است و دم از عمل و اینها زدن. اگر مرد رهی به میدان باید رفت اگر پا بریده ای با سر باید رفت، باید روی دست رفت، باید سینه کشان بر روی زمین رفت. باید درخت دین را با خون خویش آبیاری کرد. اگر نجنبی فردا دیر است هیهات که باز هم فرصتی ... آری برادر امروز نه روز آسایش و آرامش است و نه روز خوابیدن و بر بستر نرم و گرم آرمیدن.

ای برادر این سخن گوش دار و در گنجینه خاطر بسپار که طریق شیطان مپویی و جز ثنای یزدان مگویی.

دیده خود را باز کن و بال اندیشه پرواز که دیدن دارد آنچه را طبیعت است ... بنگر به برگ درخت آفرینش که هر برگی جهانی راز است نزد اهل بینش. به فرموده عقل والا قدم بردار و گوش بر نفس بد اندیش مدار که آن تو را عزت دهد و این ذلت.

دانی که تو را عشق چه می فرماید

گر نفس و هوا را بکشی می ستاید

در بند هوای نفس اماره مباش

تا بر تو در صفای دین بگشاید

دنیا ارزش آن را ندارد که جان بر سرش نهی و جان آن ارزش ندارد که جان به رهش دهی.

رودی، اگر هستی به دریا بپیوند، که دریا گردی، که رود اگر فنا نشود مرداب است پس ای رود آدم به دریای (او) عالم سرازیر شو که بقا یابی و گرنه مردابی.

از بس دوستان انواع حرف ها را در گوش من خواندند که برای خودم هم این سؤالات گاهاً پیش می آیند که نکند من از زندگی سیر شده باشم و بخوام به جبهه و به مرگ پناه برده باشم، دیگر به قدری دلشکسته و خاطرآزرده و دل رنجه و غمین از بعضی از این

اشخاص شده ام که با خودم می گویم اگر این هم یکی از عوامل رفتن من به جبهه و پناهنده شدن به مرگ مثلاً شهادت باشد، باز هم اشکالی ندارد، چه لااقل وقتی مردم هر چند شهادت نباشد، بعد از مرگ اعمالمان و رفتار و گفتار حتی آنچه که در دلهایمان و در مغزهایمان است به تمام اینها خدا آگاه و بینا و مواظب است.

از یاری رساندن به بندگان خاص خدا کوتاهی نکنید و بدانید که هر کس به قدر ذره ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید و عزیزان بدانند که هر که غیبت کند در قیامت اول اعمال حسنه اش با اعمال سیئه مورد غیبت خواهند شد.

ثانیاً زبان غیبت کننده آنقدر بزرگ و بلند خواهند شد که در آن ازدحام و شلوغی و سرگردانی و تراحم نه در ابعاد فلسفی اش، زیر پای مردمی که هر کدام دنبال پناهگاهی و جایی می گردند خواهد ماند و له و لورده خواهد شد، برای اینکه هرگز دچار نشوید و مرتکب نشوید که غیبت کسی را بکنید هرگز درباره کسی اصلاً حرف نزنید.

اصلاً اهمیت ندهید که کسی از شما راضی نباشد یا راضی باشد، بلکه رضایت خدا را در نظر بگیرید، به خاطر خوبی افراد از بدیهای آنها و همدیگر اغماض کنید، عذر دوستت را بپذیر و اگر نتوانست برای لغزش خود عذری بیاورد تو برای او عذری بتراش (تا فرجه باشد برای اینکه بتواند عذرخواهی کند).

نفس خود را زیر پایتان بگذارید، تا خیالتان از بابت این دنیا و سرای آخرت کاملاً آسوده و راحت باشد. انشاء... در تمامی کارها احتیاط کنید و موارد خیلی ناچیز و جزئی هم دوری بجوئید.

خدایا به حق این خونهای پاک شهیدان خدایا این خونهای ناپاک من را هم که در رگهایم جریان دارند به احترام و به طهارت و پاکی خون شهیدان همراه دماء آنان از من بپذیر و در ردیف آنها بشمار.

جوان بودم شهادت شد نصیبم

به نزد حق به سوی آسمانها پر کشیدم

چو بودم پیر و خمینی

از او خدمت جدش رسیدم

نمودم پیروی از خط رهبر

در این ره من به آرمانها رسیدم

اگر آگه بودم از شهد شهادت

به عهد کودکی آن می‌چشیدم
اگر سخت است دوری از عزیزان
و لیکن چاره‌ای جز این ندیدم
بر من بیست و اندی گشتم راهی جبهه حق
گلی از بوستان جوانی من نچیدم
به جای سوگم باشید خندان
چرا که من شهیدم من شهیدم

نام: فرامرز
نام خانوادگی: ابراهیم زاده
نام پدر: صادق
نام مادر: قیزقیمت
تاریخ تولد: هفدهم اردیبهشت ۱۳۴۶
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: سوم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: دوازدهم بهمن ۱۳۶۳
محل شهادت: سرشاخان پیرانشهر
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

شهادت می دهم که جز خدای یکتا خدایی نیست.
همانا محمد پیامبر و فرستاده خدا جهت آشنا کردن مردم با قوانین آسمانی خداوند متعال
به پیامبری مبعوث شده است
اطاعت از امام، اطاعت از انبیاء و اوصیاء خداست و اطاعت از انبیاء اطاعت از خدای
تبارک و تعالی است.
به امید فتح کربلا و پیروزی لشکر جهانی اسلام بر کفر جهانی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أشهد أن لا اله الا الله ، أشهد أن محمداً رسول الله ، أشهد أن اميرالمؤمنين علياً ولي الله »
 اینجانب فرامرز ابراهیم زاده شهادت می‌دهم که جز خدای یکتا خدایی نیست و همانا محمد پیامبر و فرستاده خدا جهت آشنا کردن مردم با قوانین آسمانی خداوند متعال به پیامبری مبعوث شده است و حضرت علی با یازده اولاد معصومش امامت امت محمدی را بر دوش داشته‌اند و آخرین آن حضرت امام مهدی (عج) است که در جهان امروز با امدادهای غیبی اش جبهه‌های اسلام، علیه کفر را فرماندهی می‌کند. ولی چشمان گنهکار ما قادر به دیدن ایشان نیست و نایب خاص ایشان حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران با رهنمودهای امام گونه‌شان هدایت و رهبری این انقلاب را به سوی خداوند متعال بر عهده دارند و وصیت می‌کنم که بر هر مسلمانی واجب است تا از اوامر و فرمایشات ایشان اطاعت کند. زیرا اطاعت از امام، اطاعت از انبیاء و اوصیاء خداست و اطاعت از انبیاء اطاعت از خدای تبارک و تعالی است. وصیت می‌کنم در صورت شهادتم [مرا] در دارالسلام خوی قطعه شهدا دفنم کنید و پدرم آقای جعفر صادق ابراهیم زاده را مسؤول اجرای وصیتنامه می‌کنم. به امید فتح کربلا و پیروزی لشکر جهانی اسلام بر کفر جهانی.

فرامرز ابراهیم زاده

وصیتنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استخوان لاله الا الهه
استخوان محمد رسول الله
استخوان سید المرسلین علیهم السلام
این بنام و امیر ابراهیم زاده
تجدید مدینه خدیجه بنت خدیج است
و همام حضرت محمد صبیح و فرستاده
خداوند است که در آن عفو با قرآن
آستان خداوند متعال به بیایم بی معرفت
شکایت و حضرت علی علیه السلام
با بیای زده اولاد معصوم است اما است است
محمد و فرزند است است است است است است

وصیت نامه

آن حضرت آنکه هر سر میخ است
 که در جهل و نادانی انداخته اند
 چنانکه این آیه است که فرموده اند
 و این چنانکه گفته است ما قادریم و برین اشیاء
 نیست و اینها یک خدای است آنکه حضرت
 اما آن خدای رحیم که سیر انقلاب اسلام را در
 مبارزه نمود و اینها آن گویانند خدای هدایت
 در هر اسیر انقلاب را بر سر خداوند سبحان
 بر عهد و در روز حشر است که تمام
 راه است تا از او امر و فرمان است
 ایشان اطاعت کنند و اطاعت از آن
 اطاعت از انبیاء و اولیاء و خدایت

(۱۱)

و بعد از این
 و بعد از این

دستنامه

و اطاعت از انبیاء اطاعت از محمدی
تبارک و تعالی است.

و عیت مکتوم در صورت مکتوم در روز اول
خون قلعه شما فتم کتید و بیرون آقایی
مغفور صادق ابراهیم زاده و سئل احماری
و عیت مکتوم مکتوم

با صدق بدین و بیروزی لستگر
حجابانی اصل آ بر کفر حجابانی

ابراهیم زاده


نام: محمدرضا
نام خانوادگی: ابراهیم زاده
نام پدر: ابراهیم خلیل
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: سی ام اردیبهشت ۱۳۴۷
محل تولد: ماکو
تحصیلات: سوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نهم اردیبهشت ۱۳۶۵
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان شوط



عبارت های کلیدی

شوق جهاد فی سبیل الله و سپس دیدار خدا و ملاقات امام مهدی عج را در سر داشتیم.
شوق شهادت ... همچون شوق دیدار دوستانم در من زیاد است.

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَ الصَّدِيقِينَ

محمدرضا ابراهیم زاده شماره شناسنامه ۲ تاریخ تولد ۱۳۴۶ محل شهادت فاو در ادامه
والفجر ۸ تاریخ شهادت ۶۵/۲/۹

اینجانب محمدرضا ابراهیم زاده شماره شناسنامه ۲ تاریخ تولد ۱۳۴۶ فرزند ابراهیم خلیل
وصیتنامه خود را بشرح زیر اعلام می‌دارم - شوط

ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون
به آن کسانی که در راه خدا کشته میشوند مرده نگوئید بلکه آنان زنده‌اند ولیکن شما این
حقیقت را نمی‌توانید درک کنید (سوره بقره - آیه ۱۵۴)

بهشت را به بها می‌دهند نه به بهانه (شهید مظلوم آیت‌اله بهشتی)
انا لله و انا الیه راجعون^۱

(همانا ما از جانب او هستیم و دوباره بسوی او برمیگردیم)
اکنون این افتخار بس است که نصیب شده که خداوند متعال به این^۲ حقیر عنایت فرموده
تا در راهش کشته شوم و جان ناقابل و بی‌ارزشم را بدرگاه الهی قربانی کنم تا به او نزدیک
شوم و به لقاءالله و دیدارش بروم.

واقعیت امر این است که حیات این حقیر در جهت زندگی و بندگی و عبودیت خدا و
خدمت به اسلام و انقلاب عظیم اسلامی کاری نکرده و ارزش نداشته است، بلکه انشاءالله
این اندک خونم پبای درخت پرثمر اسلام بریزد و معاصی و گناهانم آمرزیده شود چرا که
من حقیر در طول زندگی‌ام گناه بسیار کرده‌ام.

برادرانم! مدتها بود شوق جهاد فی سبیل الله و سپس دیدار خدا و ملاقات امام مهدی (عج)
را در سر داشتم و خصوصاً پس از شهادت دوستان عزیز و مؤمن همچون جعفر علیپور و
یداله جعفرزاده و دیگر برادرانم این شوق الهی و همچنین شوق دیدار دوستانم در من زیاد
شده است.

۱. بخشی از آیه سوره
۲. اصل: باین آمده است.

سفارش چند به برادران انقلابی

برادران انقلابی لازم است پس از شهادت من که از جانب خدا نصیب شده است راه مرا دنبال کنید و در خدمت انقلاب اسلامی و ولایت فقیه در جهان با شیاطین خارجی و شیطان بزرگ نفس مبارزه کنید و در ضمن کتب ارزنده شهید دستغیب و مطهری و بهشتی و در رأس آنها کتب امام را حتماً بخوانید تا بلکه از راه مستقیم الهی و خط امام نلغزید بارالهی! تو خود میدانی که من هرگز نمی‌خواستم در بستر یا به مرگ طبیعی و عادی از دنیا بروم، چرا که برای یک سرباز مهدی (عج) و پاسدار اسلام مردن به مرگ طبیعی زشت و قبیح است، مادر عزیزم که بسیار دوستت می‌دارم و پدر مهربان و بزرگووارم و برادر جان و خواهران مومن‌ام! مبادا از شهادتم کمتر اندوهی به خود راه دهید چون به آرزوی دیرینه‌ام رسیده‌ام بر مصیبت کبیر امام حسین (ع) و اصحاب وفادارش در کربلا و زینب کبری (ص) گریه کنید همچنین تو پدر زحمتکشتم. امیدوارم همگی مرا حلال کنید و ببخشید که بنده از همه شما و دوستانم راضی هستم و اگر خداوند عنایت کند مرا جزء شهدا قرار دهد شفیع همه شما خواهم شد. دوستان و برادران پاسدار و بسیجی‌ام! همگی مرا ببخشید و حلال کنید و هر چه بدی دیده‌اید ببخشید و در شهادتم خرما و نقل و شیرینی پخش کنید. انشاءالله

احکام حق را اندر جهان جاری نما
رهبرم روح خدا محفوظ نما

یا رب صف اسلام را یاری نما
تا انقلاب حجت ابن‌العسگری

آمین یا رب العالمین
والسلام علی عبادالله الصالحین

بسم رب الشهداء والصدیقین

۶۳/۷/۳۰

اینجانب محمدرضا ابراهیم زاده شماره شناسنامه ۲ متولد ۱۳۴۶ فرزند ابراهیم خلیل و سیننامه خود را بشرح زیر اعلام میدارم - شوط
ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا تعلمون
 به آن کسانی که در راه خدا کشته میشوند مرده نگویید بلکه آنان زنده‌اند و لیکن شما این حقیقت را نمی‌توانید درک کنید (سوره بقره - آیه ۱۵۴)
 بهشت را به بهانه می‌دهند نه به بهانه (شهید مطهرم آیت‌اله بهشتی)
انا لله وانا الیه راجعون
 (همانا ما از جانب او هستیم و دوباره بسوی او برمیگردیم)
 اکنون این افتخار پس است که نصیب شده که خداوند متعال باین حقیر عنایت فرموده تا در راهش کشته شوم و جان نا قابل و بی‌ارزشم را بدرگاه الهی قربانی کنم تا به او نزدیک شوم و به لقا الله و دیدارش بروم . و اطمینت امر این است که حیات این حقیر در جهت زندگی و بندگی و عبودیت خدا و خدمت به اسلام و انقلاب عظیم اسلامی کاری نکرده و ارزش نداشته است بلکه انشاء الله این اتدک خونم بیای درخت پرثمر اسلام بریزد و معاصی و گناهانم آمرزیده شود چرا که من حقیر در طول زندگی‌ام گناه بسیار کرده‌ام . برادرانم ملتهما بود شوق جهاد فی سبیل الله و سپس دیدار خدا و ملاقات امام مهدی (عج) را در سر داشتیم و خصوصا پس از شهادت دوستان عزیز و مؤمن همچون جعفر علی‌پور و پداله جعفرزاده و دیگر برادرانم این شوق الهی و همچنین شوق دیدار دوستانم در من زیاد شده است

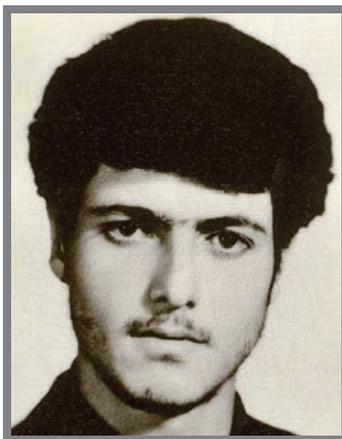
سفارش چند به برادران انقلابی

برادران انقلابی لازم است پس از شهادت من که از جانب خدا نصیب شده است راه مرا دنبال کنید و در خدمت انقلاب اسلامی و ولایت فقیه درجهان با شباطین خارجی و شیطان بزرگ نفس مبارزه کنید و در ضمن کتب ارزشمند شهید دستغیب و مظهری و بهشتی و در راس آنها کتب امام را حتما بخوانید تا بلکه از راه مستقیم الهی و خط امام تفرقید با راه‌های تو خود میدانی که من هرگز نمی‌خواستم که در بستر یا به مرگ طبیعی و عادی از دنیا بروم چرا که برای یک سرپناز مهدی (عج) و پاسدار اسلام مردن به مرگ طبیعی زشت و قبیح است ، مادر عزیزم که بسیار دوست میدارم و پدر مهربان و بزرگووارم و برادر جان و خواهران مومن‌ام مبادا از شهادتم کمتر اندوهی به خود راه دهید چون به آرزوی دیرینه‌ام رسیده‌ام بر مصیبت کبیر امام حسین (ع) و اصحاب و فدادارش در کربلا و زینب کبری (ص) گریه کنید همچنین تو پدر زحمتم کشم امیدوارم همگی مرا حلال کنید و ببخشید که بنده از همه شما و دوستانم راضی هستم و اگر خداوند عنایت کند مرا جزو شهدا قرار دهد شایع همه شما خوارم شد . دوستان و برادران پاسدار و بسیجی‌ام همگی مرا ببخشید و حلالم کنید و هر چه بدی دیده‌اید ببخشید و در شهادتم غرما و نقل و شیرینی بخش کنید انشاءالله



یا رب صف اسلام را پاری نما
 تا انقلاب حجت ابن‌العسگری
 احکام حق را اندر جهان جاری نما
 رهبرم روح خدا محفوظ نما
 آمین یا رب‌العالمین
 والسلام علی عباد الله الصالحین

نام: اسماعیل
نام خانوادگی: ابراهیمی
نام پدر: صادق
نام مادر: گل بستنی
تاریخ تولد: بیست و هفتم آذر ۱۳۴۸
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دهم اردیبهشت ۱۳۶۸
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان خوی



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«شهادت در راه خدا، زندگی افتخار آمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت هاست»
(امام خمینی (ره))

آغاز می کنم وصیت نامه ام را با نام خداوند هستی بخش و با سلام به ارواح طیبه شهدا و با سلام به خانواده عزیزم.

یا ابی و یا امی و یا اخوانی و یا اخواتی و یا اهل اسرتی ارضیا عنی حتی یرضی الله عنی
ای پدر و ای مادرم و ای برادران و ای خواهران و ای اهل خانواده ام، راضی باشید از من
تا خدا راضی باشد از من.

ای پدر و ای مادرم و ای برادرانم، می دانم که رفتن من از خانواده موجبات نگرانی و
اضطراب شما را فراهم می کند. اما امیدوارم که زیاد ناراحت نباشید. چرا که فرزندان در راه
عشق به اسلام بال و پر گشاده است.

من می دانم که از کودکی تا به امروز که حدود ۱۶ سال دارم، سر تا پا برایتان اذیتهایی
کرده ام. خودم می دانم که به حرف هایتان گوش نداده ام. همه می دانید که من بچه شلوغ
و بداخلاقی بوده ام و در عین حال گاه گاهی به حرف هایتان گوش می دادم. اما امیدوارم
که با قلبی سرشار از ایمان، احساس مرا درک کرده و مرا حلال کنید.

پدر جان، من همیشه در خانه شما را اذیت کرده ام^۱. از حرف هایتان سرپیچی کرده ام.
برای کوچکترین حرفی عصبانی شده ام. اما پدر جان، هر چه باشد، آنها گذشته اند و من
حالا به اشتباهاتم پی برده ام. امیدوارم که برای شادی روح من، مرا حلال کنید.

مادر جان، از بدو تولدم تا به امروز مزاحم اوقات راحتی شما بوده ام. می دانم که شبها
و روزها پرستار شبم و غمخوار و همدرد همیشگی ام بودی و این ها به خاطر این بود
که بلکه بتوانم در آینده یک کاره ای بشوم. اما مادر مهربانم، حالا وقت وداع رسیده و می

۱. دراصل وصیت نامه جمله « در خانه برایت اذیت داده ام » آمده است.

خواهم که در راه اسلام و وطنم زحمات شما را به ثمر برسانم که همانا آرزوی هر پدر و مادری می باشد. مادر جان، بعد از من ناراحت نباشید. چرا که من در راه بدی سیر ننموده ام. نه تنها در راه بد بلکه لیاقت می خواهد و مادر می خواهد که فرزندی زائیده و بزرگ کرده ای و فدای اسلام نماید. افتخار کن بر این لیاقتی که کسب کرده ای، مادر جان، من می دانم که شهید خواهم شد. خواهش می کنم که از تمامی آزار و اذیت های من درگذری و در مجلس من صبور باشید.

من می دانم که شما پدر و مادر و برادرانم، تمامی زحماتم را قبول کرده بودید و مرا بالاخره بزرگ کردید و اکنون وقت آن رسیده است که امانت بزرگی را تقدیم شخصیت بزرگی نمائید که این خود سعادت ابدی شما را تضمین می کند و بعد از من هم به حرف های ضد اسلام ها گوش ندهید.

برادران مهربانم، درست است که من بی احترام و بی معرفت بوده ام. از حرف هایتان سرپیچی می کردم. اما هر چه باشد، قلب برادر مهربان است. من می دانم که گسستن من از شما به منزله افتادن غنچه از درخت است. همان قدر که یک درخت برای از دست دادن یک غصه بی تاب است. شما همان طور نباشید. چرا که راه من راه انبیاء و امامان است. خواهش می کنم که به خاطر شادی روح غنچه از دست رفته تان، از اشتباهم درگذرید.

برادر جان، قاسم، شما در خدمت هستید و من به شما نگفته می روم. اما خواهش می کنم که هیچ گونه غم و ناراحتی به دل راه ندهید و از دعاهایی که در کودکی با شما کرده ام، مرا ببخشید. من آن وقت اشتباه می کردم.

و اما شما 'خواهرانم، زن دادشاهیم، مادر بزرگم و عمه هایم، عمویم، زن عمویم امیدوارم که مرا حلال کنید. چرا که اگر من با رفتنم نارضایتی شما را فراهم آورم، تا ابد در اذیت خواهم بود. خواهش می کنم که به خاطر خدا مرا حلال کنید.

خواهران خوبم، مرا حلال کنید و اگر تا به حال از من آثار و اعمال بدی از جای مانده، خواهش می کنم که آنها را پوشیده بگیرید و مرا حلال کنید و بدانید که از دست دادن گل و پرپر شدن آن همراه با خون سرخ برای شما یک افتخار است و بدانید که پدر و مادر می خواهد که فرزندش را بزرگ کرده و برای پرپر شدنش افتخار کند.

و شما ای زن دادشاهیم، می دانم که در خانه خیلی 'شما را اذیت کرده ام، این که لازم

۱. دراصل وصیت نامه کلمه "یا" آمده بود که حذف شده است.

۲. دراصل وصیت نامه کلمه "به" آمده بود که حذف شده است.

به ذکر نیست که من مخصوصاً برای شما آزار و اذیت های زیادی را رسانده ام، امیدوارم که مرا حلال کنید. به خصوص زن داداشهایم خاتون، خواهش می کنم که مرا حلال کنید. خواهش می کنم که به خاطر اینکه من به عذاب نیفتم، شیرت را برایم حلال کنید. چرا که به من در کودکی زیاد شیر داده ای. رقیه و ای صدیقه خواهش می کنم اگر در مورد شما اذیت هایی کرده ام، مرا حلال کنید. خواهش می کنم.

مادر جان، خودت می دانی که من بچه شلوغ و بد اخلاق و ناراحتی بوده ام. به همه فامیل هایمان بی احترامی کرده ام. از شما خواهش دارم که از عمویم، زن عمویم، پسر عموهایم، به خصوص از جبرائیل (چرا که بارها برایش بی احترامی کرده ام، مخصوصاً در روزی که می خواستم اعزام شوم). دختر عموهایم، عمه هایم، پسر عمه هایم، دختر عمه هایم و از عروسهای عمه هایم و از شوهر خواهرم مشهد کاظم و از خواهر زاده هایم بخواهید که مرا حلال کنند. خواهش می کنم از آنها بخواهید که از بی احترامی که برای آنها می کنم، به خصوص از عموهایم و عمه هایم حتماً بخواهید که مرا حلال کنند. چرا که آنها زیاد زحمات مرا متحمل شده اند

مادر جان، از برادر زاده هایم نیز بخواهید که مرا حلال کنند. به خصوص از عبدالله عبدالله جان، خواهش می کنم تو را قسم می دهم از بدی هایی که برایت کرده ام، مرا ببخشید. عبدالله جان من می دانم که شما را زیاد اذیت کرده ام، زیاد شما را زده ام. اما من حالا می خواهم که از اشتباهات من درگذری و درست را خوب بخوانی.

ناصر جان و ایرج جان و مریم جان و امیر جان، مهری جان و هادی جان، عمویتان در خانواده از یک گل نبود. گلی بود که دست نوازش همه را بر سرش می دید، همه به خاطر من آرزوهایی داشتند. اما بدانید که بابا و ننه اش به قدری با لیاقت بودند که حاضر شدند با دست خودشان، این گلشان را تقدیم اسلام نمایند.

خواهش می کنم که مرا حلال کنید و به من گریه نکنید. چرا که من در کودکی شما، زیاد شما را زده ام. شاید شما فراموش کنید، اما من می دانم که چه اذیت هایی برایتان داده ام. خواهش می کنم که از اشتباهات من درگذرید. چرا که عمویتان می خواهد از شما خداحافظی کند و سفری طولانی در پیش دارد. به خاطر اینکه من در این سفر پیروز باشم، مرا حلال کنید. شاید مهری و هادی کوچک باشند و بگویند به آنها چه اذیت کرده ای؟ اما بدانید که خیلی سیلی ها به مهری و ۲ سیلی هم به هادی زده ام.

و اما پدر و مادر جان، از تمامی دوستان و آشنایان و از همه فامیل هایمان به خصوص و مخصوصاً از خاله ام و دایی ام (منصور) و دایی زاده هایم و زن دایی ام بخواهید که مرا حلال کنند. خواهش می کنم حتماً بخواهید و اگر احیاناً کسی در این جا از یادم رفته باشد، به خاطر این نیست که من او را نمی خواهم. نه به خاطر این است که من فراموشکارم. از تمام دوستان و آشنایان و فامیل هایم طلب مغفرت می نمایم. از خداوند منان می خواهم که به شما پدر و مادرم و به آشنایان و فامیل هایمان صبر عنایت فرماید. خداحافظ.

موفق و پیروز باشید

گل پرپر شما اسماعیل ابراهیمی

۶۴/۱۲/۲۲

می خواهیم که در راه اسلام و وطنم زحمات شما را به قدری حساب کنم که ما ناآزادی
فرموده و ما در پی صیانت شما در جایی بود از جهت ناراحت نباشید چرا که
صحت که در راه بی کسی ننموده ام نشنا در راه به یلله لیاقت میخواهد و حارس میخواهد که
فرزندی را بسپرد برکت کرده و فدای اسلام می نمایم افتخار کند برای این لیاقت
که نسبت برادر ای ما در جایی می صدی آنم که شهید شایسته خود ای می کنید که
از تمام آزار و اذیت های صحت در آن ای و در هر صحنه صحنه صورت با شهید

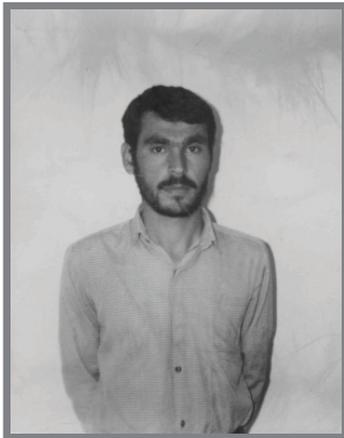
صحنه صدی آنم که شما پدر مادر در بر دارنم تمامی زحمات را قبول کرد، بودید و مرا بالاخره
بزرگ کردید و اکنون وصیت ای رسیده که اما نسبت بزرگی را تقدیم صحنه صحت
بزرگی نمایم که این خود بهمانند آید به شما را تعهد می کند و بعد از صحنه هم
به حرمت ای خدا سلامها را می کند

بزرگان صحنه آنم
درست است که صحنه ای احترام و به معرفت بوده ام از حرمت های سر به سجده کردم
اشاره می باشد قلب برادر صحنه آن است صحنه صدی آنم که گسسته صحنه آن شما
بمعرفه افتخاری غنچه از زحمات است اما نشکر که یک زحمت بر ای از است را که
یک منصف به تاب است شما ها نظور بنا بشود چرا که راه صحنه راه انبیا و شما که
خواهی میکنم که بنا هر شایه روح عنقه از دست رفته تان از اشتباهاتم در گذرید
برادر خالی تمامم شما زحمت مستند و صحنه به شما گفت میروم اما خواهش
میکنم که بکنید و غم و ناراحتی به دل راهیم به سینه تمام از عواها می که هر کوهی با شما کرده ام
سرا بجهت صحنه آنوقت است تابه می کردم

واقعا شما ای خواهرانم - برادران ایبتلایم - مادر برکتکم و عمه هایم - محبوسم - زک عمومی
اسید و آنکه مرا حلاله کنیم چرا که اگر صحنه با رفتنم نارفتن شما را فراهم آورد
تا ای در این صحنه خواهیم بود و خواهش می کنم که بنا هر خدا مرا حلاله کنید



نام: بارات
نام خانوادگی: ابراهیمی
نام پدر: مصیب
نام مادر: قمر
تاریخ تولد: دوم مهر ۱۳۴۷
محل تولد: میاندوآب
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران
تاریخ شهادت: دوازدهم بهمن ۱۳۷۱
محل شهادت: روستای اسلام آباد سردشت
نحوه شهادت: ضدانقلاب
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

جوانها واجب است که به جبهه بروند و جبهه را گرم نگهدارند.
تنها هدف من پیروی از دستورات الهی می باشد.
به قول امام عزیزمان شهادت عشق است.
پشتیبان امام و روحانیت باشید.
اگر روحانیت نبود ما الان از اسلام خبری نداشتیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

شهدان لاله الا اله – شهدا^۱ ان محمدا رسول ... و شهد ان علی ولی ... شهد ان
الخمینی روح...

تحسبن الذین قتلوا فی سبیل ... امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون

بر همه جوانها واجب است که به جبهه بروند و جبهه را گرم نگهدارند. قرآن که [...]

امام خمینی

در میدان جنگ بودم لازم دانستم چند کلمه‌ای بعنوان وصیتنامه بنویسم و هر چه [...] زیر
قید میشود مورد تأیید اینجانب برات ابراهیمی میباشد و این راه انبیاء و اولیا و راه امام امت
و شهیدان صدر اسلام است و تنها هدف من پیروی^۳ از دستورات الهی میباشد.

(انا لله و انا الیه راجعون) با سلام و درود^۴ بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با درود^۵
بر [...] شهیدان صدر اسلام از کربلا حسینی تا عصر کربلای خمینی و با سلام بر شهیدان
گمنام [...] الله من جمله شهیدان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و با سلام و درود بر پدر و
مادر ارجمندم و به برادران و خواهرانم و سلام بر امت حزب الله برادران و خواهرانم. ای
پدر و مادرم [...] وصیت نامه خود را چنین آغاز می‌کنم من از امت حزب الله و همیشه در
صحنه تقاضا [دارم] همچون گذشته پشتیبان امام و روحانیت باشند و این روحانیت بودند
که با از خود گذشتگی که نشان دادند اسلام را زنده کردند و قدم به قدم بر ضد کفار از
خدا بیخبر [...] بقول امام عزیزمان اگر روحانیت نبود ما الان از اسلام خبری نداشتیم و اگر
شهادت [...] - نواب صفوی - مصطفی خمینی و امام موسی صدر و محمدباقر صدر و
دستغیب [...] و اشرفی اصفهانی و بهشتی، مدنی و مطهری - و دیگران رجائی - باهنر و

۱. اصل: شهید آمده است.

۲. اصل: ناخوانا

۳. اصل: پیروزی آمده است.

۴. اصل: درود آمده است.

۵. اصل: درود آمده است.

دیگران [...] با این^۱ منزلت رشد نمی‌کرد. خون این شهیدان بود که انقلاب ما تا این حد رسید. [ان شاء] الله پیروزی خواهد رسید و به قول امام عزیزمان شهادت عشق است. [...] خود نترسانید - ولیکن امت حزب الله! از من و دیگر شهدا به شما وصیت [می‌کنم] که از دیگر یاران امام امت همچون منتظری^۲ نستوه و دیگران مثل جان خود [...] داری کنید. خدایا بخون پاک گلوی حسین بن علی (ع) و بخون پاک دستهای بریده ابوالفضل العباس، خمینی و یارانش را تا انقلاب امام زمان (عج) نگهدار. (آمین بحق محمد [...])

والسلام

برات ابراهیمی

مورخه ۶۵/۶/۲۵ تنها نشسته بودم

روز سه‌شنبه ساعت ۳ بعدازظهر

زندگینامه شهید برات ابراهیمی

وصیت برای خانواده خود بود وی قطعه شعری بشرح زیر نیز سروده است	
همسنگران روزی به سنگر	به تیر تیز دشمن گشته گشتم
پیش چشمتان چون مرغ بسمل	اگر با خاک آغشته گشتم
دابر پیر ماتم بگیرید	زدیده اشک خونین بریزید
[...] به کف زنان تا حجله گور	سرود سرخ دامادی بخوانید
[...] نهان در سینه خاک	بیفروز یه شمعی بر مزارم
جان مادر روش [...]	بریزد اشک روشن در کنارم

شماره شناسنامه ۵۱۳، تاریخ تولد ۱۳۴۷، نام پدر مصیب، برات ابراهیمی ۶۵/۶/۲۵

جنگ جنگ تا پیروزی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

۱. اصل: باین آمده است.

۲. رک: تعلیقات

بسم الله الرحمن الرحيم
 ائمه انوار الاله - ائمه انوار رسول اور و ائمه انوار عی و علی اور
 و ائمه انوار الغیبی روح ...

ولا تمسین الذین قتلوا فی سبیل اور ... اسواتنا بل احیاء عند ربهم یرزقون
 برہمہ جہانیا واجب است کہ جبہ بیرون و جبہ با را نہ مگذارند قرآن کریم
 چون در میدان جنگ بودم لازم دانستم چہ اللہ اگر بفرمان وصیت نامہ بندیم و ہمیشہ
 در خطر فکری قید می شد مورد تادیب ایندین باشد از ہمیں وسیلہ و این را ہی راہ انتقال
 کردیم با آنکہ ما تا اہل کتاب اینجا پیدا می شدیم و این را را انبیاء اولیا و اولیاء است و راہ
 شہداء و صلوات است و تقاضای ما می بود کہ از دست اہل کفر و کفر
 را نماند و انما الیہ راجعون (م) با سلام و در بر سر قبر انوار کلاس ایران و با در دستگیر
 بہ تمام شہداء کہ صلوات از دست ما می شد تا عصر کہ بلا کہ خنجر و با سلام می شد کہ تمام
 صلوات اللہ مفید شد کہ چہ تسبیح راقی علیہ ایران و با سلام و در بر سر قبر و صلوات از جنہم و با
 سلام بہ برادران و خواہرانم و سلام بر امت و بر اللہ برادران و خواہرانم و ما درم فرزند
 من و وصیت نامہ خودم یعنی آنرا می گویم من از امت حرب اللہ و حبیب در صحنہ تقاضای درم
 کہ ہمچون گذشتہ شہداء من امام و روحانیت با کتب و این روحانیت بود کہ ما را

عازم شد نه شکی در شوق دادند اعلام از نه کردند و قدم به قدم بر قدم نهادند از خود ابراهیمی را شنیدند
 که در قدول امام عزیزمان آمد و وطنیت نبوده ما الی (ع) از اعلام غیرند آشنیم و آمدند دست آیت
 الله صیبر - زاب صیبر - مصطفی خینی و امام صفا صبر و صبر با تر صبر و مستغنیب و
 صبر و صبر و اشرفی اصغیان و بهترین مدنی برده مطهر - و دیگران جگر - با خبر و دیگران نبود
 اعلام با این منزلت کردند که در خنده این گمان نبوده انظار ما تا این حد رسیدیم
 حدت الله صیبر که خدا در کعبه است و بقول امام عزیزمان شدت عشق است ما را از
 معشوق حوادت رسانیده - لیکن امت عزاب الله از من و هم شیدا است حیات ام
 دارم و از دیگر باره امام است همین منتظر است و دیگران مثل جان خودمان
 همواره گفته خود ایامی با یاد کند کسین بن علی (ع) و بنون با یاد دستاگر کرده
 ابوالفضل العباس خینی و یارانش را تا انقلاب امام زمان (عج) نگذارند از این بقی محمد و آل
 محمد (ع)

و السلام
 برات ابراهیمی بر دم
 روز شنبه
 ساعت ۱۱ بعد از ظهر
 ۲۵/۱۱/۱۵
 ۶۵۰۲۵
 شماره نامه شماره برات ابراهیمی

بینه وصیت نامه را خواند، خود برد و لایقه نمود ^{از} زیر نیز رسیده است

اگر همتگران او را ^{ببیند} به تیر تیز دشنه گشته گشتم

به پیش چستان چو نه ^{ببیند} اگر با خاک آفشته گشتم

مباردا بر میر ماتم ^{ببیند} ندیدم اشک خویشی برینید

گوشه بیدگان تا حیطه در ^{ببیند} سه در رخ داماد کبطانفید

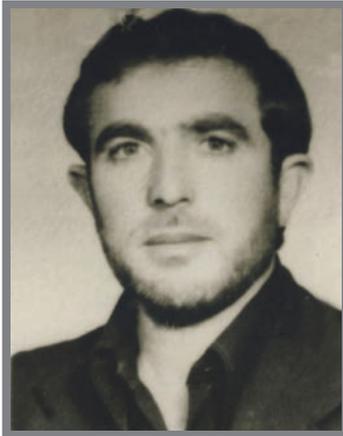
چو گدازم نان در ^{ببیند} بیفرورید شعور بر آرام

که با کوه ^{ببیند} بریند اقدار و شنید در کنار ص

شماره شنیدمانه
۳۰۳
تاریخ تولد
۱۳۵۶
بلاک ابراهیم سرزنش ۵۵۰۰۰۰۰۰۰۰
بیتن بینه با بریزد
خدا یا خدا ای انا انقلنا برکم خفتی را قلند
نام برید

۱۴

نام: حسین
نام خانوادگی: ابراهیمی
نام پدر: نادعلی
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۲۷
محل تولد: روستای عسگرآباد تپه از توابع ش
هرستان ارومیه
تحصیلات: خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوازدهم اسفند ۱۳۶۴
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست.
- * عزیزان من تنها خواسته شهدا از شما عزیزان این است که امام و یاران امام را تنها نگذارید.
- * فرزندانم کریم و مرتضی را آموزش خواندن قرآن و آموزش رزمی دهید تا برای اسلام و انقلاب خدمتگزار باشند.
- * [از] مادر گرامیم و همسرم خواهش می کنم [که از] بچه هایم مواظبت کنند و از طریق اسلام تربیت کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَا وَ الصَّدِيقِينَ

درود بر خمینی، سلام بر شهیدان

تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست

«فَقَاتِلْ^۱ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ «جنگ کنید در راه خدا»

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و سلام به روان پاک شهدای راه حق و حقیقت هم اکنون که آماده می شوم به جبهه نبرد حق علیه باطل می خواهم با عزیزانم درد دل نمایم. عزیزان من تنها خواسته^۳ شهدا از شما عزیزان این است که امام و یاران امام را تنها نگذارید. همه با هم دست به دست^۴ هم دهید^۵ [و] به فرمان خدا عمل کنید و برای رزمندگان دعا کنید. تنها دعای شما ملت شهید پرور است که در پیش خدا قبول می باشد. مادر گرامیم و همسر و برادرانم خواهش می کنم بدهی های بنده را از اموال خودم بدهید و با مبلغ ده هزار تومان از اموال خودم برای دفن و کفن خرج کنید و بقیه اموالم را از طریق سند اسلام تقسیم کنید و یک خواهرشم این است که از مادر مهربانم و همسر و برادران و دوستانم مرا ببخشند که من گناهکار و روسیاه خدایم و [از] مادر گرامیم و همسر خواهش می کنم [که از] بچه هایم مواظبت کنند^۶ و از طریق اسلام تربیت کنید. فرزندانم کریم و مرتضی را آموزش خواندن قرآن و آموزش رزمی دهید^۶ تا برای اسلام و انقلاب خدمتگزار باشند. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

حسین ابراهیمی

۱۳۶۴/۱۲/۱

۱. در اصل وصیت ((فقاتلوا))

۲. نسا/ بخشی از آیه ۸۴

۳. در اصل وصیت ((خواست))

۴. در اصل وصیت ((همه با هم دست هم دهید))

۵. در اصل وصیت ((بچه هایم را مواظب باشید))

۶. در اصل وصیت ((با خواندن قرآن و یاد دادن آموزش رزمی یاد بدهید))

بِسْمِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
و وصیت نام حسین ابراهیمی

بسم الله الرحمن الرحیم در روز دوشنبه شانزدهم آبان ماه سن ۱۳۹۷

فقد تدریجاً سن الله حبیب کثیر در این دنیا

در روزان ما در عصر کبریا انشاء الله حسین و سلام ما در روز یکشنبه

سن که ما در پیشگاه ما حسین در وقت علی بن ابی طالب ما در روز یکشنبه

در آن منی تمام خواست منوره از شما عزیزان این است که ان شاء الله و ما در روز یکشنبه

ما در دست ما در حید ما در آن خدا من کثیر در این دنیا در این دنیا

کلیت منوره در این است که در پیشگاه خدا قبول ما در این دنیا در این دنیا

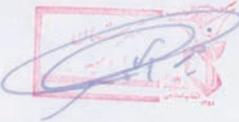
فقد تدریجاً سن الله را از اموال خود ما در حید ما در این دنیا در این دنیا

در این دنیا و کثیر فرج کثیر در وقت اموال ما از طریق منوره اسلام تقسیم کثیر در این دنیا

فقد تدریجاً سن الله ما در این دنیا در این دنیا در این دنیا در این دنیا

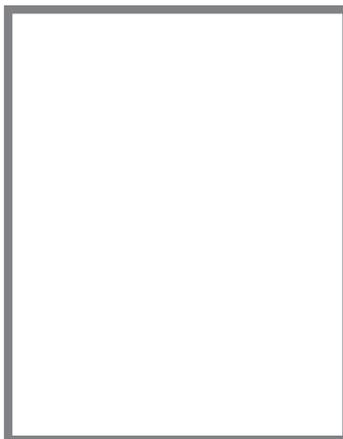
در این دنیا در این دنیا در این دنیا در این دنیا در این دنیا در این دنیا

و سلام علیکم و رحمت الله و بركاته



حسین ابراهیمی

نام: محمد
نام خانوادگی: ابراهیمی
نام پدر:
نام مادر:
تاریخ تولد:
محل تولد:
تحصیلات:
ارگان اعزام کننده:
تاریخ شهادت:
محل شهادت:
نحوه شهادت:
مزار:



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»
(گمان برید آنانیکه در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند)

در مرحله اول از شما ملت شهیدپرور ایران می‌خواهم که گفته‌های این امام آگاه و این امامی که مثل کوه بر جای خویش استوار است اطاعت کنید و با عمل این کار را انجام دهید. چرا که عمل غیر از گفتن است برادران و خواهران مسلمان شما نباید در حفظ و نگهداری اسلام و قرآن سستی کنید. سستی شما عزیزان اسلام را به خطر می‌اندازد و در این حالت نمیتوان کار کرد.

پیام من به برادران حزب‌اللهی این است که جای رزمندگان اسلام یا شهیدان را در جبهه خالی نگذارند و چنانچه امام بزرگوار خمینی کبیر میفرماید جوانان بروند به جبهه و این مسئله را زود حل کنند و به جبهه رفتن واجب است.

دیگر به قول آیتا... منتظری شعار مرگ بر آمریکا از یادتان نرود چون مسئله اصلی با آمریکا است اسلام با آمریکا سروکار دارد. دیگر نمی‌خواهم مزاحم شما عزیزان بشوم و در آخر از دوستان و آشنایان می‌خواهم که آنچه از من بدی دیده‌اند مرا ببخشند و از پدر و مادرم تمنا می‌کنم که برای من گریه نکنند چرا که شهیدان زنده‌اند.

نام: ودود
نام خانوادگی: ابراهیمی
نام پدر: اروجعلی
نام مادر: انمر
تاریخ تولد: دهم خرداد ۱۳۴۳
محل تولد: روستای قره قوزلو از توابع
شهرستان میاندوآب
تحصیلات: دانشجوی کارشناسی
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی
تاریخ شهادت: بیست و یکم مرداد ۱۳۶۶
محل شهادت: مریوان
نحوه شهادت: بر اثر اصابت گلوله
مزار: شهرستان میاندوآب



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه برای همسر

ربنا افرغ علينا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا على القوم الكافرين

«پروردگارا به ما صبر و استواری بخش و ما را ثابت قدم بدار و بر شکست کافران یاری فرما»

سلام عزیزم و نور چشم گرامیم و بهتر از جانم، امیدوارم همیشه مانند کوه استوار باشی و زینب وار حرکت کنی و غصه من را بر سینه نزنی و از بعد از شهادت من قولی که برایم دادی سر قول خود باشی. عزیزم یادت است که با هم حرف می زدیم و چند بار برایت گفتم که بعد از شهادت من ازدواج کن و برو. گفتمی نه من ازدواج نمی کنم و [تا] آخر نفسم در این خانه هستم، ولی من می دانم که هیچ انسانی همین طور نمی تواند باشد. ولی از شما خواهش می کنم بچه ای که به دنیا خواهد آمد من نتوانستم او را ببینم، اسم او را از قرآن دریابید. اگر پسر باشد اسم یکی از امامان را برای او بگذارید که راه من را ادامه دهد و اگر دختر باشد اسم یکی از ائمه اطهار که دختر دارند اسم آن را بگذارید و مانند [حضرت] زینب [سلام الله علیها] که از انقلاب خود دفاع کرده و^۱ به پیروی [از] امام خمینی پردازد و همیشه زینب وار زیست کند و مخصوصاً از تو^۲ که عزیزم هستی تقاضای عاجزانه دارم که این بچه را بزرگ نکرده ازدواج نکنی. او را بزرگ کن و بعد ازدواج کن. درست است که گفته ای ازدواج نمی کنم ولی نمی توانی در اراده قلبی خود ثابت باشی و خلاصه عزیزم من در نبرد حق علیه باطل هستم. شاید دوستان و آشنایان از من ناراحت هستند. اگر کسی از من ناراحت است مرا حلال کند و به بزرگی خود ببخشد و سلام مرا عزیزم، به مادرت خانم نارنج حیدری برسان و بگو برای من زاری و تضرع نکند و سلام مرا به پدرت و برادران و خواهران و خلاصه به پدر و مادرم و برادرانم و خواهرانم برسان و بگو برای من هیچگونه گریه و زاری راه نیندازند و از شما متشکرم و امیدوارم از شهادت من ناراحت نباشی و این

۱. در اصل وصیت نامه کلمه " مانند " آمده بود.

۲. در اصل وصیت نامه کلمه " از " آمده بود.

۳. در اصل وصیت نامه کلمه " ما " آمده بود.

خانه را برای خود سنگر کنی و پیروی از امام امت را داشته باشی و مؤمن و متعهد به انقلاب و اسلام هستی و از آن هم محبت خود را به انقلاب بیشتر کنی و اگر هر چقدر در خانه پدرم ماندی ناراحتی دیدی خودت رفع کن و به خود راه رفتن [به] خانه خودتان را نده و اگر پدر و مادرم تو را اذیت کردند و بعد از شش ماه یا بیشتر گفتند باید بروی به خانه خودتان و من فکر نمی کنم بعد از شهادت من پدر و مادرم بگذارند شما با شخص دیگری ازدواج کنی و یا از خانه خارج شوی و به خانه خودتان روی و اگر اینچنین اتفاقی رخ داد، به پدر و مادرم می گوئی بیا این نامه را بخوان و ببین که فرزندان در این چه نوشته است. پدر و مادرم شماها موظفید همسر عزیزم را هر چقدر خودش دلش خواست در خانه نگهدارید و هر موقعی که خودش خواست برود بگذارید برود و قول خود را بر هم زند. مادر خداحافظ، پدر و برادران خداحافظ و خواهران خداحافظ و همسر عزیزم خداحافظ و تمامی شماها را به خداوند متعال می سپارم و از شما تقاضای حلال کردن خودم را می خواهم و امیدوارم که هر طور که شده برایتان زحمت و غیره داده ام و امیدوارم حلالم کنید.

الله اکبر خمینی رهبر

من فدائی رهبرم

خداحافظ ای همسر

حلالم کن ای همسر

دیگر بر نمی گردم

حلالم کن حلالم کن ای همسر

من جاننثار رهبرم، در راه قرآن و اسلام، کشته از جان و وطنم، در راه امام قربانی ام، من بر روح الله فدائی ام و نوکر روح الله ام من خیلی دوستت داشتم خداحافظ حلالم کن.

با تقدیم احترامات

ودود ابراهیمی

۶۲/۳/۳۱

وصیت نامه دوم:

قال الحسین(ع): «کم من انسان اهلکه لسان»

آیه یعنی چه. بسیار انسانهایی که زبان آنها را هلاک کرده است. دنباله وصیت نامه شماره ۳ یعنی وصیت نامه برای پدر و مادرم پدر جان خدا عاقبت خیر برای شما بدهد که فرزند خود را در راه خدا و امام قربانی داده ای. خوشا به حال شما فرزندی داشتی و او را در راه خدای تبارک و تعالی قربانی داده ای و خداوند در عوض برای شما صبر و شکیبایی و ایمان اطمینان کامل به خدا و غیره عطا فرماید و امیدوارم همیشه در سنگر پشت جبهه که سنگر اول من بود. همین روستای خودمان که نگهبانی می دادیم. شبها دوباره در آن روستا نیز شما پدر عزیزم اسحله را بگیری و نگهبانی بدهی تا برادرانی که در جبهه اول مقدم هستند راحت و آسوده از پشت جبهه باشد و امیدوارم با شهید شدن من هیچ خوف و ترس به دل راه ندهی و همیشه با خدا باش و به فرمان رهبر باش. درست است نمی توانی در جبهه خط اول مقدم باشی، ولی می توانی در پشت جبهه یعنی در روستای خود فعالیت نمایی و سنگر من را خالی نگذاری و بی نهایت از شما متشکرم که سنگر اولی من خالی نیست. درست است که من سنگرم را خالی کردم ولی خواست خدا این بود من به هیچ وجه به دشمن امان نمی دادم. مثل شیر رویشان می نشستم و مانند برقی غرش می کردم و می کشتم و جلو می رفتم و مانند امام قوی دل و ترس بودم و همیشه با کفر می جنگیدم و تا آخرین نفس شهادتم. قال علی(ع): «العاقل من عقل لسانه» «عاقل کسی است که بر زبان خود مهار بزند.»

همانا شیعیان ما بسیار کم سخن می باشند. مؤمن کم سخن می گوید، لکن زیاد عمل می کند. ولی منافق زیاد می گوید ولی کم عمل می کند. پدر جان امیدوارم برای شهید شدن من ناراحت نباشی و به خود هیچ خیالی راه ندهی و در راه و سبیل خداوند متعال باشی و به رهنمودهای امام خمینی گوش داده و پایبند به او باشی و در صحنه روزگار این منافقین را از کار بیندازی و همیشه با آنها مخالفت کن و آنها را به جهنم واصل نمایی و در کار خود مانند شیر و غیره قوی باشی و همیشه با خدا باشی. خداوند با شما هست و مادر جان، سینه ات را گشاده کن برای خدا و به خاطر خدا و برای یک شهید دادن فرزند چیزی نیست و برایت در

نظر داشته باشم. همه فرزندانان در راه خدا و اسلام شهید شوند و غصه و غم نخور و من نمرده ام بلکه من زنده ام و در پیش خداوند متعال روزی می خورم و کسی که شهید می شود دیگر برای او عذاب مهم نیست و جای که می گویی بهتر است این بهشت است و روسفیدان در آنجا هستند و در پیش خداوند متعال بزرگ. در ضمن تمام شماها را به خدا می سپارم و انتظار من و نکشید و با شماها خداحافظی می کنم. هر که خالص عملش برای خدا باشد و در عرض چهل روز روان می کند، خدا برای او چشمه های حکمت را از دلش به سوی زبان او.

وصیت نامه سوم:

بسمه تعالی

خشودم که خدا پروردگار من است و اسلام دین من و حضرت محمد(ص) که درود خدا و آتش باد پیغمبر من است و حضرت علی(ع) امام من و حسن(ع) و حسین(ع) و علی(ع) و محمد(ع) و جعفر(ع) و علی(ع) و محمد(ع) و علی(ع) و حسن(ع) فرزند شایسته او حضرت مهدی(عج) که درود خدا بر ایشان باد پیشوایان و آقایان و رهبران من هستند. با ایشان دوستی می کنم و از دشمنان ایشان بیزاری می جویم. بارخدا، من از تو گذشت و سلامتی و آسایش در دنیا و آخرت را پدر مادر من راه اسلام و قرآن را در پیش می گیرم و تا آخرین قطره خون مقاومت خواهم کرد و از امامم دفاع خواهم کرد. تا آن موقعی خواهم جنگید تا نصیبم شود و پدر وقتی که من شهید گشتم برای من زاری و تضرع نکنید چون که دشمنان اسلام خوشحال می شوند. به جای اینکه برای من گریه کنید یک سوره ای یا آیه را در حق من و سایر شهیدان انقلاب اسلامی ایران بخوانید.

مادر

ای نور چشمان ترم مادر خداحافظ

جان می دهم در سنگرم مادر خداحافظ

در آخرین لحظه ها بشنو پیام من بر تو سلام من

من جانثار رهبرم مادر خداحافظ

بر نوعروس اکبرم احسان و بخشش او را نوازش کن

مانند غنچه پرپریم مادر خداحافظ

این دل تنگم غصه ها دارد گویا میل کربلا دارد

ای خدا ما را کربلایی کن روز ما را نینوایی کن

و ای مادر عزیز تو بودی که مرا به این مرحله رساندی و راه شهادت به من آموختی و تو چنان شیرینی برایم داده ای که مرد جنگ باشم و در این راه به شهادت نایل گردم. من نیز از خداوند تبارک و تعالی خواستارم که گناهان ما را و شماها را ببخشد آمین. ماها و شماها را از ظلمت و تاریکی خود به روشنایی بکشاند و ما را سعادتمند سازد. همیشه راه من را دنبال کنید و همیشه پیروی از سخن حق را دنبال کنید. هیچ گونه به زیر ستم و ظلم نروید و همیشه به گفته های امام امت خمینی بت شکن قرن جهان گوش کنید و او را یک فرد بسیار بسیار محقق و علم و دانش شناس بدانید و از او پیروی کنید تا آخر عمرتان و من از تمام دوستان و آشنایان و از سپاه پاسداران و بسیجیان و کمیته های عزیز و سایر نهادهای انقلاب اسلامی تقاضای عاجزانه دارم که این شهیدان را از یاد نبرند و راه آنها را که در نبرد حق علیه باطل و نبرد با کفر جهانی مقابله می کنند و به درجه شهادت نایل می آیند، از یاد نبرید و راه آنها را طی کنید و برای حفظ وطن و قرآن و امام بیشتر تلاش کنید. چون این امام برای ما ایرانیان و بلکه به کشورهای دنیا هم خیلی ارزش دارد که خداوند این امام را برای ما عنایت فرموده است و از خداوند متعال می خواهم عمر امام امت را بیشتر نماید و ما را همیشه طوری نگه دارد که برای خاطر او کار کنیم و از راه و سبیلی که او برایمان که قرآن آموخته ایم برویم و تا به مقصدمان برسیم انشاء... . مادر و از شما که خواهشی دارم اینست که با همسر من عین یک مادر از او پذیرایی کنی و هر دردی داشت برایش حل کنی و هیچ وقت او را اذیت ندهی، چون که اگر او را ناراحت کنی من را ناراحت کرده ای و من از شما می خواهم بعد از شهادت من همسر من از این خانه بیرون نرود و تا آخرین نفس که در دل دارد در این خانه جان بسپارد و هیچ وقت نگذارید از خانه ما به خانه پدر و مادرش برود. اگر بگذارید برود در پیشگاه خدا و من مسؤول هستم که از او مواظبت کنید، نه اینکه مثل آنکس باشید که وقتی پسرش مُرد دیگر از نامزدش صحبتی هم نکردند. شماها اینطور نباشید. این مثل اینکه بعد از من دخترتان است و در خانه تان باشد و به هیچ جای دیگر هم نرود و فقط در خانه خودمان باشد تا آخر عمرش.

خداحافظ

۶۲/۹/۳

وصیت نامه ایثارگر (م)

بیتابی

(وصیت نامه ایثارگر) در انتخاب پر زنده گانی که چهره های نبرد را نامناجات خویش عطر آگین نموده اند



امام حسین

ربنا الفرج علینا همیرا و نیت اقتدا و اولادنا و انصرنا علی القوم اللذاری
 پروردگارا ای ما میسر و مصلحت کن و ما را تا بهت قدم دار و بر شکر کاروان یار
 سلام عزیزم و نذر جرمم که ایام در بهت از جامه ای بر دارم همه با تیر که دستگیر باد
 و مانند زینت و ابروی کن و صفی بر معیت نری و از خود شهادت من نجوی
 که ایام دارم سر قول خود بلیغ عزیزم یا دست است که با هم حرف می زدم و حریف
 با بر این گفتم که پس از شهادت من از راه کن و بر کفن من از راه کن ایام و اگر نصیب
 در این خانه هم در این من در راه که هم این من هستم این خوانده باشد و بی از زینت
 خود هست من گفتم که بیبا خواهد آمد من فقر ختم کرد از بیستم درم او از زینت در بیستم
 اگر چه بیبا گفتم که بیبا از امان را بر او که از راه که در راه او در دست و در دست
 ایام کن از دست الهی که دفتر دارم ایام کن را از راه که در دست از انقباض خود دفاع
 که در دست از راه که در دست ایام کن را از راه که در دست از انقباض خود دفاع
 که هست حق تعالی حافظ ایام که ایام کن را از راه که در دست از انقباض خود دفاع
 کن در این که گفته ای از راه که ایام کن را از راه که در دست از انقباض خود دفاع
 من در نبرد حق علیه باطل هم مبارزه کن و در کفایت این از من تا امرت هسته اگر کن ایام
 با امرت است و از حال کن و به بر کن خرابی و در ایام کن را از راه که در دست از انقباض خود دفاع
 بر من و تو بر این ناز و تقوی که کن و در ایام کن را از راه که در دست از انقباض خود دفاع
 و برادرم و خواهرم بر من و تو بر این ناز و تقوی که کن و در ایام کن را از راه که در دست از انقباض خود دفاع

توان سپاه متعلقه | | (۱۳۹۰ه)



درگاه

۹۴، ۲۱

۱

و امیدوارم از شما دعوت من به شرکت با من و این خانه را برابر خود بپذیرد و به پدر و مادر خود
 را در آستانه پستی و مؤمن و مستعد به انصاف و ایثار است و از آن هم محبت خود را به انصاف و سستی
 و اکثر هر چه در خانه بودم مانند نان را حتی در این خودت رفیق کن و به خود راه نرفتن خانه خودتان
 را ندهد و اکثر پرونده‌ها را از دست گرفته و بعد از آن راه به چهره گرفته تا به پدر و مادر خودتان
 و من فکر می‌کنم چهار نهادت من پرونده‌ها را بگذارم تا به محض دیدن اینها کن و در خانه خارج کن
 و به خانه خودتان در روز و اکثر اینها را بگذارم تا به محض دیدن اینها کن و به پدر و مادر خودتان
 و به این که من در زمان در این چه خسته است پرونده‌ها را بگذارم تا به محض دیدن اینها کن و به پدر و مادر خودتان
 خودت را در این است در خانه ننگه را هم و هر موقع که خودت را بگذارم تا به محض دیدن اینها کن و به پدر و مادر خودتان
 را به هم نهد مادر خودت را بگذارم تا به محض دیدن اینها کن و به پدر و مادر خودتان
 و تمام شما را به خودت بگذارم تا به محض دیدن اینها کن و به پدر و مادر خودتان
 هر طور بگذرد بابت این زحمت و عذره دارم و امیدوارم حلالم کنید

الله أكبر محمد رحیم من نذاع رحیم با قدم طریق و صدق
 ۹۴، ۲۱

حلالم کن ای ابراهیم
 حلالم کن ای ابراهیم

من جانشان را به هم در راه قرآن و التماس کنید از جان و دلمه در راه امام قریب من

من سرور و اولاد منم و خدا که روح انبیا من

فهم در این راه

۹۴، ۲۱

خدا، تا نقش لب محمد حمزه را نگذارد



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این صفت نامرئیگان حسین بن محمد امین است خدا می نویسد خدا کند چه سال عبادت کرده ای

قال الحسن: کلمه من ابن ابی اهلکم علی ان یمنج و صفت نامرئیگان

و صفت نامرئیگان... در عهد ابراهیم (ع) فرزند ابراهیم شهرستان، میزند و آب... در وقت آلوده خود را

آدم صفت بسیار است نهایی که زبان آنرا راه حرکت کرده است... صفت ابراهیم و صفت ابراهیم در زمان
بر جان شایسته پذیر بار شایسته بر همه که فرزند خود را در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است
را در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است
به خدا و غیره... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است
شما دو به در آن وقت نیز می بود... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است
راه داده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است
در زمان به هر... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است
فصلت... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است
که من... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است
مستقیم... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است
چونم... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است... در راه خود راه کرده است

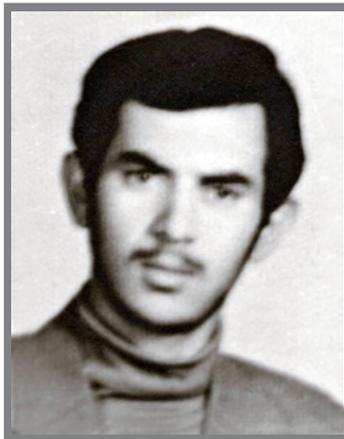


تیرا صد تیغ است آتش است آسانمای فارس بشهر گنجه و ولور احمد
سپاه پهلوان



نقشه ۹

نام: محرم
نام خانوادگی: ابراهیمی قدسی
نام پدر: محبوب
نام مادر: گلستان
تاریخ تولد: بیست خرداد ۱۳۴۱
محل تولد: روستای صدقیان از توابع
شهرستان سلماس
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی
تاریخ شهادت: چهارم اسفند ۱۳۶۲
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوه شهادت: -
مزار: شهرستان سلماس



عبارت های کلیدی

* حیات دنیا هیچ ارزشی ندارد و اصل مهم حیات جاوید اخروی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آن کس در نزد خدا محبوب است که عاشق او باشد (ای عاشقان با امام خمینی بیعت کنید. نبرد با دشمنان اسلام کنید)

پدرم و مادر مهربانم و ای زحمتکش‌شان عمر من و عزیزانم، امیدوارم که از من راضی باشید و مطمئن هستم که راضی هستید، زیرا در طول این مدت چند سال سعی کردم که به شما خدمت و خدمتگزاری کنم. ولی اسلام و انقلاب اسلامی در جایی اقرار گرفت که نتوانستم از نظر مادی برای شما خدمتی بکنم و نگران نباشید. حیات دنیا هیچ ارزشی ندارد و اصل مهم حیات جاوید اخروی است. هیچوقت از رحمت خدا ناامید نشوید. همیشه به یاد خدا و ذکر خدا باشید که خدا یار و یاور همه است. من از خدا فقط پیروزی اسلام و مسلمین را خواستار بوده‌ام و مغفرت همه مؤمنین و خود را از پروردگار لایزال متعال. پدر عزیز و مادر مهربانم خیلی آرزو داشتید که ازدواج کنم ولی این را همیشه می‌گفتم حجله شادی ام میدانهای جنگ اسلام با کفر الحادی است و مادر جان مبادا بر مزارم گریه کنی که من ناراحت می‌شوم و جواب خدا را چه بدهم. من همیشه به تو می‌گفتم من امانتی هستم از طرف خدا نزد شما و روزی باید پیش او برگردم و امروز همان روز است (إنا لله و إنا الیه راجعون) گریه را بر امام حسین بن علی (ع) از شوق عشق گریه کنید که چگونه رژیم اشغالگر غاصب تمام خانه‌های سرزمین قدس را بر سرشان خراب می‌کند و آنها را آواره صحرا کرده و اگر خفه کنند سازش نخواهم کرد و حقیقت را قربانی مصلحت نمی‌کنم و در آخر پدرم امیدوارم سلام مرا به رهبرم رسانی و از او شفاعت برابم بخواهی. حتماً دیگر فرزندان و برادرانم را برای خدمت به اسلام آماده سازی برای نبرد با دشمنان همیشه اسلام و از خداوند آفریدگار می‌خواهم که تن من در صحرای کربلای ایران به پودر تبدیل گردد که روحم تازه و قوی می‌شود و اگر به دست آمد از پدرم می‌خواهم که موقع تشییع در

۱. در اصل وصیت نامه کلمه «جای» آمده بود.

۲. در اصل وصیت نامه کلمه "شادیم" آمده بود.

۳. سوره بقره/ آیه ۱۵۶.

لباس افتخاریم که در خانه دارم آن لباس فرم پاسداریم دفن شود.

انشاء الله

برقرار باد پرچم خونین لاله الا الله

پر توان باد بازوی حزب الله

سرافراز باد امام خمینی در سراسر گیتی

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار، از عمرم بکاه و یک لحظه بر عمر

او بیفزای

محرم ابراهیمی قدس

۶۱/۱۰/۴

وصیت نامه دوم:

بسم ... الرحمن الرحيم

اگر امروز عقب نشینی کنیم اسلام را شکست دادیم.

«لا حول و لا قوة الا با... العلی العظیم ان تنصروا... ینصرکم و ینتھب اقدامکم»

با درود فراوان و آرزوی موفقیت و طول عمر امام امت تا ظهور حضرت ولی عصر(ع) و پیروزی لشکریان اسلام و بر علیه کفر صدامی. با سلام عاشقانه بر عاشقان خفته در خون کربلای ایران اسلامی. با سلام لیبکی بر امت حزب ... لیبک گویی امام عزیز. با سلام مهربانی به خانواده ام، به خصوص پدر زحمتکشم و مادر مهربانم. این جانب محرم ابراهیم (قدس) خدمتگزارتان، برای آخرین بار از جبهه نور ایمان نامه ای بر شما عزیزان ارادت می کنم. پدر بزرگوaram مرا در این موقع که در مقابل زحمتهای تو جبرانی جز اذیت و ناراحتی که تو به من علاقه و مهر داشته بودی و مرا خوب تربیت و در خط ولایت فقیه امام و اسلام راهنمایی کردی سپاسگزاری می کنم و انشاء... خداوند رحمان در مقابل صبر تو عنایتی و در پرتو نورش قرار دهد. انا لله و انا الیه راجعون و تو ای پدر بزرگوaram، من فقط از خانواده ام یک وصیت کوچک دارم. اگر فرزندی به دنیا آمد پسر بود نامش قدس یا دختر باشد قدسیه می گذاری. در آخر از تمام برادرانم عذر می خواهم، خدمتی درباره ایشان نتوانسته ام بکنم و مرا می بخشید. همچنین به مادر مهربانم که مهر پروری خود مرا به مهر و محبت ائمه اطهار انداخت، خیلی راضی هستم و زحمتهای که دامن زندگیم برای آن پدرم و مادرم ایجاد کرده ام شرمنده ام که خدمتی مادی انجام ندادم. انشاء... خدای یکتا اجرهای بهشتی اخروی عنایت کند و مادر عزیزم به هیچ وجه بعد از شهادت که لیاقت گفتن نوشتن کلمه شهادت را ندارم بعد از مرگ من چه هنگام تشییع جنازه و بعد، ناراحت نباش و گریه نکن. شاد باش و بر همه آنهايي که برای مراسم می آیند تشکر و تبریک بگو، چرا که مگر خون ناقابل ما در برابر خونهای شهیدان کربلای خونین حماسه ایران رنگین است. زیرا یک فرد مسلمان باید همیشه عاشق حسین(ع) باشد و شیعه علی(ع) باشد که جز شهادت را یک ارمغان الهی دانسته اند و من هم شهادت را مثل پستان مادری که بچه اش به طرف آن است چه از شهادت می ترسید باید زینب وار زندگی کرده و از خط ولایت فقیه و مطیع امام باشید و از خواهرانم نیز راضی بوده و همچنین از تمام فامیلهایم و عمویم راضی بوده و هستیم.

امیدوارم مرا می بخشید، اگر اذیتی داده باشم.

مردانه بجنگ وقت جنگ آمده است

هنگامه غرش تفنگ آمده است

برخیز برادر، ای دلاور برخیز

دشمن به شیخون ننگ آمده است

در لحظات آخر نامه ام، از برادر سید هاشمی که مدتی با هم بوده ایم، برایم یک درس حسین وار آموخته ام و او دعاهایی خیر که در نمازهای یومیه دارند، استدعا دارم و وصیتی به وی دارم که در تشییع پیکرم فقط برادر عزیزم سید هاشمی نوحه خوانی و عزاداری و صوتهای قرآن را به صدا درآید. مرا با طبل و موزیک اصلاً تشییع نکنید و مرا ببخش. برادر سید هاشمی و داماد عالیقدرمان محمد زینالی، همچنین از او می خواهم با برادر هاشمی همکاری کنند و شعارهایی که در رابطه با قدس عزیز است به سمع حاضران برسانند و محل دفن من را در زیر پای برادر مبارز متعهد سید نظری و مهدیزاده دفن کنند. انشاء... بدن من به دست نخواهد آمد و به پودر تبدیل شود که روح آزاد می گردد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

قدس عزیز مسلمین قبله اول را آزاد کن

نام امام را تنها نگذاریم که نعمت بزرگ است. والسلام علی من التبع الهدی

نامه مخصوص محمد زینالی می باشد.

تا یک سال از حقوق من هر ماه به مبلغ ۵۰۰ ریال به حساب بازسازی مسجد جمکران قم واریز شود. از عوض من به تمام پاسدارها برسانید که حق را فدای مصلحت نکنند.

برادر محمد زینالی یک چیز از یادم رفت که ما در پی یک مأموریت سنگین مثل حسین وار هستیم و امیدوارم که پیروزی با اسلام است و اگر به پیروزی ابدیت رسیدیم که شربت شهد نوشیدم که پدرم در برابر پیامبر روسفید و مادرم در برابر فاطمه(ع) و زینب(ع) روسفید است.

محمد زینالی نامه در پیش خود، دور از فامیلها و خانواده ام نگهداری.

خدا یار و نگهدار مؤمنین و انقلاب اسلامی باشد. والسلام

ضمناً یک وصیتنامه کامل در آلبوم عکس ثبت عکس امام در صفحه آخر آن دارم، هنگام تشییع می خوانید. برادر هاشمی می خواهم یک نوحه در شب جمعه در مقابل جسد من که علاقه به نوحه وی دارم در [صورتی] که خودش بخواد اجرا کند.

وصیت نامه سوم:

بسم... الرحمن الرحیم

«ندای هل من ناصر حسینی لبیک یا خمینی»

آیا کسی است برادر در راه آزادی قدس عزیز یاری کند درود فراوان بر او باد. با درود فراوان به رهبر انقلاب اسلامی و مستضعفان امام خمینی و سلام بر شهیدان مجاهدان اسلام.

اینجانب محرم ابراهیمی قدس، من به همراه آن کس که رو به سوی حق گردانید به نبرد با آن کس که از حق رو گردانید می روم. چرا از شهادت می ترسید، مگر کودکی سراغ دارید که از پستان مادرش بترسد، ما مرد جنگیم و تسلیم برای مسلمان منی نداریم یا پیروز می شویم یا به سعادت شهید که آخرین مقام و در هر دو جهت پیروزی با ماست انقلاب اسلامی ما سر چشمه ای است از خون پاک امام حسین(ع) هیچ وقت شکست نخواهد خورد که وارثان آن آیت... محمد حسینی بهشتی ها، مطهری ها و مفتاح ها است، مگر خونم رنگین تر از آنان است و حرکتم نیز به نزد آنهاست. انشاء... من تن به نیزه و شمشیر می دهم با چون صدام (یزید) داخل نمی شوم. پیام دیگرم از برادران و خواهران آن است که از خود صبر و استقامت و خروش نشان بدهند که پشت دشمنان اسلام از این عمل شماها امت حزب الهی به لرزه درمی آید. زیرا پیروزی حق بر علیه باطل و خوبان بر شمشیر حتمی است و هان ای ملی گراها و ای کسانی دم از ملیت می زنید، مگر شما از اسلام چه ضرری دیده اید و آنان که از اسلام سیلی خورده اند باید هی نق بزنند ملی ملی و اگر می خواهید به دروغ ایران را نجات دهید قرآن را نجات دهید. پس وای بر شماها چرا این همه مردم مستضعف بی دفاع مسلمان و بچه های صغیر بی گناه را با رگبارهای مسلسل که ساخت آمریکای جنایتکار و با سر نیزه شوروی (تزاری) تجاوزگر و با موجهای بمب اسرائیل غاصب آنها را زیر خروارها خاک مدفون می کنید، ای امت مسلمان حزب الهی خط امام (مخصوصاً پدرم و مادرم و برادرانم و تمامی دوستانم توصیه ام همیشه دنبال رو امام پیرو ولایت فقیه که همان خط انبیاء (اطیعوا... و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم رسول) است، باشید و همیشه جان فدای امام خمینی در رسالت او باشید. اگر روزی هفتاد بار تن مرا قطعه قطعه کنند و

در آتش دنیا بسوزانند هرگز از امام خمینی آن رهبرم پشت نمی کنم.
وصیتنامه پاسدار انقلاب اسلامی، رستگار آن کس است که در راه خدا جهاد کند.
خدایا، خدایا، تا انقلاب حضرت مهدی (عج)، خمینی را نگهدار
از عمرم بکاه بر یک لحظه عمر او بیفزای

۶۱/۱۰/۴

محرم ابراهیمی قدس

(این شعارها را تکرار کنند)

راه نجات قدس ما زیارت کربلا زیارت کربلا

خدایا خدایا نصیب ما بفرما بفرما

زیارت کربلا زیارت کربلا با رهبری امامم

خدایا خدایا نصیب ما بفرما بفرما

آمین یا رب العالمین



بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶ / /

خداوند!... تو خود میدانی عملکرد ما، نه برای آن است که به ریاست و سلطنت

دست یابیم و یا از روی دشمنی و کینه تویی، سخن بگوئیم، لیکن، یکبار ما برای این است که

پرچم آئین تو را بر افراشته گردانیم.

(حضرت امام حسین علیه السلام)

امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند

(امام خمینی)

بسم الله الرحمن الرحيم

برای خداوند متعال ذکر زیاد کنید - آرائش بیستی و لغات

بمفرر عفویم و بر سر حجت امامت برهیم

با بر نره این حجت (مؤمن)

صحن صلوات را از روی موفقیت رحمت سلطنتی از درگاه خداوند متعال فرستاد

بمفرر گرامی و سهیل امام بگویم که همیشه برای خدا سوال و دعا فرستاد و فرزندکان در حال

جنت است و ما کنی راهی وقت از دنیا از منتهی کان از بیاد نبوی و مال کفر بنواها از احوال

فرزند خدا بران سخن ابراهیم و سر با هم باقی الله است سلطنتی با عنایت لطف طاعت

لا یدنال برای قلب رضایت قلب منتظران همان حضرت ^{و امام خمینی} و شادای امام است

که رهبری است بر ازان حجت تعظیمن این (امام فقیه) تا برای (که کربلای)

خطبان در زیر است اهدی کیا منقول انما اولئذ العرش جبار ما ضلی فد و اوست است کربلای

در شان شهیدان غوری با هم میم نگاریم و نقاد از ناراحتی شما است - یعنی خبر داده اند که

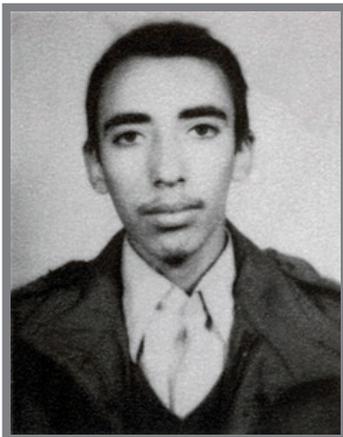
در خانه ضیای نار است مستند و حق فاضلی می نم فقط برای بریز ز منتهی کان و طول عمر با ما است

دعا کرد با شهیدان از کربلای پیوسته را ببینید

و السلام علیکم و الرحمة اللہ و برکاته

تعاون سپاه پاسداران لشکر ۳۱ عاشورا

نام: قربان
نام خانوادگی: ابراهیمی قره‌خانی
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: ششم فروردین ۱۳۴۶
محل تولد: شهرستان ماکو
تحصیلات: دانش آموز دوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هفدهم بهمن ۱۳۶۱
محل شهادت: فکه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان خوی



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام من به تو ای مادر عزیز. سلام من به تو ای خواهر عزیز و سلام من به تو ای پدر عزیزم و تو ای خواهر بزرگم و تو ای مادر بزرگم. وقتی شما به من می گفتید به حرف ما گوش کن من به حرف شما گوش نمی کردم مرا ببخشید و از روی رقیه و رضا از عوض [من] ببوسید. اگر به حرف امام گوش کنید فرموده: من از دور، دست شما رزمندگان را می بوسم و به این بوسه افتخار می کنم. به تمام عزیزانی که فامیل ما هستند و یا همسایه ما هستند خصوصاً همت فرج زاده و مشهدی علی فرج زاده و سلمان فرج زاده سلام مخصوصی می رسانم.

ای مادر عزیز و پدر عزیز، اگر من به شهادت رسیدم خواهش می کنم گریه نکنید و در راه خدا به شهادت می رسم و من شاید پس از هفت روز به مرخصی بیایم و اگر احیاناً نیایم ناراحت نباشید. آن وقت آماده باش می شویم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

قربان ابراهیمی، کوچک شما

۱۳۶۱/۸/۴

۲
 هم نامم در پیوسته ...
 سلام من به تو ای مادر عزیز سلام من به تو ای
 خواهر عزیز و سلام من به تو ای پدر عزیزم و تو ای خواهر بزرگم و تو ای
 مادر بزرگم وقتی شما به من می گفتید به حرف ما گوش کن
 من به حرف شما گوش نمی کردم سرا بیخوشید و از روی اقد و رفا از
 عوض بیگید اگر به حرف امام گوش کنید فرموده من از در پرت
 شما زمینگان را می بوسم و با این بوسه افتخاری کمتر به تمام عزیزانی را که
 قابل ما هستند و با همسایه ما هستند خصوصاً همت فرج زاده و مستوری علی
 فرج زاده و سلیمان فرج زاده سلام مخصوصی می رسانم
 ای مادر عزیز خود ای پدر عزیز اگر من به مشکلات رسیدم خواهش می کنم
 اگر به تلسو قدر راه خدا به مشکلات می روم و من شاید پس از هفت روز
 به موضعی بیایم و آنرا همانا نیام ناراضف خیانت آن وقت آماره باشم

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ
 ترکان ابراهیمی کویک شما
 ۶۷۸۰۴
 ۹۱۰۸۰۶
 فتوایی بر این اصل است

نام: میر عسگر
نام خانوادگی: ابراهیمی کوزه گران
نام پدر: یوسف
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: ششم فروردین ۱۳۴۷
محل تولد: روستای کوزه گران از توابع شهرستان
نقده
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و ششم اردیبهشت ۱۳۶۵
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان نقده



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انفروا خفافا و ثقالا و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان

کتتم تعلمون

با سلام به محضر امام زمان (عج) و نایب او و سلام به پدر و مادرم و برادران و خواهرانم امید است مرا حلال کنید.

بر^۱ پدر و مادرم و خانواده این افتخار بس که فرزندشان در این راه مقدس پا نهاده و افتخار سرباز بودن امام زمان (عج) را دارد و شرکت من در جبهه های حق بر علیه باطل بر اساس فتوای رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی بوده و شرکت در جبهه مثل نماز و سایر واجبات واجب است. من از تمام خویشاوندان و دوستان و آشنایان تقاضا دارم از نماز و قدم در راه خدا غافل نمانند و این تکلیف را به نحو احسن به جای آورند و همیشه پیرو ولایت فقیه باشند.

خوشا آن روز و آن ساعت و آن لحظه که در کربلای حسینی و در حرم حسینی به اتفاق خانواده شهدا و و معلولین و مجروحین و پدر و مادرم و به امامت امام خمینی نماز جماعت برگزار گردد.

گردان مخابرات بسیجی

میر عسگر ابراهیمی

۶۵/۱/۲۰

۱. در اصل وصیت نامه کلمه «به» آمده بود.

امکاب انقلاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انْفِرُوا حِقَاقًا وَقَالُوا وَجْهَهُمْ بَأْسُ اللَّهِ وَأَنْفُسُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
با سلام به محضر امام زمان و نایب او و سلام به پیررومادرم و برادران و خواهرانم
امید است مرا حلال کند

به پیررومادرم و خانواده این افتخار پس آنکه فرزند شان در این راه مقدس پاینده و
افتخار سرنازبورن امام زمان (ع) را دارم (و شرکت من در چهادهای حق بر علی
باطل بر اساس فتوای رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی بوده و شرکت در چهادهای مثل نماز
و سایر واجبات واجب است من از تمام خویشاوندان و دوستان و آشنایان تقاضا
دارم از نماز خودم در راه خدا غافل نباشند و این تکلیف را به نفع احسن بجای آورند
و همیشه پیرو ولایت فقیه باشند.

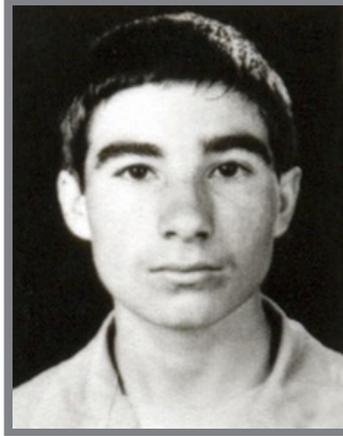
خوفا آن روز آن ساعت و آن لحظه که در کربلا می دیدم و در حریم
حسینی با تفاق خانواده شهدا معلولین مجروحین و پیررومادرم و بر امامت
امام خمینی نماز جماعت بگردانم

گوان خبارت بسمی میرسیگم ابراهیمی

۴۵/۱/۲۰

موضوع :	گردآورنده
عنوان پیشنهادی :	نویسنده
۱ -	صفحه
از	صفحه
۲ -	تاریخ :

نام: صیاد
نام خانوادگی: اسکندری
نام پدر: بهرام
نام مادر: صفوره
تاریخ تولد: سی ام خرداد ۱۳۴۹
محل تولد: روستای تقی آباد از توابع
شهرستان میاندوآب
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سی ام اسفند ۱۳۶۶
محل شهادت: یانه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* ملت عزیز از شما خواهش می کنم حافظ امام باشید و پشتیبانی خود را همیشه از امام اعلام نمایید، مردم مسلمان به جبهه ها رو کنید تا معنی انسانیت، ایثار و از خود گذشتگی را بدانید، قدر مجروحین و معلولین را بدانید و همیشه به آنها [به] چشم شهیدان زنده نگاه کنید، اگر نمی توانید به جبهه بیایید با بذل مال خودتان آنهایی که به جبهه می روند بدرقه کنید.

* پدرجان من امکان دارد به زیارت پروردگار و محبوب عزیزم بروم و بتوانم به آرزوی دیرینه خود که زیارت کربلا بود نایل شوم، لذا از شما خواهش می کنم اگر راه کربلا باز شد، عکسم را به آن مزار پاک ببرید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«ولا تحسبن الذين يقاتلون في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند.^۲
با سلام به روان پاک شهیدان انقلاب اسلامی و با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و با سلام به آقا امام زمان (عج) و با سلام گرم به رزمندگان کفرستیز که با پیکار خودشان حافظ ولایت فقیه بوده و در راه اسلام جانفشانی می کنند.
اینجانب صیاد اسکندری فرزند بهرام ساکن روستای تقی آباد طبق وظیفه شرعی که برعهده دارم بر خود می دانم که وصیت نامه بنگارم تا این نامه آخرین یادگار من به خانواده ام بماند.

اول از ملت عزیز عاجزانه خواهش می کنم که همیشه در همه حال به یاد شهیدان باشند و به وصیت آنها عمل نمایند، آن شهیدانی که با بذل خونشان حافظ کشورشان شده اند. ملت عزیزم من کوچکتر از آن هستم برای شما سخنی داشته باشم، چون گفتنی ها را قبل از ما گفته اند و این گفته ها در وصیت نامه های شهیدان آمده است، ولی باز برای یادآوری عرض می کنم، ملت عزیز از شما خواهش می کنم حافظ امام باشید و پشتیبانی خود را همیشه از امام اعلام نمایید، مردم مسلمان به جبهه ها رو کنید تا معنی انسانیت، ایثار و از خود گذشتگی را بدانید، قدر مجروحین و معلولین را بدانید و همیشه به آنها [به] چشم شهیدان زنده نگاه کنید، اگر نمی توانید به جبهه بیایید با بذل مال خودتان آنهایی که به جبهه می روند بدرقه کنید.

دوم روی سخنم متوجه خانواده ام است، ای پدر عزیز که می دانم برای بزرگ کردن من زحمات زیادی کشیده ای و همواره چتر حمایت را بر سر من گسترانده ای، از تو خواهش می کنم که هر چه بدی از من دیده اید فراموش کرده و حلالم کنید، پدرجان من امکان دارد به زیارت پروردگار و محبوب عزیزم بروم و نتوانم به آرزوی دیرینه خود که زیارت کربلا بود نایل شوم، لذا از شما خواهش می کنم اگر راه کربلا باز شد، عکسم را به آن مزار

۱. آل عمران/۱۶۹

۲. دیوان حافظ/غزلیات شمار ۱۷۸

پاک بپرید.

اما مادر، می دانم که درشبهای بیماریم چون پرستاری بالای سرم بودی و غمخوار من در همه احوالات پریشانیم بودی، از تو می خواهم حلالم کنی، از تو می خواهم از خطاهایی که درحق شما مرتکب شده ام بگذری^۱ از تو خواهش می کنم درسوگ از دست دادن جوانتان که انسانی ناپاک است فغان و شیون نکنی، از تو خواهش می کنم چون یک مادرواقعی بر سر قبرم فاتحه بخوانی، و خوشحال باشی که فرزندی بزرگ کرده ای که خداوند برایش لیاقت شهید شدن را عطا فرموده است، مادرجان با این حال نتوانستم مقدار کمی از زحمات شما را جبران کرده باشم، اما بعد از شهادتم هر چه مال از دنیا دارم برای پدرم و شما واگذار می کنم، از شما خواهش می کنم از فامیل ها و از همسایه ها برای من طلب حلالیت بکنید، از برادرانم، خواهرانم و پسرعموهایم خواهش می کنم اگر بدی از من دیده اند حلالم کنند. از تمام دوستان و آشنایان خواهش می کنم اگر بدی از بنده دیده اند به دیده منت نهاده و از تقصیر بنده چشم پوشی نمایند. در آخر از شما خواهش می کنم اگر شهید شدم در مزار شهدای میاندوآب نزد دوستان شهیدم مرا به خاک بسپارید، ولی اگر از هم روستایی هایمان عیسی، عباس، ایرج هر کدام که شهید شد، مرا نزد آنها به خاک بسارید، دیگر سخنی برای گفتن ندارم.

فقط از دوستان می خواهم هر وقت بر مزارم گذرشان افتاد با فاتحه ای خوشحالم سازند، در آخر بگویم چون من زیاد سواد نوشتن ندارم از دوست عزیزم عیسی درخواست کردم که هر چه من بگویم بنویسد، خداوند رزمندگان اسلام را نصرت عطا بفرماید.

التماس دعا

کوچک و حقیرتان صیاد اسکندری

۶۶/۱۲/۱۵

۱. در اصل وصیت((ببخشید))

SUBJECT: **صیاد اکثری**
بیم صیاد و اب
۶۶/۱۲۸۳
 INDEX: **۱۰۴۲۲۴**

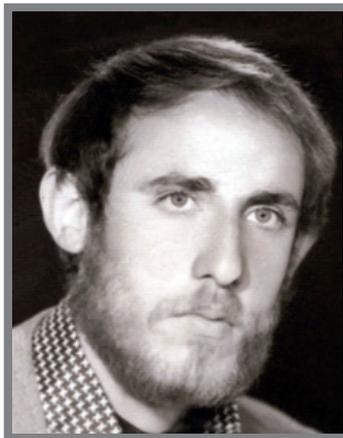
بسم الله الرحمن الرحيم
 در ولائمتين اذني ايمان لطيفي سبل المصداق تامل احياء
 از صای سحر عشق بدمدم جز تر یادگار می که در این گنبد دوار بر باد
 با سلام بگردان یا لب سجدان انصاف اسدلی بار بدو اولی بر سر قبر است
 و با سلام به آقا امام مال رحل الله و با سلام به فرزندان کوه سحر که با سگار
 فرشتهای حافظ ولایت عهد بود و در راه اسلام جانفشانی می نمودند ای صیاد
 اکثری عزیزم سلام بیانی بر روی عشق آبا و اجداد تو طبع سحری که بر محمد سلام بر خود
 می زانم که در وقت نامه بیگارم تا این نامه آخرین یادگار من به خانواده ام باشد
 او به حال از ملت عزیزم عاجزانه خواهش می کنم همه دور هم حال صیاد سجدان
 با سلام و محبت آنرا تحمل نماید آن سجدانی که با داخل خوشحال به حافظ کسوف اسلاوی
 تقابل سجدان در ملت عزیزم من کوخنگی را که هستم برای شما مستحق دارم با سلام
 قول کشتی ها رفتن از مالتی اندر و این کوه ها در دست نامه های سجدان
 آسوده است و می باز برای جلد آوری عرض می کنم ملت عزیزم از شما خواهش می کنم
 حافظ امام با سجد و شیعیانی خود را همه از امام اعلام نماید در دم سلطان محمد
 هارو کند تا معنی استقامت و ایثار و ارعوب از سنگی را بر باد برود و در عرض و معنای
 ما در این بر همه که نه با حسیم سجدان زنده بلکه کندی او بر ما نرسد و که حسیم بیاد
 ما بدول عالی خود تالی آنمانه به حجاب می روز بدرفتار کند و روی سجدی توری من
 خود حجاب و امام است ای پدر عزیزم که من دامن برای شرکت کردن من در عاشره ابدی را
 کسوفی و همواره حقیقت است با سر من است ایثارگر که از تو خواهش می کنم در حجاب

بی‌ای از من در این حال حاضر در این زمان من اطمینان دارم که در این روزها و در این روزها و در این روزها
 عزیزم بروم و بتوانم که اگر بوی در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 خواهی من کنم اگر راه کنی و با این سند عظیم که در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 که در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 بر این است که بوی از تو می‌خواهم حلال کنی از تو می‌خواهم از خطاهای که در حق شما کرده‌ام
 سبقت بگیری و خواهی من کنم در صورتی که در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 فعال و مشورتی با من از تو خواهی من کنم چون که در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 و خوشحالی باشی که در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 را عطا فرموده است و حلال می‌باشد حال آنکه در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 باشم اما نظر از اینهاست که هر چه حلالی از این خطایم برای پدرم و شوهرم و از من کنم و از شما
 خواهی من کنم از شما و از همه عاقبتی برای من طلب حلالیت کنید و از من و از شما و از من و از شما
 عزیزم و خواهی من کنم اگر بوی از من در این حال حاضر در این زمان من اطمینان دارم که در این روزها
 خواهی من کنم اگر بوی از من در این حال حاضر در این زمان من اطمینان دارم که در این روزها و در این روزها
 تا به روزگار و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 در میان من و شماست که در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 هر کدام که در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 از این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 خداوند بزرگم چون من می‌داند و او دوست من است و از من و از شما و از من و از شما و از من و از شما
 هر چه من بگویم نیویسد خداوند بزرگم و در این روزها و در این روزها و در این روزها و در این روزها
 کوی حقیقتی تان، صیاد اسکندری

کتابخانه

۶۶۱۲۱۵

نام: رشید
نام خانوادگی: اسلامیان
نام پدر: علی
نام مادر: ملح
تاریخ تولد: یکم مرداد ۱۳۳۸
محل تولد: روستای باروق تابعه شهرستان
میاندوآب
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و چهارم آذر ۱۳۶۰
محل شهادت: سرپل ذهاب
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* اگر به جای آب از زمین خون جاری شود صدام خائن و دیگر مزدورانش کوچکتر از آن هستند که بتوانند جلوی این رهبر و ملت به خروش آمده مسلمان را بگیرند.
- همان طور که خداوند می فرماید «إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» باز گشت همه بسوی اوست و چه بهتر که انسان در میدان جهاد کشته شود و نه در بستر زندگی.
* از شما می خواهم که همیشه عمل کردن به قرآن را سر لوحه کارهایتان قرار دهید و خودتان را در حضور خدا بدانید و زینب وار در مقابل سختی ها بایستید.
* وصیت می کنم که بر جنازه ام کسانی نماز بگذارند که پیرو خط امام بوده در غیر این صورت چه بهتر که جنازه ام بی نماز به خاک سپرده شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱
چون که بر هر مسلمانی واجب است که چه در مواقع حج و یا مواقع ضروری دیگر وصیتنامه ای داشته باشد من هم وصیتنامه ام را به شرح زیر می نویسم:
به نام خداوند درهم کوبنده منافقان اسلام و درود بر شهیدان کربلای حسین(ع)، سلام بر یاران باوفای حسین(ع)، سلام بر امام امت و ابراهیم زمان و حسین زمان خمینی حامی مسلمین و مستضعفان جهان و درود به یاران باوفای امام خمینی، درود بر تمام شهیدان گلگون کفن کربلای ایران، سلام به عاشورای حسینی، سلام بر سنگرهای پر خون مرزهای ایران که توسط مزدوران بیگانه و جیره خواران شرق و غرب که دستشان از آستین صدام خائن به در آمده است. مرگ بر منافقان نونهای [که می خواهند این نظام] را ناتوان سازند؛ ولی باید بدانند ملت مسلمان ایران متکی به سلاح ایمان است. به خاطر همین به شرق و غرب نه گفته و به جمهوری اسلامی رأی آری داده است و در پای رأی خود تا آخرین قطره خون ایستادگی خواهند کرد تا استثمار شرق و غرب را به جای خود بنشانند و به یاری خداوند متعال و به رهبری امام امت خمینی بت شکن این انقلاب را از مرزهای کشور به کشورهای اسلامی صادر خواهیم کرد.

اگر به جای آب از زمین خون جاری شود صدام خائن و دیگر مزدورانش کوچکتر از آن هستند که بتوانند جلوی این رهبر و ملت به خروش آمده مسلمان را بگیرند و از خواهرانم و خانواده ام می خواهم که منتظر من نباشید. چون نرفتم که زنده برگردم؛ رفتم با کفر مبارزه کنم و بکشم. اگر نتوانستم بکشم کشته شوم.

وصیت می کنم که هرگز برای من اشک نریزید و افتخار کنید که تا توانسته اید تحفه ناقابل به پیشگاه خداوند هدیه کنید که راه درست این است. همان طور که خداوند می فرماید «إِنَّا لِلَّهِ و إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۲، باز گشت همه بسوی اوست و چه بهتر که انسان در میدان جهاد کشته شود و نه در بستر زندگی و از شما می خواهم که همیشه عمل کردن به

۱. آل عمران/۱۶۹

۲. بقره / بخشی از آیه ۱۵۶

قرآن را سر لوحه کارهایتان قرار دهید و خودتان را در حضور خدا بدانید و زینب وار در مقابل سختی‌ها بایستید و همسر عزیزم، می‌دانم کمی از ازدواجمان می‌گذرد ولی بهتر می‌دانی که جهاد واجب تر از ماندن است و امیدوارم که بعد از دواج کنی و امیدوارم زحمت فرزندان را بکشی و در راه اسلام تربیت دهید تا خط امام را بیاموزی که همان خط تعالی بخش اسلام است و توای عمو، دست‌های پینه‌بسته‌ات را از راه دور می‌بوسم. مرا ببخش. شما در حق من محبت‌ها کرده‌اید.

عمو برای من گریه مکن و خواهرانم را و خانواده‌تان را دلداری بده که برای من گریه نکنند که سیاه‌قلبان شاد شوند و از خدا می‌خواهم تا شما را یاری دهد تا آنچه در توان دارید در راه اسلام جانفشانی کنید و از خواهرانم می‌خواهم که با مقدار حقوقی که دارم احتیاج همسرم را برآورید و از خواهرانم می‌خواهم که از همه برایم بخشش بخواهند و امیدوارم که انشاءالله مرا ببخشید. و وصیت می‌کنم که بر جنازه‌ام کسانی نماز بگذارند که پیرو خط امام بوده در غیر این صورت چه بهتر که جنازه‌ام بی نماز به خاک سپرده شود. والسلام.

«خدایا از تو می‌خواهم که مرگم را شهادت در راه خودت قرار دهی، زیر پرچم اسلام و با اولیاء خودت.» (امام صادق(ع))^۳
فرزندم، خواهرانم و همسرم و همه شما را به خدا می‌سپارم. دیدار بعدی در دنیای دیگر. خدا حافظ.

پیروز باد جمهوری اسلامی ایران به امید پیروزی حق بر باطل

شهید جان نثار

رشید اسلامیان

۱. در اصل وصیت ((که مقداری))

۲. در اصل وصیت ((و از خواهرانم می‌خواهم که بخشش مرا از همه خواهانم و آشنایانم بخواهید))

۳. امام صادق بحار الأنوار ج ۹۸ ص ۱ ح ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 مورخه ۶/۱۱/۶۰
 وصیت نامه شهید آیت الله اسلامیان
 وَالتَّحْسِنَ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِهْرَاقًا بِلِأْسِهِمْ دُونَ رَأْسِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ يُرِيدُونَ

چون که بر هر مسلمان واجب است که بجز در مواقع جنگ و یا مواقع ضروری جنگ و وصیت نامه اش
 داشته باشد پس هم وصیت نامه ام را به شرح زیر من نویسم - به نام خداوند درم گویند منافقان
 اسلام و درود بر شهیدان که بگذرد حسین (ع) سلام بر یاران باوفای حسین (ع) سلام بر امام امت و ابراهیم
 زمان و حسین زمان حسین خاص مسلمین و متصفین به همان درود به یاران باوفای امام حسین درود
 بر تمام شیعیان گلگون کفن کرداس ایران سلام به کاروان حسین سلام بر سنگرهای مرزهای ایران
 که توسط مزدوران بیگانه و غیره تخریب و تاراج شد و دستشان را از آستین صدام خلاصی بدرآمده
 است مرکز منافقان فتنه خیز را نتوان سازند ولی باید بدانند ملت مسلمان ایران متکی به
 سلاح ایمان است به خاطر همین به شرق و غرب نه گفته و به جمهوری اسلامی رأی آورده است
 و در این رأی خود که آخرین قطره خون استادی خواهد کرد تا استعمار شرق و غرب را به جایی نرود
 بنشیند و بیایس خود امتثال و به رهبری امام امت نجفی بیت شکن این انقلاب را از مرزهای کشور
 به کشورهای اسلامی صادر خواهیم کرد اگر به جایی آب از زمین خون جاری نشود صدام مغاثنی و دیگر
 سردارانشی که حکمرانان هستند که بتوانند جلوی این رهبر و ملت بیخوشی آمده مسلمان را بگیرند و این را از
 خلفا دهم می خواهیم که منتظر نباشند چون زخمی که زنده زخمی بازم مبارزه کنیم و بگویم اگر نتوانستیم بگویم بگویم
 وصیت می کنم که مرکز ایران می آید فزونی در اختیار کنید که تا فراتر استاید خود تا قابل به پیشگاه خداوند عید کنید
 که راه درست این است خداوند فرموده اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ وَاِلَيْهِ رَاجِعُونَ با زکات همه
 بسوی اوست و چه بهتر که انسان در میدان جهاد کشته شود و نه در ستر زندگی و از شما می خواهیم که همیشه

تاریخ ۱۳۰۱/۱/۲۰

محل کردن بقرآن را سر و رخسارها بایستاد قرار دهد و نزد خان برادر حضور بنیادیند و زینب وار در مقابل
 شمشیر به استیمن و همسر زینب می دانم کسی از از در اجماع من گذرد ولی بهترین دانی که جهاد و اجتناب از ماندن است
 و امیدوارم که بعد از خروج کفن و امیدوارم رحمت فرزندمان را بکشی و در راه اسلام تربیت دهید تا خط امام
 را بیاموزد که همان خط تعالی بنی اسلام است و تو اس عهد دستهای پینه بسته است را از راه جوین
 دویم بر اینجوش شهادت حق من محبتا کرده ایم و در آن من (که سکنی و خوارانم و خاندانمان را دلدارین بد
 که هر آن مگر به نکلند که سیاه طلبان سواد شوند و از خود اس خواهم تا شمارا یارم دهد تا آنچه در توان دارید
 در راه اسلام جانفشانی کنید و از خواران من خواهم که تعدادی حقوق من دارم احتیاج مرسوم را بر آورید و از خواران من خواهم
 که پیش بر اوجه خواهانم و آشنا با تم بخواهید و امیدوارم که انشاکا در این بجهت و وصیت من کنم که بر جنازه ام
 کسائی نزار بگذارند که بر سر خط امام ~~بوده در تبرائی صورت چه بهتر که بنازه ام می~~

نماز به خاک سپرده شود... والسلام

خدا یا از تو می خواهم که سرگرم راننده بدت در راه

شودت قرار دهی زینب بچشم اسلام و با اولیاد خود رست

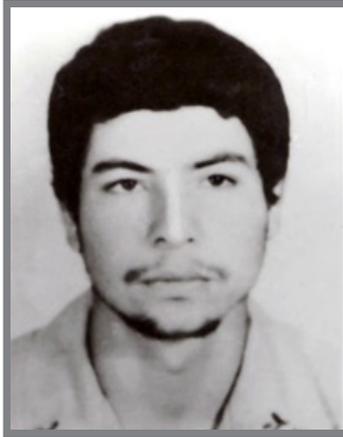
وصیت نامه شهید جان شمس الدین (اسلامیان) (امام صادقی دغ)

خودم خواهم از آن مرسوم و همه شما را به خدای بسارم دیدار بعدی

در دنیای دیگر. کا خدا حافظ

امیر روزن حبی بر باطل

نام: امداد
نام خانوادگی: اسماعیل پور
نام پدر: بابا
نام مادر: بالاجه
تاریخ تولد: بیست و ششم اردیبهشت ۱۳۴۰
محل تولد: روستای اولوق از توابع شهرستان
سلماس
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: دوازدهم اردیبهشت ۱۳۶۱
محل شهادت: کرخه نور
نحوه شهادت: انفجار مین
مزار: شهرستان زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * وقت جهاد و دفاع از دین خداست و این جهاد از همه واجب تر است.
- * همه می میرند، ولی چه بهتر در راه خدا کشته شوند.
- * مبدا ناراحت شوید، بلکه باید افتخار کنید و بدانید که من راه خود را آزادانه انتخاب کرده ام و از شما می خواهم که برای من گریه نکنید، چون بر شهیدان گریه کردن جایز نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نام: امداد شهرت: اسماعیل پور درجه: گ ۲ محل خدمت: زنجان محل دفن: شهرستان سلماس قریه اولق

با درود فراوان و سلام بر شهیدان و رهبر عالیقدرمان امام خمینی. در آخرین روزهای زندگیم سخنی چند با بازماندگانم دارم. سلام بر مادرم که خیلی دوست داشتم با شما باشم و همیشه در کنار شما زندگی کنم، ولی وقت جهاد و دفاع از دین خداست و این جهاد از همه واجب تر است.

مادر جان، همه می میرند، ولی چه بهتر در راه خدا کشته شوند. رحمت خدا بر پدرم. مادر جان، از تو می خواهم که بدی های مرا ببخشی و از من راضی باشی و از شهید شدن من ناراحت و غمگین نباشی و از تو می خواهم همیشه به یاد خداوند و روز قیامت باشی. مادر جان، پدر مرحوم و تمام برادرانم و خواهرانم به وجود شما می بالند که چنین فرزندی به اسلام هدیه کرده اید. مبدا ناراحت شوید، بلکه باید افتخار کنید و بدانید که من راه خود را آزادانه انتخاب کرده ام و از شما می خواهم که برای من گریه نکنید، چون بر شهیدان گریه کردن جایز نیست.

دیگر هر چه از طرف ارتش به من تعلق بگیرد، هر چقدر در مجلس من خرج کرده اید برداشته و الباقی و یا حقوقی که بعد از شهید شدن به من پرداخت خواهند نمود به مادرم بالاجه تقی زاده و شیرزاد اسماعیل پور و خانم مدینه اسماعیل پور و برادر روحانی ام طلبه مدد اسماعیل پور تعلق می گیرد طبق وصیت نامه تمام.

والسلام علیکم ورحمه ا... و برکاته

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی (عج)، خمینی را نگهدار.

نگه دارنده آقای مشهد علی احمدپور

وکالت آقای علی احمدپور

گروه بان دوم امداد اسماعیل پور

۱۳۶۱/۱/۱۰

۹۱/۱/۱۰

بسمه تعالی

نام امداد شهرت اسماعیل پور درجه یک عمل خدمت ازبجان

عمل دفن شهرت ان مسلمان: تبراتق

شماره پرسنلی ۷۳۹۴۹۴۹ شماره شناسنامه ۴ فرزند بابا اسماعیل پور

با دورد فراوان و مسلمان پر شهنشاهان اسلام و رهبر عالی قدرمان

امام خمینی در آخرین روزهای زندگیم بسختی چند بار باز ماندگانم دارم.

مسلم برادرم خیمی دوست داشتم با شما بودم همیشه در کنار شما گریه می کنم

ولی وقت جهاد و دفاع از دین خداست و این جهاد از همه واجب

تر است مادر جان همه انسانهایی صبرند ولی چه بهتر در راه خدا کشته بشوند

رحمت خداوند بر پدرم، مادر جان از تو می خواهم که بدیهای مرا ببخشی و از

✶

من از منی باشی و از شیرید شدن من ناراحت و غمگین نشوی از توی خوارم
 همیشه بیاد خداوند و در فرقیامت باشی ما را با هم بر سر جرم و عثم برابر اند
 خوارم این من به وجود شما خوارم ای بالکم که چنین فرزندی با اسلام هدیه کرده اید
 مبارک ناراحت نشوید بلکه باید افتخار کنید و بدانید که من راه خودم را از اراده
 انتخاب کرده ام و از شما می خوارم که برای من گریه نکنید چون بر شهیدان
 گریه کردن جایز نیست .
 دیگر هر چه از طرف ارتش به من تعلق بگیرد هر چه در در مجلس من خرج کرده اند
 برداشته و الباقی و یا حقوقی که بعد از شهید شدن به من پرداخت خواهند
 نمود به مادر من بلاجه توی زاده و شیراز اکیل پور و خانم معینه اکیل پور و برادر جوانی ام
 طلبه مدرسه اکیل پور تعلق میگیرد طبق وصیت نامه تمام
 والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگذار

نگذارنده آقا محمد علی احمد پور

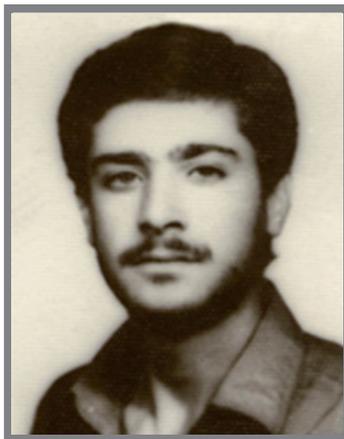
وکلالت = = علمی احمد پور

و صحتی نامه کت امداد اسماعیل پور

س

۹۱/۱/۱۰

نام: مجید
نام خانوادگی: اسماعیل زاده
نام پدر: حمید
نام مادر: سوسنبر
تاریخ تولد: سی ام فروردین ۱۳۴۵
محل تولد: شهرستان پلدشت
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هفدهم شهریور ۱۳۶۴
محل شهادت: پیرانشهر
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* من به جبهه نیامده ام که فقط بجنگم، آمده ام تا در دانشگاهی درس بخوانم که در آن برادر ۱۳ ساله ای نارنجک به کمر می بندد و خود را زیر تانک دشمن می اندازد.
* ای دانش آموزان عزیز قرآن را در خود پیاده کنید. شما با درس خواندن خویش در مدارس همانند رزمندگان اسلام در جبهه های جنگ با دشمنان اسلام بجنگید
* از فعالیت در بسیج مسجد دریغ ننمایید و دست از حمایت امام خمینی برندارید. نجات شما در گرو اوست. آیا اگر امام نبود، به چنین سعادت می رسیدیم و آیا آرزویمان برآورده می شد؟
* ای پدر بدان که من دیر زمانی است که آرزوی چنین روزی را می کشیدم و تو اجری بس عظیم نزد پروردگار داری.
* پدر جان شهادت چیدن گلهای خوشبو به دست خداوند است، برای عطر آگین کردن عرش.
* پدرجان، وصیت می کنم که تا آخرین قطره خون خود با دشمنان اسلام هرگز سر

سازش نگیرید و همیشه گوش به فرمان امام باشید
* هیچ قطره خونی در مقیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته
شود، بهتر نیست.
* برادر جان شاید من کربلا را نبینم. ولی امیدوارم به امید خدا تو به زیارت معلم من
بروی و سلام مرا به او برسانی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم رب الشهداء و الصديقين

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون.»^۱

حالا که قلم به دست گرفته و قصد دارم که وصیت نامه بنویسم، صرفاً به هر فرد مسلمان واجب است. با اینکه من فقط یک بنده گناهکار هستم. خدایا چگونه وصیت نامه بنویسم که سر تا پا گناهکارم. من به جبهه نیامده ام که فقط بجنگم، آمده ام تا در دانشگاهی درس بخوانم که در آن برادر ۱۳ ساله ای نارنجک به کمر می بندد و خود را زیر تانک دشمن می اندازد. معلم این دانشگاه امام حسین (ع) است. ما آمده ایم که در این دانشگاه خود را بسازیم. از زشتیها دوری نموده و به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین زمان خود لیبیک گفته باشیم و رهبری که همچون شیر در مقابل تمام ابرقدرتهای جهان ایستادگی کرد و آنها را به زانو درآورد. ای دانش آموزان عزیز قرآن را در خود پیاده کنید. شما با درس خواندن خویش در مدارس همانند رزمندگان اسلام در جبهه های جنگ با دشمنان اسلام بجنگید و از فعالیت در بسیج مسجد دریغ ننمایید و دست از حمایت امام خمینی بردارید. نجات شما در گرو اوست. آیا اگر امام نبود، به چنین سعادت می رسیدیم و آیا آرزویمان برآورده می شد؟ خدایا بارالها تو را سپاس می گویم که بر من مقدر فرمودی خدمت من به این زمان بیفتد. من بنده ای حقیر برای [تو] خدمت می کنم.

پدر جان، اگر می خواهید روح من شاد باشد، هر شب جمعه دعاهای زیارت عاشورا و دعای توسل بخوانید و به مسجد بروید و هرگز دست از اسلام بردارید. ای پدر بدان که من دیر زمانی است که آرزوی چنین روزی را می کشیدم و تو اجری بس عظیم نزد پروردگار داری. به راهی [که] رفتم فکر کن و آنگاه خوشحال خواهی شد که نیز به سهم خود پسری به پیش خداوند متعال هدیه کردی. پدر عزیز و زحمتشکم، به یاد داشته باشید چنانچه جسمم پیدا نشد و نتوانستی تحویل بگیری، مسئله ای نیست. بلکه سعی کن پیامم را به همه برسانی و بدان که اسلام دین حق و برادری و برابری و دین کامل است و پدر

پدرجان، وصیت می کنم که تا آخرین قطره خون خود با دشمنان اسلام هرگز سر سازش نگیرید و همیشه گوش به فرمان امام باشید و به خواهرانم وصیت می کنم من راه شهیدان را می روم، وقتی که شهید شدم، شماها نیز راه زینب را بروید. زینب گونه زندگی کنید و پیام رسان خون شهدا باشید. هیچ قطره خونی در مقیاس حقیقت و در نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود، بهتر نیست و ای برادر کوچکم، از تو می خواهم که با قلم خود چشم دشمنان اسلام را کور کنی و نگذاری اسلحه من به زمین بیفتد. خدا، خدا، چقدر دوست داشتنی هستی. کاش خون بودی در رگهایم که همه سلولهایم یارب یارب می گفت. برادر جان شاید من کربلا را نبینم. ولی امیدوارم به امید خدا تو به زیارت معلم من بروی و سلام مرا به او برسانی.

والسلام علیکم

اجرکم عندالله

مجید اسماعیل زاده

نبشته و نوازشی تو کی بگریک مودان نیست هکد سخی کی بیاسم راهه رسنی برسان که اعدا ارب خف و باربار و درین کابل است و بیجا شهادت
 جیدان گلهای تو مشهد بهست خیاره اوست براسی هکد گین کدوت عرش و بیجا ازین نهاده
 بود که وصیت میکنم که تا ازین هکد هفتاد خردا در شان اسلام که سرسارین کنده و همه کوشن در زمان ابا ابی طالب در آن وقت که منم از نهضت اسلام
 خیران مشهد شدم شامایزانه زینب ادریس زینب که کور کی کیند و بیجا ازین نهاده با نشیبه هیچ هکده صوفی در جیاسم حقیقت دور از زلف از بقیه صوفی که در راه
 خدایسته شود و بهتر نیست راهی برادر کین از نوره نما هو که با تو خدایتم و مشاهد اسلام را کوشی و گلداری افسوس در زمین بنشیند خدایزه چقدر کینت باشی حق
 کینت خیر بود که در کمال که هکده صوفیایه باب باب کانت برادری من شایه کینا را نشیبه کی اید اید امام عابد خدا تو عواربت معلوم میان کله و راه کور برسان
 والسلام علیکم
 انبر که اندر راه
 محمد علی زاده
 کتوبت هلال احمر - تزل محمدی بی علی راه
 آخسته نشسته آناه
 بخلا

نام: اسلام
نام خانوادگی: اسماعیل دوست چوپلو
نام پدر: بهروز
نام مادر: بهروز
تاریخ تولد: دهم اردیبهشت ۱۳۴۶
محل تولد: روستای کشاورز از توابع
شهرستان شاهین دژ
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نوزدهم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * بزودی به سوی خدا خواهیم رفت و از گناهان پاک خواهیم شد.
- * اطاعت از پدر و مادر اطاعت از خداست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران ابراهیم زمان خمینی بت شکن و با سلام بر ارواح طیبه شهدا. ای روزگار چرا اینقدر سنگدل هستی؟ مگر من به تو چه خرابی کرده بودم که خانه دلم را تار و دیدگان چشمم را بسته و عقل از حقایق می خواستی باز داری رحم کن و مرا در آغوش بگیر که بنده پاک خدا هستم. راستی نکنند معصیت کرده ام و گناهی مرتکب شده ام که با امر خدا جهان را برایم تنگ کرده ای. ولی باید بدانی که حالا طلب حقانیت کرده ام. بزودی به سوی خدا خواهم رفت و از گناهان پاک خواهم شد. مادر ارجمندم که گل سر سبد هستی و شمع محفل عزیزان. بعد از زحماتی که کشیده ای تشکر و قدردانی می کنم و ابروان بلندت را می بوسم. مادر من از شما راضی هستم و بدان که وظیفه ات را نسبت به فرزندت خوب انجام داده ای. خداوند از شما راضی باشد. مادر روحم به فدایت و اما شما ای پدر شرافتمندم کاش می شد که حاصل زحمات شما را جبران می کردم و در پیریت عصای دستت می شدم. پدر جان از صورتت می بوسم و در قبر هم چاکر دربان درت هستم. خواهران و برادران عزیزم از لبان معصومتان می بوسم و در این بوسه جای خوشحالی می بینم. انشاءالله که همیشه شاد و خوشحال باشید و تنها وصیت من این است که نسبت به پدر و مادرتان خوب و مهربان باشید. مبادا مادر ملکه زمین و پدر اصحاب درتان از شما ناراضی باشند. اطاعت از پدر و مادر اطاعت از خداست و بنده را در میان شهدای دوستان دفن کنید. می خواهم چند کلمه عرایض را به حضور مادرم برسانم. مادر جان بنده که با جان و دل در راه خدا و قرآن به جبهه می روم انشاءالله اگر شهید شدم هیچ گریه و زاری نکن و به گفته امام عزیزمان شهید همیشه زنده است و ضمناً به پدرم بگو ما که به جبهه می رویم و با کفار می جنگیم یعنی همیشه حق بر باطل پیروز است. با این شعر عرایضم را خاتمه می دهم:

آیا کی کند گور و که دوزد کفن من

در غربت اگر مرگ بگیرد بدن من

تا باد برد بوی مرا به وطن من

تابوت مرا جای بلندی بگذارید

اسلام اسماعیل دوست

۶۵/۹/۲۹

سرالهی سید محمد
 ۶۸، ۹، ۲۹
 یاد دادم در خلاصه به پدر بزرگوارم ایستادگی ایستادگی ایستادگی
 در سلام به ارواح مطهره شهدا
 ارادت دارم چرا اینقدر سگدل هستی که منم به تو چه خراب کرده بودم که خانه دلم را
 تار و دیرم چشمه را بسته و عمل از حیایق و عیبی باز دارم چشمه را «آغوش»
 بگیر که بسوزد پاک خلو هستم را نمی کشند عصیت کرده ام و فحاشی ترتیب شده ام که با امر
 خلو جهنم را برام تنگ کرده اند و به بدی بدی که حالا طلب خفانت کرده ام و بزود سر
 بوم خلو خواهم رفت دل از آن آهسته به خواهم شد
 سگدل بدمم ایچم گل سر سبد هستی و شمع عقل منزلت
 سگدل از جهنم که کشیده از شکر و نور دانستی و کنتم و ایروا منم بگذشت و ای بوسم

مادر من از شما را می‌فهمم و بدینست که وظیفه است که نسبت به فرزندان خود ایام
 داده ام خداوند از شما را می‌فهمد مادر در چشم من نسبت را با شما از روزگار مندم
 کاش می‌شد که حاصل زحمات شما را بجا بیاورم و در پیریت عصر است
 و شدم ، هر چه از صورتت و بوسم و در تبر هم جای در چشم من در هم طار
 خواهی بود و بلا در این عزیزم از لباس عورتانم و بوسم حد اینست بوسم حار
 تو محال و بیعت انشاء الله همیشه شد و تو محال باشید و تنها وصیت من اینست
 است که نسبت به پدر و مادر تا چشم از دیده بناد مادر من ز سر من دیدم
 اصحاب در چشم از شما را می‌فهمند اطاعت از پدر و مادر اطاعت از خدا است
 و بنده لا در چشم شهوار است و با من در چشم بنده

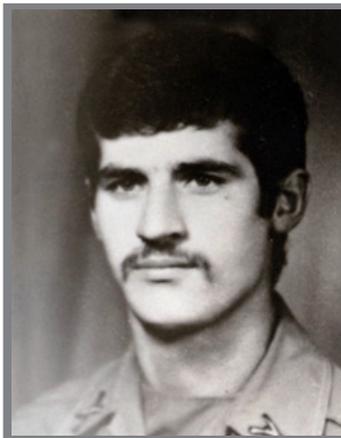
(اسلام اسماعیل دوست)

۸۵، ۹، ۲۶ خدا حافظ

تعبه و حالت نامه واجب انعام انعام دوست -

میراثم با صبر کتمه عولضم را بخدمت خود دردم برانم - مادر جان سینه دایه جان دل در راه حرا و دوان
 به جنبه مردم - ان شاء الله که دردم بیخ در راه دین و بقیه امام عزیزانی که همه همه زنده
 دخیل به مردم هم بود - مادر به جنبه مردم با کفایت و محنت نفس همه حق بر باطن و سرور است
 به جنبه نفس شکر عولضم را حاکمه میدهم - در فرست از طرف بیلد بدلی من -
 ای لب کند نورد که دور دلفن من - تا بود مرا جان بفرستی تلوار را -
 تا باد سرد بوسی مرا بگوشت من -
 صدا عاقبت

نام: صفر
نام خانوادگی: اسماعیلو
نام پدر: حسن
نام مادر: صدیقه
تاریخ تولد: بیست و چهارم مهر ۱۳۴۰
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: یازدهم فروردین ۱۳۶۲
محل شهادت: محور سنندج - مریوان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * از شماها تقاضا می کنم که در مرگ من هیچگونه گریه و زاری نکنید.
- * بدانید و به دیگران هم بفهمانید که راهی را که من انتخاب کرده ام آگاهانه بوده و من به طور آگاهانه آن را طی کردم و سرانجام آگاهانه فدای آن شدم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱
 «گمان نبرید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و در نزد پروردگار روزی می‌خورند»^۲

با سلام و درود فراوان به پیشگاه حضرت ولی عصر(عج) و نایب بر حق ایشان بت شکن زمان و رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام امت خمینی کبیر و با سلام خدمت برادر رئیس جمهور مکتبی و مبارزمان آیت الله خامنه‌ای و با سلام و درود فراوان به ارواح پاک تمام شهیدان صدر اسلام تاکنون و با سلام بر خانواده‌های شهدا و مردم همیشه در صحنه کشور عزیزم و با سلام بر پدر و مادرم و خانواده عزیزم.

پدر و مادرم، این نامه‌ای که هم اکنون به شما قرائت می‌کنیم به عنوان وصیت‌نامه من است و شاید هنگامی که این برگه به دست شما می‌رسد من در قید حیات نباشم. از این رو از شماها تقاضا می‌کنم که در مرگ من هیچگونه گریه و زاری نکنید و بدانید و به دیگران هم بفهمانید که راهی را که من انتخاب کرده‌ام آگاهانه بوده و من به طور آگاهانه آن را طی کردم و سرانجام آگاهانه فدای آن شدم.

به امید پیروزی اسلام در جهان

والسلام

صفر اسماعیلو

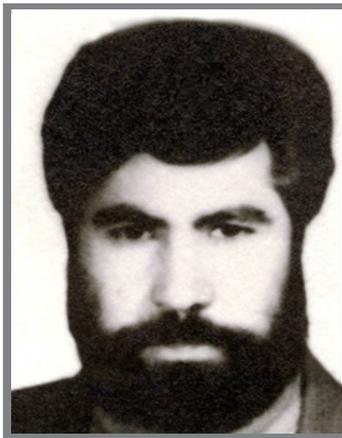
۱. آل عمران/ ۱۶۹

۲. ترجمه آل عمران/ ۱۶۹

و بعد نامه تقدیر مندرج است باینکه
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ولا یقنن الذین قتلون فی سبیل اللّٰه انهم اتوا بل ایجاب نمند رتبه بزرگوار
 گمان نبرید که سائید در راه خدایت من شویید مرده اند بلکه آیدان زنده اند و نیز بزرگوار
 روزی ای شرفمند
 باسلام و مهر و فراوانی به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) و نایب برحق ایستادگان
 نبشنگن زمان و رهبر کسیر انقلاب اسلام است حسین کبیر و باسلام نبشنگن
 برادر رئیس جمهور مقتدی و مبارز زمان آیدان غامد ای و باسلام و درود
 فراوان به ارواح پاک تمام شهیدان صدرا اسلام تا کنون و باسلام
 بر خانواده های شهدا و مردم هیبت در صحنه کشور عزیزم و باسلام
 بر خود و بر مادر و خانواده عزیزم
 پدر و مادر عزیزم این نامه ای که هم اکنون به شما قرانت می کنم بفرمود
 و محتایف من است و شاید که غلامی که این برگه به دست شما می رسد
 من در تبعید حیات نباشم و از این روز شماها قضا صافی کنم که در حرکت
 من هیجگز نه گریه و زاری نکنید و خود را در دیران هم بهرمانی که راهی
 را که من انتخاب کرده ام آگاهانه بوده و من بفرود آگاهان آن
 را طی کردم و سراسر امام آگاهان فدای آن شوم و باسلام
 به امید پیروزی اسلام در جهان
 حسن اسماعیلو

نام: محمد
نام خانوادگی: اسماعیلو
نام پدر: حسین
نام مادر: ستاره
تاریخ تولد: پنجم آذر ۱۳۳۶
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: در نهضت سواد آموزی درس خواند
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و چهارم تیر ۱۳۶۳
محل شهادت: سردشت
نحوه شهادت: سوختگی بدن
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت‌های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و با درود فراوان به تمام رزمندگان جمهوری اسلامی ایران.

من وصیت می‌کنم که بعد از مرگ من تمام پولهایم را به مادر عزیزم بدهید. ۳۰ هزار تومان پول برای سواری در بانک دارم. بعد ۵ هزار تومان در دفترچه بانک دارم. باقیمانده را در سپاه دارم. مادر جان خداحافظ. برایم دعا کنید. مادر جانم این پولها را برای من خرج کنید. دیگر عرضی ندارم.

قربانی مادرم

محمد اسماعیلو

۳۴۸

بسم الله الرحمن الرحيم
 در روز قیامت انوار کبریا بر من تابان شود
 و صیت نامه محمد استیلا لونی وصیت می کنم که بد از ترک می تمام بودیم
 محمد استیلا لونی ۹۱۶ ۲۳۰۰

به مادر عزیزم به همد ۲۵ هزار تومان پول براس سواد در بانک دارم
 به ۵ هزار تومان در دفتر بانک دارم باقی ماند در پناه دارم سلام جهان
 بقا حافظه برای دعا کند مادر جهانم این پولها را براس من خرج کنید باقی ماند
 عالی خردت دیگر من تو دارم ~~پول~~ قربانی مادرم

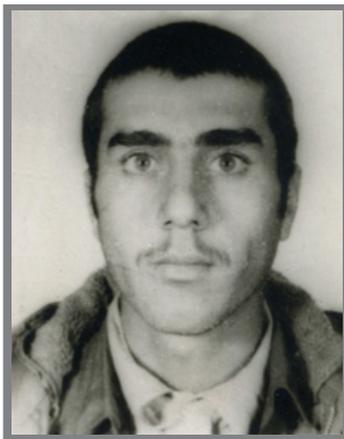
محمد استیلا لونی

تمام پول ما را با این امضا بگیری

۹ ۹

به مادرم شماره مختار بد نامید شکر

نام: ابراهیم
نام خانوادگی: اسماعیلی
نام پدر: قربان
نام مادر: خانمه
تاریخ تولد: دوم آذر ۱۳۴۷
محل تولد: روستای قازان از توابع
شهرستان سردشت
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیستم تیر ۱۳۶۸
محل شهادت: روستای قازان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای گه ور

وہ وصیت ابراہیم اسماعیلی بو دایکم و بادکم و برایانم و خوشکانم وہ وصیت به لیتان کہ گه ر من مردم له باشی مردنی من رازی نیم هیچ کہس بوم بگری چون گه ریان به سوده و اولین من جنازه له ره بیم قازان بم نه نارن و دورم چند گل بچتنند و دوعای بخیر بوم بکہن و کردنی من به خلق آزاده بکہن و وہ وصیت له برایانم ده کہم کہ له گه ل دایکم و باو کم رازی بن و دلیان نهشنن و خزمئیان به کہن. وہ وصیت نه ویه له گه ل یک و این اگر هیچ کہس موخر لیتان نبی نبی و برایتان خوش به. و سلام ابراہیم اسماعیلی. نه ووه نیشته له روز ۶۸/۲/۹ نویسیم کہ له گه ل کادو مؤنی بو قازانی هاتبوینوه. و سلام.

آنهایی کہ رحیم هستند به سر گورم بیایند و هر سال یک دفعه به قبرستان بیایند و ما را یاد بکنند. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

شہیدان زنده اند الله اکبر به خون آغشته اند الله اکبر
دل ابراہیم همیشه پاره بود به خاطر یک نفر.

از دنیا نرسیدم به دوستم

با دل پر از غم رفتم به زیر خاک

کاری خدا داده بود

شکر می‌کنم به این خدای بزرگ

این وصیت را خودم نوشتم.

هیچ وقت نبودم به دلی شاد باد

همیشه غم بود کار

ندارم کینه به همه ماه و مردم

خدا حافظ از همه تان

چون دلم خبر داده بود، پس من می میرم. خدا بزرگ است.

در تاریخ ۶۸/۲/۹ این وصیت را نوشتم.^۱

۱. در اصل وصیت ((در روز تاریخ ۶۸/۲/۹ بود این وصیت نوشتم.))

بسم الله الرحمن الرحيم
بمذای خودی نه وره
و دست ابراهیم اسماعیلی بود ایکم و با دم در ایانم و خوشکانم
و دست به لیتان نه در من مردم له باش مردی من نری
نیم هیچ نه من بوم بلحا چون نه رای به مسوده و
اولین من جنار له در هم تاران بزم نذر و دورم چینه دل بچینه
و دستای تغییر بوم بکن و مردن من به خلق آزاره
نهان و دست له بر ایانم نه م که له نهل دایکم و با دم
رازه بن ورد لیان نه شنن و خرفسیان به دن
و دست نه وره له نهل ناک و این اگر هیچ نه من
و خرف لیتان نه من و بر ایان خوش به و سلام ابراهیم اسماعیلی
نه و دست له در ۱۹ آزارا نویسم که نهل داد مؤمن بو قازانی
عالتجوینوه و سلام
ایمان

انهای که ایدم هستند به هر چه درم آید و هر سال یکبار در فقه
 تفسیر با صریح عزت زینده

به برستان بیان
 در راه به یاد بکنم و سلام
 علمم در راه تقوا و پیر
 بود

شهادت زین الله اکبر
 به خون آشفته خانه الله اکبر

از او بود
 در روز ۱۳۰۹

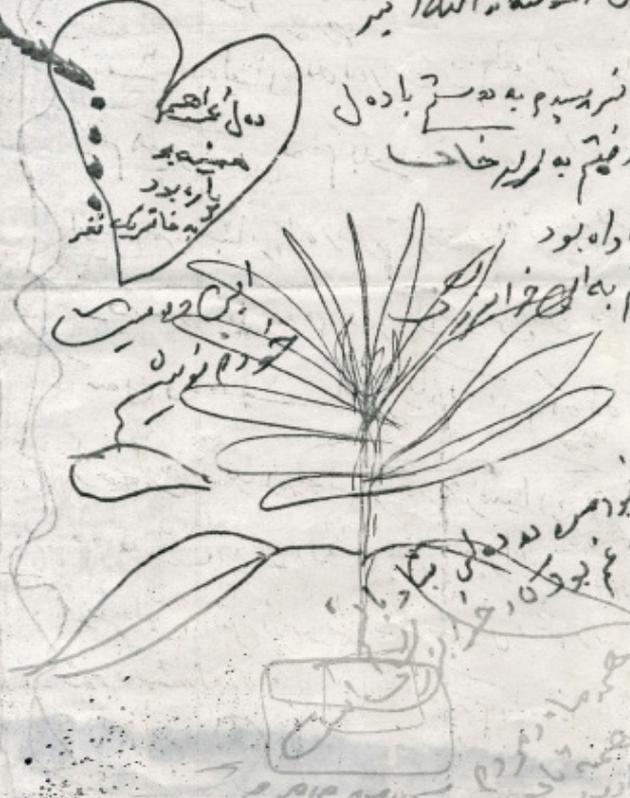
ارزینا نرسیدم به دستم باده دل
 پیر از غم ز فتم به ریزه خاک

ساری خرد راه بود
 شود درم تنم به خوارم

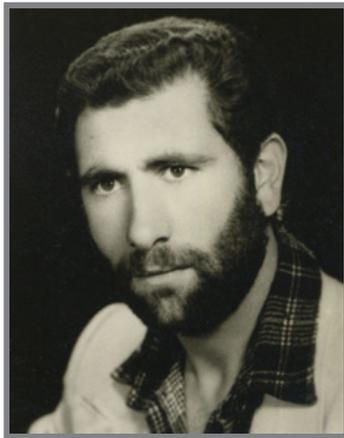
دل آهسته
 همیشه به
 بار بود
 کینه خاتمه شد

خوارم
 همیشه غم بودم در راه
 خوارم

خدا اعلم
 خود را در راه



نام: سلما س
نام خانوادگی: اسماعیلی
نام پدر: مقصود
نام مادر: شوکت
تاریخ تولد: دوازدهم شهریور ۱۳۳۷
محل تولد: روستای دهگرجی تابعه
شهرستان اشنویه
تحصیلات: دوم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: دوازدهم اردیبهشت ۱۳۶۱
محل شهادت: بستان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان نقده



عبارت های کلیدی

✽ وظیفه هر فرد مسلمان ایجاب می کند که در مقابل ظلم و زورگویی های ابر قدرتها هر چه در توان دارد به کار گیرد و از حقوق حقه مستضعفان دفاع بکند و در این جهادی که انجام می دهد خانواده و مادیات این دنیا معنی ندارد، زیرا که شرف و حیثیت و مکتب بیش از اینها ارزش دارد.

✽ وظیفه من و همسنگرانم مبارزه مستقیم و مسلحانه هست و وظیفه شما هم این است که در پشت جبهه با اتحاد خویش به جهانیان ثابت بکنید که خیانت به خون شهدا معنی و مفهومی ندارد و همچنان ادامه دهندگان راه ایشان خواهید بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

"وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَا كِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ"

"هنگام شلیک تیرها تو شلیک نمی کردی، بلکه خدا شلیک می کرد."

با سلام و با درود به رهبر کبیر انقلاب و شهدای گلگون کفن و ملت مبارز ایران. وظیفه هر فرد مسلمان ایجاب می کند که در مقابل ظلم و زورگویی های ابر قدرتها هر چه در توان دارد^۱ به کار گیرد^۲ و از حقوق حقه مستضعفان دفاع بکند و در این جهادی که انجام می دهد خانواده و مادیات این دنیا معنی ندارد، زیرا که شرف و حیثیت و مکتب بیش از اینها ارزش دارد. می خواهم به امت شهیدپرور و خانواده خویش اظهار نمایم که من خالصانه و با آگاهی در این راه که راه انبیاء و ائمه اطهار می باشد گام نهاده ام و اگر لیاقت داشته باشم با همان خلوص و سادگی به لقاءالله خواهم پیوست. ای امت مبارز، ما نسبت به هم وظایفی متقابل داریم. یعنی وظیفه من و همسنگرانم مبارزه مستقیم و مسلحانه هست و وظیفه شما هم این است که در پشت جبهه با اتحاد خویش به جهانیان ثابت بکنید که خیانت به خون شهدا معنی و مفهومی ندارد و همچنان ادامه دهندگان راه ایشان خواهید بود. می خواهم که فرزندان و نسل آینده را از کودکی نسبت به قرآن و فرامین خداوند متعال آشنا سازید تا آیندگان ما مدافع حقوق محرومان باشند و ریشه ظلم و ستم را از جا بکنند و حالا چند کلمه ای با خانواده ام [صحبت] دارم و آن این است که من این لباس مقدس را پوشیده ام که مدافع اسلام و قرآن باشم و هر آن امکان شهادت من هست. اگر در این راه شهادت نصیبم شد و به عهدی که با خدا بسته بودم وفا کردم و به لقاءالله پیوستم، حقوق من به پدرم می رسد و فرزندان و عیالم تحت نظر ایشان می باشند و اگر همسر من نخواستند بعد از من در خانه ام بمانند، هرآنچه شرع مقرر داشته می توانند سهم ببرند، ولی فرزندانم باید پیش پدرم باشند و زیر نظر ایشان مشغول آموختن فرامین الهی و فریضه های شرعی

۱. انفال/۱۷

۲. در اصل وصیت ((دارید))

۳. در اصل وصیت ((گیرید))

باشند تا ادامه دهندگان راه ما باشند و همسرم تا زمانی که در خانه ام باشند در امور فرزندانم می توانند دخالت کنند، ولی زمانی که از خانه ما رفتند نمی توانند در امور فرزندانم دخالتی بکنند. همچنین من به هیچ کس قرضی ندارم و کسی هم به من بدهکار نیست. دیگر عرضی ندارم. همه شما را به خداوند متعال می سپارم. در بودن این وصیت نامه، وصیت نامه قبلی من باطل هست.

سلماس اسماعیلی

۶۱/۱/۲۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَمَا رُمِيتْ اِذْ رُمِيتْ وَكَفَى اللّٰهُ رَیًّا
شهامت در تمام تو سبقت می دهد خداوند سبقت می دهد
با سلام و با لبه به رهبر میراث طلب و سیدان مملکت حق و ملت ما
و صلوات هر فرد مسلماً ایجاب میکند که در مقابل ظلم و زور و بی عدالتی
در توان دارد بجای آورد و از حقوق و حقه مستضعفان دفاع کند و در
این راه صیغه خارامه می آید این چنین می شود زیرا که شرف و هیبت
عزت و کبریائی از این بزرگوار دارد عظیم می آید و چون چهره و غار الله خویش اظهار
خالصانه و با سادگی در این راه راه انبیا و ائمه صلوات می آید تمام با سلام که
است داشته باشم با خدا خلوص و سادگی به لقاء الله خواهم پیوست این است
نسبت به هم وظایف مقابل دارم یعنی وظیفه من در کشورم مبارزه و
سلمان هست و وظیفه شما هم این است که در پشت جبهه با اتحاد
به جهات ما یکتا بلند در حمایت به فریاد می آید و منصرف ندارد و همیشه
است دهد گمان راه ایستاد خواهد بود عظیم که فرزندان و مثل اینها را که کوفی
است قرآن و موازین بخواند تعالی آنها سازید تا استخوان ما با نفع حقوق مجبور باشد و
KVAC

بره ستم را از جان بکند و علائق طه او با اعفای نام و نام و این است که
لای مقدس را پویید ام که مدافع اسلام و قرآن طاهر و هر آن اسکن شهادت
الذوان و اهل شهادت نصیب من شد و به طاعت که با خاسته بودم و ملازم و به طاعت
پیرانم حقوق من چه بودم و فرزندان و عیال من نظر ایستادند و آنرا قسم نهانند
من در خانام بجایند هم این ستم معقر و آنکه ستم نهانند و این فرزندان با برین بدیم
و در نظر ایستادند منقول از متن فرامین الهی و فریضه ۴ و ۵ و ۶ باشد تا
دشمنان راه ما باشند و هرگز تا زمان که در دنیا نام ما باشند هر امر فرزندان ما شوند و غفلت
علی زمانه که از خانه ما رفتند منواته در امور فرزندان ما دغالت باشد همین من به کس
رضی نام و این هم بمن برنگار نیست که در عرفی نامم که خدا را به خواند منالی بیست
در جدول این وقت نام و وقت و منالی من باطل است
صلا اسماعیلی
۶۱، ۱، ۲۷
۱۰۳۴۹۲
۱-۲ kvac

نام: سید ابراهیم
نام خانوادگی: اسماعیلی
نام پدر: میر محبوب
نام مادر: شاهی
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۳
محل تولد: روستای درگه ارسخان تابعه
شهرستان نقده
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم دی ۱۳۶۰
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* خدایا دوستی محمد و آل او را جواز عبور از صراط قیامت دانسته ای با تمام وجودم اقرار می کنم که جز حب و دوستی آل محمد(ص) و فرزند برومند فاطمه زهرا(ع) امام امت، مرا به هواداری خون و شهادت کشانده است.

* امروز نیز ما در یک دو راهی حساس قرار گرفته ایم یا باید در زیر بمب های به ظاهر سوزان یزیدیان زمانه بسوزیم و شهادت را با جان و دل پذیرا باشیم یا باید قبول ذلت بکنیم.

* خدایا فرمان رهبرم خمینی را لیبیک گفته و این وادی خون و شهادت را انتخاب کردم و خاضعانه و خاشعانه از تو می خواهم که از تقصیرات بنده معصیت کارت بگذری و مرا نیامرزیده از دنیا نبری خدایا مرا پاکیزه بپذیر.

* خوشا آنان که این دنیا را در جایی ترک می کنند که خدا از آنها راضی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ »^۱

اوست خدایی^۲ که مرگ و زندگی را آفرید تا ببیند که در پیکار حق و باطل کدامین از شما نیکوکار است. شهادت می‌دهم که خداوند زندگی را برای امتحان بندگان خودش خلق نموده است و در این آزمایشگاه کسانی رستگار خواهند شد که به رسالت رسول گرامی اسلام حضرت محمد(ص) و جانشینان بر حق او از امام زمان(عج) و در زمان غیبت امام عصر حضرت امام خمینی به عنوان ولی بر حق مسلمین اعتقاد و یقین قلبی داشته باشند و بر این اساس عمل بکنند.

خدایا دوستی محمد و آل او را جواز عبور از صراط قیامت دانسته‌ای با تمام وجودم اقرار می‌کنم که جز حب و دوستی آل محمد(ص) و فرزند برومند فاطمه زهرا(ع) امام امت مرا به هواداری خون و شهادت کشانده است و این را با آگاهی کامل و شناخت عمیق انتخاب نموده و هر گونه مصیبت و سختی را در این راه با جان و دل خریدارم و انگیزه‌ام در این انتخاب همان انگیزه شهادی کربلا است و به تبعیت از سالار شهیدان امام حسین(ع) که در مقابل لشکر یزید فرمودند که هرگز زیر بار ذلت نخواهم رفت و در این راه و برای تحقق این شعار خودش و تمامی یارانش را حتی فرزند شش ماهه اش علی اصغر را به قربانگاه فرستاده. امروز نیز ما در یک دو راهی حساس قرار گرفته ایم.

یا باید در زیر بمب‌های به ظاهر سوزان یزیدیان زمانه بسوزیم و شهادت را با جان و دل پذیرا باشیم یا باید قبول ذلت بکنیم و اما در مقابل همه جهانیان شعار مرادمان حسین(ع) را سر می‌دهیم. هیئات من الذله.

ما امروز به این مسأله باید دقت داشته باشیم که امروز هر کسی که به استقلال و آزادی کشور می‌اندیشد، باید عملش به نحوی در رابطه با جنگ معنی پیدا کند. امروز حمایت از

۱. الملک/۲؛ در اصل وصیت((الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم احسن عملاً))

۲. در اصل وصیت((خدای))

۳. منظور آیه ۵ سوره قصص میباشد.

علی مرتضی، شرکت در جبهه های جنگ و یاری کردن دین خداست و ما با اعتقاد به این مهم که در هر حال پیروز هستیم یا بکشیم و یا به فوز عظیم شهادت نایل شویم. چون اعتقاد داریم که با شهادت یک زندگی جاوید را آغاز خواهیم کرد و رزممان را برای این اساس تا رفع کل فتنه ادامه خواهیم داد، تا دین اسلام پیروز شود و احکام الهی در سطح گیتی به اجرا درآید و مستضعفین وارث زمین گردند. ^۱ (طبق فرموده قرآن کریم)

خدایا: وصیت نامه را در حال شرمندگی می نویسم. چون به پرونده ام نگاه می کنم، می بینم چیزی جز نافرمانی و معصیت و سیاهی در پرونده اعمالم چیزی نمی بینم. به گذشته خود نگاه می کنم. جز نافرمانی و معصیت چیزی نمی بینم و تنها در این موقع دعای مولایم علی(ع) را زیر لب زمزمه کردم. الهی قلبی محجوب و نفسی معیوب.^۲

خدایا قلبم را حجابی از سیاهی و گناه پوشانده و نفسم معیوب شده است. عقلم شکست خورده و هوای نفس بر من غالب گشته. لذا طاعتم کم و معصیت زیاد شده است. خدایا خودت دعوت کردی که با بار گناهان بسیار زیاد بیایم برگردم. گفتم بنده ام، تو را به تجارتی که گناهان تو را از بین می برد، دعوت می کنم. ایمان به خدا و رسول خدا(ص) و جهاد در راه خدا. در این صورت گناهانت را می بخشم. خدایا فرمان رهبرم خمینی را لیبیک گفته و این وادی خون و شهادت را انتخاب کردم و خاضعانه و خاشعانه از تو می خواهم که از تقصیرات بنده معصیت کارت بگذری و مرا نیامرزیده از دنیا نبری. خدایا مرا پاکیزه بپذیر. سخنی با خانواده ام^۳ و اهل فامیل و دوستان:

به نمازهایتان زیاد اهمیت بدهید و فرزندانان قرآن بیاموزند و در مجالس سوگواری اباعبدالله(ع) زیاد شرکت کنید و هنگام گریه کردن به شهدای کربلا بگریید. مخصوصاً سالار شهیدان و رسالت حضرت زینب (س) را وظیفه خود بدانید.

در آخر از همه فامیل و دوستان و آشنایان و کسانی که به نحوی با آنها برخورد داشتیم، طلب حلالیت می نمایم و امیدوارم که ادامه راه شهدا را وظیفه خود قلمداد نموده و دل در ظواهر فریب انگیز دنیا نبندید و به آخرت خود فکر کنید و بدانید که دنیا محل آزمایش الهی است. خوشا آنان که این دنیا را در جایی ترک می کنند که خدا از آنها راضی است و این راه

۱. فرازی از دعای صباح امام علی در سجده به معنی ((خدای من، دلم در پرده های ظلمت پوشیده شده و جانم دچار کاستی گشته))
 ۲. در اصل وصیت((خانواده مان))

استان آذربایجان غربی ♦ اسماعیلی، سید ابراهیم ۲۵۳

همان شهادت و ایثار و همه جان در راه احیاء قوانین اسلام عزیز خدایا از تو می خواهم
که مرگم را شهادت در راه خودت قرار دهی. والسلام

بنده گناهکار

سید ابراهیم اسماعیلی

۶۵/۱۰/۱۸

۳

چون اعتقاد دارم که نه نامهاست ^{بیت} زمین جاوید را آنگاه خواهد بود که در زمین را بران
 اسکن تا مرغ حل هفتاد نوزدهم در راهم داد تا درین اسکن پسر فرزند شود و اصل آن که در حق
 سینه به او در آید و مستحقین وارثت زمین نوزدهم (یعنی نوزدهم در آن نوزدهم)

خدا را ^{بیت} و حق میراد در حال شکرشین می نویسم چون به فرزندم ایام تمام می نویسم هر
 نامها را و سعادت و دست می در فرزندم ایام جنبه می نویسم نه نوزدهم خود است که نام هر نامها
 و سعادت جنبه می نویسم و مستحقان اسکن در حال سوره (ع) را بر او دست از سر مردم
 ایمن و چپ و در حق سینه

خدا را ^{بیت} را اعیان از بیایم و صفا و خوف نوره و نطق عیب نکره است که علم نیک جزوده
 و دعوی نفس برین حالت که در احوال می نویسم و سعادت را در نکره است که خود خوردن
 رحمت کردی که با باریان همان بس ز زار با اسم بر مردم (ع) نفس نکره ام بر ابرای می نه تا جان
 نورا برین سر در دعوت می نه، ایمان خدا و رسول خدا (ص) و جهاد در راه خدا در این امور است که با
 را می نویسم که خدا را شکر و رحمت می نویسم که کفایت نفس و اس و اهل خون و سعادت را
 استغاثت کردم و صفا و نکره و صفا و نکره از بر ما حرام که از هر نقصات نکره استغاثت
 بندگی و مرا ایام نکره از در سینه خدا را با نکره بندگی
 سخن با جانور است و اهل و اعیان و درونان
 به نامها جان بر در اوست در عهد و غیر زنده است آن قرآن به نکره در هر حال که توانی (استغاثت)
 زنده شکر است نکره و صفا و نکره است که هر نامها بر اهل نکره صفا و نکره است
 و در حالت حضرت زینب (س) را و طبع خود نکره است

نام: میر محمد
نام خانوادگی: اسماعیلی
نام پدر: میر محمود
نام مادر: اقدس
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۲
محل تولد: روستای درگه ارسخان از توابع
شهرستان نقده
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* اکنون سپاهیان محمد(ص) برای احیاء دین اسلام محمدی کوله بار خویش بر پشت بسته و با اتکاء بر خدای متعال برای برقراری حکومت خونین اسلام و نابودی کفر و الحاد از تمامی زمین در حرکت است حرکتی که به خاطر خداست، حرکتی که همانند سربازان امام حسین(ع)، جوان، نوجوان، پیرمرد دارد.

* همه عاشق هستند و در پی معشوق به راه افتاده اند تا به معشوق خود برسند و جان خویش را فدای مکتب اسلام کنند.

* اشکتان را به حسین بریزید و صحنه کربلا را به یاد آورید و به شهدای کربلا گریه کنید و بر من گریه نکنید. امام حسین را به یاد آورید و بر او گریه کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام و رحمت خدای تبارک و تعالی بر سرور شهیدان حسین ابن علی(ع) و شهدای صدر اسلام تا به امروز و با آرزوی طول عمر بر امام عزیز و پیروزی لشگریان محمدی(ص) جبهات نور علیه ظلمت و آزادی اسرایمان از زیر یوغ صدامیان و کفار زمان و آزادی کربلای حسینی به دست توانمند سپاه محمد(ص) انشاءالله

سلام علیکم مادر دلسوز و مهربان، برادران و خواهرانم، اینک توفیق الهی شامل بنده گناهکار خدا سیدمحمد شد تا با خیل سپاهیان محمد(ص) در عملیات شرکت کند. آری مادر جان، اکنون سپاهیان محمد(ص) برای احیاء دین اسلام محمدی کوله بار خویش بر پشت بسته و با اتکاء بر خدای متعال برای برقراری حکومت خونین اسلام و نابودی کفر و الحاد از تمامی زمین در حرکت است، حرکتی که به خاطر خداست، حرکتی که همانند سربازان امام حسین(ع)، جوان، نوجوان، پیرمرد دارد. همه عاشق هستند و در پی معشوق به راه افتاده اند تا به معشوق خود برسند و جان خویش را فدای مکتب اسلام کنند تا به تکلیف الهی و شرعی خویش عمل کنند و من خدا را شکر می کنم که از غافلگی عقب نمانم و به صف صف شکنان و حماسه سازان اسلام شتافتم تا در مرحله عمل به جهاد فی سبیل الله جامه عمل بپوشانم و مادیات دنیوی را کنار زدم تا به معنویات الهی دست یابم و در خط او باشم و تنها از او کمک می خواهم و تنها او را می پرستم و امیدوارم که وظایفی که در این مأموریت بر عهده من می باشد به نحو احسن و رضای خدا و با کمک خدای متعال عمل کنم. انشاءالله شما ای مادر مهربان، آن شیر حلالیت را بر من حلال کن و مرا از این که نتوانستم در مقابل زحمات بی دریغت فرزند خوبی باشم، ببخش و حلالم کن. امیدوارم انشاءالله به بزرگی خودت و به احترام خون حسین(ع) مرا حلال کنی و شما نیز ای برادران سیدعلی، ایوب و خواهران مرا حلال کنید و ببخشید از اینکه شماها را زحمات زیاد دادم و یا اذیت کردم، طلب آمرزش می کنم و انشاءالله صبور و بردبار همچون زینب(س) در مشکلات و بلاها صبر کنید و شکر خدا کنید. مادرم و خواهرانم، اشکتان را به حسین بریزید

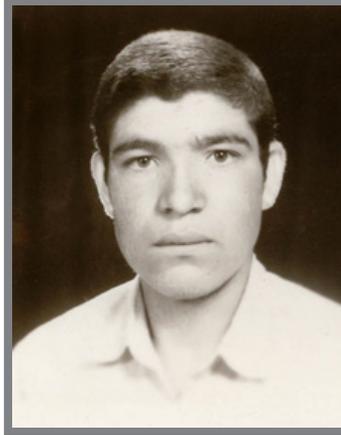
و صحنه کربلا را به یاد آورید و به شهدای کربلا گریه کنید و بر من گریه نکنید. امام حسین را به یاد آورید و بر او گریه کنید. برای پیروزی، رزمنده‌ها را دعا کنید.

والسّلام

سید محمد اسماعیلی



نام: اقبال
نام خانوادگی: اسماعیلی احمد آباد
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: نگار
تاریخ تولد: چهارم آذر ۱۳۴۵
محل تولد: روستای قرخلو از توابع
شهرستان تکاب
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: دوازدهم مرداد ۱۳۶۵
محل شهادت: سقز
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

*افسوس که من یک جان بیشتر نداشتم که در راه نایب امام زمان (عج) که راه برپا شدن حق و عدالت است، هدیه نمایم.
*عمر دنیا کوتاه است. بالاخره آدمی یک روز به دنیا آمده و یک روز هم از دنیا می رود. چه بهتر که مرگ و شهادت انسان در راه خدا باشد.
*پدر جان، می دانم که محبت من در دل تو بسیار است و رنج و اندوه از دست رفتن من برایت سنگین است. ولی در راه الله و در راه به ثمر رسیدن حکومت اسلامی بسی ناچیز است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون.»^۱
«کسانی که در راه خدا کشته می شوند، مرده نپندارید. بلکه آنان زنده اند و در نزد پروردگار خویش روزی می خورند.»

درود به روان پاک امام امت رهبر مستضعفین جهان رهبر دردمندان و مصیبت زدگان رهبر زحمت کشان و رنجبران و مظلومین جهان. چرا که این طبقه دل به او بسته اند و امیدوارند که رهبری او به رهبری و قیام حضرت امام زمان مهدی موعود(عج) متصل گردد. انشاءالله خدایا، پروردگارا، من به خود می بالم که سرباز اسلام هستم. سرباز امام زمان و در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خدمتگزارم. بارالها مرگ و شهادت من را در راه خودت قرار بده. افسوس که من یک جان بیشتر نداشتم که در راه نایب امام زمان(عج) که راه برپا شدن حق و عدالت است، هدیه نمایم.

پدر جان، می دانم که محبت من در دل تو بسیار است و رنج و اندوه از دست رفتن من برایت سنگین است. ولی در راه الله و در راه به ثمر رسیدن حکومت اسلامی بسی ناچیز است و شما از درگاه خداوند باید تشکر کنید^۲ که این نعمت را بر شما ارزانی داشته و شما را از این ثواب برخوردار گردانیده است.

پدر عزیزم، تو را به خدا سوگند می دهم که مرا فراموش کن و مبادا خدای ناکرده گریه کنی و اجر و منزلت خود را در برابر پروردگار از میان ببری.

پدر و برادران و خواهران و مادر عزیز و دلسوزم می دانم که غم از دست دادن فرزند برای هر خانواده ای مخصوصاً برای مادر بسیار مشکل و دشوار است. اگر چه می گویم خانواده محترم مرا فراموش کن. ولی می دانم که این امر برای خانواده امکان پذیر نمی باشد. ولی عمر دنیا کوتاه است. بالاخره آدمی یک روز به دنیا آمده و یک روز هم از دنیا می رود. چه بهتر که مرگ و شهادت انسان در راه خدا باشد.

۱. آل عمران/۱۶۹

۲. در اصل وصیت((از درگاه خداوند شما باید تشکر کنی))

مادر عزیزم از زحماتی که در مدت ۱۹ سال از عمر من کشیده اید، تشکر می‌کنم و از خدای بزرگ خواهانم که در قیامت با فاطمه زهرا(ع) همنشین کند و از خداوند متعال می‌خواهم که طول عمر و سلامت کامل به امام عطا کند. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

اقبال اسماعیلی

۶۴/۱۱/۲

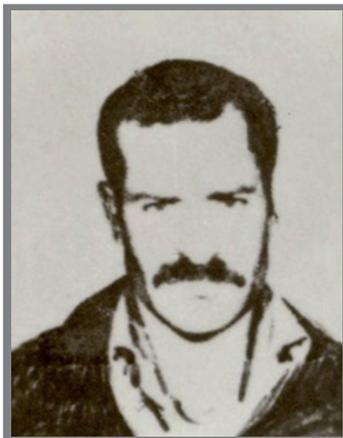
« لا یسئم ربنا الشکر و الحمد یقیناً »
« لا من و عیناً . اقبال اسماعیلی »

و کما یسئم الذین سئلوا فی سبیل الله اذ انابوا الی الله و عند ربهم یوقنون - کما یسئم در راه خدا گفته
می سئند من در راه خدا میسئد بلکه آنان زنده اند و در نزد پروردگار خویش روزی میفرودند
درود به روان پاکت اسلام است رهبر مستضعفین جهان رهبر دردمندان و مصیبت زدگان
سر نیز محنتگساران و سرسپوران و مظلومین جهان هر آنکه این طبقه دل به او بسته اند و امیدوارند
که رهبری او به رهبری و قیام حضرت امام زمان مهدی موعود (عج) متصل گردد انشاء الله
خدا ایام پروردگار من بنام خود میبالم که سو با ز اسلام هستم - سو با ز امام زمان دور چشمه پادشاه
انقلاب اسلامی خدمتگزارم با راه مبارک و سعادت من را در راه خود قرار بده انصافاً و عدالت
جان بیست و نه ایتم که در راه نایت امام زمان که راه اسلام که راه برپا شدن حق و عدالت است
هدیه بنام پدر جان میدانم که صحبت من در دل تو بسیار است و در غم و اندوه و نزد دست رشتن من برای توست
سئین است که در راه الله و در راه به من میسئد و خدمت اسلامی بسین ناموست است و از نزدیکان خود روز
شما با آنکه شکر کنی که این نعمت را بر منها نازل فرماید و شمار از این ذلالت بخورد و اگر داند است
پدر من میبالم تو را به خدا سوگند میدهم که مرا فرموده باشی و بسا خداوند فرموده که منی و اجر و منزلت خود را
در بر من بود و در گذار ز میان بسوی پدر بودمان رضوان و مادر من من و دل بسوزم میدانم که تم از دست
دادن فرزند بپوش هر چند او را بی محضه صفا برای مادر بسیار مشکل و دشوار است و اگر چه بگویم خاندان
مترم مرا فرموده باشی و می میدانم که این امر بپوش خاندان استمان پذیرش با من و ملی محمود دنیا گناه است
با کافری آدمی یک روز به دنیا آمده و یک روز هم از دنیا می رود - چه بهتر که حرکت و شهادت انسان
در راه خدا باشد مادر من میبالم از زجهانیکه در مدت ۱۱ سال از عمر من کشیده اند دشمن سلیم و از
خدای بزرگ خود حاکم که در قیامت با فاطمه زهرا عهدشکنی کند و از خداوند تعالی میفولم که طفل محمود
سلامت کاملی به امام عطا کند لاله السلام علیکم ورحمة الله و بركاته (ع) تاریخ ۱۲/۱۱/۶۶

اقبال اسماعیلی

۱۱/۱۱/۶۶

نام: محمد
نام خانوادگی: اسماعیلی ممکنانی
نام پدر: حیدر
نام مادر: عایشه
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۲
محل تولد: روستای ممکنان از توابع
شهرستان ارومیه
تحصیلات: بی سواد
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و نهم خرداد ۱۳۶۴
محل شهادت: شهر سرو شهرستان
زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت سهوی گلوله
مزار: روستای زادگاهش



عبارت های کلیدی

* من به پدر و مادرم و برادر و خواهرانم و بالاخره از تمامی خویشان استدعا دارم همیشه و همه زمان پشتیبان امام و انقلاب باشند. هیچوقت نگذارند خط امام و انقلاب خالی بشود.

* راه رستگاری، پیروی از امام است.

* پس از درک کامل امام و انقلاب و شهادی عزیز این راه صحیح را خودم انتخاب نموده تا بلکه بتوانم به این انقلاب خدمتی نموده باشم.
* خودم عضو خانواده شهدا بوده و آرزویم شهادت می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با سلام به محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با درود به ارواح پاک و مطهر شهیدان انقلاب اسلامی ایران

اینجانب محمد اسماعیلی ساکن قریه ممکن سال ۱۳۶۳ به ندای رهبر انقلاب پاسخ داده و به عضویت بسیج مقاومت قریه ممکن پیوستم تا به اهداف امام پاسخ داده و آرمانهای امام عزیزم را به جای آورم. لذا پس از درک کامل امام و انقلاب و شهدای عزیز این راه صحیح را خودم انتخاب نموده تا بلکه بتوانم به این انقلاب خدمتی نموده باشم. خودم عضو خانواده شهدا بوده و آرزویم شهادت می باشد، تا بلکه اگر خداوند خواسته باشد به آرزوهایم رسیده باشم. اگر خواسته خدا باشد و لیاقت آن را داشته باشم، چون خونم از خون شهدای گلگون کفن این دیار نیست. لذا اینجانب بنده حقیر محمد اسماعیلی ممکن ساکن قریه ممکن محال صومای به تمام اهالی قریه خودم سلام می رسانم و آرزو دارم که تمامی جوانان پشتوانه انقلاب و امام عزیز باشند و نگذارند این مملکت عزیز به دست اجانب بیفتند و کارهایی^۱ که در این مملکت شده، به هیچ عنوان قابل تحمل نیست. پس بایستی دست به دست هم داده و حافظ این مملکت باشند چنانچه امام می فرماید عشایر و مرزنشینان باید از مرزهای مملکت و این خاک و بوم نگهداری نمایند. بنابراین من به پدر و مادرم و برادر و خواهرانم و بالاخره از تمامی خویشان استدعا دارم همیشه و همه زمان پشتیبان امام و انقلاب باشند. هیچوقت نگذارند خط امام و انقلاب خالی بشود چون راه رستگاری، پیروی از امام است. بنابراین اگر به شهادت رسیدم و چنان چه فرزندی داشتم [قیومیت] آن به عهده پدرم می باشد. چون او تنها کسی است که مورد اطمینان و امین بنده است. این وصیت نامه ناقابل بنده را به خوبی مطالعه نموده و به آن عمل نمائید. انشاء الله .

خداحافظ تا ظهور مهدی موعود

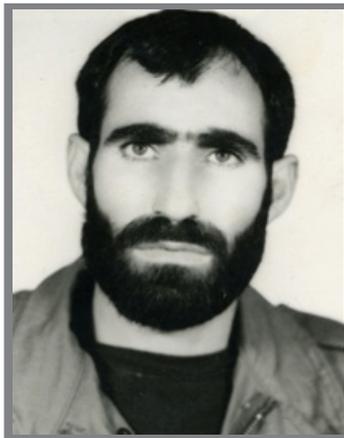
محمد اسماعیلی

بسمه تعالی و صلوات
 یا ملازم صغیر مبارک رهبر لیز انقلاب اسلامی ایران باد در دیار ای پاک خطر شهیدان
 انقلاب اسلامی ایران ای نجیب محمد اشهر مسکنی قریب مکانی شمالی ۱۳۶۴-۱۳۶۵ بیله روبر
 انقلاب اسلامی با شیخ داد زیم عنبریت بیخ مقاومت قریب مسکنی بیخ شتم تا اهداف
 امام به یا شیخ داده و اگر ما نمایان امام عزیزم در بجای آوردم لذا بی از درون
 کمال امام و انقلاب و شهرداری عزیز این راه صحیح با خورم انتخاب نمودم تا بلکه
 بتوانم به این انقلاب بپیوندم نمودم با هم خردم مصونان فراد شهر برده و گزوه
 خدمات می باشد تا بلکه خردم از فرستد با سلسله به آواز هلالی رسیده باشد
 این خواسته خود را با شه و لیاقت آنرا داشته باشم چونکه خردم نیکم گزوه خون
 مبارک گلگون کفن این دیار نبوت ملا ای نجیب بند مصغر صدر اسمعیل مسکنی

سایق قوم مملکتان حاله مسوای با تمام اعالی فرید خوردم سلام عرضا نموده آرزو
دارم که تمامه دوران جنتوانه انقلاب و امام عزیز با شکر و گلازنده این مملکت عزیز
با دست اجانب بیفتد کارهای که در این مملکت شده به هیچ عنوان قابل تمسک نیست
بسی با ستمی همه دست به دست هم داده عاقبت این مملکت با شکر چنانچه امام فریاد
سازید و سرانجام با ستمی از سر زمان مملکت دین خاک بوم گدازد نه بماند بنا بر این منی!
بهره و بار برادر خدایم حاج و بالاخره از مناس قوم و خورشیدان اشرفا دارم صلوات عرضا
با بختیان امام و انقلاب با شکر هیچ وقت ننگ نزنم امام و انقلاب نعاله عزیزان و مملکت
۱۱/۱۲

محمد اسماعیلی مکانی

نام: همت علی
نام خانوادگی: اسمعلی پور
نام پدر: عباسعلی
نام مادر: عدالت
تاریخ تولد: نهم فروردین نهم
محل تولد: روستای جان آقا از توابع
شهرستان شاهین دژ
تحصیلات: بی سواد
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و سوم مرداد ۱۳۶۹
محل شهادت: مهاباد
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * سپاس پروردگار جهانیان را که ابتدای کار ما را سعادت و پایان کار ما را شهادت قرار داد.
- * ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد.
- * مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین (ع) در راه حسین (ع) و با هدف شهید شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس پروردگار جهانیان را که ابتدای کار ما را سعادت و پایان کار ما را شهادت قرار داد. سخن را با نام خداوند درهم کوبنده ظالمان و مستکبرین و با یاد درود بر منجی عالم بشریت امام عصر مهدی زمان (عج) که با ظهورش جهان را پر از عدل و عدالت خواهد کرد. وصیتی به جوانان دارم و آن این است که ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی (ع) در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین (ع) در راه حسین (ع) و با هدف شهید شد. ای عزیزان اگر کاری کردم و مورد رنجش شماها شده، امیدوارم در این روزهای آخر مرا حلال کنید.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی (عج)، خمینی را نگهدار
از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزای
خدایا، زیارت کربلا نصیب تمام رزمندگان اسلام بفرما.

همت علی^۱ اسمعیلی پور

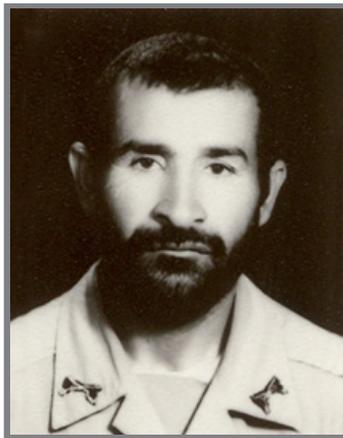
۶۵/۲/۲۴

۱. در اصل وصیت ((همتعلی))

۱۰۲۶۰۵
 ۹۵/۲۳۴
 ۹۹/۱۲۰
 وصیتنامه
 در حق من و خانواده من و اولاد من
 و صیغه
 استعفاء
 و صیغه
 یا سزا رسد صفتی استعمل یور
 سببش پیوسته کار صفتی است که اجتناب کار سزا را
 مسترد است و بیان کار سزا است که استقرار داده
 کنی که ایام خداوند در هر یک سبب و صفتی است که
 و بیان در هر یک صفتی است که استقامت عرصه صفتی
 زما (یعنی) که با غرضش صفتی بر این عمل و صفتی است که
 (۱۱۶)

۵
 ۱۱۵
 وصیتنامه
 در حق من و خانواده من و اولاد من
 و صیغه
 استعفاء
 و صیغه
 یا سزا رسد صفتی استعمل یور
 سببش پیوسته کار صفتی است که اجتناب کار سزا را
 مسترد است و بیان کار سزا است که استقرار داده
 کنی که ایام خداوند در هر یک سبب و صفتی است که
 و بیان در هر یک صفتی است که استقامت عرصه صفتی
 زما (یعنی) که با غرضش صفتی بر این عمل و صفتی است که
 (۱۱۵)

نام: مختار
نام خانوادگی: اسمعیل تاییه
نام پدر: علیقلی
نام مادر: آناخانم
تاریخ تولد: دهم خرداد ۱۳۱۵
محل تولد: روستای کهریزه از توابع
شهرستان نقده
تحصیلات: بی سواد
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هفتم مرداد ۱۳۶۶
محل شهادت: روستای شاوله شهرستان
زادگاهش
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* روز قیامت بر حق است و لذا در این دنیای فانی به هیچ کس بدهکار نبوده و یا طلب [کار] نیستیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^۱ برحمتک یا ارحم الراحمین.
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۲

اینجانب مشهدی مختار شهرت اسماعیلی فرزند علیقلی ساکن نقده محله شهید میرزا علی پیری مذهب شیعه سرخ علوی، تابع دین حضرت خاتم الانبیا(ص) و اولادش دوازده امام بر حق و کتابش قرآن مجید و دادگاه خداوند ذوالجلال، روز قیامت بر حق است و لذا در این دنیای فانی به هیچ کس بدهکار نبوده و یا طلب[کار] نیستم و در ضمن اگر حق خداوند متعال به جای آورده باشم مبلغ ۴۰ هزار تومان به اینجانب بابت کفن و دفن و مجلس ترحیم مصرف بکنند. البته ناظر خرج باید همسرم بانو سریّه رسیدگی بکند و در ضمن منزل اینجانب به مدت یک سال در اختیار مجلس ترحیم اینجانب می باشد حتی اشیای منزل و خود منزل را در اختیار داشته باشد و هیچ [کس] حق ندارد تا به این مدت قرار شده مزاحم بشوند و در ضمن از زمین دیم به مقدار پنج هکتار به همسرم سریه وقف کردم که تا آخر عمرش مال ایشان می باشد و در ضمن از بابت مهریه اش مبلغ ۲۰ هزار تومان پول نقداً به نامبرده بدهید و الباقی بچه هایم، اولاً پسرها خرج عروسی سوا و جهازیه دخترم را نیز از آن مال درآورید. باقیمانده را نیز حساب به سهم سهم بکنید و اگر نمانده دیگر حلالم بکنید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

مختار اسماعیلی تاییه

۶۴/۱۱/۲۹

۱. اسرا/۸۲

۲. بقره/بخشی از آیه ۱۵۶

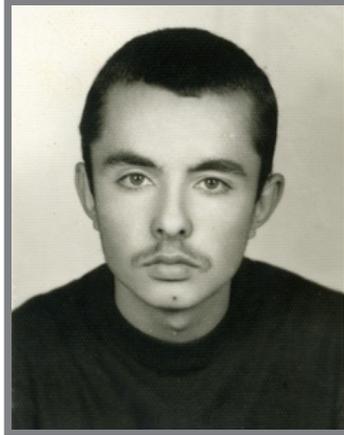
بسم الله الرحمن الرحيم فونزل عن القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين
 ان الله وانما عليه راجعون انما ابى منبه مختار شهرت اسماء على فرزند علی علی سالتن نقدیه عملیه
 مذهب شیعه شیخ علوی تابع دین حضرت خاتم النبیا و اولادش دوازده امام برحق و کتابش
 قرآن مجید و دادگاه خداوند ذوالجلال و روز قیامت برحق است و لذا در این دنیای فانی بر هیچ کسی
 بده کاری و طلب ندارم در ضمن اگر حق خداوند متعال بجا آورده باشم به مبلغ چهل هزار تومان به اینجانب
 از بابت خرج مجلس ترجمه و صرف بابتند البتة ما خرج باید همم با بنو سرتیه رسیدگی کنند
 در ضمن متزل اینجانب بدت یکسال در اختیار مجلس ترجمه اینجانب میباشد حتی اشیای متزل
 من خود متزل در اختیار داشته باشم و هیچ حق بردن با من عدت قرار نگرفته مزاجم بدستور و در
 بر زمین از زمین دسیم به مقدار پنج هکتار بنانو سرتیه وقف کرده ام تا آخر عمر من مال
 نمرده میباشد و در ضمن از بابت مهریه من مبلغ بیست هزار تومان پول نقد آید با مرده بدهید
 لذا باقی بچه هایم اولاد پسرها خرج عمر منی سوا و جهازتیه دخترم را نیز از آن مال در آورید
 از باقی مانده را نیز حساب به سهم سهم بپردازید اگر نمائید در دیگر حال بابتد و السلام علیکم ورحمة
 الله وبرکاته

مراتب بالا مورد ذکر این من بابت
 ۲۶۹ تاریخ ۳۰



از انست منبه مختار اسماء علی
 عقیق
 ترجمه بابت بالا گواهی میداد

سید علی
 سید علی



نام: عزیز
نام خانوادگی: اشراقی
نام پدر: جبرئیل
نام مادر: قیزیس
تاریخ تولد: نهم دی ۱۳۴۸
محل تولد: شهرستان چاباره
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: سی و یکم تیر ۱۳۶۷
محل شهادت: سردشت
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهر قره ضیاءالدین تابعه
زادگاهش

عبارت های کلیدی

* بنده در اینجا مشغول خدمت به اسلام و مسلمین هستم و شما ها هم باید با مال و جان خود در سنگرهای غیر از جبهه باشید.

* برادر عزیزم می دانم از نبود من رنج می برید، ولی اگر تو هم لذت مجاهدت در راه خدا را لمس می کردید همیشه آرزوی به سعادت رسیدن که همان شهادت است می کردید.

* دنیا محل امتحان و آزمایش است. سعی کنید رضایت خدا را در نظر بگیرید که آن بهتر از مال و فرزند می باشد.

* ای کسانی که احساس مسؤولیت می کنید، سعی کنید از امام امت خمینی کبیر تبعیت کنید و یک فرد مکتبی با تمام ابعادش باشید و تمامی افکار و اعمال خود را در مسیر الله قرار دهید و همیشه در یاد خدا باشید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»

«البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا

متنعم خواهند بود.»

سلام بر مهدی(عج) و سلام بر نایب بر حقش امام خمینی و سلام بر پیروان راستینش و سلام بر شهیدان. ای برادر عزیزم آقای موسی اشراقی اگر بنده در جبهه به درجه رفیع شهادت نایل آیم شماها و تمام مسلمانان و به ویژه شما برادر عزیزم و فرزندت باید از انقلاب و امام امت دفاع کنید^۱ و همیشه سنگرهای ماها را پر کنید و نگذارید کفار ملحدین بر کشور اسلامی^۲ اما حمله کند بلکه وجود شماها بعد از ماها در جبهه‌های حق علیه باطل ملزم و ضروری می‌باشد. بنده در اینجا مشغول خدمت به اسلام و مسلمین هستم و شماها هم باید با مال و جان خود در سنگرهای غیر از جبهه باشید. ای برادر عزیزم و نور چشمم، من در این جهان فانی غیر از خدا و تو کس دیگری ندارم و مادرم را به تو و تو را نیز به خداوند تبارک و تعالی می‌سپارم. برادر عزیزم می‌دانم از نبود من رنج می‌برید، ولی اگر تو هم لذت مجاهدت^۳ در راه خدا را لمس می‌کردید همیشه آرزوی به سعادت رسیدن که همان شهادت است می‌کردید. بلی عزیزان من، شماها نیز با صبر انقلابی خودتان می‌توانید به این نعمت برسید:

صبر آرد عاشقان را کام دل

بیدلان را صبر شد آرام دل

صبر مه با شب منور داردش

صبر گل با خار [...] داردش

صبر جمله انبیاء با منکران

۱. آل عمران/۱۶۹

۲. در اصل وصیت((کرد))

۳. در اصل وصیت((اسلامیمان))

۴. در اصل وصیت((مجاهده))

۵. ناخوانا

کردشان خاص حق و صاحبقران

صبر کن اندر جهاد و در غنا

دم به دم می بین بقا اندر بقا^۱

دنیا محل امتحان و آزمایش است. سعی کنید رضایت خدا را در نظر بگیرید که آن بهتر از مال و فرزند می باشد.

برادر عزیزم آقای موسی اشراقی و دوستان باوفایم و ای کسانی که احساس مسئولیت می کنید، سعی کنید از امام امت خمینی کبیر تبعیت کنید و یک فرد مکتبی با تمام ابعادش باشید و تمامی افکار و اعمال خود را در مسیر الله قرار دهید و همیشه در یاد خدا باشید. درود و رحمت و رضوان خدا و درود فرشتگان و صالحان و خاصان از بندگان او بر روان تابناک شهیدان راه حق و فضیلت و به ویژه پیشتازان و ایثارگران میدان شهادت و جانبازان انقلاب اسلامی ایران باد.

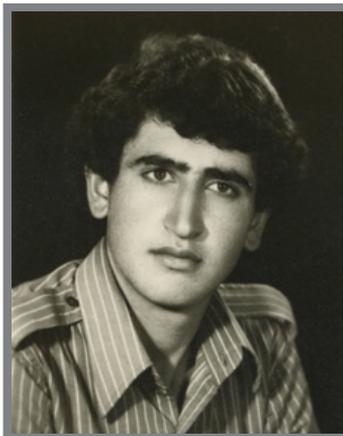
در خاتمه از عموم [مردم] حزب الله می خواهم که به امام امت و پیروان صدیقش بیشتر دعا بفرمائید.

والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین

عزیز اشراقی

۶۶/۱۱/۵

نام: ابراهیم
نام خانوادگی: افتخاری حسنلوئی
نام پدر: حسنعلی
نام مادر: لیلان
تاریخ تولد: پانزده شهریور ۱۳۳۷
محل تولد: روستای حسنلو تابع شهرستان
نقده
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: دوم فروردین ۱۳۶۱
محل شهادت: دزفول
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: روستای حسنلو



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آنان که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندارید، بلکه آنان زنده اند و روزیشان نزد پروردگارشان می باشد.

اول از همه از خداوند متعال برای تمام خانواده ام صبر و تحمل می خواهم و از تمام خواهرانم می خواهم اگر جمع شدید سعی کنید گریه نکنید و اگر نتوانستید تحمل کنید ولی صدای گریه تان به گوش نامحرمی نرسد. مادرم بر خود بیال و افتخار کن که یگانه فرزندت را در راه خدا دادی و همچو مادر شیردل و صبور باش و برادر عزیزم که همچون پدر مهربان و دلسوز برایم بودی و هرگز نگذاشتی غم

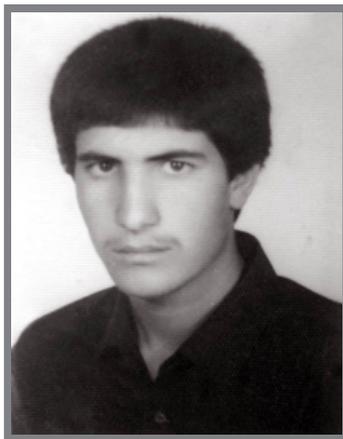
بی پدری را حس کنم. برادر اگر خبر شهادت برادرت را شنیدی صبور باش و مواظب حرفهایت! آدمی به ناچار روزی گلی شکوفا و روزی پژمرده می شود و بر تمام خواهرانم و برادرانم، من از شما خجلم، چون شما بسیار زحمت مرا کشیده اید و برایم محبت داشتید و مرا همچون فرزند خویش با شیره جانتان پروردید، برایم گریه نکنید. برای من شادی کنید و جامه نو بپوشید زیرا تنها برادرتان داماد شده و دامادی که خلعت دامادی کفن و حنای عروسیش خون و حجله زفافش قبر و چه عروسی بهتر. امیدوارم که برادر خوبی برای برادرانم و خواهرانم و فرزند لایق برای مادرم باشم و چون می دانم برادرم هیچ پس اندازی ندارد، مجلس ترحیم من با چایی آغاز و با چایی خاتمه یابد.

به امید پیروزی لشکر اسلام بر کفر صدامی

ابراهیم افتخاری

۶۰/۱۲/۶

نام: میرحمید
نام خانوادگی: اکرامی
نام پدر: میرحسین
نام مادر: غنچه
تاریخ تولد: یکم دی ۱۳۴۲
محل تولد: روستای قره اغاج توابع
شهرستان ماکو
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: ژاندارمری
تاریخ شهادت: بیست و دوم آبان ۱۳۶۳
محل شهادت: بوکان
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: روستای قره اغاج



عبارت های کلیدی

* برادرانم را به تقوا توصیه می کنم و خواهرانم را به حجاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احيا عند ربهم يرزقون»^۱

قلبها در تپش است و هر لحظه در انتظار وصال به معشوق.

ساعت در حدود ۹ شب دستور حمله صادر شده، همه خود را آماده حمله می‌کنند. ساعتی بعد حرکت خواهیم کرد بدین خاطر با خدایم راز و نیاز می‌کنم و نیازهای خود را بر روی صفحه می‌آورم.

حمد و سپاس خدایی را که جهان را از نیستی لباس هستی پوشانید و موجودات را قدرت حیات بخشید و انسان را اشرف مخلوقات قرار داد و درود به پیام آور آزادی محمد(ص) که انسانها را با پیامهای ملکوتی خود از یوغ شرک و جهالت رهایی بخشید.

پروردگارا پیشانی عبودیت برآستانت می‌سایم که منت عظیم بر بنده ات عنایت فرمودی تا آگاهانه و آزادانه برای برقراری ارزش های والای اسلام قدم در راه گذارد و با سیر صعودی خود لیاقت جهاد در راهت را پیدا کند و با تو در معامله مستقیم باشد و جان ناقابل خود را در کف اخلاص گذارده و با ایثار خونسش به درجه رفیع شهادت نایل گردد تا بدین طریق رضایت تو را جلب نماید.

پروردگارا وعده دادی که «ادعونی استجب لکم» و وعده تو تخلف ناپذیر است و محقق الوقوع، بارالها دعوتت را لبیک گفته و روی به آستان آورده ام و تمامی دنیا و^۲ را در لقای به تو خلاصه کردم، به تو عشق ورزیدم و تو وعده دادی که خون عاشقانت را خواهی ریخت، بارالها لغزشهایم را به دیده اغماض نگر و از خطاهایم درگذر و دیده گانم را در حالی که آمرزیده شدم از دنیا ببند. لباسم را کفن و سنگرم را محل وصال و دیدار معشوق و خونم را آب غسل گردان و پیراهن شهادت را بر قامت بنده ات ارزان دار تا حسین وار خونم برای احیای دینت و ارزشهای انسانیت به خون سایر شهداء ملحق گردد و به صورت سیلی بنیان افکن ریشه کفر و فساد را از ریشه برکند و موجب خیزش و تحرک انسان ها باشد.

۱. آل عمران / ۱۶۹.

۲. کلمه در اصل وصیت نامه ناخوانا می باشد..

خداوندا به درگاهت سپاس می‌گذارم که مرا در برهه ای از زمان قرار دادی که ندای آزادیبخش اسلام در اقصی نقاط عالم طنین افکنده و انسان‌ها را به سوی حق دعوت کند. من هم توفیق این را یافتم که با عنایت تو به تمامی خواسته‌های نفسانی پشت پا زده و جهت تقرب جستن به تو جهاد در راهت را انتخاب کنم.

پروردگارا از تو می‌خواهم مرا در این انتخاب مؤید بدار و گناهانم را ببخش و در فراق من به خانواده ام صبر و شکیبایی عنایت فرمائی، بارالها اسلام و مسلمین را یاری و کمک کن و حامیان اسلام را تأیید فرما.

اما ملت شهیدپرور ایران خدا را به حقانیت انقلابمان گواه می‌گیرم و از خدا می‌خواهم که با خون ما پیروزی شما را هر چه سریعتر امضاء بفرماید تا با پیروی از فرمانهای پیامبرگونه امام عزیز تمام انسانهای مستضعف و تحت ستم را از زیر یوغ استعمار رهایی بخشید و پرچم لاله الا الله را در عالم به احتزاز درآورید.

اما پدر و مادر و برادران و خواهرانم در فراقم بی‌تابی نکنید و بر خدا توکل نمایید. از همه شما می‌خواهم که مرا حلال کنید و از اینکه نوگل شکوفای خود را پرپر و پژمرده بیابید ناراحت نباشید، از همه شما می‌خواهم که حاملین پیام خونم باشید و تقوا را پیشه کنید و در هر زمان خدا را حاضر و ناظر اعمال خود بدانید. برادرانم را به تقوا توصیه می‌کنم و خواهرانم را به حجاب و پدر و مادرم را به صبر و استقامت، و سفارش می‌کنم که به برادرزاده ام سیداحمد بیشتر برسید و استعدادهای نهفته او را پرورش دهید و سعی کنید که او را به رشتهٔ ژیمناستیک بگذارید تا در این زمینه پرورش یابد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

مهر ماه ۱۳۶۱

میر حمید اکرمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والاعراب الذي فتدلفي سبيل الله امسوا ايام احياء مسند بهم زودها (قرآن مجید)

قلبها در پیش است و هر لحظه در انتظار وصال به مشوق ساعت در گذرد و شب دستور حمله
صان رسته همه خور را آماده حمله می کند ساعتی بجهت حرکت خواهم گردین خاطر با احتیاطم باز
و نایزگی تمام و نیازهای جور را بر روی صفحه می آورم:

همدرد سیاسی خدایی را که همان را از پیش این منی پوشانیدند و محسوسات را قدرت حاکم نمودند
و انسان را از این مملکت تبار داد در رو به پیام آور آزاری محمد (ص) که انسان ها را با ایمانهای ملکوتی
خود از بیخ ترک و جهالت بیای بخشید.

پرو و کار ایشان محمودیت بر آستان می سائیم که منت عظیم برسد است عایت از سوی
تألا کاهانه و آیدانه بیاری بر باری ارزش های ولای اسلام قسم در راه گذارد و با سید مصوری حضور
یافت هموار راهت را بسازد و با تو در معامله مستقیم باشد و جان تا قبل خود را در آن خط
شکافه و ایثار خویش به بجهت بیع شوارک آید این طریقی بیایت در جلب نماید ۴۰

پرو و کار آمده مادی که در اعرافی استغنیب لکم ۴۰ و وعده نشو تعالی باین است و محقق از موضع
پار الهی دعوت با کلب گفته و روی به آسان آورده ام و تمامی دنیا و ما فیهای آن را در ادای سوا حلاصه
کردم بر عشق و دردم و تو وعده دادی که خون ما شست ای جوی بیعت تا خوشبختان خود بر روی حالت
دیعاد نگاه آیدم تا خودم را بر روی دران حصار بیعت خود قرار دهی بار الله العزیز هم با دیده اعمال میگو
و ان خطا هم با گذر دیده کلان راه جلاله آرزیده شدم از سبایه بند با سم را کشت و سنگ را عمل و صا
و دیدار مشوق و خونم را با جسم ایران و پارهین شوارت را بر امت بنده است از این امر تا حسی چا
خونم بر ایامی دین ان و از شهادهای ولای انسانیت چون سایر شهیدان هلاک گردد و در صورت سبلی بد آن
می به کن و فساد با این به بگذرد و موجب خیزش و تحریک انسان هالمت.

تا خداوند در راهت سیاسی لازم که مرا در برده ای از زمانای قرار دادی که نای آید این سخن اسلام
در این نقطه عالم بشین آنگذره و انسان ها را بسوی حق دعوت میگرد و تمام توفیق این ما با قسم
که با عایت تو متاعی خواستهای نفسانی نیست باز به و صورت تعزب خویش بوجهاد در راهت را

انتخاب کنم پروردگارا از تنوی خواهم مرا در این احوال مؤید بدانی و گناهانم را بخونی و در قرآن من بر
خاندانده ام صبر و شکیبایی مایهت خدائی بارالهم السلام و مسلمین را ایضا و کمک کن و جاه این اسلام را
تأیید فرما.

انامت تعهد پرور این خدا را به حمایت انقلابان گواه میگیرم و از چندی خواهم که با خون ما پیوری
شمال هر چه سرباز افتاد بغیر ما بدینا پیوری از زبان های با حق گویند امام عزیز تمام انسان های مستضعف
و تحت ستم بل از بی بیوع استعمار و هائی بضشید و پرچم لاله الله ما دعالم به احترام و در آدرید
۱۴ اما پدر و مادر و برادران خواهانم در قرآنم نیای بکنید و بر حلال توکل کنید از همه شمای خواهم
که مرا حلال بکنید و از اینکه توکل خود را پروردگاره با بسید راحت نباشید این همه
شمانی خواهم معاملت پیام خونم باشید و تقوا را پیشه کنید و در صورتی حلال ما حاضری با حضور
اعمال خود را بسید برادرانم بل به تقوا توصیه می کنم در خواهانم را بچهارمها و پدر و مادر من
را به صبر و استقامت و وسعتی که آمد برادرانم بسید احمد بشیر برسید و استعداد های با
اولا پرورش دهید و سعی کنید که اول مرثیه شماستیک تا یاد این نادران فیما بین پرورش یابند

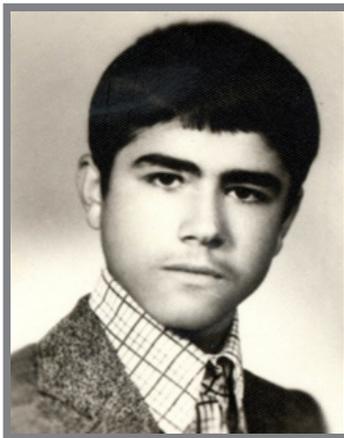
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته مهر هزار و سیصد و شصت و یک می محمد آری

ضمناً یاد آور میشود که شهید این وصیت نامه را تمام شوق شربت در علیا ...
مسلم بن علیا ... نوشته است



فتوایی برای ارجاع است

نام: علیرضا
نام خانوادگی: امامی
نام پدر: نصرت الدین
نام مادر: مرضیه
تاریخ تولد: بیست و سوم تیر ۱۳۳۹
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: -
تاریخ شهادت: چهاردهم بهمن ۱۳۵۷
محل شهادت: شهرستان خوی
نحوه شهادت: انفجار نارنجک
مزار: دروازه ماکوی شهرستان خوی



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

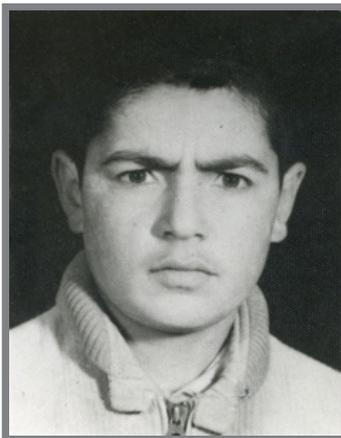
ای مجاهدان راستین راه حق شما که نمی‌توانید در زیر ستم سر کنید بر شما واجب شد که از خون پاک خود بگذرید.

دین حنیف مسلمی در مغز داریم
با رژیمن پهلوی در جنگ هستیم

تا زمانی که نور خدا در قلب داریم
تا زمانی که زنده هستیم

نصر من الله وفتح قريب

نام: سلطان علی
نام خانوادگی: امام زادگان
نام پدر: علی
نام مادر: قیزبس
تاریخ تولد: سوم اردیبهشت ۱۳۴۴
محل تولد: روستای محال انزل نجف آباد
تحصیلات: چهارم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و پنج دی ۱۳۶۵
محل شهادت: سومار
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: محال انزل



عبارت های کلیدی

- * انسان یک روز به دنیا می آید و یک روز هم از دنیا می رود و تنها کردارها و اعمالش بر جای خواهد ماند.
- * شهیدان با رفتار خود درس شجاعت و دلیری و آزادگی و دینداری می دهند.

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه وصیت نامه من (سلطانعلی امان زادگان)

سومار ۶۵/۸/۵

انسان یک روز به دنیا می آید و یک روز هم از دنیا می رود و تنها کردارها و اعمالش بر جای خواهد ماند. پس مرگ، سرنوشت ما می باشد و چه بهتر است که انسان در راه مکتب و هدفش کشته شود. از مرگ من نگران نباشید، زیرا نزد خدای متعال زنده هستم و روزی می گیرم، فقط جسمم از میان شما رفته است و از مرگ من ناراحت نباشید و برایم سیاه نپوشید. مادر عزیز و مهربانم و پدر گرامیم، می دانم که از مرگ من نگران خواهید شد. اما این را بدانید که کسانی که در راه خدا کشته شوند، زنده هستند و نزد خداوند بهره مند می شوند. امیدوارم خدا مرا از همان بندگان شهیدش قرار دهد.

پدر و مادر عزیزم بدانید که اگر من شهید شدم، باعث سربلندی شما خواهم شد چون که شهیدان با رفتار خود درس شجاعت و دلیری و آزادگی و دینداری می دهند و در آخر وصیتم از همه شما عزیزان که برای من زحمت زیادی کشیده اید تشکر می کنم و امیدوارم ادامه دهنده راه شهیدان باشید. خداحافظ

بنده حقیر شما،

سلطانعلی امامزادگان

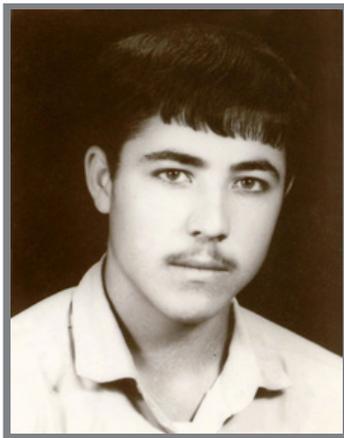
بسم خدا

«خلاصت وصیت نامه من» مورخه ۱۵/۸/۵۶
«در سومار»

«انسان یک روز با دنیا می آید و روزی هم از دنیا می رود
و تنها کردارها و اعمالش بر او خوارده می ماند پس صرگ بر وقت
ما می باشد و چه بگذرد انسان در شگفت و غم غمش گشته شود
از صرگ من نگران باشید زیرا هر خدای متعال زنده است
و روزی می آید که همه نفس من از میان شما رفته است
و از صرگ من ناراحت نباشید و بر امان نگاه بندید و ما در هر روز
بدر ترابیم می دانم که از صرگ من نگران خوارید نشوید اما
این را بدانید که کسانی که در راه خدا کشته شوند زنده هستند
و نزد خدا بهره مند می شوند امیدوارم خدا ما را از همان بندگان
شیرین قرار دهد و نیز بدر و مادر عزیزم بداید که اگر من
تعمیر بشوم یا امت سر بلند من تا خوارم شود چون که شهیدان
بارتقار خود درس شجاعت و دلیری و آرزوی مرد بنداری می دهند
و در آخر وصیتم از همه شما عزیزانم که بر امان من زحمت بر داری
کننده امید تقصیر من کنم و امیدوارم از راه خدا زنده راه شهیدان باشید

خجسته مداحان
فیروزه حق (شاه سلطانعلی)
۱۰ سومار ۹۵/۸/۵۶

نام: فریدون
نام خانوادگی: الیاسی
نام پدر: عیسی
نام مادر: غنچه
تاریخ تولد: ششم بهمن ۱۳۴۸
محل تولد: روستای علی نظر توابع
شهرستان پلدشت چشم
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نوزدهم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش و گلوله
مزار: شهرستان ماکو



عبارت های کلیدی

- * جهاد عزت اسلام و مسلمین است.
- * جهاد بر کسی که حق را شناخته واجب است.
- * ما کمر همت بسته ایم تا با مردمی که آئین خداوند را نادیده گرفته اند، حدود شرعی را کنار گذاشته و حق را پایمال کرده اند و در زمین فساد پراکنده اند و با قاسطین پیوند دوستی بسته اند نبرد کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهادت عشق است و حالا شما ما را از معشوق می ترسانید. (امام خمینی)
این است وصیت نامه این بنده خدا فریدون الیاسی فرزند عیسی شهادت می دهم به وحدانیت خدا و نبوت رسول گرامی اش محمد مصطفی (ص) و ولایت مولای متقیان علی بن ابیطالب (ع).

سپاس خدا را که این بنده حقیرش را در زمانی از تاریخ اسلام نعمت زندگانی بخشید که دین مبین اسلام عزتی دوباره یافته و رهبری چون امام سرپرستی مسلمین جهان را عهده دار گردیده است و باب جهاد جهت نبرد با دشمنان اسلام برای امت اسلامی باز شده است. و هر کسی پیام مرا می شنود به دستور امام اسلحه بر دوش گیرد و با دشمنان اسلام جهاد نماید که جهاد عزت اسلام و مسلمین است.

شما یا پدر بزرگوار و مادر عزیز که مرا با هزاران زحمت و مشقت تربیت نموده و ایمان و عشق به الله را در قلم تعبیه نمودید می دانید که من از طرف خدا امانتی در دست شما بودم و حال اگر خدا این امانتش را از شما بگیرد اجر شما که امانتداری صدیق بودید پیش خدا خواهد بود. انشاءالله که به بزرگواری خودتان از سر تقصیر اینجانب خواهید گذشت و انشاءالله خدا هم بنده اش را می بخشد.

چون من به دستور امام امت این نایب بر حق مهدی موعود(عج) به جبهه آمده ام و امید دارم که مورد قبول درگاه ایزدی واقع شود. از برادران و خواهرانم می خواهم که مرا ببخشند و هم رهرو امام بت شکن باشید و در مقابل دشمن هم شما و هم مادرم ضعف و اندوه راه مدهید که موجب شادی دشمن گردد برایم ۲۶ روز قضا نمایید.

به امید پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و زیارت کربلا و قدس.

سرباز امام زمان

فریدون الیاسی

و وصیت ۳

بِسْمِ رَبِّ السَّمْعَاءِ وَ الْقَدِيقِ صَل

بسم ازهر شیرینی شیرین تر و شهادت از غسل شیرین تر

است و وصیت نامه فریدون الیاسی

این است و وصیت این بنده خدا فریدون الیاسی فرزند

عباس شهادت میدهم به وحدانیت خدا و نبوت رسول الله

صلى الله عليه و آله و اولاد الطيبين و اهل بيته

صالحین خدا را که این دنیا حقیرش را در زمانی از تاریخ

اسلام نصرت نمودگان بود که با این بیعت با اسلام من

تجدید عهد و بیعت نمودم با امام موسی سلیمان عجمان

و عهدی دارم گردیده است که جهاد جهت نبور بادشمنان

۳۳

قر

و در استقامت عشق است و حال آنکه ما را از معشوق استرمانند

در ورق قلم را در تیغ با خفم ما سلام و از درون آن خونی نماند اسلام بقوم عالم

اسلام جوار نایب که جهاد عزت اسلام و مسلمین است

ای پسر بزرگوار و مادی عزیز که صوابا هزاران زحمت و

سخت تربیت نموده و این دانش به الله و در قلم تقی

نمودید میدانید که سن از غرق و امانتی در دست شما بودم

و حال آنکه شما این امانت از سببش از امر تمام که

امانتداری صدیق بود و بیش خدا خواهد بود استقامت

که پسر بزرگوار خودتان اسیر تقیر اینجانب خواهر بزرگوار

۳۰

و انشاء الله خدام بنده اش را مانع شد چون من بگوشه
 امام است این نایب برحق مهتر که معور در جبهه آمده ام و امید
 دارم که مورد قبول درگاه الهی واقع شود از برادران
 و خوهرانم صیغه مهم که مرا بپوشند و هر امام بیت شکن
 باشد در دنیا این ^{نوع} ^{سزا} ^{را} ^{هم} ^{طاهر} ^{نبرد} ^{منتهی} ^{اند} ^و ^{ساز}
 مدهید که موجب تقاضای دستم کرد در جهاد بوسی که حق را
 شناسند و ایست ^{این} ^{نفس} ^{ای} ^{عینی} ^{رو}
 هر مکان با دشمنان حق بیشتر
 و با اختراع در بر است
 نایب است و گمراهی فزونی افتاد
 هر که از حق واجب است ماکرم است

ع

بیست و هفتم تا با سرور من که آئین خواران را نادیده گرفته اند خود شریعی

را کنار گذاشته و حق را با ایمان کرده اند و بر زمین قساوت میرانند

و با قاطعیت پیوسته دست بسته اند و بسوی ما میروند و من روز منتهی آن

صمیم به یکی و در روز اول اشک توت کرده به جانب الله می رود و بیروت

دو مرتبه تمام شد و تمام شد و تمام شد	دو مرتبه تمام شد و تمام شد و تمام شد
صمیم به ختم فدای آن دشمن است که سوز	صمیم به ختم فدای آن دشمن است که سوز
شاید گوئیدم از فدای منوی بیرون	شاید گوئیدم از فدای منوی بیرون
مردی است که درین حال درین حال	مردی است که درین حال درین حال
جهاد و پاک تو صبر است مادر تو هم	جهاد و پاک تو صبر است مادر تو هم
بدان که در صفت حق پیوسته آن زمان بار	بدان که در صفت حق پیوسته آن زمان بار
بوقش با منی که در این روز در این روز	بوقش با منی که در این روز در این روز
من از تو صمیم در درین حال است که	من از تو صمیم در درین حال است که

خداوند قوی انقلاب ما را پیروز کند

سید محمدعلی...

نام: رضا
نام خانوادگی: انفرادی برچین بلاغ
نام پدر: ارو جعلی
نام مادر: ام البتین
تاریخ تولد: دهم خرداد ۱۳۴۴
محل تولد: میاندوآب
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سوم مرداد ۱۳۶۶
محل شهادت: بانه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: میاندوآب



عبارت های کلیدی

* چنگ بزنید بر ریسمان خدا و متفرق نشوید. ریسمان خدا در زمان غیبت ولایت فقیه است و تجسم عینی ولایت فقیه حضرت امام خمینی مدّظله عالیست.
* تنها راه سعادت راه امام و خط امام است و دیگر همه چیز باطل.

بسم الله الرحمن الرحيم

«قل إن صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»

«بگو همانا نماز من و پرستش من و زندگیم و مرگم از آن خداوند پروردگار جهانیان است.»

(سوره مبارکه انعام - آیه ۱۶۲)

حمد و سپاس فراوان خدایی را که بندگان در غم و اندوه‌های سخت به او پناه بردند و در مصائب و دردها به درگاه او زاری می‌کنند و درود بر محمد(ص) رسول خدا و ائمه اطهار سلام الله علیها و با درود به محضر امام امت و امت امام.

ای دانای هر چه آشکار و پنهان است، ای کسی که فکر و اندیشه دلها و رفت و آمد خیالات و خاطرات بر تو پنهان نیست. و تو آن خدایی که جز تو خدایی نیست و من کلمه توحید (أشهد أن لا اله الا الله) به تو ایمان آوردم و به کلام وحدت (أشهد أن محمداً رسول الله و أشهد أن امیر المؤمنین علی ولی الله) فرستادگانت را تصدیق کردم.

الهی یا رب تو مرا در این دل شب از آنانی قرار ده تا نظر لطف به او کردی و ترحم به حالش نمودی و از گناهانش گذشتی و او را صادق در گفتار و نوشتارش کردی. مرا نیز در نوشتار زیر صادق و بی‌ریا بفرما.

خدایا کمکم کن تا خود را به کمال جدایی از تاریکی‌ها و خودخواهی‌ها برسانم. امشب به حکم و وظیفه مسائلی را صادقانه نه به عنوان وصیت‌نامه بلکه به عنوان معصیت‌نامه بر بازماندگان باقی گزاردم و همچنان که در زندگی سعی کردم نه در یک جا بمانم و نه با غیر حق بسازم، اینجا نیز حقیقتها را فدای مصلحت‌ها نکنم و پروردگارا آغاز می‌کنم به نام تو که آغازگر هر آغازی هستی

سلام بر پدر و مادرم که در دنیا کسی به اندازه آنها از دستم ناراحت نشده است. می‌دانم که چقدر برایتان سخت است و چقدر زجر کشیده‌اید در پرورش من و چقدر زجر خواهید کشید و این سختیهاست که انسان را به بهشت می‌رساند. مادر و پدر عزیزم، من در حق فرزندی شما کوتاهی کرده‌ام. این قدر غرق مسائل بودم که متوجه شماها نشده‌ام. به خاطر

امام حسین(ع) و شهدا از سر تقصیرات من بگذرید و مرا حلال کنید و برای من طالب عفو نمائید که خیلی گنهکارم. در فراق من گریه و زاری نکنید. چیزی نیست. فقط چند سالی همدیگر را نمی بینیم. چندین سال بعد در عالم ابدی با هم خواهیم بود. و تنها کاری که می توانید بکنید این است که در مرحله اول دعا بکنید خدا مرا از شما به عنوان هدیه ای ناقابل در راه اسلام قبول کند و در مرحله دوم از سر تقصیرات من بگذرد که خیلی معصیت کارم. مادرم، مبادا گریه تو باعث شادی دشمنان خارجی و منافقان داخلی شود. مواظب باشی که تو حالا مادر شهیدی و اگر خدای نکرده گریه کردی گریه ات اول برای اباعبدالله الحسین(ع) باشد و دوم برای شهدای اسلام بخصوص مالک یوسفی و فولادوند و زنده دل مظلوم.

خواهرانم، شما نیز مرا حلال کنید و چون زینب(س) در مرگ برادر استوار باشید و گریه نکنید و افتخار کنید که برادر برای اسلام دادید و با رعایت مسائل اسلامی از جمله حجاب مشیت محکمی بر دهان آنانی بزنید که می خواهند انقلاب را از طریق فرهنگی شکست بدهند و برادرانم، نورچشمانم، شما نیز از سر تقصیرات این برادر گنهکارتان که لیاقت برادری شما را نداشت بگذرید و حلالم کنید. من همیشه آرزو داشتم که برادرانم به دنبال کسب علم و دانش باشند. سعی کنید آخرین آرزوی برادران را عمل کنید و پدر و مادر را اذیت نکنید. حالا اینها دلشکسته هستند

و شما ای امت مسلمان، ای مادران، ای پدران و ای خواهران و برادران، بدانید که حقیر گنه کار معصیت پیشه روسیاه کوچکتر از آنم که برای شما چیزی بگویم ولی این دردنامه را از من دردمند گوش کنید شاید ضرری نداشته باشد. حال که خداوند بر ما بدبختان روی زمین منت گذاشته و می خواهد ما را وارثان خود در روی زمین قرار دهد و الحمدالله زمینه های ان با پیروزی انقلاب مبارک اسلامی حاصل شده پس بیائید با جان و دل در تحقق حکومت واحد جهانی زیر بیرق اسلام کوشا باشیم. امروز تنها و مهمترین خطری که ما را تهدید می کند تفرقه و پراکندگی است. پس بیائید راه چاره بجوئیم. راه چاره را از چه منبعی مهمتر و مستندتر از کلام او خواهیم جست که فرموده:

«واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»^۲

چنگ بزنید بر ریسمان خدا و متفرق نشوید. ای برادران بیائید به این نسخه شفابخش عمل

۱. در اصل وصیت نامه کلمه «قبئل» آمده بود.

۲. سوره آل عمران/ آیه ۱۰۳.

نمائیم. اول ریسمان خدا را پیدا کنیم. ریسمان خدا در زمان غیبت ولایت فقیه است و تجسم عینی ولایت فقیه حضرت امام خمینی مدّظله عالیست. پس امام امروز ریسمان خداست. ای عاشقان الله، بیائید چون پروانه دور شمع وجود رهبر کبیر انقلاب بگردیم و متفرق نشویم. تنها راه سعادت راه امام و خط امام است و دیگر همه چیز باطل.

و از روحانیت حمایت کنیم چون روحانیت به مثابه بازوی امام است و دشمن که روحانیت را می‌کوبد روحانیت را شناخته است و دیگر سفارشم که همیشه امام امت بر آن تأکید داشته و دارند مسئله جنگ است. ای برادران خیال نکنید جبهه محتاج ماها است. نه این مائیم که محتاج جبهه‌ها هستیم و این [مکان] دانشگاه انسان‌سازی و محل برگزاری آزمون الهی [می‌باشد].

برادران بیمنام که دیر بجنید. بشتابید که لحظه‌های ورود به میعادگاه عشق و شهادت و سجود در حرم اباعبدالله (ع) نزدیک است، نزدیک تر

پس برای نابودی دشمنان و شرکت در فتح کربلا سرازیر معابد عشق الله (جبهه‌ها) شوید و بدانید تنها مکان آزادی از قید و بندهای دنیوی و رهائی از مکر و حيله شیطان و شیاطین داخلی و خارجی جبهه هاست و بس. پس بنابراین پرچم خونین انقلاب را که از دست شهیدان افتاده بگیرید و پیش‌بنازید. ای انصار حسین و قدم در میدانهای نبرد بگذارید و در دریای خون شنا کنید و خود را به ساحل حرم اباعبدالله (ع) برسانید.

آری چه زیباست در دنیای عمیق تر و بزرگتر از این «خاکستان» و این «اندوهکده» و این «ماتم سرا» و این «بازار زهد و ریا» پر گشودن و همیشه جاوید و جاری بودن. از زندان خاک رها شدن و دنیای دیگر پر گشودن و بر بالهای بلند شهادت نشستن. و در تمام زمین و زمان جاری شدن و لحظه‌ای زیبای رها شدن و شکوفا شدن. آغاز شدن و توان شدن و محل عروج همه اینها، که ذکرشان رفت معابدالله است و آن معابد جبهه‌های خونریز کربلای ایران است.

ای عاشقان اباعبدالله (ع)، اجل ما را فرصت نداد از جوانی به پیری رسیدم، عاقبت کربلا را ندیدم، که خود را به پای قبر شش گوشه اباعبدالله الحسین (ع) برسانیم. شما را به خدا وقتی که به زیارت قبر مطهر حسین (ع) نائل آمدید از عوض ما هم که سعی کردیم ولی نتوانستیم برسیم برای طول عمر امام و آقای منتظری امید امام امت و آقای رفسنجانی، آقای میرحسین موسوی دعا کنید که ما هم عاشق زیارت آن قبر شش گوشه حضرت اباعبدالله (ع) بودیم ولی لیاقت درک حرم مطهر را نداشتیم.

در آخر عرایضم از پدر و مادرم و آشنایان می خواهم مرا در جوار قبر مالک اگر جنازه اش پیدا شد دفن کنند.

از کلیه دوستان و آشنایان و برادران و دوستان می خواهم مرا حلال کنند. زیاد اذیتشان کردم و از تمامی کسانی که به نحوی آزارشان دادم طلب عفو می کنم چون اگر اشتباه هم باشد نیت من برای خدا بود.

بالاخره امیدوارم که به خاطر حسین(ع) از حق خودتان بگذرید و باری از گناهان من معصیت کار پرگناه را بردارید. باز می خواهم کسی برای من نگرید بخصوص خانواده من، ولی اگر خواستید گریه کنید شما را به خدا برای زنده دل و مالک گریه کنید. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگهدار

جبهه جنوب - الحقییرضا انفرادی

۶۵/۱/۲۴

دعا انفرادی ۴۷۸

دستهای است بیجان ای عابدان ای پیران دای خضران و برادران ماسد که خضر کبریا که عیبت بیسته بود
بیا که کویچه را کس که برای شما میزبانی بگویم در این درونام را ازین درونم تو سبب کشیدید خضر کبریا که
حال که خاندان برادر بیجان می زین منته گذاشته مع خلد ما را و اما آن حد درونی زین خاندان و الحمد لله
که با این روزی انصاف ما را در این حاصل شده پس بیا که حال دهن در تحقق خودت و عیبت های زو سبب
اسلام که شما هستیم امروز بهار بهترین عطری که ما را بگردانید که قدرت و برادری است پس بیا که برادر
همیشه راه چاره را ازیم منی جسته و مستنتر از کلام الله خدایم هست که فرموده:

«و اعصموا بحمل الله جمیعاً و لا تقربوا»

خبر خیزد بر سر جای خدا و مستحق تو بود ای برادران بیا که این سخن شما بخش علی ما شیم اول رسایل خبار
بیا که بیجان خدا در زمان غیبت طایفه فقیه است و تجسم معنی ولایت فقیه حضرت امام حنیف متقدم
پس امام امروز رسایل خوار است ای عاشقان الله بیا که چون برزانه در سماع خود مصبر سیر انقلاب بگردیم
و مستحق شویم تقاضای سعادت راه امام ره طایفه امام است و بیا که همه چیز اطل

داز در سعادت حمایت کنیم چون سعادت میانه با زری امام است و دشمن که رجاست را من کبر سعادت را شانه که
دیگر سفارش که همه امام است بر آن تأکید است و در این دستم است ای برادران خیال کشید همه خدای
مانند است نه این ما شیم که جمیع هم هستیم این دانستگای انسان سازی و حق گزاران که چون انجمن
را امان بیجان که بر بیضید نشاند که کلمه های و در سجا نگاه معنی و سعادت و خود در هم انعام... بیا که

بیا که برای ابدی دستهای و سعادت در حق در سزا زری سعادت عشق الله که همه حال مسعود و در این حال آزادی از تیر
منهای دنیوی و معانی از کبر و هلی و سلطان و سلطان داخلی و خارجی همه خاست و پس

بیا که با این بریم خویش انقلاب را از دست همیمان انبیا که بر کبریا عیبت تقابله ای انصار عیبت و در هم
بیجان های نیرو گویا برود و در ای که اهل شاکتند و جز در ساحل همدم انعام بر ما شود

که همه بیایست در دنیا عیبت و برکت ازین شاکت است و این در سعادت و این در مقام سبب و این در با سعادت
برکت و در همه خوی و خوار بود از این حالت شاکت و دنیا بی فکر برکت و این بر این ای بیایست نشستن
در تمام زمین و زمان های شاکت و محظوظ از بیای شاکت و دست و پا شاکت و توانا شاکت و اهل سعادت
همه ای که ذکر سالان دست سعادت است و کان سعادت همه های خویشتن که برای ابد است

ای عاشقان انعام... اهل حارا فرصت زیاد از حظی بیا که رسیدیم عیبت که در دنیا ما شیم که خدایا بیا که
بیا که کوه انعام... حسن و ساینم... سعادت و دنیا و دنیا... بیا که سعادت حضرت حسن باقی که در این روزها
هم که بیا که در این روزها رسیدیم برای طوبی خدا امام و کتای شاکت ای امام است و کتای در شاکت و کتای
بیا که سعادت... کتای که در علم عشق زیارت آن همه شاکت کوه حضرت اما عیبت... بیا که در این زیارت در
همه سعادت ما شیم

در کبر سعادت... بیا که در کتای که در علم سعادت... بیا که در کتای که در علم سعادت... بیا که در کتای که در علم سعادت...
بیا که در کتای که در علم سعادت... بیا که در کتای که در علم سعادت... بیا که در کتای که در علم سعادت...
بیا که در کتای که در علم سعادت... بیا که در کتای که در علم سعادت... بیا که در کتای که در علم سعادت...

رضا انفرادی ۳۲۸

ببخشید امیدوارم که بخاطر حسن انصاف خودتان بگذرید و با ای نفاعی من محبت کار خیرانه
مادر دارید. با من خدایم بی برای من شکرید مخصوص خارانه من. ولی اگر خداستد که آنگه کنی شما
را بعد از این نفع دل مراکت گرفتار کند

خایه ضایا تا انتاب محمدی خیر را بگذرد

۲۴-۱-۶۵

همه بنویس - المتمردها انفرادی ۳۲۸

روزنامه از وصیت نامه امیر شهید
وسط جلد شهید
رضا انفرادی
۶۷/۵/۳

نام: حسین
نام خانوادگی: ابولحسنلو
نام پدر:
نام مادر:
تاریخ تولد:
محل تولد:
تحصیلات:
ارگان اعزام کننده:
تاریخ شهادت:
محل شهادت:
نحوه شهادت:
مزار:



عبارت های کلیدی
* تنها امیدم این است که من را ببخشید

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام بدون یاور بماند ما مطمئنیم تا آخرین فرزندى که در ایران زنده بماند بر علیه شریک و غرب خواهد جنگید و فریاد اسلام پیروز خواهد ماند در جهان را بلرزه خواهد آورد. با سلام به پدر و مادرم و با تشکر که پسری را تا احد امکان بزرگ کرده‌اند و تنها امیدم این است که من را^۱ ببخشید و با سلام به برادر گرامیم که منو بعد از سربازی به دوره احتیاط قدس راهنمایی کرد. تشکر فروان دارم که منو ببخشید و تنها آرزویم این است که خدیجه بزرگ شد عکسم را برایش نشان بدهید بگوئید عمویت رفته به آن دنیا پدر و مادر گرامیم ناراحت نباشید خدا نگهدار شما باشد

به خون ارچگد خونم از قلب پاک

فقط نام ایران نیفتد^۲ به خاک

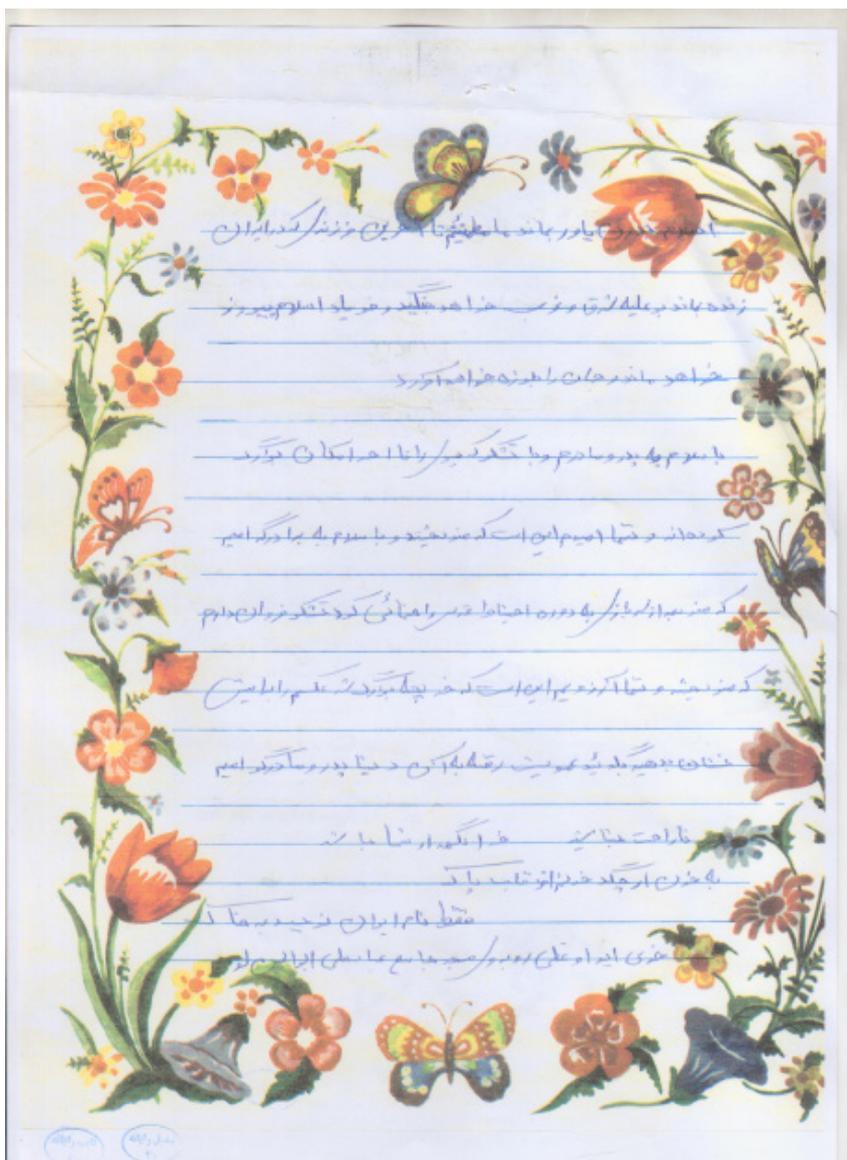
خوی، ایواوغلی، روبروی مسجد جامع عباسعلی ابوالحسن لو
برادر گرامیم از تو یک خواهش دارم که حتماً به پدر و مادرم کمک بکنی و نگذاری
ناراحت باشند. موفق پیروز باشید.
۶۱/۱۱/۲۲

پسرت حسین ابوالحسن لو

خواهش می‌کنم کسیکه این نامه را پیدا کرد به آدرس خوی - ایواوغلی روبروی مسجد
جامع جنب خانه بهداشت منزل شخصی عباسعلی ابوالحسن لو بدهد متشکرم. نوشته شده
شب ۲۲ بهمن روز پیروزی جمهوری اسلامی ایران ساعت ۶ و ۴۰ دقیقه شب.
به خانواده من رسیدگی بکنید.

۱. اصل: منو آمده است.

۲. اصل: نویند آمده است.



آنچه در دل ایام بر جان ما طپش است / زین زلف کعبه ایان

زنده بماند بر علی لایق و غریب / خزا و خلیل در فریاد اسلام پیر ز

خزا و خلیل در جان ما طپش است / خزا و خلیل در فریاد اسلام پیر ز

بسیوم و بدو ماه و بیست و یک روز / با ما ایام کمالان کرد

که در خانه در تمام ایام است که منصفید و ما بسوم که یاد کردیم

که منصفید و تمام ایام است که منصفید و ما بسوم که یاد کردیم

که منصفید و تمام ایام است که منصفید و ما بسوم که یاد کردیم

خزان و بهار و تابستان و زمستان / دنیا پدر و مادر است

فانگه دنیا که خزان و بهار و تابستان / دنیا پدر و مادر است

به خزان و بهار و تابستان و زمستان / دنیا پدر و مادر است

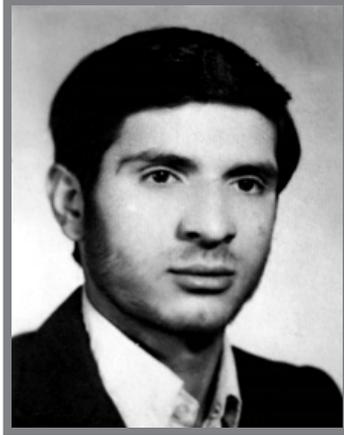
مقتل نام ایران زنده است / دنیا پدر و مادر است

مقتل نام ایران زنده است / دنیا پدر و مادر است

۴۹۹
۴۹۸

بداد که امیر از دست خدای من دارم که حتماً به پدرم بدم
گفته بودم و تقدیر از ناراحت ما شده معوق بود و ما نیز
بیست و هفت روز در این راه بودیم
حرامش من کنم کسیکه این نامه را پیدا کرد به آدرس
خری - ایچ اوغلی روبرو مسجد جامع جنب خاندانها
ستاره ششم عباسان ابراهیم را بدهد مستخدم
خداوندش و شب ۲۷ بهین روز بیخ هموار استخوان ایران
ساعت ۶:۳۰ دقیقه است
به خدا داده من کوشی بکنه
۱۰۱۶۲۷۱

نام: علی
نام خانوادگی: ابوالحسنی
نام پدر: عبدالله
نام مادر: اختر
تاریخ تولد: دهم مرداد ۱۳۴۱
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دهم مرداد ۱۳۶۲
محل شهادت: مریوان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

*ای منافقان بدانید که انسان خطاکار است. درست است که شما انسان نیستید، ولی خوشا به حال آن خطاکار که هر چه زودتر به خطایای خویش پی ببرد و توبه کند و در راه مستقیم حرکت کند.

* برادران و خواهران گرامی، به نظر من هیچ چیز قلب شفاف را لکه دار نمی کند، مگر سوءظن و غیبت و به خصوص سوءظن که فراهم کننده غیبت است، بپرهیزید از این گونه اعمال بد.

* به هیچکس مارک و چسب نزنید. وحدت داشته باشید، افترا نزنید.
* بازاریان عزیز عمل گرانفروشی را که یک خصلت بد است از بین ببرید. نگذارید بعضی از شماها احتکار کنند و مساجد را پر کنید، نماز جماعت را هر چه باشکوه تر به پا دارید. دعا کنید بر رزمندگان اسلام، بر آزادی اسیران، برای آزادی قدس و کربلا دعا کنید.
* بدانید که هیچ کس در این امر مرا مجبور نکرد. من آگاهانه این راه را انتخاب و افتخار می کنم که خدا هدایت کرد.

* خدایا، چه کنم. جانی که نثار تو می کنم به لیاقت خودم است نه به لیاقت تو. بلکه لیاقت تو بر این است که هزاران هزار جان نثار کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون و لا اتم عابدون ما اعبد و لا انا عابد ما عبدتم و لا انتم عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین»^۱

به نام الله درهم کوبنده ستمگران و ظالمان و کافران و منافقان و سلام و درود بر مهدی (عج) منجی انسان‌ها در روی زمین و درود بر امام عزیز، بت شکن زمان. سلام بر شهیدان گلگون کفن ایران و تمامی شهدا فی سبیل الله جهان.

برادران و خواهران عزیز، وصیت تمامی شهیدان وصیت‌نامه من است. اما می‌خواهم چند کلمه‌ای با شما ملت به پا خاسته و چند کلمه‌ای هم با آن منافقان روز [...] که چون خفاش از خورشید هراس دارند^۲ و چند کلمه کوتاه هم با خانواده عزیزم صحبت کنم.

[۱-] ای منافقان بدانید که انسان خطاکار است. درست است که شما انسان نیستید، ولی خوشا به حال آن خطاکار که هر چه زودتر به خطایای خویش پی ببرد و توبه کند و در راه مستقیم حرکت کند. شما هم به خطاهای بزرگی که مرتکب شده‌اید پی ببرید و توبه کنید، وگرنه آتش الهی منتظر شماست. می‌دانم که اغفال شده‌اید، بخصوص آن عده از شما که تازه کار هستید. می‌توانید از خدای بزرگ بخواهید که خدا و بنده‌های خالص خدا شما را ببخشند. شمای که [با] شعارهای پوچ و بی‌معنی خودتان از خلق دفاع می‌کنید و در عمل می‌بینیم که در کردستان آنهایی که از خلق خدا دفاع می‌کنند (پاسداران، جهادگران و عشایر^۳ عزیز) در دیگ‌های آبجوش و در زیر ماشین‌ها و یا زیر شلاقها و چاقوهای ظالمانه خودتان قرار می‌گیرند^۴. شما نوکران شرق و غرب، آیت الله مدنی، دستغیب، صدوقی، اشرفی، عزیزان

۱. کافرون/آیات ۱ الی آخر

۲. خوانا نیست.

۳. در اصل وصیت ((دارد))

۴. در اصل وصیت ((عشایران))

۵. در اصل وصیت ((می‌دهید))

ما را کشتید و انتظاری جز این از شما نداریم. شما قبل از اینکه به آتش الهی همسنگر شوید^۱ ملت ایران به حساب شما خواهد رسید. در آه ها و نفرین های مادران داغ دیده و آن چشم به راهان و آن عزیزداده ها خواهید سوخت. بدانید که چگونه ما جز در کشتن انتظار دیگری از شما نداریم. شما هم این انتظار را نداشته باشید که ملت شهید داده ما با شما و دوستان شما هم پیمان باشند. چون الله یکتا به پیامبر ما حضرت خاتم انبیا حضرت محمد(ص) امر کرد: «(ای رسول ما) بگو که ای کافران مشرک من آن (بتان) را که شما (به خدایی) می پرستید هرگز نمی پرستم و شما هم آن خدائی را که من پرستش می کنم پرستش نمی کنید، نه من خدایان باطل شما را عبادت می کنم و نه شما یگانه خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد. پس اینک برای شما باشد و دین (توحید و خداپرستی من هم) برای من (تا روزی که به امر حق شما را از شرک برگردانم)»^۲

پس مطمئن باشید که ملت با شما هم پیمان نخواهد شد و بنابراین فنا و انشاء الله نابود خواهید شد. پس بر سر عقل بیایید. در سوره کوثر هم می فرماید که به درستی که دشمن تو دم بریده است^۳. باز مطمئن باشید که ریشه ندارید. می دانید که ملت بهترین عزیزان خودشان را هدیه دادند که باعث اصلی باز هم شما هستید. توبه کنید که درهای رحمت و بخشش الهی همیشه باز است.

۲- ملت شریف ایران شما هم مطمئن باشید که پیروز و موفق هستید ولی باید مواظب اعمال و رفتار و کردار و گفتار خودتان باشید، وگرنه شما هم منحرف خواهید شد. بخصوص رفتار و گفتارتان که خداوند در سوره همزه می فرماید که وای بر عیبگوی و طعن زننده.^۴ برادران و خواهران گرامی، به نظر من هیچ چیز قلب شفاف را لکه دار نمی کند، مگر سوءظن و غیبت و به خصوص سوءظن که فراهم کننده غیبت است، بپرهیزید از این گونه اعمال بد. همیشه ولایت فقیه و روحانیت مبارز که در اول آنها امام یادگار حضرت زهرا(س)، پیر جماران قرار گرفته است باشید. حمایت کنید از امام جمعه های عزیز، این روحانیت با دادن خون خود ملت ما و ملت های گذشته را آگاه کرده است. (مطهری، بهشتی، نواب، کاشانی، دستغیب، صدوقی، اشرفی، مدنی و ...) از سپاه، بسیج، ارتش و تمامی قوای مسلح که در خط امام و سرباز امام زمان(عج) شناخته می شوند، حمایت کنید و آنها را در سنگر

۱. در اصل وصیت(باشید))

۲. منظور سوره کافرون می باشد.

۳. کوثر/۳

۴. هُمَزَه آیه ۱: وای بر هر عیب جوی هرزه زبان.

تنها نگذارید. از جنگ زدگان، از خانواده شهدا و اسرا پشتیبانی کنید. بر همدیگر حسن نیت داشته باشید نه سوءظن. غیبت همدیگر را نکنید و نگذارید تا این دزدان ناموس ریشه یابند و جامعه اسلامی را به یک جامعه فساد مبدل سازند.

به هیچکس مارک و چسب نزنید. وحدت داشته باشید، افترا نزنید، بازاریان عزیز عمل گرانفروشی را که یک خصلت بد است از بین ببرید. نگذارید بعضی از شماها احتکار کنند و مساجد را پر کنید، نماز جماعت را هر چه باشکوه‌تر به پا دارید. دعا کنید بر رزمندگان اسلام، بر آزادی اسیران، برای آزادی قدس و کربلا دعا کنید. جوان‌های میهن و مبارز، از هر گونه گروه‌گرایی بپرهیزید و به همدیگر تذکر دهید، انتقاد پذیر باشید. بزرگان را احترام کنید و به کوچکترها محبت کنید.

۳- خانواده عزیزم، در مرحله اول به شما نمی‌گویم که گریه نکنید، ولی بر مظلومیت امام حسین(ع)، علی اکبر(ع) و بر مظلومیت بهشتی، رجائی، باهنر گریه کنید نه من. انشاءالله من در پیش کسی هستم که برای من از شما نزدیک‌تر است. به بچه‌ها احکام و علوم دینی را یاد دهید و برای بنده حقیر اگر به شهادت نائل آمدم مجالس ساده‌ای بگیرید و حلالم کنید که در بزرگ کردن و تربیت بنده زحمت کشیده‌اید. برادران و خواهران، مادر و پدر عزیزم بدانید که هیچ کس در این امر مرا مجبور نکرد. من آگاهانه این راه را انتخاب و افتخار می‌کنم که خدا هدایت کرد و از شما عزیزانم جداً می‌خواهم که بسیار صبور باشید و صبر کنید. در پیش خدا عزیز خواهید شد. همانند دیگر خانواده‌های شهدا و امیدوارم که این عزت را برای همیشه حفظ کنید. به کسی بدهکار نیستم، ولی اگر کسی از بنده طلبکار باشد آن را جبران کنید و از ایشان عذرخواهی کنید و اگر می‌خواهید که خداوند بر ما رحمت و از شما راضی باشد برای من نماز و دو ماه روزه بگیرید. پیرو خط امام عزیز و برای سلامتی امام و رزمندگان، این طالبان شهادت و برای آزادی اسرا دعا کنید و برای شهیدان بخصوص بنده حقیر و روسیاه از خداوند متعال طلب مغفرت نمائید و در آخر تمامی برادران رزمنده و سپاهی، بسیجی بخصوص مسئولین محترمی که در خط امام هستند و همشهریان عزیز و دیگر کسان که از بنده حقیر بدی دیده‌اند حلالم کنند.

خدایا رحمت بر شهیدان و عالمان، فقیهان، وارثان و بی وارثان، انشاءالله خدایا، چه کنم. جانی که نثار تو می‌کنم به لیاقت خودم است نه به لیاقت تو. بلکه لیاقت

تو بر این است که هزاران هزار جان نثار کرد. با آرزوی ظهور و قیام سرپرست^۱ یتیمان امام عصر(عج)، به امید پیروزی مستضعفان بر مستکبران، مؤمنین بر منافقین، اسلام بر کفار، حسینیان بر یزیدیان. به امید زیارت کربلا و آزادی قدس عزیز و آرزوی طول عمر امام عزیز و پیروزی رزمندگان اسلام.

العفو، العفو، العفو

بنده حقیر و روسیاه

علی ابوالحسنی

بسم الله الرحمن الرحيم

۱

من ایها الکافرون لا اعدى ما تحببون ولا انتم عابدون ما اعدو ولا انا عابدهم ولا اعدوهم ولا اعدو ما اعدو

لکم دینکم ولی دین (سوره کافرون)

بسم الله در هم گوید که من و طلالان و کافران و منافقان . سلام و درود بر مهدی نبی انسانها در روی زمین و درود بر امام عزیز است که من زبان سلام بر سیدان کلمون کنن ایران و حامی سیدانم می باشد

هر برادر و خواهران عزیز و وصیت نامی سید و وصیت نامه من است . اما می خواهم چند کلمه ای بنامت

برای خاسته و حله کار ای هم با آن منافقان و روزگار بی حقیقت خفا که از حضور سید خراسان زاری و حله کلمه گویند

هم با مشاهده عزیزم محبت کلمه ای منافقان بر ایند که آن خفاکار است و دست است نه همان

سید ولی خوش به حال آن خفاکار هر چه زود تر به خطای خود پی ببرد و پشیمان کند و راه مستقیم کند

که خطای هم خطای بزرگی که منجرب شده اند پی ببرند و توبه کنند و اگر آنست ای منقرحات

شما دانم که افعال شده اند بجزئی که همه از شما که تازه کار هستید می توانید از خداوند بخوانید که خداوند

۲
سند به حامی خائن خدا را ببخشند. مائولای که سوارهای بیخ و بن مغزی خود را از خلق دفاع می کنند و در عمل ما بدین
که در گردن آنانی از خلق خدا دفاع می کنند را به مدارا - جباران - عساکر انجمن - درویشی
که پیش و در درگاه سینه ها و نیز بر سینه ها و جاقو های ظالمانه خود قرار می دهند همانطور که عساکر و سواران
آسیب از مدنی - دستگیر مدعی - امیرانی عزیزان ما را کشته اند نظاری جز این از ما نداریم ما عزیزان
انگلی با کشتن الهی همسنگر سینه ملت توانگر ایران ما را خواهد دید آه های نقره نیا ما را داغ دیده
فکانه چشم بر آه و آن عزیز داده ها خدا اهدا رحمت بمانند که صورت ما هرگز در شرف از من انتظار دیگری
نداریم ما هم انتظار این را نداشته ایم که ملت مسیبه داده ما با ما در دوستانه ما هم بر ما بمانند
خداوند الهی بکنند به پیامبر ما حضرت خاتم الانبیا و حضرت محمد صلی الله علیه و آله امر کرده (ای رسول ما) بگو ای
کافران مشرک من آن رتبان را که ما به خدا می ایم بر سینه هرگز نمی پریم و ما هم آه خدا را که من پرستش می کنم
پرستش نمی کنند من خدا را باطل شمارا عبادت می کنم و نه شما قیامه خدا می معجز در امر عبادت خواهد کرد و ما این را

۳

با بد و بدین (ترجیح و خدا پرستی من هم) بر ایمان که تا روزگار با بر حق نماز از بر سر بردارم. پس مصلحت باشد که ملت ما
همین نماز خداوند و نماز بر این قنوه ان والتم تا بر دخواستند پس بر بر حق بیاید در سوره که در هم فرمودیم
و در کتب دینی تو دم بریده است. باز مصلحت باشد که در شهر نیاید. آیات و آیه که ملت بهترین عزیرا خود
را هدیه دادند که باعث اصلی هم شما هستید. تو بر کنید که درهای رحمت و بخشش الهی همیشه باز است
۲- ملت دین ابراهیم مصلحت باشد که پیروز و موفق هستید و بیاید مواجب اعمال و رفتار کردار گفتار
خود را بشود و در آنجا هم معروف خواهد شد. مخصوصی رفتار و گفتارهای که خداوند در سوره هزله می فرماید که ای بر عیب و
مصلحت زننده. برادر و خواهرهای بیغیر من هیچ چیز قلب شفاف را که دارم که مگر سوزان و غیبت چیزی بران
که فراموش شده غیبت است. بیرون چیز بد از انگیزه اعمال بد. همی ولایت فقیه و روحانیت مبارزه در اول آنجا امام
بگذار که زجرای بیچاره قرار گرفته است. با شد حمایت کند از امام مجتهدی عزیز این روحانیت باها در صورت خود
ملت ما و ملت های که از شما آگاه کرده است (مطهری) بهترین نواب - کتاب نوی - کتب بیرون و مدینه

از بیابان - بیابان و تمام قرایی مع که در حفا اما او بر زبانها زمانه ^ن شصت و بی مؤنهات کثیر که ما را ^ن
در کتبه ها تنها نگذارید از حب زنگنه از خانواده سواد و اسرا ^ن کنید بجهت هر عنایت ^ن داشته باشید ^ن
عنایت خود را بنده و نگذارید تا این در دانه نامون رسته یا بدنه و جلیقه اسلام را بر سر ^ن جامه فاد مبدل سازند
به هیچ کس نبارد و حسیب نزنید افترا نزنید و حدت داشته باشید با زاری عزت ز محل را لغو نمی توانم که محفلت برین
است از این پیرید نگذارید یعنی از می ها اعتقاد کنند و حدت را بر کتبه نماز جماعت را هر چه با کتبه بر آید
دعا کنید بجزر صدها اسلام بر آید از اسلام برای آراستی قدس کرده دعا کنید حیوانهای مؤمن در بیابان
از هر گونه کتبه پیر حیزد و به حدت نزنید که دعوی انتقاد نزنید بر سر زبان احکام اسلام که کتبه حاضرت کنید
طاه و کما خانواده محترم در مرحله اول به بر نمی آوریم که کتبه و بی بر مظلومیت حضرت امام حسین علی السلام
در مظلومیت بیستی و جانایی با هزار فریم کتبه شمن است و الله من در پیش کتبه هم که بر این من از می
نزد کتبه است به چه حال احکام و علم دینی را نداد دعوی و بر می بنده عتیر اند به شهادت نازل آمدیم بجایی

۵

سده ای بگذرید. علامت کشته شدن در بزرگ کردن و تربیت بنده زحمت کشته ای بر او نهاده و پدر عزیزم
 بر آنکه هیچ کس در این امر ما مجبور نگرددن آنگاه من این راه را انتخاب و افتخاری کنم که خدا هدایت خود را
 شما عزیزانم چنانچه خواهی که بسیار صبور باشید و صبر کنید در پیش خدا عزیز نخواهد شد و خداوند دگر خار راه
 سدا و اسیرانم که این عزت را بر ما هفت فقط کسند به کسی به هفت نیستیم و ای اترکس از بنده طلبکارند
 آنرا جبراد کسند و از اسنان عذر خواهی کسند و اترکی خواهد که خداوند بر ما رحمت و انعامش برافزاید سده برای
 من نماز و دعا و روزگاری بر پدر و خط امام و عزیزان سلفی امام و زنده گان این عالم و شهادت برای آزادی
 ابرار دعا کنند و برای شیطان مغرور بنده مقبره رویاه از خداوند متعال ~~طلب مغفرت نماید~~ در رکعت
 تمامی بر او نوشته و پیوسته است یعنی مغفرت مسئولین خودی که در خط امام هستند و همسرایان عزیز و دیرین
 که از بنده مقبره پدری تقدیرند حلام کنند.

خدا رحمت بر شیطان و عالمان فقیه و پیر و زاریان بی واریان اتم و اتم

۶

خدا میم که جانم که قنار تو می کنم بر لیاقت خودم است نه بر لیاقت تو بگویم و یا وقت تو بر این است

که هزاران هزار جان نثار کرده با آرزوی ظهور و قیام سر پیمان ایمان امام عصر (عج) به امید پیروزی

استغفار بر مستکبران مؤمنین بر منافقین اسلام بر کفار مشرکان بر نیکوکاران

به امید زیارت کربلا و آرزوی قدس عزیزی و آرزوی طول عمر امام عزیز و پیروزی زمینگان اسلام

العفو العفو العفو

بنده حقیر و سگایه
علی ابوالحسنی

نام: خلیل
نام خانوادگی: احمدپور
نام پدر: حسن
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: نهم بهمن ۱۳۴۰
محل تولد: شهرستان سلماس
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دهم اردیبهشت ۱۳۶۲
محل شهادت: فکه
نحوه شهادت: -
مزار: شهرستان سلماس



عبارت های کلیدی

✽ والله این انقلاب، معجزه است

✽ با خدا باش تا جاودان باشی و از خورندگان روزی الهی باشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، الحمد لله الذي يؤمن
الخالئين و ينجي الصالحين و يضع المستكبرين و يرفع المستضعفين
ما نبوديم و تقاضامان نبود

لطف حق ناگفته ما می شنود

لحظه‌ای که قلم به دست گرفتم تا وصیتی کنم، از لحظاتی است که به بیان نمی آید. واقعاً
همچنین اوقاتی و لحظه‌هایی چشیدنی است و با بیان کلمات چندان قابل درک نیست
خواجه می‌گیرید که ماند از قافله

خنده‌ها دارد از این ماندن خرش

جان گشاید سوی بالا بال‌ها

در زده تن در زمین چنگال‌ها

سپاس خدای را که نعمت جهاد را در راهش نصیب کرد و شهادت را روزیم داده. سپاس
خدای را که امام را بر این ملت آیت رحمت خویش قرار داد و سپاس خدای را که ملت ما
را ملتی الهی قرار داد. والله این انقلاب، معجزه است. کسی تا نیاید به جبهه و این روحیه‌ها
را نبیند و وضع پنج و شش سال قبل را در نظر نیارد این حرف را نخواهد فهمید. این
انقلاب چنان ادامه خواهد داشت تا محرومین جهان را بر ظالمین و مستکبرین غلبه دهد و
انسان‌ها را به خودشان برگرداند تا از کسانی نباشند که فراموش کنند خدا را و خدا آنها را
(و لا تکنوا و لا تکنوا کالذین نسوا لله فانساهم انفسهم). یعنی انسان در اثر فراموشی خداوند
متعال از خود بیگانه می‌شود. چیزهای دیگری را با مطلوب خویش عوضی می‌گیرد. این
انقلاب اسلامی بود که به انسان‌ها کرامت بخشید و در اقصی نقاط عالم ندا سرآ داده که بشر
این جهان انسان را به بازی می‌گیرد و زیر خاکی مدفون می‌کند

۱. سوره اعراف/آیه ۴۳.

۲. سوره حشر / آیه ۵۹.

۳. در اصل وصیت نامه کلمه "در" آمده است.

پس با خدا باش تا جاودان باشی و از خوردگان روزی الهی باشی. ای انسان‌ها بدانید که ما هر لحظه در هر حال حرکت و تحول دائمی هستیم که تا کسانی که شایسته زندگی بهشتی هستند، به بهشت رسند و به تسبیح خدا مشغول باشند و کسانی که به کثافت و پلیدی روح دچار شده‌اند در جای شایسته خویش یعنی جهنم جا گیرند.

هر نفس نو می‌شود دنیا و ما

بی خبر اندر نو شدن اندر بقا

عمر همچون جوی نو نو می‌رسد

مستمری می‌نماید در جسد

از دور دست پدر و مادرم را می‌بوسم و امیدوارم به خاطر خدا از دردها و رنج‌ها و اذیت‌هایی که برایم کشیده‌اند، درگذرند و حلالم کنند و تمامی برادرانم را به انجام فرائض الهی سفارش می‌کنم. سفارش به بار سفر گرفتن و توشه راه بستن می‌کنم که جهان گذرگاهی بیش نیست و ما مسافران. وصیت می‌کنم که کتاب‌هایم را به برادر حاج موسی برزگری بدهید. (در صورت آزادی از قید شهادت و منافقان) که ذکر خیری در دعاها و کمیل هدیه‌ام باشد و جوانان شهر را سفارش می‌کنم که نگذارند یک عده منافق و فرصت طلب جوانان ما را با تهمت زدن و مارک زدن گوشه‌نشین کنند و حتی باعث اسارت چهار تن از صدقیان صادق شوند. باز هم از دور دست پدر و مادرم و برادران و تمامی آشنایان را می‌بوسم «و لتنظر نفسی ما قدّمت لغد ما تقواالله» در صورت عدم آزادی چهار تن از جوانان برومند جوانان باید دنبال قضیه را بگیرند و عاملین را به مردم معرفی نمایند.

در صورت عدم آزادی چهار تن از جوانان برومند، جوانان ما باید دنبال قضیه را بگیرند و عاملین را به مردم معرفی نمایند.

والسلام

خدا حافظ

خلیل احمد پور



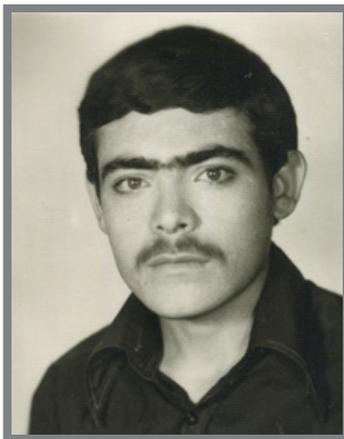
شهرستان: سلماس نام: خلیل نام خانوادگی: احمدپور تاریخ تولد:
 تاریخ شهادت: ۱۳۷۲/۲/۲ محل شهادت: سلماس میزان تحصیلات: فوق دیپلم
 نام صلیبات: راننده رانندگی: ارگان مربوط: پلیس

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله ، الحمد لله الذي يومن العالمين
 وينجي السالمين ويضع المستكبرين ويرفع المستضعفين
 ما نودوهم وتقاضا ما نود لطف حق ناگفته ما ميشنيد
 لحنه‌ای که قلم بدست گرفتیم تا وصیتی کنم از لحظاتی است که به بیان نمیاید واقعا همین اوقاتی
 و لحظه هایی چشمه‌نری است و با بیان کلمات چندان قابل درک نیست.
 خواهی میگردی که ماند از قافله خنده‌ها دارد از این ماندن عرش
 جان گشاید سوری بالا پالها درزده تن در زمین چنگالها
 سیاسی خدای را که نعمت جهاد را در راهش نسیم کرد و شهادت را روزیم داده سیاسی خدای را که
 امام زهرا این ملت آیت رحمت عویش قرار داد. سیاسی خدای را که ملت ما را ملتی الهی قرار داده ،
 والله این انقلاب معجزه است کسی تا نماید به جبهه و این رومیه‌ها را نبیند وضع پنج و شش سال
 قبل را در نظر نیاید این حرف رانعواهد فهمید ، این انقلاب چنان ادامه خواهد داد داشت نسا
 سرورمین جهان را بر طالعین و مستکبرین غلبه دهد و انسانها را بخودشان برگرداند تا از کسانی
 نباشند که فراموش کنند خدای را و عد آنها را (ولا تکفوا ولا تکتفوا ، کالذین نسواله فانساهم
 انفسهم) یعنی انسان در اثر فراموشی عداوتند متعال از خود بیگانه میشود چیزهای دیگری را با
 مطلوب عویش عوضی میگیرد این انقلاب اسلامی بود که به انسانها کرامت بخشید و در اقصی نقاط
 عالم ندادرداده که بشر این جهان انسان رایه بازی میگیرد و زیر خاکی مدفون میکند .
 پس باعد ایاتی تا جاودان باشی و از غورندگان روزی الهی باشی ، ای انسانها بدانید که ماهر لحظه
 در هر حال حرکت و تحول دائمی هستیم که تا کسانی که شایسته زندگی بهشتی هستند به بهشت رسند
 چه شبیح خدا مشغول باشند و کسانی که به کثافت و پلیدی روح دچار شده‌اند در جای شایسته
 عویش یعنی جهنم جاگیرند
 هر نفسی نو میشود دنیا و ما
 عمر همچون جوی نو نمیرسد
 بیخبر اندر نوشدن اندر بقا*
 مستمیری مینماید در جسد
 از دور از دست پدر و مادرم میومم و امیدوارم بخدا از دردها و رنجها و آذیتهایی که
 برام کشیده اند در گذرند و حلالم کنند و تمامی برادرانم رایه اندام فرانس الهی سفارش میکنم
 سفارش به بار سفر گرفتن و توشه راه بستن میکنم که جهان گذرگاهی است بیش نیست و ماسافران .
 وصیت میکنم که کتابهایم رایه برادر حاج موسی بزرگری بدهید (در صورت آزادی از قید شهادت و
 منافقان) که ذکر خیری در ده‌ها ای کمال هدیه‌ام باشد و اگر آن شاهد شهید زنده و همراهانش
 در اسارت مانده‌اند به برادر علی بزرگری بدهید و جوانان شهروان سفارش میکنم که نگذارند یک‌عده
 منافق و فرصت طلب جوانان ما را باصمت زدن و مارک زدن گوشه نشین کنند و حتی باعت اسارت
 چهارتن از جد قیام صادق شوند بازهم از در دست پدر و مادرم برادران و تمامی آشنایان را
 میوسوم . و انتظار نفسی ماقت لغد ، در صورت عدم آزادی جماعت ، از حمانا .

خلیل احمدپور
 ۱۳۷۴/۲/۲
 سلماس

نام: محرم
نام خانوادگی: احمدپور
نام پدر: ولی الله
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۳
محل تولد: روستای پورناک از توابع
شهرستان پلدشت
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: پنجم اسفند ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: پورناک



عبارت های کلیدی

بسم ا... الرحمن الرحيم

«الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل ا... باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندا... و اولئک هم الفائزون.»

به نام شهیدان که فرمود شهید بی مرگ است و به پاس خون شهیدان که قلب گرمشان در آسمان شهر حیات به خون نشست.

من یک پاسدارم. پاسدار اسلام و فرزند امام خمینی هستم. تصمیم گرفته ام که به سهم خود حرکت کنم و برای آزادی هم کیشانم بکوشم و آنان را از دست این جهانخواران غرب و شرق و مزدوران وابسته به آنان مثل عراق و اسرائیل و امیرنشینان نجات دهم.

اینان خوب می دانند که اگر اسلام پا بگیرد که انشاء... خواهد گرفت و می گیرد دیگر جایی برای ماندن شرق و غرب نیست و حکومت‌های آنان که فرموده امام مانند طلب‌های تو خالی می باشد، مانند حکومت‌های فرعون، شداد و نمرود بزودی واژگون خواهد شد و از این روست که تلاششان برای نابود کردن اسلام و می کوشند چهره اصلی و واقعی اسلام را نگذارند ملتها بشناسد و وقتی می بینند که تمام توطئه های آنان نقش بر آب می شود، می کوشند که با اسلام به جنگ اسلام بروند و یا به قول معلم شهید دکتر علی شریعتی با مذهب علیه مذهب مانند ابوجهل ها و ابوسفیانها و عمرو عاصها با مذهب، مذهب را نابود سازند و در اینجاست که صدام هم دم از اسلام عفلقی می زند و کارتر هم.

همه را به صبر و تقوا سفارش می کنم و می خواهم که برای من طوری عزاداری کنید که خدای نکرده ضجه و گریه شما باعث خوشحالی دشمنان دین مبین نگردد و همچنین در آخر موفقیت پاسداران و سربازان اسلام را خواستارم.

«الهم ارزقنا اشرف القتل فی سبیلک تنصرنی و تنصر [] اختم عاقبتنا بالشهادة.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

شهادت در رهت نصیب ما بفرما

محرم احمد پور

نام: زین العابدین
نام خانوادگی: احمدپور حورمغان
نام پدر: اسماعیل
نام مادر: زهره
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۳۱
محل تولد: ساری بیگلو چراغ از توابع
شهرستان ارومیه
تحصیلات: بی سواد
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سیزده آذر ۱۳۶۳
محل شهادت: سرو
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: ساری بیگلو چراغ



عبارت های کلیدی

* این شهدا و خون های گرانبهای شهدا، آبی است که درخت تشنه اسلام را سیراب می سازد و آن را تنومند و قوی بار می آورد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضور محترم پدر و مادر گرامی و تمامی افراد فامیل و دوستان و برادران و به خصوص خواهر کوچک گرامی سلام عرض می کنم. امیدوارم در زندگی پیروز و کامیاب باشید و بتوانید بر امپریالیسم آمریکا غلبه کرده و باعث پیروزی اسلام عزیز و شکوهمند گردید و از شما می خواهم که اگر در این راه، (یعنی در راه دین مقدس اسلام) شربت شهادت نوشیدم، این شهید را از خانواده بنده پذیرا باشید و بخصوص مادر جان اگر در این راه شربت شهادت نوشیدم این افتخار را به تو تبریک و تسلیت عرض می کنم و امیدوارم صبر و شکیبایی خود را حفظ کنید و تا بتوانید در بین مادران شهدای اصیل انقلاب اسلامی ایران سر بلند و افتخار آفرین باشی. مادرانی که عزیزترین فرزندان خویش را در این راه خدایی از دست داده اند. درود بر روان پاک شهدای انقلاب اسلامی ایران و روح همگی آنان قرین رحمت خداوندی باد. پدر و مادر جان، این شهدا و خون های گرانبهای شهدا آبی است که درخت تشنه اسلام را سیراب می سازد و آن را تنومند و قوی بار می آورد. از خون شهدا لاله سرخی روئیده که ایران را گلستان می کند و درس آزادی، شهامت، شجاعت، جانبازی، فداکاری و اسلام دوستی به ما می آموزد. پدر و مادر جان به شما عرض می کنم اگر شربت شهادت نصیب من گردید این نوشته را در کاغذ بزرگی چاپ نمائید و بر سر قبر من قرار دهید.

پیروز باد انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی

پاسدار زین العابدین احمدپور

یاد همگی شهدای انقلاب اسلامی ایران گرامی باد.

۵۹/۲/۱۴

وصیت نامه دوم:

بِسْمِ ا... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بارالها ما را مردنی عطا کن که در آن ذلت و خواری نباشد و ما را از پیروان صدیق امام امت خمینی بت شکن نائب به حق امام (عج) قرار بده و ما را فرصتی ده تا ادامه دهندگان راه شهدای انقلاب خویش باشیم. ما موجودی هستیم که از ابتدا از خاک آفریده شده ایم و سرانجام به خاک بازخواهیم گشت.

پس بهتر است عمل صالح در راه خدا داشته باشیم تا توشه ای برای روز قیامتمان باشد. این موجود خیلی کوچک در مقابل این اسلام عزیز ارزشی ندارد و باید آن را فدای اسلام نمود.

بنابراین از پدر و مادر عزیز خویش آرزو مندم که از شهادت من متأسف نباشند. زیرا من از آن خدایم هستم و به سوی وی خواهم شتافت. بلکه افتخار کنید که من این لیاقت را داشتم که در راه پیروزی کلمه توحید و اسلام عزیز به درجه رفیع شهادت نائل آمدم. در پایان از پدر و مادرم می خواهم ضمن طلب آموزش از خدا برای اینجانب و از خدا بخواهند که مرا مورد رحمت و مغفرت خویش قرار دهند و از آنها انتظار می رود مرا در کنار شهدای انقلاب اسلامی ایران، باغ رضوان ارومیه به خاک بسپارند و همچنین می خواهم اگر چه من فرزندی لایق و شایسته برای آنها نبودم از گناهان من بگذرند و از مادرم خواستارم که در پرورش تنها خواهر کوچک من سعی بیشتری به خرج دهد. بیشتر از این مزاحم نمی شوم. از تمامی برادرانم خداحافظی می کنم و از آنها می خواهم که در خدمت به پدر و مادرم کوتاهی نمایند و از دستورات آنها اطاعت کنند. در آخر از مادرم می خواهم هر کدام از عکس های مرا که می خواهد بر سر قبر من قرار دهد.

والسلام

زین العابدین احمدپور

۶۰/۵/۲۷

مسیحی
 حضرت نامه شریف زین العابدین علیه السلام

بارگذا صدا صدوی عطاوانی که در آن وقت رخساره تابان از پیروزان صدوقی عفا امام است عینی
 بت شکن نائب حق امام زین العابدین و شایسته و مریض شریف قراریده صبا و اخلاصی ده تا مادامه در دستگاری
 راه شدهای انقلاب خدیش با عیس ما موجودی هستیم که از ابتدا انقلاب آوریده شده ایم و سرانجام بیک
 باز خدایم وقت بین مهتر است عین صالح در راه دارا شریف با عیس تا نقشه ای برای روز محبت باشد و این
 موجود حق حقیق و معانی این اسلام عزیز از روی نیاید و ما باید آن را عفا ای اسلام خود - بنا بر این از یو رویداد
 عزیز خدیشی آرزویم از شماست من متعجب نباشند زیرا من که در خدایم هستیم و به حق می خدایم است
 بلکه انتظار کنید که من این قیامت که داشته که در راه پیروزی کلمه توحید و اسلام عزیز بر وجه بیخ شهادت تا این
 عهد و پیمان از یو رویداد میجویم من طلب آرزوی از خدا برای اینجانب و از خدا عفا ای اسلام در دست
 و سعادت خدیش قرار دهد و از آنجا انتظار میرود علاوه بر شهادت انقلاب اسلامی ایران - با حق رهوا لایق
 جناب بیارند و همچنین می خدایم اگر چه من فرزندی لایق و شایسته برای آنها نیستم از شما خدا من بگذرد
 و از ما هم خدایم که در پیروی آنها خدایم که عیس من بیشتر که بیخ دهد جیشما ز این خدایم میجویم
 و از شما میارند و این خدایم که هم و از آنها میجویم که در خدمت به یو رویداد من بمانند و از دستورات
 آنها اطاعت کنند و از خدایم میجویم هر کدام از شما عفا ای خدا که در دست من قرار دهد

والسلام - زین العابدین علیه السلام

۱ - ۱۷۸۸
 ۶۵ - ۱۱۱

محمد مصدق - ۱۳۰۵

وصیت نامه

بدرود ما در حق این شهید و خون گرانمای شهید آقا است که وصیت شد اسلام را
بیرای ما سازد و ما را از نفوس و دوزخها نجات دهد و در روز محشر شهید امام حسین
را بگوید که او را از کشتن من کفر و درین آرزوی آزادی است. کماست از حضرت
علی که ما را اسلام روزی ما را که در بدر و حارجه شهید یعنی که کم او نیست کماست
بصفت من که در این دستبند که مانند برهه است تا شهید را در قفسین قرار
دهد پیروز باد انقلاب اسلام ایران بزرگوار امام خمینی

استاد زین العابدین احمد میر

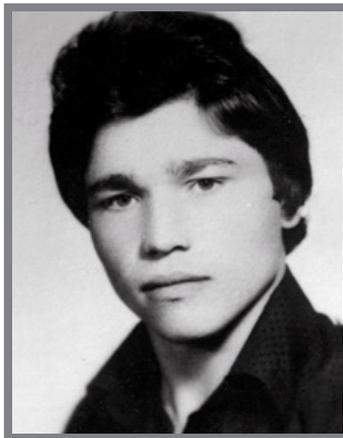
۵۹، ۲، ۱۴

از محفل شهدای انقلاب اسلام ایران در اصفهان
امیر

۲-۱ kvac-

ایران نامی که در وقت ناهنجاری در ۱۴۲۲ هجری قمری
صورت گرفته بود، بسیار برای دقایق ادارات و دولتی و در باره تصمیمات و حرفت برای اسلام
و این که کم کرده و این که در روزهای گذشته در مورد و تصمیمات و اسم گرفته شده
باید به صورتی که اسلام و شیعه و سنی و یهود و مسیح از این جهت طمس و در میان و
نامها و نشانیها کم و از آنها منعراغ که اگر در این راه (فوق در راه بین همه اسلام)
سیرت شهادت در خدمت این شهدا که از طرف همه صادره شده بود و در این
در خصوص مدارج اگر در این راه شهادت در خدمت این اعتبار را نیز شریف
تجدید نفس که کم داشته و در خدمت و شهادت و حقیقت که در وقتان گذشته
درین مدارج شهادت که اصل انقلاب اسلام ایران برآمد و اعتبار کردن
اسرا و مدارج که در بین فرنگیان و در این راه خدای عز و جل در راه از
رود در برودان است شهادت انقلاب اسلام ایران روح همه را
قرین زهد خداوندی بماند

نام: عبدالرحیم
نام خانوادگی: احمدی گورچین قلعه
نام پدر: ولی
نام مادر: انبر
تاریخ تولد: یکم مهر ۱۳۴۵
محل تولد: روستای گورچین قلعه از
توابع شهرستان ارومیه
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: شانزدهم مهر ۱۳۶۱
محل شهادت: سومار
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گورچین قلعه



عبارت های کلیدی

* همیشه دعاگوی رهبر کبیر انقلاب باشید که با یک پیام تو دهن آمریکا و ابرقدرت های دیگر می زند و شرق و غرب را محکوم می کند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه خود را با درود به رهبر کبیر انقلاب که نجات بخش مسلمین جهان و امت مسلمان و مخصوصاً ملت ایران است شروع می کنم :

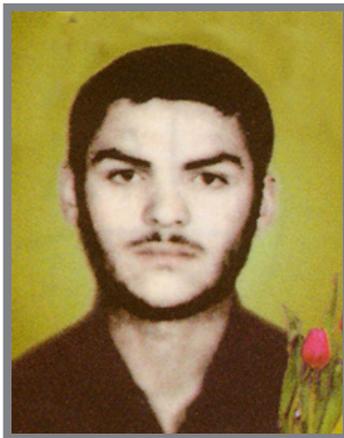
ای ملت ایران، ای ملت مسلمان کوبنده مستکبران، ای ملتی که نجات بخش مستضعفین جهان است؛ من به حرف و سخن امام لیبیک گفته‌ام و به جبهه حق علیه باطل واقع در منطقه گیلانغرب - سومار اعزام شدم. ای هم‌سن و سال‌های من، من به شما وصیت می کنم که همیشه دعاگوی رهبر کبیر انقلاب باشید که با یک پیام تو دهن آمریکا و ابرقدرت‌های دیگر می‌زند و شرق و غرب را محکوم می‌کند. باید دعاگوی آن باشیم. باید شب و روز در تعجیل مهدی (عج) دعا کنیم که مهدی (عج) ظهور کند و امت مسلمان را نجات دهد و ای امام خمینی که روح منی، بت شکن، من در راهی که تو آشکار کرده‌ای، می‌روم و امیدوارم که بتوانم به نحو احسن کار کنم و اگر شهید شدم به ملت ایران وصیت می‌کنم که راه شهیدان را ادامه دهند و نگذارند که خون شهیدان به زمین بریزد. این شهیدان هستند که ملت مسلمان را نجات داده است. پس قدر شهید کسی داند که خانواده شهید باشد. به برادران هم دهاتی وصیت می‌کنم که در تشییع جنازه من شرکت نکنند و به امام امت خمینی بت شکن دعا کنند تا دشمن اصلی ما شکست بخورد. کاری کنید که پدرم و مادرم و فامیل‌ها ناراحت نباشند.

من این وصیت نامه را در قرارگاه کربلا بین سومار با عجله زیاد نوشتم. پس با درود به رهبر کبیر انقلاب و امت مسلمان وصیت نامه خود را تمام می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمہ ا.. و برکاته

عبدالرحیم احمدی

نام: صادق
نام خانوادگی: احمدوند اقدم
نام پدر: جعفر
نام مادر: آمنه
تاریخ تولد: سیزدهم فروردین ۱۳۴۵
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: دانشجوی کارشناسی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نوزدهم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: -
مزار: ارومیه



عبارت های کلیدی

*هیچ وقت از این خون شهدا برای رسیدن به آمال دنیوی استفاده نکنید و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام آن که جان را فکرت آموخت، توفیق حاضر شدن در جبهه را عطا فرمود.

"اللهم فاقبل عذری و ارحم شده ضرّی و فکنی من شدّ وثاقی"

پروردگارا بپذیر عذر مرا و رحم کن در سختی و گرفتاریم و رها ساز مرا از بند سختی ها با عرض سلام ادب نامتناهی به خدمت آقا امام زمان (عج) و صاحب عصر والزمان (عج) و با سلام و درود بیکران به خدمت قلب تپنده امت و این خورشید جماران و موسی زمان، ابراهیم قرن و بت شکن دوران بنیانگذار جمهوری حضرت امام خمینی تهنیت و تبریک به خدمت تمامی خانواده شهدا و اسرا و مفقودین، معلولین و با آرزوی پیروزی برای تمامی رزمندگان اسلام و تمامی رزمندگان که به خاطر حق خویش دفاع کنند انشاءالله.

خدایا با چه وضعی شروع به نوشتن وصیت نامه می کنم که سرتاپا گناه و معصیت و آلوده به عوامل دنیوی هستم و خود را کاملاً آماده پذیرایی خداوند نمی دانم و قادر به مقابله با عوامل و پرس و جوهای الهی نبوده و نیستم و گرچه از خداوند ناامید نبوده و به او وابسته هستم و این بنده عاصی خواستم چند مطلبی را به عرض برسانم و امیدوارم که به حق پنج تن آل عبا (محمد و علی و حسن و فاطمه و حسین (ع) مورد عفو الهی قرار گیرم، گرچه بنده لیاقت نوشتن وصیت نامه را ندارم.

ولی از این امت بیدار و حاضر خواستارم که امام را تنها نگذارند و در همه حال به فکر انقلاب و جبهه باشند و تا خون در رگ دارند، این انقلاب را که وعده پیروزی آن داده شده یاری کنند تا پرچم پرافتخار الله اکبر بر بلندترین نقطه جهان برافراشته گردد و همیشه آن ارزش انقلاب را حفظ کنند و هیچ وقت از یاد شهدا غافل نباشند و در همه اعمال خود خدا را در یاد داشته باشند و هیچ وقت از این خون شهدا برای رسیدن به آمال دنیوی استفاده نکنند و همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشند.

چند سخنی هم به پدر و مادر بزرگواریم دارم که انشاءالله این خطاکار را که نتوانسته ام آن حقی و دینی را که بر گردن من داشته عطا فرماید و هر چه بدی و حتی خوبی هم از ما دیده اند به بزرگواری خودشان مورد عفو و مغفرت قرار دهند. پدر و مادر شماها که از

کوچکی با این همه رنج و مشقت مرا بزرگ کردید و خیلی زحمت ها و اذیت ها تحمل کردید، خواستارم که بعد از شهادت من هیچگاه ناراحت نبوده و مثل زینب کبری(ع) عمل کنید و به خاطر حسین(ع) و ۷۲ تن از یارانش ناراحت شوید و گریه و زاری کنید. خود را در مقابل منافقین و دشمنان ناراحت نشان ندهید و به کوری چشم دشمنان همیشه پیروز و سرافراز باشید و از اینکه یک فرزندی داشته و به خاطر قرآن و اسلام جان خود را فدا کرده، افتخار کنند و هر چه بدی از من دیده اید، به خاطر رحمت های الهی گذشت کرده و مورد عفو قرار دهید.

و با خداحافظی از خواهر و برادران گرامیم، امیدوارم که انشاءالله هر چه بدی از این شهید دیده باشی، به خاطر رضای خداوند مورد مغفرت قرار دهید و خواهر بزرگوار انشاءالله که بعد از شهادت من همچون زینب کبری(س) صبور بوده و حافظ خون شهیدان باشی و هر چه می توانی از عفت و حجاب خود نهایت حفاظت را به جا آوری و با خداحافظی از برادران گرامیم مقصود و علی امیدوارم که انشاءالله که هر چقدر بدی از ما دیده اند به خاطر رضای پروردگار بیفتند. در ضمن بنده حقیر نماز و ۷ روز روزه قضا دارم. آنها را به جا آورید. در ضمن به تمامی دوستان و آشنایان که حقی بر گردن ما دارند، حلالیت طلبیده و انشاءالله که هر چه بدی از ما دیده اند ببخشند و طلب مغفرت از خداوند در مورد من بکنید.

سوختم از خاطر آرزوی دیدار کربلا

آرزوی دیدار کربلا را داشتم

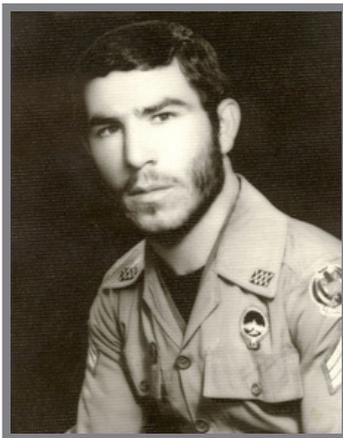
به امید زیارت کربلا

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگهدار

صادق احمدوند اقدام

۶۵/۹/۲۷

نام: خسرو
نام خانوادگی: احمد نژاد
نام پدر: لطیف
نام مادر: گلی
تاریخ تولد: یکم شهریور ۱۳۴۰
محل تولد: محال نازلو از توابع شهرستان
ارومیه
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام کننده: ارتش جمهوری اسلامی
ایران
تاریخ شهادت: بیست و چهارم خرداد ۱۳۶۵
محل شهادت: مهاباد
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: ارومیه



عبارت های کلیدی

* بارالها ما را به باطل میل مده، پس از آنکه هدایتمان فرمودی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و لا تقولوا لمن يقتل فی سبیل ا... امواتاً بل احیا و لكن لا تشعرون»

«رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی»

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و رزمندگان حماسه آفرین سلحشور و شهدای به حق و گلگون کفن و امت غیور ایران و همچنین پدر و مادر و برادران و خواهران عزیزم و تمامی فامیله‌ها و دوستان و آشنایان خواستم چند خط کلام ناقابل را به یادگار بگذارم، انشاء... که طلب مغفرت من از همه مورد قبول باشد.

باری خانواده گرامی و پدر و مادر عزیزم شرمندۀ همه تان هستم. یک لحظه به خود آمده ام و معشوق خود را بازیافته ام و تا از دست ندادمش می خواهم هر چه سریعتر بسویش بشتابم و چون حمله شروع شده به هیچ طریقی نتوانستم خودم را قانع کنم که از این قافله عقب بمانم و می خواهم همین امشب به عاشقان کربلا و امام حسین (ع) ملحق شوم. به به چه سعادت، در کنار پاک باختگان بودن و به ندای «هل من ناصر ینصرنی» این فرزند اسلام (حضرت امام خمینی لیبیک گفتن نصیب من شده است. خداوند تعالی انشاء... که هدیه شما پدر و مادرم را قبول کند.

به خدا خیلی خجلم، چون در این مدت خدمتم هنوز مورد قبول خدا واقع نشده ام. ولی این بار عاجزانه به درگاهش به خاک می افتم و طلب آمرزش می کنم.

بارالها، می دانم که گناهکارم ولی دوستت می دارم و می خواهم که دوستم داشته باشی و مرا هم جزو کاروان عاشقانت قرار بدهی. شما پدر و مادر عزیزم می دانم که در این مقطع زمان نباید شما را تنها بگذارم. این برایم مفهوم است که چقدر به وجود من در آن خانه نیاز هست. ولی حرفهای پدرم به من امید داده است. تقریباً بار پدرم سبک شده است. فقط تنها خواهشی که دارم تا نفس دارد بچه ها را از درس خواندن و مدرسه منع نکند و حسین نیز بعد از خدا امید خانه به اوست و عصای دست پدرم می باشد.

و شما مادرم تو را به خدا روح مرا عذاب مده. هر چقدر بیشتر گریه کنی، بیشتر مرتکب گناه می شوم. آخر خیلی اذیت کرده ام. تو خیلی دین به گردن ما داری، فقط حلالم بکنید

و مواظب بچه ها باشید.

فرصت نیست با تک تک بچه ها و فامیلها و دوستان درددل بکنم. فقط حلالیت و موفقیت همه را آرزومندم. اگر جنازه مرا پیدا کردند، در باغ رضوان ارومیه دفن بکنید تا در کنار برادران عزیزم حسن دارنهال و داود آقائزاد باشم و خانواده ام سعی بکنند روزهای پنجشنبه بر مزارم نیایند، چون خیلی شلوغ می شود و دوستان اگر بیایند، نمی توانند در سر قبرم بایستند و سعی کنند در روزهای معمولی بیایند.

تا آنجایی که می دانم به کسی قرض ندارم. ولی اگر کسی ادعایی کرد، شما قبول بکنید. خواهرانم، طبق معمول آبرومندانہ درسهائتان را بخوانید و مرا ببخشید که نتوانستم وظیفه برادری خودم را به اتمام برسانم و از پدرم می خواهم که همیشه حامی آنها باشد. من که نتوانستم خدمتی برای آنان بکنم.

برادرانم نیز به مقررات خانه پای بند باشند. درس بخوانند و در سر موقع در خانه باشند. لباس و پوتین و غیره را به مستمندان بدهید و باز به مادرم می گویم آگاهانه رفتم و خیلی خوشحالم. شما ناراحت نباشید و همیشه از زندگیتان لذت ببرید و در ضمن به فکر آخرت باشید. باز به روح خودم قسم می دهم که زندگی را برای خودتان تلخ نکنید. عمر به سرعت می گذرد و تنها توشه ای که برای آخرت جمع شده می ماند. پس چه خوب است که مؤمن باشیم.

در ضمن از همسرم تشکر می کنم. چون واقعاً در روزهای آخر زندگی خوب به داد من رسید. یار و همدم خوبی برای من بود. دلم می خواهد بعد از مرگ من همسرم خوشبخت شود و هر کاری که صلاح است، انجام دهد و در ضمن همسرم سهم و حق شرعی دارند. خدایا این هنوز شعار من است که: «اللهم ارزقنا توفیق الشهاده فی سبيله» الان راضی هستم به رضای تو و تازه زندگیم را یافته ام و احساس آرامش می کنم و در آخر التماس دعا از همه دارم. بارالها ما را به باطل میل مده، پس از آنکه هدایتان فرمودی. همانا بخشنده بی عوض و بی منت تویی و خداوندا در روز قیامت تو بر من و خانواده ام و تمامی مؤمنان از کرم ببخشای و توفیق شهادت را هر چه زودتر در راه خودت نصیب من بفرما.

التماس دعا

خسرو احمدنژاد

۱۳۶۵/۳/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

۳۵۱۲۵۹

رب اشرح لی صدری و یسر لی امر و احلل عقدی من لسانتی. یقہو اقولی

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلام و وزینندگان حما سنا ترین سلحشور و شهدای
بحق و گلگون گن وامت فیر ایران و همجنین پدر و مادر و برادران و خواهران عزیزم و تمام
فنا میلهها و دوستان و آشنا یان * خواستم چند خط کلام ناقابل را به یادگار بگذارم انشا * ۰۰۰
که طلب جلا لیت من از همه مورد قبول باشد. باری خانواد نآرام و پدر و مادر عزیزم شرمینند
همه تان هستم یک لحظه به خود آدم و محشوق خود را باز یافتن و ناز دست اندامش میخواهم
بسوی هر چه سریعتر بشتابم و چون حمله شروع شده بهیچ طریقی نتوانستم خودم را قانع کنم
که از این قافله عقب بمانم و میخواهم همین شب به عاشقان کریم و حسین طحق شوم به به چه
سماد تی در کنار پاک پاکباختگانی بود و پندای ناصرا * یمنصری این فرزندان اسلام

(حضرت امام خمینی) لبیک گفتن تعصیب من شده است خداوند تعالی انشا * ۰۰۰
که هدیه شما پدر و مادرم را قبول کند بخدا خیلی خجلم چون در این مدت خدمت هم هنوز مورد
قبول خدا واقع نشده ام ولی اینبار عاجزانه به درگاهش بفاک من افتنم و طلب آفرینش میکنم مبارک
میدانم که گناهکارم ولی دستت میدارم و میخواهم که دستم داشته باشی و مرا هم جزو کسروان
عاشقانت قرار بدی و شما پدر و مادر عزیزم میدانم که در این مقطع زمان نباید شما را تنها بگذارم
این برایم ^{قابل قبول} است که چقدر به وجود من در آن خانه نیاز است ولی حرفهای پدرم به من امید
داد و است تقریبا * پارسیدرم سبک شده است فقط تنها خواهشی که دارم تا نفس دارد بچه ها
را از درس خواندن و مدرسه منع نکند و حمن نیز بعد از خدا امید خانه بنا و است و معای دست
پدرم باشد و شما مادرم تورا به خدا روح مرا عذاب نده چون هر چقدر بیشتر گریه کنی بیشتر
مرکب گناه میشوم آخر خیلی اذیت کرد و ام تو خیلی دین به گردنم داری فقط حلالم بکنی و -
مواظب بچه ها باشی فرصت نیست باتک تک بچه ها و فامیلهها و دوستان درد دل بکنم فقط
حلالیت و موفقیت همه را آرزو شدم *

اگر جنازه مرا پیدا کردند در باغ رضوان ارومیه دفن بکنید تا در کنار برادران عزیزم
حسن دارنهال و ارداد آقا نژاد باشم و خانواده ام سعی بکنند در روزهای پنجشنبه بر سر زار
نیایند چون خیلی شلوغ میشود و دوستان اگر بیایند نمیتوانند در سرقوم بایستند و سعی
کنند در روزهای معمولی بیایند تا آنجا نیکه میدانم به کسی ترنیدارم و اگر کسی ادعاش کرد شما
قبول بکنید *

خواهرانم * طبع معمول آبرو مندانه در سها پتان را بخوانید و مرا ببخشید که نتوانستم
ع

①

وظیفه برادر می‌خوردم رایگان تمام برسانم زاندم می‌خواهم که همیشه حامی آنها باشند من کسسه
 نتوانستم خدمتی به آنها بکنم برادرانم نیز به مقررات خانه پایبند باشند در من بفرمانند و در مسر
 موقع در خانه باشند بیشتر در کوچه و خیابان نباشند لباس پوتین و قاپور را به مستندان بد
 هید و باز به مادر می‌گویم آگاهانه رفتن و رفتن غرضی غرضی است ناراحت نباشید همیشه از زندگیتان
 لذت ببرید و در ضمن فکر آخرت باشید باز در روز خودم تسمه‌های هم که زندگانی را برای خود تسمان
 نفع نکند عمر بسوزد بگذرد و تنها توشه‌ای که برای آخرت جمع شده می‌ماند چه خوب است که مؤمن
 باشم در ضمن از مسر می‌شکر بکنم چون واقعا در روزهای آخر زندگی خوب به داد من رسید
 بیمار و دلم غمگین برای من بود دلم می‌خواهد بعد از مرگ من همسرم خوشبخت شود و هرکاری
 که صلاح است انجام بدهد و در ضمن همسرم سهم و حق شرعی دارند .

خدا یا این هنوز شمار من هست که اللهم ارزقنا توفیق الشهاده فی سبيله الان راضی
 هستم به رضای تو و تازه زندگیم را با افتخار و احساس آرامش می‌کنم و در آخر التماس دعا از همه دارم بار
 الهی ما را به باطل میل نده پس از آنکه هدایتمان فرمودی همانا تو نفس بخشنده بی عوض و بی
 منت و خداوند آ در روز قیامت تو بر من و خانواده‌ام و تمامی مؤمنان از کرم ببخشای و توفیق
 شهادت را هر چه زود تر در راه خودت نصیب من بفرما . ن .

نام: داوود
نام خانوادگی: احمدنژاد
نام پدر: حسن
نام مادر: زینب
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۳۷
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: بی سواد
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هشتم خرداد ۱۳۶۵
محل شهادت: حاج عمران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان خوی



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون.» [۱]
«حساب نکنید کسانی که کشته شده اند در راه خدا (مرده اند) بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند.»

«أشهد أن لا اله الا الله و أشهد أن محمد رسول الله و أشهد أن علياً ولي الله»
با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و سلام به روان پاک شهیدان به خون خفته اسلام.

از آنجایی که هر لحظه در انتظار شهادت هستم و این را نزدیکترین راه برای رسیدن به خداوند متعال می دانم، بر خود لازم دانستم، در حالی که زنده هستم و در حالت کاملاً طبیعی و به دور از هر گونه ناخوشی به سر می برم، وصیت نامه خود را در معیت برادران همسنگر و همرمزم خود بنویسم.

من به عنوان یک فرد معتقد به مکتب نجاتبخش اسلام و به فرمان امام امت، نایب به حق حضرت بقیه الله الاعظم (عج) برای سرکوب بعثی های ملحد و آمریکایی و پاکسازی دامن پر افتخار کشور اسلامی می خواهم با تمام وجودم چون امام حضرت حسین (ع) فریاد بکشم که ای بعثیون کافر و آلت دست آمریکا، هیهات منا الذله و همچنین با تمام توان داد بزنم إن کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیاسیوف خذینی

شما ای کور دلان بیگانه به اسلام مگر ایمان ندارید که عاقبت خون بر شمشیر پیروز است. ای روباه صفتان مگر شما قادرید که اراده الهی و قدرت الله اکبر را که در ما لشگریان اسلام متجلی است در هم بکوبید. هرگز، هرگز.

و اما سخنی با خانواده ام و اقوام از شما می خواهم که در صورت نایل آمدن اینجانب به مقام رفیع شهادت به هیچوجه خود را ناراحت نکنید و اگر ناراحت شوید اجر الهی تان کمتر خواهد شد و باید انا لله و انا الیه راجعون را هرگز از یاد نبرید.

وصیت به خواهرم خودت را به جای زینب و مادرم به عنوان مادر علی اکبر و پدرم خود را به جای سربازان اسلام گذاشته و خدا را از یاد نبرید و این را در مورد خودم برایتان می گویم که نه کسی برایم قرض داشته باشد و نه من به کسی مقروضم و امیدوارم اگر تا حال

در زندگی خود باعث ناراحتی کسی شده ام، خانواده ام تلافی آن را که رضایت است، به جای آورند.

و شما را قسم به خون شهیدان اسلام می دهم که امام و رهبرم را تنها نگذاشته و به دستوراتش مو به مو عمل نمایید و همیشه آرزویم طول عمر رهبر بوده است و خواهد بود. و وصیتی را به همسر خود می گویم از فرزندانم خوب مواظبت کرده و آن را مثل یکی از سربازان اسلام تربیتش کنی و راه مرا ادامه دهند و اگر تا به حال اذیتی به ایشان کرده ام و نتوانسته ام خواسته های او را به عنوان یک همسر برآورده کنم، معذرت خواسته و امیدوارم مرا ببخشد.

دیگر عرض قابلی ندارم و با این شعار اسلامی وصیت نامه را به اتمام می رسانم. در خاتمه خدایا، خدایا تو را به جان مهدی، تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار. آمین یا رب العالمین. جنازه ام را در مزار شهدای خوی دفن کنید.

داود احمد نژاد

فرزند حسن

نام: صفرعلی
نام خانوادگی: احمدی
نام پدر: جعفر
نام مادر: قیزبیدی
تاریخ تولد: پنجم تیر ۱۳۴۱
محل تولد: شهرستان شوط
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و ششم اردیبهشت
۱۳۶۱
محل شهادت: خرمشهر
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: شهرستان شوط



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان که زنده گردانیده و می‌میراند

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
 كُتِبَ عَلَيْكُمْ أَوْ أَحْضَرَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيهِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا
 عَلَى الْمُتَّقِينَ^۲

نوشته شده است بر شما به هنگام مرگ و یا شهادت اگر به جا پندارید خوب است سفارشی یا وصیتی برای مادر و پدر و نزدیکان خود به خوبی حق درست است و پرهیزکار الحمدالله در خانه ای مسلمان به دنیا آمده ام و شکر بر خدای یکتا که جنایت های از خدا بی خبران را دیدم و از این باب آگاهانه تشنه بر احکام اسلام و حکومت اسلام گشتم. باز هم الحمدالله که حکومت اسلام را به رهبری امام امت خمینی بت شکن دیدم.

و سپاس بیکران به درگاهش منت نهاده و راه راست را نشانم داده و به پاسداری از مکتب پربرکت اسلام و احکام مقدس قرآن و حریم مسلمانان راهنماییم کرد.

رحمت خدا به شیر پاک مادرم که هدایتم را در مسیر حلال پرورش داده و بزرگ نموده است و من امانتی بوده ام در نزد او که امانتش را در راه اسلام هدیه به امام خمینی کرد و با قدردانی از پدر پیرم که مرا با درآمدی کم و ناچیز ولی حلال، رنج معیشت زندگیمان را متحمل شد و دست به خلاف شرع نزد و سعادت فرزندان را بیشتر اهمیت داده است. با این بینش که مختصری از آن را بیان داشتم برای احیای اسلام عزیز و نابودی دشمنان و دشمن انسانیت و شرف و حیثیت و حریت هستند. می روم تا مستضعفین جهان نجات یابند و قوانین قرآن را به تمام ملت جهان هدیه داده و پرچم (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَ لِيَّ اللَّهُ) و نایب امام روح الله را به سراسر جهان برافراشته داریم و از مادر مهربانم و پدرم و تمام کسانی که مرا می شناسند، حلالم کنند و مادر مهربانم، غمگین مباش. تنها تو نیستی که فرزند خود را از دست می دهی. بلکه هزاران مادر مثل تو هستند که فرزندان خود را از

۱. سوره بقره/ آیه ۱۵۶.

۲. سوره بقره/ آیه ۱۸۰.

استان آذربایجان غربی ♦ احمدی، صفرعلی ۳۵۷

دست داده اند. مادرم هر چقدر می توانی صبر داشته باش که خداوند در بهشت را به شما
مادران شیردل باز خواهد گذاشت.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزای

صفر احمدی

۶۱/۱/۱

۵۶



بسم الله الرحمن الرحيم
 انقلبي من خوفك فان حسنتك
 نايثون واقلبي من حزنك فان
 عذ الشفيعون واقلبي من
 يد فان اوليا يذلا خوف مني
 خربون انقلبت اقلبي من
 بقنة اربي واقلبي من
 نازقناري وانقلبت من
 ام تقري واقلبي من
 غمري وانقلبت من
 غمنا غمنا غمنا غمنا

بسم خداوند بخشنده مهربان - خدا ما
 مرا از سوزشها منت فرارده که بر اقلبي
 سپاه خردپروانست و مرا از حزب خسود
 فرارده که همانا حزب تو هستی و ستکار
 است و فراریده مرا از دشمنانت گسرا
 ده که همانا دوستان تو هستی ترسی
 هیچ نم و اندوهی ندارد، خدا
 دهم را اطلاق کن که دین تکسدار
 کار من است و آخرت را اطلاق کن که
 خانه دانی من است و بسوی سوز
 معادرت لشیمان گریه گاه من است
 و زندگی مرا ما به غمونی هر غمخسری
 و مرگ مرا وسیله آمانی من از هر غم
 فرارده . یا والها بر محمد و آلش
 درود فرست

وصیت نامه شهید صدفرا

بسم الله الرحمن الرحيم الذي بعثت

محمد و اولاد الطيبين من آل محمد

و انا اليه راجعون

ب عظيم از احضركم الموت ان تكرمت خيرا الوصية للوالدين والاقرابين يا ابا

۱۳۱۷-۷۱۱

سرافرد

حقاً های المتقين

سته شده است بر شما هم هنگام مرگ یا به شما دست . اگر فيما بعد اريد ما خوبست
 مني يا وديع بران مانه و پد روز ديوان خودم خوبم حق دست است و بر صبرا
 بلا برجات مسلمان به دنيا اقدم و شکر بر خداي يگانا که جفا نيمه ای از خدايي خير ان راد
 ن باب الا عانه تسکت بر احکام اسلام و حکومت اسلام گشتم باز هم الحمد لله که مومنه
 م رام رهبری امام است خويش منبت شکن را و بر هم

سرمه بران نام و بهامش که بر من منت نهاده و باه راست را منت نهاده و بهامش
 یک از کتب پر سرگشت اسلام و احکام مقدس قرآن و فرهنگ مسلمانان را منت نهاده ام کرد

۷۱۱۱۷ KVAC-1-1

(۲۰۰۷ سرافرد)

بیت حدیث سیرت - ۱۳۰۳ هجری قمری - راندیرون سر رحمان پوروش داد...
دوام جیه حق اما نتکس راد راه اسلام هدیه به امام خمینی کرده و با گذر این از پیر سر
س با در آ مدی کم و ناصر ولی حلال ما رنج میسست زندگیان را متمم شده و در
لاف شکر می نزد و سعادت فرزند استرا ایت ستر اوصیت داده و با در آمد ناپید
ش ۶

بیت پیش که مقدمه سرت (از ان) را بیان در اکتب برای اعیای اسلام عزیز و نابود است
من استنادیت و مشرف و حیدریت و حریت هسته ما درم تا مستقیم و نوری
تیا بیند و قدر این قرآن را به تمام مدته جهان هدیه داده و پرچم لا اله الا الله محمد و
بی الله و ناشب الا درع الله را به سر اسر جهان بر افراشته داریم.

۳۴ دیدم و تمام کسانی که نبیده را می شناسند حلالم کنند - ما در هدیه نام عمیقین و پارس
سیتی که عزیز تر خود را از دست می دهند هزاران مائده پیش تو هر سینه که فرزند خود
ست دادند ما رسم هر چند در توانی به سیر دار که پارس خاوند نه بیست را به سینه
دل باز خواهد گذاشت

صفر علی احمدی
۱۳۰۳ هجری قمری

خدایا خدایا تا انقلاب سیدی دهی منو را زنده داره

صفر علی احمدی
۱۳۰۳ هجری قمری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وصیت‌نامه منبر را در شبیه سال ۱۳۶۰ میلادی
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِیْ یُحِیُّ وَیُمِیْتُ
(بنام خداوند بخشنده مهربان که زنده گرداننده و میگرداند)

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رٰجِعُونَ
کَبِیْرٌ عَلَیْکُمْ اَوْ اَحْضَرٌ اَحْسَدُ کَمْ السَّمَوَاتُ اِنْ تَسَّرَکَ خَیْرًا التَّوْحِیْدَ لِلَّهِ وَآلِیِّهِ الْاَوْلَادِیْنَ وَالْاَقْرَبِیْنَ بِاللَّحْرِیْمِ عَلَی الْعَلَنِ
خفا

نوشته شده است بر شما به حکام برگزیده ما . شهادت اگر بماند بر شما خوب است سفارشی یا وصیتی برای مادر و پدر و نزدیکان خود بخوبی حق درست است و پرهیزگار .

الحمد لله درخا ته سلطان بدینا آمده ام و شکر بخردای یگانه که حنایتهای از خدا بیخبران را دیدم و از این باب آگاهانه تشنه بر احکام اسلام و حکومت اسلام گشتم با زعم الحسد الله که حکومت اسلام را بر عهده ایام است شخصی پشتگن را دیدم .

و سیاسیون به درگاهت نشانداده و راه راست را نشان نداده و به یاد ای از تکبیر برکت اسلام و احکام مقدس قرآن و حشر همسایگان را غنا هم کرد .

رحمت خدا به شهر یاک مادرم که خدا بخواهد منم حلال پرورش داده و بزرگ نموده است و من اما تقی بوده ام در نزد او که اما نشیرا در راه اسلام عده به امام خلیف کرد . و با قدر دانی از پدرم که مرا با در آسودگی و نا چیز ولی حلال رنج مشقت زندگیمان را تحمل شد . دست از خلافت خارج نرد و شما دست فرزندان را بیشتر اصعبت داده است .

با این پیش که مقتصد از آن را بیان داشتم برای اعیای اسلام عزیز و نا بودی دشمنان دشمن انسانیت و عتوی و حیثیت و حریت هستند بیرون تا مستضعفین جهان نجاستها بنده و قوانین قرآن را به تمام ملت جهان عده به داده و بپرجم لا اله الا الله بعد رسول الله و علی ولی الله و نا شب امام روح الله را به سوامر جهان بر لند انفرشته داریم . و از ساد در مهربانیم و پدرم و تمام کسانی که مرا میشنا سندن . حلالتم کنید . و مادر میربالم شکین جان تنها توفیقی که فرزند خود را از دست میدهی بلکه هزاران مادر مثل تو هستند که فرزندان خود را از دست داده اند ما مردم سرچاه در جتوانی میسر داشته باش که خداوند در پیشترها به شما ما دران شهر دل بساز خواصه گذاشت .

خدا با خدا با تا انقلاب میهدی (ح) خلیف را نگهدار و از عرصه ما بگه و بر عرصه او پیشزای

میرزا احمدی بنا به ۱۳۶۰ ر ۱۱

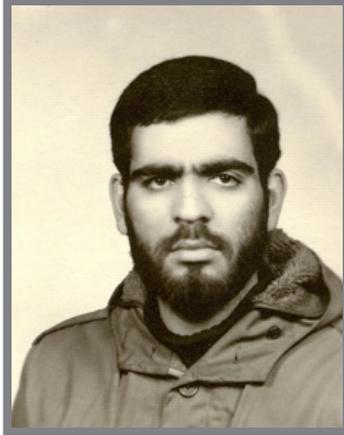
۱۰۲۲۶۶۵

ما از شهیدان دان بسا کسی ندانیم (امام غمگین)

حزب ... شروط

KVAC-1

نام: عبدالعلی
نام خانوادگی: احمدی
نام پدر: رمضان
نام مادر: نانی خانم
تاریخ تولد: پانزدهم آبان ۱۳۴۴
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هفت اردیبهشت
۱۳۶۵
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترمش
مزار: شهرستان خوی



عبارت های کلیدی

- * ای برادرانم در نمازهایتان سستی نکنید و نماز را ترک نکنید. چون فاصله ای بین ترک نماز و کفر نیست
- * مسئله اصلی برای ما پیروزی اسلام است. چه ما باشیم یا نباشیم. هیچ فرقی نمی کند

بسم ا... الرحمن الرحيم

بار پروردگارا تو بر حال من واقفی و بر احوال آگاهی. خدایا بار پروردگارا، گناهانی را که در میان من و شما مرتکب آن شدم، پرده پوشیدی و آبروی مرا در نزد مردم حفظ کردی و مرا در نزد مردم خوب جلوه دادی. خدایا بار پروردگارا ما را چنان کن که فقط و فقط در راه تو قدم برداریم و تنها تو را ستایش کنیم. خدایا، بار پروردگارا ما را لحظه ای بر خود وامگذار که ما عصیانگر و طغیانگریم. خدایا هزاران شکر و هزاران سپاس و حمد تو را که مرا به راه خودت هدایت کردی. خدایا بار پروردگارا اگر ما را به راه خودت هدایت نکرده بودی، پس ما کدام راه هدایت می شدیم. خدایا مرگ ما را شهادت در راه خودت و دینت قرار بده و بدن ما را تکه تکه بگردان تا گناهانمان به لطف و کرم تو بخشیده شود. خدایا چه طور با ما در روز قیامت رفتار می کنی، در حالی که در مدت زندگی در این دنیای فانی از دستورات تو نافرمانی کردم و نیت خود را پاک و خالص نگردانم. خدایا گاهی نیت خود را به خاطر ریا و به خاطر جلب توجه مردم انجام دادیم. خدایا از تو می خواهم که گناه های گذشته و حال ما را که در روی جهالت و یا از روی آگاهی انجام داده ایم، به لطف و کرمت ببخشی و ما را از زمره بندگان پاکت بگردان و خالصان ربوبی درگاہت بکن. بارالها هنگام مرگ و هنگام از دنیا رفتن کلمه لا اله الا... بر زبانم جاری بگردان و صفات نورانیت خود را بر من نمایان گردان.

در موقع شهادتم زیارت عاشورا را با حضور همسنگرانم در خانه بخوانید و صدای حسین، حسین را بلند کنید. نه صدای اسم مرا. صدای علی اکبر و صدای ابوالفضل(ع) را و بعد از زیارت عاشورا اگر امکان داشته باشد شیرینی پخش کنید و به در خانه مان پرچم سرخ حسینی و پرچم لبیک یا خمینی را بزنید. اصلاً آن کسی که فرزندش را برای حسین قربانی می کند، باید حسین(ع) را صدا بزند نه فرزندش را و باید انتظاری مبنی بر آمدن جنازه پسرش نداشته باشد و اگر هم جنازه پسرش را بیاورند، آن هم از الطاف خداست. اگر در مجلس بیشتر اسمی از بنده برده شود، آن وقت ما در نزد حسین بن علی(ع) باید خجالت بکشیم. چون سرور شهدا اوست و ما باید در نزد حسین(ع) گمنام باشیم. خدایا تو

را به عظمت خودت قسمت می دهیم که ما را با شهدای کربلا محشور بگردانی. ای برادرانم در نمازهایتان سستی نکنید و نماز را ترک نکنید. چون فاصله بین ترک نماز و کفر نیست و پیرو ولایت فقیه باشید و از دستورات امام پیروی کنید. خواهانم هیچ وقت خدا را فراموش نکنید و نمازهایتان را سبک نشمارید و به واجبات عمل کنید و به نماز جمعه ها بروید و با خانواده های شهدا رابطه بیشتری داشته باشید و می دانم بعد از من برای شما خیلی سخت است. ولی باید از مصیبت های حضرت زینب(س) الهام بگیرید و در برابر مشکلات مقاومت و استقامت داشته باشید. از کمک کردن به جبهه اسلام دریغ نوزید و مواظب اعمال و رفتارتان باشید و توقع بیشتر از مسؤولین نداشته باشید و به مقام شهید خدای نکرده لطمه نزنید.

مسئله اصلی برای ما پیروزی اسلام است. چه ما باشیم یا نباشیم. هیچ فرقی نمی کند. اگر با ریخته شدن خون ناقابل ما اسلام پیروز می شود، بگذارید که دشمنان اسلام خون ما را بریزند تا درخت اسلام آبیاری شود. حدود ۲ ماه روزه دارم که انشاء... با به جا آوردن آنها موجب رضایت خدا از بنده باشید. مبلغ دو هزار تومان به آقای مشهدی قادر بیردازید که بابت ماشین بدهکارم. با رضایت پدرم دوچرخه مرا بفروشید و آن را به حساب جبهه بیردازید و جنازه مرا در مزار شهدای خوی دفن کنید.

خوش آن سری که در آن سر بود هوای حسین

خوش آن دلی که در آن بود ولای حسین

خوی آن تنی که به کوی حسین سپارد جان

خوش آن بدن که شود خاک کربلای حسین

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار.

والسلام علیکم ورحمه ا... و برکاته

۶۵/۶/۲۰

وصیت نامه دوم:

بسم ا... الرحمن الرحيم

وصیت نامه بنده حقیر عبدالعلی احمدی

«قاتلوهم یعدبهم ا... بایدیکم . یفزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین.»
شما ای اهل ایمان به آن کافران به قتال و کارزار برخیزید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و خوار گرداند و شما را به آنها منصور و غالب نماید و دل های اهل ایمان را به فتح و ظفر بر کافران شفا بخشد. (سوره توبه، آیه ۱۳)

«یا ایها الذین آمنوا ما لکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل ا... انا قلم الی الارض بالحویه
الدنیا من الاخره فما متاع الدنیا فی الاخره الا قلیل»

«ای کسانی که ایمان آوردید، جهت چیست که چون به شما امر می شود که برای جهاد در راه دین بیدرنگ خارج شدید، به خاک زمین دل بسته اید. آیا راضی به زندگانی دنیا عوض حیات ابدی آخرت شدید. متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندک و ناچیز است.»
با درود به امام زمان (عج) مهدی موعود منجی عالم بشریت و عدالت گستر جهان و نایب به حق او امام خمینی ابر مرد تاریخ و زنده کننده احکام قرآن و اسوه مقاومت و صبر و تقوا که رهبری های قاطعانه خود همه ثروتمندان و ستمکاران دنیا را به لرزه انداخته و اساس انسانیت و چگونگی زیستن را به ما آموخته است و این امام بود که ما را از تاریکیها و ظلمتکده های نظام حاکم سلطنتی به سوی نور، به سوی انسانیت، به سوی آزادی، انسان از قید بندگی هوای نفس را رهنمود و هدایت کرد و با درود بر خانواده های شهدا که جان این انقلاب هستند.

خدایا تو خود شاهد بودی که وقتی من این وصیت نامه را می نوشتم، چه احساسی داشتم. خدایا از گناهان بی حد خود شرمنده ام و بر دوشم سنگینی می کند و اگر تو مرا نبخشی، چه کسی مرا خواهد بخشید و خدایا همیشه از تو می خواستم که شهادت در راهت را به بنده حقیر عطا کنی تا بلکه گناهانم با ریخته شدن خونم در راه تو بخشیده شود.

«ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفرلنا لنلونن من الخاصرین»

«خداوندا ما به خود ظلم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحمت نیاوری از ستمکارانیم.»
(سوره مبارکه اعراف آیه ۲۳).

خدایا دلم در حجاب است و نفس من بر عقلم غالب و طاعتم اندک و معصیتم بسیار و زبانت اقرار به گناهان دارد. خدایا به حرمت خاندان پاک محمد(ص) گناهان مرا به بزرگی خود ببخش.

ای ملت عزیز و فداکار ایران به نبرد سرنوشت ساز خود ادامه دهید و حسین زمان را یاری کنید که خداوند پشتیبان ماست. مبدا روزی باشد که میدان را خالی بگذارید و با عهدی که با امام امت این فرزند حسین(ع) و نایب مهدی(عج) بسته اید، وفادار بمانید تا انشاء... روزی برسد که زمینه را برای ظهور آقا امام زمان(عج) آماده کنید و پرچم خونین انقلاب را به دست او بسپارید. نگوئید که چرا این قدر ما سختی می کشیم. ما هر چه قدر برای اسلام سختی بکشیم، اسلام بالاتر از آن است و نگوئید که انقلاب اسلامی به ما چه کرده، بلکه خودتان را سرزنش کنید که به اسلام چه کردیم؟ هر روز اسلام به خدمت احتیاج دارد. با توسل به ائمه اطهار(س) در کارهایتان پیش قدم باشید و صفوف نماز جمعه ها و نماز جماعت ها را پر کنید و در دعاهای کمیل و دعاهای توسل شرکت فعال داشته باشید که دشمن از این مجالس خیلی ترسناک است. جوان هایتان را به میدان های نبرد با کافران تشویق کنید که امروز فقط پیکار است. امروز وقت جنگیدن با دشمنان ۱۴۰۰ ساله اسلام است.

پیام من به همسنگرانم این است که سنگر جبهه ها را به خوبی نگه دارند و نگذارند اسلحه های گرم شهدا سرد بشود و دشمن فرصتی پیدا نکند. از علاقه به دنیا و مادیات دنیوی بپرهیزید که اگر انسان حب دنیا داشته باشد، در آخر هلاک می شود. امروز ما باید جنگ را محدود نشماریم و نگوئیم که کی جنگ تمام می شود؟ تا کفار و سرکشان بر حقوق مسلمین جهان تجاوز می کنند، ما باید با آنها قتال کنیم. امروز ما مسئولیت سنگینی بر عهده داریم و باید دستورات و احکام اسلام را با دادن مال و جان خودمان در سطح جهان احیا کنیم. با بی حجابی ها و با منافقین از خدا بی خبر مبارزه کنیم که اسلام از اول تا آخر از این منافقین دو رو خیلی ضربه خورده است. در مقابل هر جریانی که بر علیه انقلاب است بی تفاوت نباشید که خدای نگرده انقلاب به انحراف کشیده نشود. ما که این قدر شهید دادیم، باید از خون آن ها پاسداری کنیم.

پدر و مادر عزیزم از شما می خواهم که مرا حلال کنید که نتوانستم آن چنان خدمتی که در گردن من بود، به شما انجام بدهم. در شهادت من هیچگونه ضعفی از خود نشان ندهید

که دشمنان از اسلام سوء استفاده می کنند و وقتی ناراحت می شوید، به حسین بن علی (ع) گریه کنید و مصیبت های حضرت زهرا (ع) را به یاد بیاورید. به ائمه چهارده معصوم (ع) بیشتر متوسل شوید و صبور و بردبار باشید که خداوند با صابران است.

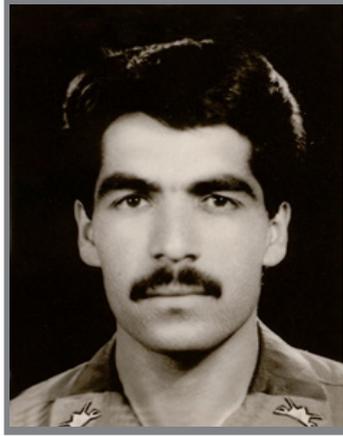
«انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب.»

«به راستی آنها که صبر می کنند اجر و مزد آنها بی حساب داده می شود. در موقع شهادتم زیارت عاشورا را با حضور همسنگرانم در خانه بخوانید و صدای حسین، حسین را بلند کنید. نه صدای اسم مرا. صدای علی اکبر و صدای ابوالفضل را و بعد از زیارت عاشورا اگر امکان داشته باشد شیرینی پخش کنید و به در خانه مان پرچم سرخ حسینی و پرچم لیبیک یا خمینی را بزنید. اصلاً آن کسی که فرزندش را برای حسین قربانی می کند، باید حسین (ع) را صدا بزند نه فرزندش را.

اگر در مجلس بیشتر اسمی از بنده برده شود، آن وقت ما در نزد حسین بن علی (ع) باید خجالت بکشیم. چون سرور شهدا اوست و ما باید در نزد حسین (ع) گمنام باشیم. خدایا تو را به عظمت خودت قسمت می دهی که ما را با شهدای کربلا محشور بگردانی.

یا برادرانم در نمازهایتان سستی نکنید و نماز را ترک نکنید. چون فاصله ای بین ترک نماز و کفر نیست و پیرو ولایت فقیه باشید و از دستورات امام پیروی کنید. خواهانم هیچ وقت خدا را فراموش نکنید و نمازهایتان را سبک نشمارید و به واجبات عمل کنید و به نماز جمعه ها بروید و با خانواده های شهدا رابطه بیشتری داشته باشید و می دانم بعد از من برای شما خیلی سخت است. ولی باید از مصیبت های حضرت زینب (س) الهام بگیرید و در برابر مشکلات مقاومت و استقامت داشته باشید. از کمک کردن به جبهه اسلام دریغ نورزید و مواظب اعمال و رفتارتان باشید و توقع بیشتر از مسئولین نداشته باشید و به مقام شهید خدای نکرده لطمه نزنید و جنازه مرا در گلزار شهدای خوی در زیر پای دیگر برادران دفن کنید.

نام: محمد رضا
نام خانوادگی: احمدی
نام پدر: رضا
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: هشتم مرداد ۱۳۴۰
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و یکم شهریور
۱۳۶۵
محل شهادت: حاج عمران عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

* خودت آگاهی که فقط هدفم جنگیدن در راه تو و زنده ماندن اسلام عزیز می باشد.
* خدایا از تو می خواهم که در مقابل گلوله های کفار ترسی به دلم راه ندهی و امتحانم
نکشی و هر گلوله ای که از دشمن به من اصابت کند، به خاطر تو و اسلام عزیز و قرآن
کریم دردش را تحمل خواهم کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدایا با نام تو لباس سربازی که کفن یک سرباز است به تن می‌کنم و به خاطر پیکار در راه تو و کتاب آسمانی ات قرآن کریم و زنده مان مکتب مان اسلام پوتین را پا کرده و عازم جبهه جنگ با کفار و ملحدان بی‌خبر از خدا می‌شوم. خودت آگاهی که فقط هدفم جنگیدن در راه تو و زنده ماندن اسلام عزیز می‌باشد. خدایا بهتر می‌دانی که درخت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی خونهای^۱ پاک دارد و از تو می‌خواهم به احترام فاطمه زهرا (س) که گناهان من سرباز را ببخشی. خدایا از تو می‌خواهم که در مقابل گلوله‌های کفار ترسی به دلم راه ندهی و امتحانم نکشی و هر گلوله‌ای که از دشمن به من اصابت کند، به خاطر تو و اسلام عزیز و قرآن کریم دردش را تحمل خواهم کرد.

محمد رضا احمدی

۱. در اصل وصیت ((به خونهای))

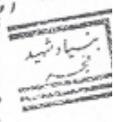
بسم تعالی -

و عیت ستواخ ز رحمی محمد رضا احمدی

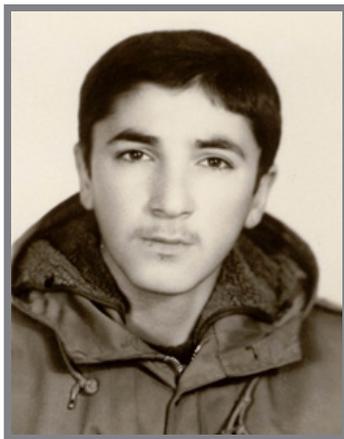


خداوند ما که با سر سرمازی که کس بیگمتر از اوست، آن یکین دیما طریقیار در راه تودن ب

آسمان ات قرآن کریم در نوبت باغ کسب نام اسلام پویس وایو کزین معانیم همه
حسب ما کن و معلوم ای غیر از خدا میترسم قدرت آنگاه که نشانه من جیندیج در راه تو
مذ شومایم اسلام عزیز میباشم خدا یا بهتر نیست سانی که رحمت انعام و ندادی
به رهبر ما ام جینی، برهنه است دارد داز تو میجویم، اقرام نامم زحرا (سی که کن کلم
مع سرماز راه بخش خداوند تو میجویم و شیل مگور که کن زرمی، دلم راه به حق دی
دو در راه تو میجویم



نام: معصوم
نام خانوادگی: احمدی
نام پدر: نبی
نام مادر: ترلان
تاریخ تولد: بیست و یکم آبان ۱۳۴۷
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: دانش آموز سوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیستم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

* توصیه ام به امت شهیدپرور این است که قدر این گوهر گرانبها یعنی امام عزیز را بدانید و به فرامین او گوش کنید و در خط او باشید. وحدت کلمه را حفظ کنید تا دشمن نتواند ضربه ای به شما بزند. مساجد را خالی نکنید.

* مادر جان، می دانم که چه شبها و روزها نخواستیدی تا اینکه من روزی دستت را بگیرم ولی اسلام عزیز به خون های من و امثال من احتیاج دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوندا، مرا دریاب. خداوندا، مرا دریاب. خدایا گناهکارم، معصیت کارم، خدایا یاریم کن که جز راه ائمه معصومین راه دیگری نروم. خدایا، تو شاهد باش که فقط برای رضای تو عازم جهاد شدم. اکنون که این وصیتنامه را می نویسم کوهی از گناهان بر پشتم سنگینی می کند، خدایا، این جسم ضعیف و ناچیز من تحمل آتش جهنم را ندارد، خدایا فقط امیدم به توست چرا که تو سرچشمه رحمت و بخشایش هستی، الهی العفو، الهی العفو، الهی العفو. پروردگارا چیزی در توان ندارم که شکر این نعمت های تو را به جای آورم مگر جانم که در مقابل نعمت های تو بسیار ناچیز و ناقابل است. خدایا مرا بپذیر و از گناهانم درگذر. خدایا تو را سپاسگذاری می کنم که مرا به راه راست هدایت فرمودی و نگذاشتی در منجلاب فساد و تباهی غرق بشوم و اما توصیه ام به امت شهیدپرور این است که قدر این گوهر گرانبها یعنی امام عزیز را بدانید و به فرامین او گوش کنید و در خط او باشید.

وحدت کلمه را حفظ کنید تا دشمن نتواند ضربه ای به شما بزند. مساجد را خالی نکنید. برادران عزیز تا آنجا که می توانید به جبهه بیایید و اگر امکانش نیست در پشت جبهه فعالیت نمائید. پدر و مادر عزیزم و نور چشمانم، می دانم که چقدر زحمت کشیده اید تا مرا به این سن و سال رسانده اید. مادر عزیزم امیدوارم وقتی که خبر شهادت مرا می شنوی زیاد گریه نکنی چرا که من امانتی بیش، نزد شما نبودم.

مادر جان اگر خداوند متعال [من] را از شهیدان واقعی قرار داد و به من حق شفاعت داد شما و پدرم، اولین کسانی هستید که دستتان را در قیامت، زمانی که همه در فکر خود هستند و از عذاب خداوند در هراس هستند خواهم گرفت و به بهشت خواهم آورد. پدر جان امیدوارم که زیاد ناراحت نباشید و با دستهای خودتان مرا به خاک بسپارید. مادر جان، می دانم که چه شبها و روزها نخوابیدی تا اینکه من روزی دستت را بگیرم ولی اسلام عزیز به خون های من و امثال من احتیاج دارد. برادران عزیزم، محسن آقا و قاسم و همه و خواهرم رقیه که نورچشمانم هستید، امیدوارم که مرا به بزرگواری خود حلال کنید محسن

جان، من یک و نیم ماه روزه و دو ماه نماز قضا تا به حال داشته ام. از شما می خواهم که ترتیب آنها را بدهید. از تمامی آشنایان و دوستان برای من طلب حلالیت کنید، خداحافظ شما، والسلام علیکم^۱

۶۵/۹/۳۰

وصیت دیگر

«یا ایته النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی

جنتی^۲»

با عرض خالصانه ترین سلام ها و درود بر پیشگاه حضرت رسول ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (ص) و چهارده معصوم و حضرت فاطمه زهرا (ع) و علی بن ابیطالب (ع) و حسن و حسین (علیهما السلام) و امامان بر حق آسمان ولایت خصوصاً حضرت حجه بن الحسن این دادگستر سرتا سر گیتی و نائب بر حق او امام خمینی این امید تپنده در قلب مستضعفین جهان و ستارگان انقلاب و جنگ تحمیلی یعنی شهدای گلگون کفنمان که با تقدیم خون مقدس خویش همگی مان را به راهی دعوت نمودند که پیمودن این مسیر پر پیچ و خم و پر بلا به مجاهدت ها و از جان گذشتن ها و اطاعت پذیری مطلق از مقام ولایت فقیه و در یک کلام انداختن ما به سوی الله و پیوستن به رب العالمین که آدمی را از اسارت دنیا و نیازدگان خلاصی داده و از اسفل السافلین به اعلیٰ علیین می کشاند و از سرچشمه پرفیض رحمت الهی سیراب می سازد. چه خوش باشد امانتی که پروردگار عالم در انسان به ودیعه نهاده سالم و پاک که در نفس مطمئنه خلاصه می شود و به تعبیر قرآن انسان خلیفه الله روی زمین می گردد به معشوق خویش بازگردانیم و این از رحمت واسعه قادر منان می باشد که بر ما منت نهاده و مشیت الهی بر این مقدر گردیده که تا احکام او به دست ما در زمین حاکمیت یابد. و سپاس خدا را که جبهه های نبرد را بر ما ارزانی داشت تا از بوته آزمایش تحت لوای رهبری امام امت و الهام از خون پاک شهیدان سربلند بیرون آمده و بدین وسیله

۱. در آخر وصیت ((من این وصیتنامه را با عجله نوشتم و از داداشم محسن آقا می خواهم آن را درست کند.)) نوشته شده بود.

۲. فجر/آیات ۲۷ ای ۳۰

زنگار دل را از زنگهای غیر الهی زدوده و به صبغه الله ملون گردیم و اندرون خویش را از انواع گناهان شسته و مقبول درگاه خداوندی واقع گشته و در جمع اولیاء الله و اوصیاء الله و بندگان مقربش محشور گردیم. در این وادی تنها و تنها دل به رحمت و فضل او بسته از شر نفسی که دائم به سوی پرتگاه هلاکت و نیستی سوق می داده و باز تنها نور هدایت و رحمت تو بود که روشنگر راه هدایت می گردید. تو را شکر می گویم همانند شاکران درگاهت و از تو بیم دارم همچون فائقان درگاه و به تو امیدوارم همچون متوکلان به درگاه ربوبیت تو و باز دوباره استغفار می کنم از اینکه در اول قلبی سالم و فطرتی پاک و نیتی صادق به من عطا کردی اما این عبد بیچاره و دردمند تو تحت تأثیر وسوسه های نفسانی قرار گرفته و همه امانت های تو را به گناه آلوده کردم، اما در این میان رحمت و مغفرت واسعة تو بود [۱...]. توبه می کنم از عهدشکنی های خودم و این که به پیمان خود وفا نکردم و بعد از صد بار توبه شکستن باز به تو رو آوردم. تنها به ریسمان فضل تو چنگ می زنم.

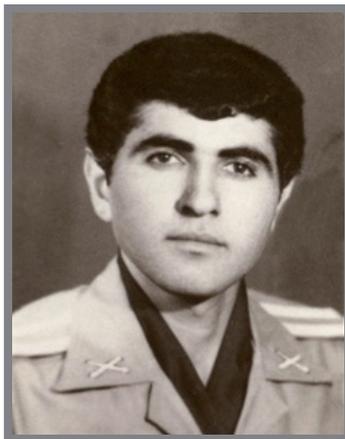
مگر غیر از تو کس دیگری هم هست که غیاث المستغیثین و چاره ساز دردمندان باشد. در این میان تنها تو را یافتم و به تو پناه می آورم. دلم می خواهد هر چه که هستم و هر چقدر که گناه کردم تنها پیش تو و پیش اولیا و محبانت باشم و اگر قرار است که مجازات شوم به دست تو مجازات شوم و این برای من خیلی بهتر از این است که از جمع دوستانت و رحمتت به کنار بیفتم. در آخر از امت شهیدپرور انتظار دارم که با گوش و دل به فرامین حضرت امام توجه نموده و در پیمودن راه سرخ شهیدان با عزم راسخ وارد میدان شده و جبهه های نور را همواره گرم نگهدارند. در این مشهد بهترین عزیزان برومند اسلام را پربارتر و رساتر تا سر منزل مقصود نهائی حضور به هم رسانند و قدر روحانیت مبارز پیرو خط ولایت فقیه را دانسته و حضور خود را همواره و در هر شرایط سخت و طاقت فرسا در صحنه های حساس حفظ نمایند و این را حتم بدانند موقعی دچار تزلزل گشته ایم که اسلامان از روحانیت جدا گشته و فاصله گرفته است و اما از نورچشمانم پدر و مادرم که عمری را در بزرگ کردن من زحمات طاقت فرسایی را متحمل گشته اند و مرا تا این حد رسانیده اند که بتوانم در زمره رزمندگان به حساب آیم، صمیمانه قدردانی می نمایم و از اینکه نتوانستم از زحماتشان قدردانی نمایم در عوض قول می دهم با عنایت پروردگار عالم اگر در زمره شهداء به حساب آمدم از درگاه او اولین کسی باشم که شفاعت شما را کرده و دستتان را در آن سرا بگیرم. امیدوارم به بزرگواری خود مرا عفو نمائید و به هر کسی مدیون

هستم یا هر گونه اذیت و آزاری از من دیدند خواهش دارم که حتماً مرا حلال نمایند. من هم به نوبه خود همه را حلال می‌کنم و از داداش عزیزم محسن می‌خواهم یک ماه روزه قضا و دو ماه نماز قضا برایم به جا بیاورد و از دایی^۱ بزرگواریم می‌خواهم تا این بنده عاصی را به بزرگواری خود حلال نماید. همچنین از داداشم قاسم و محمد و خواهرم رقیه معذرت می‌خواهم که برادر خوبی برای آنها نبودم و مرا عفو کنند. اگر جنازه ام به دست شما رسید حاج آقا قراجه ای برایم نماز بگذارند. اگر ایشان نبودند یک روحانی عادل و صالح با مشورت خانواده ام برایم نماز بخوانند. برایم از خداوند متعال طلب آمرزش و مغفرت بخواهید به امید زیارت کربلا و نجف.

معصوم احمدی

۶۴/۱۱/۲۰

نام: بهمن
نام خانوادگی: احمدی قلعه جوق
نام پدر: محمود
نام مادر: ترلان
تاریخ تولد: دهم اردیبهشت ۱۳۴۴
محل تولد: روستای بیچانلو از توابع
شهرستان نقده
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: شانزدهم بهمن ۱۳۶۳
محل شهادت: پایگاه جاسوسان پیرانشهر
نحوه شهادت: کولاک شدید و سقوط
بهمن
مزار: شهرستان زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * این دنیا یک کربلای اختصاص یافته است که [با] یک مقدار سختی و زحمت، به مقصد می رسد.
- * نوحه خوانی کنیم. گریه کنیم. فریاد کنیم. این یک میتینگ و فریادی است برای احیای مکتب سیدالشهداء.
- * ما هر روز باید گریه کنیم. ما هر روز باید منبر برویم. برای حفظ این مکتب و برای حفظ این نهضت. این نهضت ها مرهون امام حسین سلام الله علیه است.
- *خواهرم حجاب تو از خون من با ارزشتر است. حجاب را رعایت کنید و سنگر من را خالی نگذارید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لبیک یا امام

«امروز دفاع از اسلام و ایمان برای همه قشرها از اهم واجبات الهی است که هیچ چیز دیگر مانع از انجام آن نمی شود.»

(امام خمینی)

وصیت نامه خودم را با نام خدا و با یاد شهیدان انقلاب اسلامی ایران آغاز می کنم، برادران عزیز به رهبری امام خمینی بر عقیده به اسلام می خواهم به جبهه بروم که تا دین خودم را به مکتبم ادا کنم، به این آیه از قرآن^۱ که فرموده: «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ» که به خدا کمک کنید تا به شما کمک کند، یعنی به دین خدا کمک کنید، می خواهم به دین خدا کمک کنم، برادران ماندگی به مسلمانان معنایی ندارد، مسلمان باید مبارزه کند، همیشه باید سختی ببیند و مهم نیست که در این راه شهید بشود، در هر حال ما پیروزیم، از خدای متعال می خواهم که اگر شهید شدم، به اینکه لیاقت شهادت ندارم، اگر شهید شدم برای خداوند بزرگ [و] به رضایت خدا باشد و این طور که به مسئله شیعه عقیده داریم به شهادت مسئله ای نمی دانیم، بلکه از طرف خداوند بزرگ یک هدیه می بینیم که به هر آدمی نصیب یا قسمت نمی شود، بلکه لایق و شایسته آنهایی است که خالص باشند می شود، مسئله دوم این است که ما شکست خوردن نمی دانیم، برای اینکه ما مادامی که اصول^۲ دین یکی است عقیده داریم و تنها شهادتی که از سراغ دنیا رفته و دنیای همیشگی را یک پل می دانیم که همه ما از آن استقبال می کنیم، برای آنکه این دنیا یک کربلای اختصاص یافته است که [با] یک مقدار سختی و زحمت، به مقصد می رسد و در انسان های [...^۳] به مقصد عمل های بالا تعیین می شود. بهشت یا جهنم آن کسانی که در عمرشان برنامه اسلام را که انسانها را به همه ماده و

۱. در اصل وصیت ((به آیه این قرآن))

۲. محمد / بخش از آیه ۷؛ در اصل وصیت ((إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ))

۳. در اصل وصیت ((اسول))

۴. ناخوانا

معنوی احتیاج‌هایشان را جواب گو باشند پیروزی کنند. این دنیا از ذلت دیگه هیچ چیزی نمی‌دانند و اما کسانی که برنامه‌های اسلامی را اطاعت نکنند، این دنیا برای آنان خیلی خوب و عالی و خوش می‌گذرد و آن دنیا در آخرت برای آنان خیلی درد سخت [...] است که جوری که در قرآن کریم آمده: «إنا لله و إنا الیه راجعون»^۱: همه ما با خدا هستیم و به طرف آن می‌رویم در اینکه ما در این دنیا باقی نمی‌مانیم و چه خوب است که مثل امامان از این دنیا هجرت کنیم و آن جوری که امام علی(ع) می‌فرماید: حاضر هستم که هزار بار در میدان جنگ به خونم غلتان بشوم. اما یکبار در بستر جان ندهم و ما که مسلمانیم باید از امامان اطاعت کنیم و این مزدوران بعثی که به دست آمریکا است که از آستین صدام کافر درآمده که شهید بشویم.

این گریه‌ها زنده نگهداشته است. مکتب سیدالشهداء را این ذکر مصیبت‌ها زنده نگهداشته است. مکتب سیدالشهداء را ما برای یک شهیدی که از دستمان می‌رود علم به پا کنیم. نوحه خوانی کنیم. گریه کنیم. فریاد کنیم. این یک میتینگ و فریادی است برای احیای مکتب سیدالشهداء و اینها اعتراض‌کنندگان ملتفت نیستند، توجه ندارند به مسائل همین گریه‌ها.

مکتب را تا اینجا نگهداشته و همین نوحه سرایی‌ها است که ما را زنده نگهداشته و این نهضت را پیش برده است. اگر سیدالشهداء(ع) نبود، این نهضت هم پیش نمی‌رفت. سیدالشهداء(ع) همه جا هست. کل ارض کربلا همه جا محضر سیدالشهداء(ع) است. همه محراب‌ها از سیدالشهداء(ع) است. اگر سیدالشهداء(ع) نبود، یزید و پدرش و اعقابشان اسلام را مشی کرده بودند و اگر نسیان شده بود، یک رژیم طاغوتی معرفی می‌کردند و مردم را به جاهلیت برمی‌گرداندند. ما هر روز باید گریه کنیم.

ما هر روز باید منبر برویم. برای حفظ این مکتب و برای حفظ این نهضت. این نهضت‌ها مرهون امام حسین سلام الله علیه است. اینها که اعتراض به عزاداری می‌کنند، نمی‌فهمند بچه‌اند. سوء نیت ندارند. گرچه ممکن است بعضی از آنها هم سوء نیت داشته باشند و روی نقشه کار کنند، همانطور که در زمان رضاخان جلوی منبرها را گرفت و نگذاشت کسی به منبر برود. در مورخه ۱۳۵۸/۴/۱۷ و در آخر وصیت من به پدر و مادرم این است که برای من زیاد گریه نکنند.

۱. ناخوانا

۲. بقره/بخشی از آیه ۱۵۶

برای علی اکبر و علی اصغر گریه کنند و در نماز جمعه ها و راهپیمائیها و تشییع جنازه ها شرکت کنند و وصیت من به برادران و خواهرانم این است که در راه اسلام راه من را ادامه دهند و خواهرم حجاب تو از خون من با ارزشتر است. حجاب را رعایت کنید و سنگر من را خالی نگذارید. متشکرم.

والسلام

چند سطر شعری را می نویسم در مجله لطفاً چاپ نمایید

که هستم من آن تک
که در کام طوفان نشسته
همه شاخه های وجودم
ز خشم طبیعت شکست
که در غربت اگر مرگ بگیرد بدن من را
آیا که برد بوی مرا در وطن من
مرا در سر هوای افسرم نیست
کسی غمخوار و هم آوای من نیست
دگر آغوش مادر جای من نیست
به عزم خود چو کوه ایستاده ام من
اگر گردم شهید راه میهن
بماند تا قیامت شهرت من
بیوسم دستت ای مادر
که پروردی مرا آزاد
بیا بابا تماشا کن
که فرزندت شده داماد
به حجله می روم شادان
ولی زخمی به تن دارم
به جای رخت دامادی
لباس خون به تن دارم

ای مادرم کفن شده لباس دامادیم
گریه مکن برای من مادرم
سنگرم حجله شده برای من مادرم
تفنگ عروسی شده برای من مادرم

والسلام

بهمن احمدی قلعه جوق

وصیت دیگر

السلام علیک یا ابا عبدالله

سلام بر امام زمان (عج) و نایب بزرگوارش حضرت امام خمینی (ره). درود بر شهدای گرانقدر اسلام و رزمندگان عزیز جبهه توحید. همگی را به تقوای الهی و نظم در کارها وصیت می کنم. بدانید کسانی که در جنگ سستی و بهانه بیاورند ننگ و ذلت آنها را می گیرد. جهاد دری از بهشت است که خداوند آنرا به روی بندگان خاص خودش باز می کند. شنیدم که در جبهه های جنگ تفنگی به زمین افتاده و صاحبش به نزد خدا عروج نموده، اراده کردم که آن را برداشته و قلب دشمن را نشانه بگیرم. خدایا، اینک که توفیق جهاد در راه تو را یافته ام به من عمل خالص نصیب گردان و شهد شهادت را به من بنوشان. تو می دانی که سراسر وجودم گناه و عصیان است، به من رحم کن و مرا به امام حسین (ع) ببخش. خود می دانی که به لطف تو دل بسته ام. پروردگارا نمی توانستم به ندای امام عزیزم لبیک بگویم، او (امام) می خواهد اسلام زنده بماند و ما باید در راه احیای دینت شهید بشویم. وصیتم به خانواده ام این است که سنگرم را خالی نگذارید و حضور خود را در دانشگاه انسان ساز جبهه حفظ کنید. در تمامی مراسمات نماز جمعه و راهپیماییها شرکت کرده و همیشه از انقلاب و امام عزیز پشتیبانی کنید.

بهمن احمدی قلعه جوق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : لَبَّيْكَ يَا أَمَامَ (دست نام لایحه) صفحه ۱
 امروز دین از اسلام و ایران برای همه قسرها از امام و اجابت الهی است نه هیچ چیز
 دیگر مانع از انجام آن نمی شود : امام قدس سره
 وصیت نامه خود را با نام خدا و یاد شهیدان انقلاب اسلامی ایران آغاز می کنم
 برادران عزیز به رهبری امام خمینی بر عقیده به اسلام می خواهم به جبهه بروم بر آن
 دین خودم را به ستم آداه کنم به آیه این قرآن که فرموده : **إِن تَصْرَفُوا الْمَالَ كَمِ
 كَةٍ مِّنْ خَدَائِلٍ مُّتَنَبِّئِينَ بِمَا كَفَرُوا لَعْنَةُ اللَّهِ لِيَكُونَ لَهُم عَذَابٌ أَلِيمٌ** این تصرف الهی
 خدا لیک کنم برادران صادقی به مسلمانان سعادت بخورد مسلمانان باید
 مبارزه کند همیشه با دشمنی بیند و مهم نیست نه در این راه شهید بشود در
 هر حال ما پیروزیم از خدای تعالی می خواهم نه اگر شهید بشوم به اینده آن
 به شهادت لیاقت ندارم اگر شهید بشوم به خاطر خداوند بزرگ بر رضایت
 خدا باشد و اینطور که به مسئله پیغمبر عمیده دارم به **مَنْ جَاهَدْنَا فَجَاهِدْ أَوْ
 لَمْ يَجِدْ فَإِنَّا لَهُ لَنَارُونَ** یعنی ما با هر آن کسی که با ما بجنگد یا
 قنوت نمی شود و بلکه **وَمَا نَشَاءُ لَهُ إِلَّا الدُّنْيَا نَارًا وَآبَاقًا** یعنی آنچه ما
 این است نه ما شست خوردن نمی دانیم برای اینده ما مادره اصول دین
 یک است عمیده داریم و تنها شهادتی نه از سرخ دنیا رفته و دینی همیشگی
 یک دل می دانیم نه همه ما از آن استقبال می کنیم برای آنکه این دنیا بر یک
 بر بلا اختصاص یافته است نه یک مقدار سختی و رحمت مدتی به مقدر می
 و در انسانیهای نجات به مقصد عمل های بالایی تکمیل می شود بویست یا جهنم
 آنکس است که در عمرانشان بر نامه اسلام را که اسنانها را همه پیاده و معنوی
 احتیاج ما بشان را حیات بود با سچ پیروزی کند این دنیا از ذلت دیکه هیچ چیزی
 نمی دانند و ما آنکسانی که بر نامه های اسلامی را اطاعت نکنند این دنیا برای
 آنان خیلی خوب و عالی و خوش می نذر و آن دنیا در آخرت برای آنان
 خیلی دردی سخت اعصاب است که جویری که در قرآن کریم آمده
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ : ما همه با خدا هستیم و به طرف آن می رویم در
 اینده ما در این دنیا با جی نمی مانیم و چه خوب است که مثل امامان از
 این دنیا هجرت کنیم و آن جویری که امام علی علیه السلام می فرماید خاطر
 هستم که هزار بار در میدان جنگ به خونم غلغان بشوم اما یک بار
 در ستر جان ندهم و ما به مسلمانان با برادر امامان اطاعت کنیم و این
 هر دورانی که بقی که دست از دنیا است نه از آسین خدا هم کافر در آمده
 جنگ کنیم تا به فرموده امامان عزت و شرفمان را به دست آوریم و مهم نیست

که شهید بشویم این تریه ها زنده نمانده است مکتب سید الشهداء را این ذکر
 مصیبت ها زنده نگه داشته است مکتب سید الشهداء را ما برای یک مصیبتی
 که از دیستان می رود علم بیایم نوحه خوانی کنیم تریه کنیم زیرا دلیم این
 یک مکتب و فریاد است برای اعیان مکتب سید الشهداء و اینها اعتراض
 کنندگان ملتفت نیستند نوحه ندارند بر این مسائل همین تریه ها مکتب را تا اینجا
 نگهداشته و همین نوحه سرانی ما است به ما را زنده نگه داشته و این نعمت
 را به پیش برده است آن سید الشهداء نبود این نعمت هم پیش نمی رفت
 سید الشهداء (ع) همه جا هست (لکن آرزوی کربلاء) همه جا محضر
 سید الشهداء است همه جنبه ها محضر سید الشهداء است همه محرابها
 از سید الشهداء است آن سید الشهداء نبود نیز یزید و یزیدین و اعماقشان
 اسلام را منتهی کرده بودند و آنرا ~~اسلام~~ نسیان شده بود یک رژیم طاغوتی
 در خارج منقلب می شد و معاویه و یزید یک رژیم اسلامی را رژیم طاغوتی معرفی
 می کردند و مردم را به جاهلیت برمی گرداندند ما هر روز باید تریه کنیم ما هر
 روز باید جنبه برویم برای حفظ این مکتب و برای حفظ این نعمت این
 نعمت های ~~عظیم~~ اما مرحومین سلام الله علیه است اینها که اعتراض
 بر عبادت می کنند نمی فهمند بجه اندسوه نیت ندارند گرچه ممکن
 است بعضی از آنها هم سوء نیت داشته باشند و روی نقشه کار کنند
 همانطور که در زمان رضا خان او جلوس جنبه ها را گرفت و نواز است
 کسی جنبه برود در محضر ۱۳۵۸/۴/۱۷ و در آخر وصیت من به یزید
 ما در این است که برای من زیاد تریه نکنند برای علی البر و علی امیر
 تریه کنند و در نهان جبهه ها و راهبیمانی ها و تشیع جنبه ها سرت
 کنند و وصیت من به برادران و خواهرانم این است که در راه اسلام
 راه من را ادامه دهند و خواهرم حجاب تو از خون من اهرشتر
 است حجاب را رعایت کنید و کسب من را خالی نذارید مستخدم
 و اسلام چیز سحر سفیر را من نویسم در محله لطف حجاب بناید
 بقیه در صفحه ۳۳

۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸

که هستم من آن تک درختی
 که در کام طوفان نشسته
 همه شاخه های وجودم
 مرا در سربوای افسردم نشسته
 دگر آعرش مادر جلی من نشسته
 آن گردم شهید راه مبین
 بوسم دستت ای مادر
 بیا بابا کاشانی
 به حمله سیروم شادان
 به جلی رخت دامادی
 ای مادرم لحن شده لباس دامادیم
 سترم حمله شده براس من مادرم

که در عزبت ابرم کبیر دبون من را
 آ یا نه برد بون حوا در وطن من
 زخشم طبیعت شنسته
 کسی مخفوار و مهم آوای من نشسته
 بعزم خود چه کوه ایستاده ام من
 بماند تا قیامت شهرت من
 که پروردی مرا آزاد
 که فرزندت شده داماد
 ولی زخمی به تن دارم
 لباس حقون به تن دارم
 گریه میکنم براس من مادرم
 لنتک عروسی شده براس من مادرم

و استغفر الله من ذنوبی
 و استغفر الله من ذنوبی

نام: حبیب
نام خانوادگی: احمدی نژاد
نام پدر: اصغر
نام مادر: اقدس
تاریخ تولد: پنجم خرداد ۱۳۴۲
محل تولد: شهرستان شوط
تحصیلات: دانش آموز سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هفتم تیر ۱۳۶۱
محل شهادت: پیرانشهر
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* حقیر نیز با توجه به رهنمودهای پیامبرگونه امام امت قدم به جهادی می گزارم که فتوایش را مرجع خمینی این قلب تپنده مسلمین جهان داده است.
* خداوند نیز ما را اگر چه مرده ایم ولی زنده می نامد. در پیشگاه مقدسش روزی می خوراند.

* من متعلق به آنم که مرا آفرید و قرار داد مرا سربازی برای اسلام و به شما پیشنهاد میکنم که پیام را زینب وار به گوش امت اسلام برسانید و این است پیام من: مقلد روح الله باشید و او را حمایت کنید که حمایت از امام و ولایت فقیه همانا حمایت از اسلام و حمایت از منجی اعظم عالم بشریت حضرت مهدی (عج) ارواحنا فداه می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الْقَاسِمِ الْجَبَّارِينَ وَبِسْمِ اللَّهِ الْقَاسِمِ الْمُنَافِقِينَ

«وَلَيْنَ مَتَمَّ أَوْ قُتِلْتُمْ لِأَلِي اللَّهِ تُحْشَرُونَ»^۱

«اگر در راه خدا بمیرید یا کشته شوید غم ندارید که رحمت ایزدی پیوسته به سوی شما و شما به سوی خدا محشور خواهید شد. (آل عمران - ۱۵۸)»

«ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد.»^۲

(امام خمینی (ره))

چه زیباست لحظه مرگ سرخ عابد در راه معبود. آنگاه که چشم از همه جا بسته و دست نیاز تنها به سوی او نهاده و پابرجا در برابر هر چه غیر او ایستاده، جان بر کف فریاد بر می آورد: ای دژخیمان، بگشایید آتش سلاحتان را به سوی من که بهترین طریق اتصال من به او شماست و این تنها طریق رستگاری است. تعمقی ژرف می طلبد آن لحظه ای که قطره های زلال خون عاشقان در هوا می پراکند^۳ و هر پاره تن آنها در سکوت و خون فریاد بر می آورد (فُزْتُ بِرَبِّ الْكَعْبَةِ^۴ - به خدای کعبه رستگار شدم). اینک ای خداوند بخشنده و مهربان، حقیر نیز با توجه به رهنمودهای پیامبرگونه امام امت قدم به جهادی می گزارم که فتوایش را مرجع خمینی این قلب تپنده مسلمین جهان داده است. مرگ من گریه ندارد، چرا که رهبرم ما را ملت حماسه خوانده است. خداوند نیز ما را اگر چه مرده ایم ولی زنده می نامد. در پیشگاه مقدسش روزی می خوراند. به این ترتیب من از پدر و مادرم و از برادر و خواهرانم و از تمامی دوستان و آشنایانم مصرانه می خواهم که برای من گریه نکنند. مشت هایتان را گره کنید. با تمام وجود فریاد برآورید استقلال - آزادی - جمهوری اسلامی و مرگ بر

۱- آل عمران/ ۱۵۸

۲- امام خمینی

۳- در اصل وصیت ((می پردازند))

۴- سخن امام علی در حین شهادت

۵- در اصل وصیت ((به))

آمریکا و شوروی و اقرار داخلی ایشان.

پدر و مادر مهربانم، بدانید که فرزندان راهش را یافت و دیگر لزومی ندارد که ناراحت باشید. با این همه من تنها متعلق به شما نیستم، بلکه من متعلق به آنم که مرا آفرید و قرار داد مرا سربازی برای اسلام و به شما پیشنهاد میکنم که پیام را زینب وار به گوش امت اسلام برسانید و این است پیام من: مقلد روح‌الله باشید و او را حمایت کنید که حمایت از امام و ولایت فقیه همانا حمایت از اسلام و حمایت از منجی اعظم عالم بشریت حضرت مهدی (عج) ارواحنا فداه می باشد. و سخنم با شماست ای اُمّت حزب الله تا محو کامل امپریالیسم شرق و غرب و قطع دست عمال آنان از جمله حزب کثیف دمکرات، فدائی و منافق و... همچنان با مشت گره کرده بر دهان یاوه گویان و مرتجعین بنزید که اسلام همان خواهد و شما سعادت‌مند شوید. با صدای رسا بدان گونه که متجاوزین بر خود بلرزد فریاد برآوردید مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر فدائی خلق و منافق و دمکرات. درود بر حزب الله، مقلد روح الله، حزب الله می میرد، سازش نمی پذیرد و بالاخره شعار نه شرقی، نه غربی، حکومت اسلامی اصلاً یادتان نرود. همچنین حمایت کنید از روحانیت که امام فرموده اسلام بدون روحانیت به مانند کشوری بدون طیب است. در آخر از یکایک اعضای خانواده ام می خواهم که مرا حلال کنند و تمام دوستان و آشنایان مرا ببخشند که اگر مرتکب گناهی شده باشم در همین لحظات آخر از خدا مغفرت می خواهم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزای از صحنه روزگار منافقین را بردار

حبیب احمدی نژاد

۶۱/۴/۲۱



حبیب - احمدی نژاد

الم القاصم الجبارین بسم القاصم المناقین

عشق که شهادت دارد اسارت ندارد (امام زین العابدین)

نُتِمُّمُ أَوْ قَاتِلْتُمُ لِي إِلَى اللَّهِ يَخْشَرُونَ

درد خدا بر هر کس که شکر او نکرده اند و بر هر کس که شکر او نکرده اند (امام زین العابدین)

بیاست لحظه ای که رخ خاندان معجزه آگاه که چشم از پر جا بسته در دست نیاز تنها بر سر او نهاده و با نوحه و آواز در ایستاده جان بر کسب فریاد بر آورده ای در حقیقت کلمات نکرده از سر سده خاتم النبیین که سببین طریق تعالیان و شادمانه این تنها طریق بر سبب است تعقیب تدبیر علی علیه السلام آن لحظه ای که لاله خون غمناکشان در هوای پرگشته باران آسمان سحرت و خون فریاد بر آورده (عشق است سبب الکعبه) نه ای کعبه بر سبب ستم است

خداوند بر سرش در میان عزیز تر از خود به هر دو ای پیامگر که نام است هم در جباری سیدم که در فریاد بر آورده جمع عشق این

به خنده سلیمان جهان داده است سرش بر سر بندار چون که در هم با رحمت خمار خوانده است خداوند نیز با او در

بایم روی زنده عیان در سبب ستمش روی می خوانند این ترقیب من که چه دادم دان بر او در ظاهر هم در تالی

دستان و دانش نام معجزه می خوانم که بر سر کعبه شسته است این که کعبه با نام وجود فریاد بر آورده

استقلال آزادی **جمعه کردار و کوفت در کفایت**

وای در خورشید

که نامت بشیر این بر من خیا متعلق بشا نیستیم بلکه من متعلق به آنم که بر آن فرود آید و در راه
 سزای برای اسلام را نیک عرض که مسلم خدا باشد بر او شکر خواهد خواند. پدر و مادر هر ما
 شاهنشاهی که کم که پیام از دست و در خون است هم برسانید و امنیت پیام من: متفلا روح...
 و با حیات گمیز که عادت من در دست خدیو است که در دست و عادت از منی هم هم بر سر حیات محمد
 کسوف تا همیشه و منم بشا است ای ائمه من الله اما بر این سرش حرف و بیعت است حال
 آنگاه از جوار خود گنبد دعا کرات - فدائی و شافق و... همان باشی که در آن
 باره گین در کسین بر من که مردم بان خواب تا سعادتند شوی بهای سایه آگه که مجاز در خواب
 فردا بر آید مرگ بر امریکا - مرگ بر مسعودی مرگ بر اسرائیل - مرگ بر خدای شافق و کور
 همه بر حزب... متفلا روح... خلت میمید و ساروشی پذیرد باه فرستاد

نه شرقی، نه غربی، حرکت اسلامی

بسیار با آن نه عین حیات گنبد در حیات که امام فرمود اسلام بدون رعایت مائتة شریفین
 است و آنرا که یک اعضاء خانواده ام می خواهم که در حاکم گنبد تمام کت و استخوان
 نیز بر خسته که اگر کت گاهی شده به من در ضمن لحظات آخر از خدا مغفرت می خواهم
 خدایا خدایا تا انقلاب محمدی خمینی را نگهدار از محرم الجاه و بر عمر او بسطی ای
 از عینه روزگار منافقین را بردار

بگهاری

حج احمد گلوند



۱۱، ۴، ۱۱

سند حاج نبیلت پور

نام: نوروز علی
نام خانوادگی: اخلاقی شیشواز
- نام پدر: -
- نام مادر: -
- تاریخ تولد: -
- محل تولد: -
- تحصیلات: -
- ارگان اعزام کننده: -
- تاریخ شهادت: -
- محل شهادت: -
- نحوه شهادت: -
- مزار: -



عبارت های کلیدی

- * جنگ ما، جنگ بین حق و باطل است.
- * این ملت یکپارچه استقلال، آزادی و جمهوری اسلام می خواهد.
- * هدف ملت و رهبر یک کلمه است، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی
- * این وعده خداوند است که حق بر باطل پیروز است.
- * اگر پشتیبان ولایت باشید هیچ آسیبی به انقلاب و مملکت نمی رسد.
- * همیشه خدا را ناظر بر اعمال خود بدانید، که عالم محضر خداست.
- * در محضر خداوند تبارک تعالی گناه نکنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انا لله و انا اليه راجعون

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا
و بِنَاءِ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (نسا، آیه ۷۶)

آنان که ایمان آورده‌اند مبارزه میکنند در راه خدا، آنان که کافرند در راه طاغوت مبارزه میکنند، پس بکشید یاران شیطان را که کید و مکر شیطان ضعیف است.

بعد از شهادت به وحدانیت^۳ خداوند متعال و شهادت بر اینکه محمد (ص) فرستاده و رسول و نبی خدا است، و علی (ع) وصی و پسر عموی اوست و حضرت زهرا (س) دختر گرامی پیامبر و همسر علی (ع) و مادر گرامی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است و بقیه معصومین (ع) از ذریه این بزرگواران میباشند که آخرین آنها حضرت حجت (عج) میباشد. که ایشان خود صاحب مملکت اسلامی و انقلاب اسلامی است.

بر همه آشکار است که جنگ ما، جنگ بین حق و باطل است. چرا که شروع کننده ما نیستیم، بلکه این جنگ از طرف استعمار و استکبار به ما تحمیل شده است تا ریشه انقلاب اسلامی را قطع و خشک کنند. چون انقلاب در راستای اهداف شوم آنها نیست. و ما مجبوریم از ارزشهای انقلاب و ناموس و مملکت اسلامی خود دفاع بکنیم. در طول تاریخ ثابت شده است که همیشه حق و باطل با هم در نبرد بوده‌اند. قرآن میفرماید آنهایی که ایمان دارند در راه حق می‌جنگیدند و مبارزه میکنند و شهید میشوند و آنهایی که ایمان ندارند در مقابل حق صفآرایی نکرده و با حق مبارزه میکنند و در نتیجه به درک واصل میشوند. امروز میبینیم که دنیا استکبار صدام را علیه ما تحریک و وادار به جنگ نموده، چرا که این ملت یکپارچه، استقلال آزادی و جمهوری اسلامی میخواهند. حرف ملت و رهبر یک کلمه است. (استقلال آزادی جمهوری اسلامی)

۱. اصل: آمنو آمده است.

۲. اصل: کفرو آمده است.

۳. اصل: واحدانیت آمده است.

زمان امام حسین (ع) کسانی که طرفدار باطل بودند در مقابل امام علیه السلام صفارایی کردند و با وجود اینکه میدانستند ایشان جگرگوشه پیامبر (ص) و زهرا (س) است و نهایتاً ذلیل و خوار شدند. با لطف خداوند تبارک و تعالی با رهبری امام زمان (عج) و امام امت خمینی کبیر دشمنان انقلاب اسلامی ایران نیز ذلیل و خوار خواهند شد، که این وعده خداوند است که حق بر باطل پیروز است. و کید شیطان ضعیف است و مثل خانه عنکبوت میماند که به یک باره در اثر کوچکترین ضربهای از بین میرود. حالا که سعادت نصیب من روسپاه شده که به جبهه‌های حق علیه باطل میروم. به همسر و خواهرانم و برادرانم وصیت می‌نمایم صبر داشته باشند و پشتیبان ولایت و گوش به فرمان امام باشند. به همه توصیه میکنم که فرزندانم را آنطور که شایسته جمهوری اسلامی است تربیت بکنند تربیت ولایی. به واجبات عمل و از محرّمات دوری کنند. اگر شهادت نصیبم شد افتخار بکنند که شهادت فرض الهی است.

از دوستان و آشنایان هم حلالیت می‌خواهم که بنده حقیر را مورد عفو عنایت قرار دهند. از مردم عزیز به عنوان یک سرباز و مجاهد و برادر کوچک می‌خواهم که پشتوانه ولایت فقیه باشند. که اگر پشتیبان ولایت باشید هیچ آسیبی به انقلاب و مملکت نمیرسد. و اتحاد خود را حفظ بکنید و گوش به فرمان امام باشید که پیروزی با شهادت. و از ارزشهای اسلام و شهیدان دفاع کنید و در عمل پشتیبان امام [و] ارزشهای اسلام و شهیدان باشید که این ارزشها به سادگی به دست نیامده است. همیشه خدا را ناظر بر اعمال خود بدانید که عالم محضر خداست در محضر خداوند تبارک و تعالی گناه نکنید. درود خداوند بر شهیدان گلگون کفن و مجروحین و خانواده آنها. خدایا شهدای مرا با شهدای کربلا محشور بگردان و بر مجروحین سلامتی و عافیت عنایت کن و ما را در زمره شهیدان قرار بده. خدایا مرا شرمنده شهدا، آقا امام حسین (ع) مکن. والسلام. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی (عج) خمینی را نگهدار

اخلاقی

شب بهاری سال ۶/۳/۶۱

بسم الله الرحمن الرحيم
 وصیت نامه
 وانا لله وانا اليه راجعون

۶۱، ۳، ۶

آنچه از من باقی ماند در این دنیا و آنچه در آنجا باقی ماند در آنجا بقیس الله و آنچه در آنجا باقی ماند در آنجا بقیس الله
 قضا بخواهد و الشیطان ان کینه الشیطان کان ضعیفاً (سوره بقره ۲۶)

آنکه در این دنیا باقی ماند در آنجا بقیس الله و آنچه در آنجا باقی ماند در آنجا بقیس الله
 در آنجا بقیس الله و آنچه در آنجا باقی ماند در آنجا بقیس الله

بعد از شهادت من و اهله و عیال و اولاد من در آنجا بقیس الله و آنچه در آنجا باقی ماند در آنجا بقیس الله

فرستاده و رسول و نبی خداست، و معنی (ع) ولی و لایمحق است و حضرت
 زهرا (س) دختر ائمه پیغمبر و حضرت علی (ع) و مادر ائمه اهل بیت (ع) و ابا
 حمزه (ع) است و بقیه معصومین (ع) از ذریه این نورانی می باشند که
 آخرین آنجا حضرت عیسی (ع) می باشند که آن را خود می شناسد
 این مملکت اسلامی و تقدیر اسلامی است.

ص ۱

بر همه انسانهاست که به عدل و انصاف، عدل بین حق و باطل است چرا که
شروع کننده یانینستیم بلکه این عدل از طرف انصاف و انصاف به ما
بجای نرسد ما را به انقلاب اسلامی را قلم و خنجر کشند چون
انقلاب در راستای اهدای نعمت است و ما مجبوریم از
در شهر انقلاب اسلامی و ناموس و مملکت خود دفاع کنیم
در طول تاریخ ثابت شده است که هر حق و باطل، هم در نبرد بوده
قرآن می فرماید که انانی دادند در راه حق می جنگند و مبارزه
می کنند و کشته می شوند و اگر کسی که ایستادند در مقابل حق انصاف و
گورده و با حق مبارزه می کنند و در نتیجه به درد واصل می شوند امروز
همین مبارزه است که در دنیا است که در راه حق ما کوشش و وادار
به عدل کرده چرا که این است یقیناً هم انقلاب آزادی جمهوری اسلامی
می خواهد که حرف عدل و راه ^{شکست} ~~شکست~~ (انقلاب آزادی
جمهوری اسلامی)

۳

زما و نام حسین (ع) طوفان را باطل کردند در مقابل امام علیه السلام
 صفت آری کردند و در هر استغاثه که دادند این قبر گشته بسیار بود
 در هر اولی است در زمانه اول و اولی در زمانه اولی. با لطف خداوند
 تبارک و تعالی در هر سال امام زمان (ع) و امام است همیشه
 دشمنان انقضا است در اولی اولی و اولی در هر فراختر که در این
 در عهد خداوند است که حق بر باطل پیروز است و کینه شیطان
 ضعیف است و مثل خانه کعبه است می ماند که یک باره در امر کفر و کفر
 ضعیف است از هر چه بود: حال آنکه سعادت نصیب من روینده شده که
 حیدر خان حق علیه باطل می رود. به هر دو خواهانم و بر او نام و دست می نام
 حیدر دست به شمشیر و کتیکان و لایه و کتیکان و لایه و کتیکان و لایه
 می کشم که فرزند نام را از خط و کتیکان و کتیکان و کتیکان و کتیکان
 در لایه به و اجهت محل و از هر چه است در هر کتیکان و کتیکان و
 نصیب شده است که شهادت فرزند الهی است.

سبح

از دوستی و آشنایی بهم حدایت می فرستم که بنده حقیر را مورد عنایت
 قرار دهند. از مردم عزیز به عنوان شهید یاد و بجا آمدن و برادر کوچک می فرستم
 که بتواند ولایت فقید را بشناسد. که اگر کسی را ولایت باشد هیچ
 آیه ای به انقدر و ستمت نمی رسد. و آنجا خود را حفظا بنشیند و گوش
 به فرمان اعاک بشنود که پروردگاری با شماست. و از آن روشی است
 و شهیدان دفاع کنند و در عمل پیروز اعاک از شهرت را اسلام و
 شهیدان بشنود که این ارزشی است که بی شک بنا برده است. هر
 خدا را ناظر بر اعمال خود باشد که عالم محقر حدایت در محقر ضابطه
 تبارک و تعالی کند. بکنند. درود خداوند بر شهیدان شکرگزاران و
 محمد صلی و خانواده آری. فدای شهیدان را با شهیدان که لا محاله
 بگردان در هر دو صلی سلامتی و نیت غنی است. و ما را در زمره شهیدان
 قرار دهد. فدای آن شهیدان که ~~...~~ اعاک همی در عمل
 و مردم. فدای شهیدان که ~~...~~ (ع) همی را بگردانند که ~~...~~
 شهیدان سال ۱۳۹۶

نام: یونس
نام خانوادگی: ادیبی
نام پدر: جعفر
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: یکم مرداد ۱۳۴۵
محل تولد: شهر محمدیار تابعه شهرستان نقده
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و یکم اردیبهشت
۱۳۶۲
محل شهادت: شرفانی
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای شهرستان زادگاهش



عبارت های کلیدی

* این شهیدان هستند که با خون خود و فداکاری توانستند درخت انقلاب را پر بار و پر قدرت کنند. این شهیدان هستند که ملت مستضعف را از زیر چنگال صهیونیسم نجات داده و ما باید راه این شهیدان را هم که در راه خداوند قرآن و اسلام و میهن جانفشانی کردند ادامه دهیم و راه این شهیدان همان راه رسالت انبیا هست.

* امام ما گفت هر ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد و این شهیدان صدر اسلام هستند که اسلام و دین خدا را تا به امروز گسترش و نگاه داشتند و نگذاشتند اسلام از بین برود ای ملت شهیدپرور و قهرمان پرور از امام خود جدا نشوید. امام را تنها نگذارید.
* این ابراهیم زمان که برای آزادی شما ملت مسلمان و مستضعف قیام کرده است نباید او را تنها بگذارید. به حرفهای او گوش فرا دهید مبدا گول منافقین را بخورید و از امام خود جدا شوید.

* این راه ما همان راه امام حسین(ع) است که به خاطرش شهید شد. راه امام حسین(ع) همان راه شهدا و اسلام است که هزاران نفر در راه اسلام و قرآن و خدا شهید شدند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»^۱
«کسانی که در راه خدا کشته می شوند خیال نکنید که آنها مرده اند بلکه آنان زنده اند و در پیش خداوند روزی می خورند.»

با سلام و درود فراوان به امام زمان (عج) منجی بشریت آخرین امام شیعیان جهان مهدی موعود امام زمان (عج) که در حال غیبت است و تمام مسلمانان منتظر او هستند و سلام و درود فراوان به رهبر کبیر این پیر جماران و این اسطوره الهی که با قیامش توانست تمام مستضعفین جهان را از ظلم و ستم استکبار نجات دهد و واقعاً باید قدر این رهبر را دانست چون شما در کجای جهان چنین مردی را دیدید که به خاطر اسلام و قرآن به چنین فداکاری و جانبازی دست بزند و پشتیبان مستضعفین باشد واقعاً این مرد نمونه است و با سلام و درود به روان پاک شهیدان گلگون کفن ایران که با خون خود این ریشه درخت اسلام را تنومند کردند. این شهیدان هستند که با خون خود و فداکاری توانستند درخت انقلاب را پر بار و پر قدرت کنند. این شهیدان هستند که ملت مستضعف را از زیر چنگال صهیونیسم نجات داده و ما باید راه این شهیدان را هم که در راه خداوند قرآن و اسلام و میهن جانفشانی کردند ادامه دهیم و راه این شهیدان همان راه رسالت انبیا هست.

خیلی شخصیت‌ها در این راه به شهادت رسیدند و لکن پیغمبر اسلام و دیگر پیغمبران و امامان دوازده گانه و خیلی از چنین شخصیت‌هایی در این راه مقدس شهید شدند و لکن امام ما گفت هر ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد و این شهیدان صدر اسلام هستند که اسلام و دین خدا را تا به امروز گسترش و نگاه داشتند و نگذاشتند اسلام از بین برود و با سلام و درود به خانواده های عزیز و محترم و گرامی و شهیدپرور ایران که فرزندان صالح و باایمان تربیت کردند و به جامعه تحویل دادند و واقعاً درود بر چنین مادران و پدران باایمان و خداشناس و باتقوا که از عزیزترین چیز خود که فرزند است به قربانی در راه اسلام دادند.

۱-در اصل وصیت ((با))

۲-آل عمران / ۱۶۹

این خانواده‌های شهدا هستند که با صبر و استقامتشان پشت شرق و غرب را به لرزه درمی‌آورد و پیامی بر ملت شریف و قهرمان ایران دارم. البته من لیاقت آن را ندارم که به چنین قهرمانانی پیام بفرستم ولی چند کلمه با شما عزیزان صحبت می‌کنم.

ای ملت شهیدپرور و قهرمان پرور از امام خود جدا نشوید. امام را تنها نگذارید. این ابراهیم زمان که برای آزادی شما ملت مسلمان و مستضعف قیام کرده است نباید او را تنها بگذارید. به حرفهای او گوش فرا دهید مبدا گول منافقین را بخورید و از امام خود جدا شوید. هر جایی منافقی را دیدید به او امان ندهید. فوراً به مأمورین خبر دهید تا به سزایش برسارند. شما باید پیرو خط امام باشید و از او حمایت کنید چون اطاعت از امام اطاعت از خداوند متعال است. شما با پشتیبانی خود از او پشت منافقین را به لرزه درمی‌آوردید و تو ای پدر و مادر عزیز وقتی که من شهید شدم البته من نیامدم که شهید شوم بلکه ما آمدیم پیروز شویم. البته اگر خدا خواست و من لیاقت داشتم باشم شهید می‌شوم شهادت نصیب هر کسی نمی‌شود.

پدر و مادر عزیزم من از شما می‌خواهم وقتی خبر شهادتم را شنیدید ناراحت نشوید^۱ و گریه نکنید که دشمن شاد می‌شود. صبر داشته باشید چون من این راه را خودم انتخاب کردم. این راه ما همان راه امام حسین(ع) است که به خاطرش شهید شد. راه امام حسین(ع) همان راه شهدا و اسلام است که هزاران نفر در راه اسلام و قرآن و خدا شهید شدند. پدر و مادر از شما خواهش می‌کنم که بر سر قبر من کلمه ناکام را ننویسید چون هدفی که داشتم و آرزویی که داشتم رسیدم و شما نباید زیاد گریه کنید.

هر چقدر بیشتر گریه کنید بیشتر باعث رنجش روح من خواهد شد. صبر و استقامت داشته باشید و تو ای برادر و خواهر گرامی از شما خواهش می‌کنم که وقتی خبر شهادت مرا شنیدید به سر خود زنید و به خدای خود شکر کنید و بگوئید «إنا لله و إنا الیه راجعون^۲» همه از اوست و همه به سوی او می‌روند. شما باید خوشحال باشید که برادر من هم در راه خدا و قرآن و دین خدا شهید شده است و به خدای خود پیوست.

برادر و خواهر، نماز و روزه و ذکر خدا را از یاد نبرید. در نماز جمعه‌ها شرکت کنید. بیشتر دعای توسل و کمیل را بخوانید و به رزمندگان دعا کنید. برادران^۳ و خواهران شهدا

۱-در اصل وصیت((شنوید))

۲-بقره/بخشی از آیه ۱۵۶

۳-در اصل وصیت((با برادران))

را دلداری دهید. نگذارید آنها غصه بخورند. شما باید پیرو خط رهبر باشید و از امام جدا نشوید. گول منافقین را نخورید. امام هر چه فرمودند فوراً فرمایش را اجرا کنید و فرمان امام همان فرمان خداست و شما باید از فرمان خدا سرپیچی نکنید.

در راهپیمایی ها و در تشییع جنازه ها شرکت کنید. هر چقدر شما بیشتر در تشییع جنازه ها شرکت کنید روح آن شهید بیشتر شاد می شود. امیدوارم که ادامه دهنده راه شهیدان باشید و شما ای دوستان و آشنایان شما باید بیشتر زحمت بکشید در راه انقلاب. هر چه از دستتان برمی آید انجام بدهید و از آن کوتاهی نکنید. هر کاری که می کنید خالص برای خدا و انقلاب باشید.

به حرف امام خوب گوش کنید چون حرف او حرف خداوند[است] و از او حمایت کنید. شاعر می گوید بی عشق خمینی نتوان عاشق مهدی(عج) شد.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگهدار
از عمر من بنده حقیر بکاه و بر عمر او بیفزای

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته .

یونس ادیبی

۱۳۶۲/۱/۱۰

وصیت دیگر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«ولا تحسین الذین قتلوا فی سبیل... امواتا بل احیا عند ربهم یرزقون»

«مپندارید آنان که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در پیشگاه خداوند روزی می‌خورند.» (قرآن مجید)

با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، این قلب تپنده ملتمان و این تنها نجات دهنده قدس از چنگال صهیونیست‌ها امام خمینی.

پدر عزیزم من هم اکنون که عازم جبهه هستم دیگر خود را برای شما نمی‌دانم، بلکه برای خدا و برای اسلام می‌دانم. پدر جان ما در آغوش اسلام جان گرفتیم و باید در آغوش آن جان بدهیم و خدا امانتی را به شما داده و حال این امانت را از شما می‌خواهد. پس اگر این امانت سالم به دیار خود بازگردد ممکن است دلیل این باشد که لیاقت شهادت در من اندک است.

ولی اگر به شهر خود بازنگشتم بدانید که این لیاقت شامل حال من گشته و می‌توانم بگویم که خدا دوست داشته و برای من شهادت، سعادت و خوشبختی است.

و از شما می‌خواهم زمانی که خبر شهادت مرا می‌شنوید یک قطره اشک برای من نریزید که منافقان و دشمنان اسلام از ضعف ما قدرت بگیرند. زیرا در غیر این صورت روح من از شما راضی نخواهد بود و باید افتخار کنید که جوانان در راه اسلام فدا می‌شوند. و شما ای برادر و خواهر با دعا کردن به جان امام عزیز، مشقت محکمی بر دهان یاهو گویان و ابلهان کوردل بنزید و شما ای هم‌زمان و ای بسیجیان شجاع و غیور اسلام، در سنگرها پایداری و مساجد را رها نکنید.

تا آنجا که می‌توانید دعای کمیل و دعای توسل بخوانید که این دعا ما را می‌سازد و شما ای ملت غیور همیشه در صحنه باشید و نگذارید خون شهیدان ما پایمال گردد.

به امید پیروزی رزمندگان اسلام و لشکر مسلمین و به امید طولانی شدن عمر رهبر عزیزمان امام خمینی



بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶۲/۱/۱۰

خداوند!... تو خود میدان عملکره ما، نه برای آن است که به ریاست و سلطنت

دست یابیم و ما از روی دشمنی و کینه توزی، سخن بگوئیم، لیکن، پیکار ما برای این است که

پرچم آئین نورا بر افراشته گردانیم.

(حضرت امام حسین علیه السلام)

امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند

(امام خمینی)

بسم الله الرحمن الرحيم
والسلام علی من اتبع الهدی
و علی آله و سلم
و علی اهل بیتهم

فلا تدعی الیه من قبول من سبیل الله امره تاویل اشیا را بر مردم برز قول
کسانی که در راه خدا کوشش می کنند و می خیزند که ایستادند و در راه حق ایستادند
با سلام و تعهد امام زمان جناب حضرت امام مهدی (عج) در جهان

عقل برود امام زمان (عج) که در حال غیبت است و تمام مسلمانان منتظر او هستند

السلام و سلام و درود با همه کسیر این و بجز جاران و این استقره الهی که با

قیامت توانست تمام مستشرقین جهان را از نظام استکبار نتایج دهد و افعال با

خود این رهبر را دست چهره مبارک جهان چنین مرد دیدید که بنام اسلام و جهان چنین

فدای او جانناز دست بر نه و منتظران مستشرقین باشند واقعا ای مرد خونریز است

و با سلام و درود بر او ای یک شهیدان کنگره کفن ایوان که با خون غرور ایوان انقلاب

با بجز سر و کتف این شهیدان هستند و السلام علیکم و الرحمة اللہ و برکاته

تعاون سپاه پاسداران لشکر ۳۱ عاشورا

که ما خون خود و فداکار خود توانستیم در صفت انقلاب را بر ما و بر قدرت کنند
 این شهیدان هستند که ملت مستظرف را از زیر یوغ استبداد سیه و نیرنگ نجات
 دادند ما به صراحت این شهیدان را که در راه خدا و فرهنگ و اسلام و همین جا نفسانی که نه
 در راه خدا هستیم راه این شهیدان همان راه انبیاء و اولیاء هستند خلیف الله فی الارضین
 این راه شهیدان را چنانچه می بینیم پیغمبر اسلام و تمام پیغمبران و امامان و خلیف از پیغمبر
 شدیم می توانیم در این راه شهیدان را پیروی کنیم امام ما گفت عطا می کند که شهادت دارد
 اسارت ندارد این شهیدان هم از اسلام است که اسلام و این شهیدان را
 تا به امروز گسترش دادند و نگذاشتند اسلام از بین برود و با سلام و درود خاتمه ها شهیدان
 ایران که فرزندان میمانند و با ایران بجای آن که در دوره انقلاب اسلامی هم با گردن دادند و اقصای
 درود بر پیشانی مادران و میزبانان بالیرمان و خوارستان و با تقوا که از خیر ترسیدند و خیر خود که نوزاد
 است و قربانی در راه اسلام دادند این خاندانها شهدا هستند که با هم و نشان سنت نبوت
 عرب و صفه ساقیان بلور در هر آنجا که می آید بر ملت شریف و قهرمان ایران داریم
 البته من لیاقت آن را ندارم که با چنین قهرمانانی میسر بود ولی چنانچه در این باره می توانم
 به واسطه این نسبت هر کس که ملت شهید پرور و قهرمان پرور است از امام خود جدا نشود
 امام را تنها گذارد این ابراهیم زمانه که برای آن در این ملت مسلمان و مستضعف قیام کرد
 است نباید در آن تنها بگذارد با هم خدایا که گوشه خواران را در این دنیا با کمال منافقان را بخوار کرد
 چرا شود هر یک با هم منافقان را دیده با هم او همان شهیدان خود را نام بود که از دنیا می آید و
 شفا امام با وجود از او شاکت کنی چون اطاعت از امام اطاعت خداوند است استغفار
 بیشتر می آید در او همیشه منافقان را بزرگتر می آید.



بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶ / /

خداوند!... تو خود میدانی عملکرد ما، نه برای آن است که به ریاست و سلطنت

دست یابیم و یا از روی دشمنی و کینه توزی، سخن بگوئیم، لیکن، بیسکارسا برای این است که

پرچم آئین تورا بر افراشته گردانیم.

(حضرت امام حسین علیه السلام)

امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند

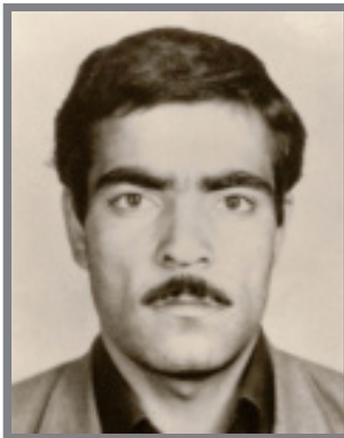
(امام خمینی)

و اول پیروان تویی و وقت که هر چه تو بخواهی باشد، البته من نیامدم که انجمنی از شما را
 خدا خواست من بگذاشت و البته تا می شود هر روز بر روی من از شما می خیزم و وقتی
 خبر نهادم در آئین تارانت شعور همه دالت با لایحه تو من این را در افروزم انتساب
 کردم این را با ما ~~خداوند~~ همان راه امام حسین (ع) است که با طریقی تجدد نواره امام
 حسین همان راه خدا و اسلام است که هر روز از نظر و اسلام و قرآن و خدا الهی شدن
 بدو رسد از شما خواهر من که بر هر قدر من هر که کلام با نام را بنویسد چون من با
 هر چه که در کتب و کتب من که دلتی را بگویم شما به یادگار بکنید و چقدر بیشتر آری بکنید
 بافت و نفس روحی از آن همه دست استقامت داشته باشد و هر چه در او خودم گویی
 از منی خواهم که من که وقت غیر نهادت هر آنچه با من خود نزنید ~~خداوند~~ به خدا و خودم فکر کردی

کنند و بگویند ما را الله وانا الیه راجعون ~~خداوند~~ و السلام علیکم و الرحمة الله و برکاته

۱۳۶۳ به سبب ارسال در روز دفا با یاد خرمینال با لایحه تعاون سپاه پاسداران لشکر ۳۱ عاشورا

نام: ابراهیم خلیل
نام خانوادگی: ارلنی زاده
نام پدر: اسماعیل
نام مادر: خدیجه
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۶
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: سوم مهر ۱۳۶۵
محل شهادت: حاج عمران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: امام زاده زادگاهش



عبارت های کلیدی

* نمی گویم در شهادتم گریه نکنید. ولی پدر و مادر طاقت نمی آورند. هر وقت گریه کردید برای علی اکبر و امام حسین (ع) گریه کنید. چون آنها کسی [را] نداشتند که برایشان گریه کنند.

* امیدوارم [در] این مأموریتی که برایم محول شده شهادت نصیب بنده گردد.

* مادر مهربانم رفتن من به خدمت سربازی به خاطر اسلام و یاری امام و روحیه ای برای رزمندگان است. راهی که آگاهانه انتخاب نمودم مثل روز روشن است. اگر خداوند ما را قبول فرماید. انشاءالله رضای او خواهد بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمان خود وفا کرده اند.^۱ برخی از آنها در این راه ایستادگی کردند و بعضی از آنها در این راه به شهادت رسیدند و برخی [در حال] مقاومت [و] در انتظار شهادتند.

سلام بر امام زمان (عج) منجی عالم بشریت و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و سلام به پدر و مادر و خواهر مهربانم این گوهران والایی که خداوند به من عطا فرموده است ولی قدر را آن طوری که باید بدانم، ندانستم. عزیزان به بزرگی خودتان از تقصیرات بنده در گذرید و برایم دعا کنید. نمی گویم در شهادتم گریه نکنید. ولی پدر و مادر طاقت نمی آورند. هر وقت گریه کردید برای علی اکبر و امام حسین (ع) گریه کنید. چون آنها کسی [را] نداشتند^۲ که برایشان گریه کنند.

امیدوارم [در] این مأموریتی که برایم محول شده شهادت نصیب بنده گردد. اگر شیرت را برایم حلال نمایی و از دوستان و آشنایان برایم حلالیت بخواهید. مادر^۳ مهربانم رفتن من به خدمت سربازی به خاطر اسلام و یاری امام و روحیه ای برای رزمندگان است. راهی که آگاهانه انتخاب نمودم مثل روز روشن است. اگر خداوند ما را قبول فرماید. انشاءالله رضای او خواهد بود. پدر و مادر عزیزم امیدوارم بعد از رفتنم صبر و تقوا را پیشه خود کنید و استقامت را سرلوحه زندگی قرار دهید. امیدوارم این حرفهای بنده حقیر را^۴ اجرا و گوش به فرمان امام باشی.

ابراهیم خلیل ارلنی زاده

۱-در اصل وصیت ((به عهد و پیمان خود پیمان بسته اند و وفا کرده اند.))

۲-در اصل وصیت ((نداشت))

۳-در اصل وصیت ((مادرم))

۴-در اصل وصیت ((مرا))

بسمه تعالی

از مؤمنان بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمان خود پیمان بسته اند و وفا کرده اند. برخی از آنها در این راه ایستادگی کردند و بعضی از آنها در این راه به شهادت رسیدند و برخی مقاومت در انتظار شهادتند.

سلام بر امام زمان(عج) منجی عالم بشریت و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و سلام به پدر و مادر و خواهر مهربانم این گوهران والایی که خداوند به من عطا فرموده است ولی قدر را آن طوری که باید بدانم، ندانستم. عزیزان به بزرگی خودتان از تقصیرات بنده در گذرید و برایم دعا کنید. نمی گویم در شهادتم گریه نکنید. ولی پدر و مادر طاقت نمی آورند. هر وقت گریه کردید برای علی اکبر و امام حسین(ع) گریه کنید. چون آنها کسی نداشت که برایشان گریه کنند.

امیدوارم این مأموریتی که برایم محول شده شهادت نصیب بنده گردد. اگر شیرت را برایم حلال نمایی و از دوستان و آشنایان برایم حلالیت بخواهید. مادرم مهربانم رفتن من به خدمت سربازی به خاطر اسلام و یاری امام و روحیه ای برای رزمندگان است. راهی که آگاهانه انتخاب نمودم مثل روز روشن است. اگر خداوند ما را قبول فرماید. انشاء... رضای او خواهد بود. پدر و مادر عزیزم امیدوارم بعد از رفتنم صبر و تقوا را پیشه خود کنید و استقامت را سرلوحه زندگی قرار دهید. امیدوارم این حرفهای بنده حقیر مرا اجرا و گوش به فرمان امام باشی.

ابراهیم خلیل ارلنی زاده

نام: مرادعلی
نام خانوادگی: اسد زاده بسطامی
نام پدر: محمدعلی
نام مادر: خدیجه
تاریخ تولد: شانزدهم شهریور ۱۳۳۸
محل تولد: شهرستان چابهار
تحصیلات: سوم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نهم دی ۱۳۷۵
محل شهادت: مسجد میرزا ابراهیم خوی
نحوه شهادت: بر اثر عوارض ناشی از
موج گرفتگی و مصدومیت شیمیایی
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * کاش لطف پروردگار شامل حال بنده می شد که چندین بار کشته و زنده شوم و به این انقلاب خدمت کنم و حداقل بتوانم شمه ای از وظیفه و تکلیف خودم را به جا بیاورم،
- * همان طوری که بسیج مدرسه عشق است و بسیج محبوب خدا و خدا معبود بسیج است و امیدوارم که این جبهه مرا از یاد خدا غافل ننموده و روز به روز به طرف پرورگار احدیت نزدیک شوم.
- * بنده تنها کسی که امیدم به اوست اول خدای مهربان که ولی بندگان است.
- * اگر من شهید شوم راه مرا ادامه داده و کوچکترین نازاحتی به خود راه نداده و اگر بخواهد خدا از او راضی شود باید راه شهدا را ادامه دهد. زیرا تنها راه رستگاری همین است.
- * من عاجزانه از آن خواهران تقاضا دارم که حجاب اسلامی را رعایت کنید و احکام اسلام را به جا بیاورید که در غیر این صورت خون شهدا را زیر پا می گذارید.
- * آرزو دارم بعد از من اسلحه مرا زمین نگذارید و ادامه دهندگان راه شهدا باشید.
- * ای کاش هزار جان داشتم و فدای اسلام می کردم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام علیکم
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۱

با سلام و آرزوی طول عمر بر امام عزیز و خمینی بت شکن و ابراهیم زمان و با درود فراوان بر ارواح طیبه شهدای اسلام بالاخص شهدای انقلاب شکوهمند اسلامی از آغاز تاکنون و با سلام بر کفرستیزان جان بر کف و این زاهدان شب و شیران روز که با رزم آهنین خود، لرز بر جان دشمنان اسلام و قرآن و مخصوصاً ابرقدرتهای شرق و غرب انداخته و همچون حسین بن علی(ع) در کربلای سوزان خوزستان خواب و استراحت را بر دشمنان ملحد استکباری حرام کرده و کربلایی تازه و عاشورایی نو به پا نمودند.

بنده با عرض معذرت می خواهم چند کلمه ای خدمت ملت مبارز و همیشه در صحنه عرض نمایم. من یک بسیجی ساده هستم که از اول انقلاب سعی کردم به جزئی از وظیفه شرعی و دینی خود که همانا دفاع از انقلاب و اسلام عزیز است و به قول رهبر نیز از این نعمت الهی که واقعاً در طول تاریخ بی نظیر است ادا نمایم، ولی افسوس که نتوانستم آنچه‌آنچه که باید به وظیفه خود جامه عمل بپوشانم و لذا از این جهت شرمنده ام و اگر خدا امان می داد حاضر بودم تا آخرین قطره خون خود در راه انقلاب جانفشانی کنم. کاش لطف پروردگار شامل حال بنده می شد که چندین بار کشته و زنده شوم و به این انقلاب خدمت کنم و حداقل بتوانم شمه ای از وظیفه و تکلیف خودم را به جا بیاورم، ولی من یک بنده گنهکار خدا هستم که شب و روز آرزوی این توفیق را دارم که شهادت نصیب من شود، ولی نمی دانم که چرا شامل حال بنده حقیر نمی شود و هنوز پنج سال است که در جبهه هستم و نمی دانم گناهم زیاد است یا لیاقت چنین مقام و منزلتی را ندارم و به خود می گویم خدایا یک بار مجروح شدم ولی به آرزوی خود نرسیدم. حتماً به آن حد نرسیدم و همان طوری که بسیج مدرسه عشق است و بسیج محبوب خدا و خدا معبود بسیج است^۲ و امیدوارم که

۱-بقره/بخشی از آیه ۱۵۶

۲-امام خمینی(ره)

این جبهه مرا از یاد خدا غافل نموده و روز به روز به طرف پرورگار احدیت نزدیک شوم. من فردی بی پدر و مادر هستم و جز خدا کسی را ندارم. نه مادری دارم که هنگام شهادت تابوت مرا بردارد و از صورت خونین و آغشته بر خاک و خون من بوسه زند و نه پدری دارم که هنگام برگشت با تابوت برایم خیر مقدم گوید و خدا مرا تک و تنها قرار داد و من از این مصلحت پروردگار عاجزانه سپاسگزارم و هر قدر وظیفه دینی خود را به جا بیاورم کم است و لذا بنده تنها کسی که امیدم به اوست اول خدای مهربان که ولی بندگان است. اگر من شهید شوم راه مرا ادامه داده و کوچکترین ناراحتی به خود راه نداده و اگر بخواهد خدا از او راضی شود باید راه شهدا را ادامه دهد. زیرا تنها راه رستگاری همین است و همچنان که اشاره کردم بنده از خانواده فقیری هستم که حتی یک لقمه نان هم برای خوردن نداشتم و با فجیع ترین وضع زندگی نمودیم. لذا بنده به عنوان یک وظیفه شرعی و دینی عاجزانه از مردم شهیدپرور خواهانم که راه مرا ادامه داده و عرصه را بر دشمنان تنگ نمایند و از یاد نسپارند که امام عزیز که اسوه حق و نمونه بارز عالم بشریت است و جبهه و پشت جبهه را ترک ننموده و از هر چه در توان دارند مضایقه ننمایند و در انجام واجبات کوتاهی ننموده زیرا این حماسه ها و نعمتها در اثر همین نمازها و روزه گرفتن هاست.

من در اینجا می خواهم چند کلمه ای از زندگانی خود را ارائه می نمایم.
 من اول در محروم ترین خانواده به دنیا آمدم و هنگامی که تا حدی بزرگ شدم بلافاصله پدر و مادرم فوت نمودند و تا موقع سربازی با یتیمی به سر بردم و کسی را نداشتم و در حدود سال ۵۹ بود^۱ که با عموزاده [خود] بهروز اسدزاده و بعد از مصلحت های گوناگون تصمیم گرفتم به بسیج رفته و عضو شوم. رفتم قره ضیاءالدین. چون بسیجی سازمان نیافته بودم به خوی رفته و در آنجا عضو شدم و بعد از آن آموزش لازم را دیدم و بعد که قدرت ستیز در جبهه را در خود یافتم بلافاصله به جبهه اعزام شدم و در کنار برادران جنگیدم و در مأموریت دوم خود که دوباره به جبهه رفتیم و در گردان جندالله به کردستان رفتیم و بعد از چند ماه از آنجا که برگشتیم؛ چون بوی جبهه در ذهن رخنه کرد بر خود وظیفه دیدم که باید در چنین جاهایی که محرومترین مناطق هستند خدمت نمایم و در مأموریت سوم به جبهه جنوب رفتیم و در این وقت بود که مجروح شدم و به بیمارستان اصفهان اعزام شدم و به عموزاده خود تلفن کردم و آمدند مرا به بیمارستان امام خمینی تبریز اعزام کردند و بلافاصله بعد از صحت یافتن دوباره به مقصد ابدی خود عزیمت نمودم و حتی یک لحظه

نخواستیم از این امر غافل شوم و حتی وقتی به مرخصی می آمدم می رفتم به پایگاه روستای خود که همین عموزاده ام بهروز اسدزاده مسؤول آنجا بود با هم به فعالیت می پرداختیم. یکی از خاطرات ما این بود که در کردستان هنگامی که در پاکسازی بودیم ماشین تویوتا تصادف کرده و هنگامی که متوجه شدم دیدم دوستم زخمی شده و در دره افتاده و بنده در روی دستهایم ایشان را برداشتم و بلافاصله آمبولانس آمد و به بیمارستان بردیم و حتی با چشم خود دیدم همسنگرانم را در نزد خودم به طور مظلومانه و با بریدن دست و پا به طور فجیعی شهید کردند و هنگامی که پدرش آمد و گفت پسر من؟ بنده با گریه گفتم پدر جان شهید شده و فقط یک بار گفت شکر خدایا، مصلحت توست و اینها بودند که در ما و ملت روحیه دادند و بر ما ملت وظیفه است دین خود را در قبال اینگونه انجام داده و در نزد چنین افرادی شرمنده نشویم و حتی روزی بنده در آموزش بودم که خیلی هم مریض بودم و هنگامی که در چادر خوابیده بودم دیدم سیدی آمد و حال مرا پرسید و روی مرا بوسید^۱ و بلافاصله گفتم آقا مرا هم ببر. گفت انشاءالله خواهم برد و یک هو از خواب بیدار شدم و گریه کردم و در من روحیه تازه ای ایجاد کرد. لذا من عاجزانه از آن خواهران تقاضا دارم که حجاب اسلامی را رعایت کنید و احکام اسلام را به جا بیاورید که در غیر این صورت خون شهدا را زیر پا می گذارید. چنان که می فرماید:

ای زن به تو از فاطمه اینگونه خطاب است

ارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است^۲

حرف بنده روی این است که ای مسؤولین ادارات و ارگانهای دولتی، خدمتگذار این ملت باشید و از روی رشوه خواری و پارتی بازی دست بردارید و از این انقلاب و جبهه و خون شهدا درس عبرت بگیرید و خون این ملت بیچاره را به هدر ندهید و حق این مستضعفین را پایمال نکنید و بچه های خود را تشویق کنید و انقلاب و امام را یاری کنید. چرا باید این طوری باشد که مادرانی حتی چهار فرزند خود و یا حتی کل خانواده خود را در راه این نهضت از دست دادند و عده ای هم در ادارات با کاغذبازی و رشوه خواری خون ملت را می مکند و بر تمام ما تکلیف است که جلو این کارهای غیراسلامی را بگیریم. چرا به انقلاب کمک نمی کنید. چرا به جبهه نمی روید. چرا راحت طلبید. کی از ظلمت رها می شوید و

۱- در اصل وصیت((از روی من بوسید))

۲- در اصل وصیت((از فاطمه اینگونه خطاب استارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است))

چرا اینگونه دنیاپرست و مادی پرست هستید . مگر جز این است که دنیا فانی است و چنان که حضرت علی(ع) می فرماید «الدنيا مزرعه الآخرة» (دنیا مزرعه آخرت است) و هر چه در این دنیا بکارید در آخرت آن را برمی دارید. اگر صالح و درستکار باشید توشه خوب برمی دارید و در غیر این صورت در جهنم ابدیت خواهید ماند. پس تقاضا داریم [دارم] جلو اینگونه کارهای فساد و فحشا را بگیرید و قماربازی، پارتی بازی، رشوه خواری، شرابخواری و غیره را کنار بگذارید و به خود بیایید و به این نعمت الهی ارج بگذارید و از این امتحان الهی سرفراز بیرون آید و من با این همه گرفتاری و بی سرپرستی توانستم تا اندازه ای دین خود را ادا نمایم و آرزو دارم بعد از من اسلحه مرا زمین نگذارید و ادامه دهندگان راه شهدا باشید که اگر خلاف این عمل نمایید در آخرت چگونه جوابگوی این اعمال خلاف^۲ خواهید بود و این شعار را همیشه در یاد داشته باشید که جنگ جنگ تا رفع فتنه، در عالم از پا ننشینید و من در آخر یادآور می شوم که پول و سایر اموال مرا بعد از من به زیارتگاه های قم و مشهد و غیره واریز نمایید و به مصلحت خود و به رضای خدا خرج نمایید که در غیر این صورت در روز قیامت حلال نخواهم کرد. ضمناً توضیح اینکه تمام پول و اموال من که از کودکی پس انداز کردم و تاکنون هم که حقوق می گیرم به همسر خواهرم آقای محرم نجفی سپردم و تمام پول خود را به او دادم و این پولها را کلاً مال امام محسوب می نمایم و اگر حتی یک ریال از پول مرا فرد نامبرده به نفع خود خرج کند در روز قیامت جوابگو خواهد بود و ایشان را به حضرت ابوالفضل(ع) می سپارم که پول مرا در راه خدا خرج کند و کمی هم برای احسان من خرج کند و به فقرا بدهد.

وصیت می کنم به عموزاده ام بهروز اسدزاده و ارشد اسدزاده همسر خواهرم محرم نجفی، جنازه بنده را در مرقد مطهر حضرت زینب(س) دفن نمایند و ضمناً اگر شهید شدم بعد از من سوءاستفاده نکنند و به اسم من از ارگانهای دولتی چیزی نگیرند و ارزش شهید را از بین نبرند.

به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی

آدرس: قره ضیاءالدین - روستای بسطام - مرادعلی اسدزاده
دریافت کننده محرم نجفی

۱۳- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۲۵

۲- در اصل وصیت ((خلافت))

[وصیت نامه دیگر]

قسمتی از وصیت نامه مرادعلی اسدزاده

بنده به عنوان یک بسیجی که شهادت را بر هر چیز ترجیح می دهم و آرزوی توفیق چنین سعادت‌تی را از خدای مهربان دارم، سختم با اصنافان و گرانفروشان‌ی است که باید از این انقلاب و دین مبین اسلام درس عبرت گرفته و بیش از این خون محرومین و مستضعفین را نخورید و پشتیبان انقلاب و امام رزمنده باشید و به روحانیت معظم ارج گذارید و چه جوان و چه پیر، جبهه و پشت جبهه‌ها را خالی نگذارید. آیا اگر احساس مسؤولیت نکنیم به خانواده اسرا و مفقودین و شهدای عزیز در قیامت چگونه پاسخگو خواهیم بود. آیا به فکر اینها نیستید؟ و بر همه تکلیف است که به انقلاب کمک نمایند و برادر و خواهر عزیزم، اگر جانا نمی توانی کمک کنی حداقل مالا کمک کن و در این راه و از این قافله عقب نمان و پشتیبان دولت و رهبر باشید و گول شیاطین را نخورید و تا پیروزی و سرافرازی پرچم سربلند لا اله الا الله و محمد رسول الله در سراسر گیتی از پای ننشینید که خدا با شماست.

آذربایجان غربی قره ضیاءالدین - روستای بسطام - به دست محرم نجفی برسد.

تلفن ۲۷۲۴۷۴۴

من عاجزانه از ملت مسلمان تقاضا دارم مساجد را خالی نگذارید و در مساجد و در نماز جماعات شرکت فعال داشته باشید و نماز جمعه که یک نماز عبادی و سیاسی است شرکت کنید و در مساجد دعای توسل و کمیل برگزار کنید. چرا که این دعاهاست که ملت ما را به سعادت می رساند از فرستنده باکو که در بعضی از مناطق ایران می گیرد نگاه نکنید، زیرا به فرموده امام با فرض فساد جایز نیست و چنان که فساد نیز هست و در پایگاه‌ها عضو شوید تا از این طریق جبهه‌ها را گرم نگه دارید و مملکت را از هر لحاظ به خودکفایی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی برسانید و این امر بر همه واجب است و ضمناً ارگانهای نظامی و انتظامی و حتی خود ملت نیز باید نظم و مقررات و قانون را رعایت کرده و طبق قانون عمل نمایند و غیبت و تهمت بر هر کس و هر مقام باشد حرام بوده و خلاف شرع است و باید از آن احتراز نمود که انشاءالله امید است ملت بر اساس احکام الهی و اسلامی امورات را عمل

نمایند. مردان و زنان و فرزندان مسلمان نباید دزدی کنند که دزدی از گناهان کبیره به حساب می آید و کار خوبی نیست. نباید کسی بخوابد و کار نکند و در موقع برداشت محصول به محصولهای به ثمر رسیده دیگران دست درازی بکند. ما به گفته ها و حدیث های ائمه اطهار توجه بکنیم و طبق آن عمل بکنیم. ملت ما باید از گفته های امام و مسؤولین کشور مخصوصاً از تصمیمات مجلس پشتیبانی بکنند و از گفته های امام پیروی بکنیم و برای پیروزی انقلاب شهیدها داده ایم. به گفته امام انقلاب ما با خون رشد کرد. اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد ما امت شهیدپرور ایستاده ایم و تا آخرین لحظه زندگیمان با دشمن بعثی مبارزه خواهیم کرد. ای کاش هزار جان داشتیم و فدای اسلام می کردم.

بسمه تعالی
۱
وصیت نامه برادر شهید احمدزاده
سلامت علیکم
انا لله وانا اليه راجعون
با سلام و احترام روزی طول عمر با سلام عزیز و حسینی سید شاکت
ما بر اهل زمان و یاد در روز و جوان بر اربع طبعه شهید اهل اسلام
بالاخص شهیدهای انقلاب شگوه مند اسلامی از آمار ما کنون
و با سلام بر نفس مستیزان جان بگفت و این زاهدان سبب و سبب
روزه بازم آهسته خود را در حال دشمنان اسلام جوان
مقصود ما آنقدر نمای سخن و عرب انداخته و همچون
بی علی در کربلا سوزان خورشیدان خراب و استراحت ما بر دشمنان
ملحد استکباری حرام کرده و جوان تازه و عاشقانی نو بیا خود را
نبره با عفو و عذرت میخواهم چند کلمه این خدمت ملت
جبار و همین در همه عرضم بن یک بیع ساده هم که از اول
انقلاب سعی کردم بنویسم بر عرض و دهن خود که هانا دفاع نکرده
و ادم عزیز است و بفرموده و بفرموده این وصیت الهی

(۲)

واقعا در طول تاریخ نظر است در انعام ولی اسوس که نتوانستیم آن
چنان که بنا بر بطنم خردخانه عمل بویست نم نمودم و لذا از طین هیت
سرسنزه ام و امر خفا اما که در ادعا حاضر بودم تا اخرین فقره جدول خود در راه
انقلاب جانشانی کنم خاستن لطف و در کارشامل حال بنده هر روز
چندین بار گشته و روزی از خودم و در این انقلاب خدمت کنم و خدا را صلوات
نموده از این وضعیت و لطف خودم را بسیارم و در این یک بنده تا عاقل خردانه
که سبب بود در این حالت خودم و در این یک بنده تا عاقل خردانه
و که می دانم که میراثش عمل جدول است فقره خودم و در این یک بنده تا عاقل خردانه
که در هیچ هم نمی دانم تا خودم در این یک بنده تا عاقل خردانه
عظیم و منتظرانی را می دانم و در خودم در این یک بنده تا عاقل خردانه
با کمال خودم در این یک بنده تا عاقل خردانه و همانطور که
در عشق است به حق خودم در این یک بنده تا عاقل خردانه
است و امید دارم که این همه را از یاد خدا غافل ننموده و روز
به روز به طرف خودم در این یک بنده تا عاقل خردانه

(۲)

و مادر هم و جز خدا کسی را ندارم نه مادر دارم که هنگام شهادت
تا بوقت مرگ درازد و از صورت خویش و اعصابم تر خاک و خون
من بوسه زند و نه بهر دارم که هنگام برکت با تا بوقت برام خیزد
گویم و خدا را تک و تنها قرار داد و من ابرایع مصیبت هر دو قمار
ماجرانه سپید دارم و هر قدر رو صمیم دهن خود را با بیاد دارم کم است
ولدا نبوده تنها کسی که امیدم با او است اول خدا را میگویم اول منم
~~است~~
~~به کسی~~
~~طریق~~
~~ام~~
~~ببین~~
~~ببین~~
~~تا~~
~~ببین~~

کتابخانه ملی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم
~~بسم الله الرحمن الرحيم~~
~~بسم الله الرحمن الرحيم~~
مرا ادا هم داده و نوشته ام تا راه را بخورد راه نماند و اگر بخورد خدا از او
راضی شود زیرا راه شهیدان را ادا هم دهد و بر آنها راه رستگار
همین است و همچنین است که مردم بنده را بخواند فقیر هم که
متر نشود که بگویم تا هم با هم بنویسم و با هم بنویسم و وضع
نشان بگویم. در اسبده بگویم که در وضع بنویسم و در بنویسم و با هم بنویسم
مردم شهید بر خود خوانم که راه مرا ادا هم داده و هم برادرشان
تنت کنند و از یاد من زنده اما از یاد من زنده است و حق و
مخونه بازر عالم سیرت است و حیدر و سیرت حیدر را ترک
نموده و از هر چه توان دلبره مضائقه بنویسد و در تمام اجابت
کوتاهی نموده زیرا اینها همه او هستند که در همین نمازها
روز و شب بنویسم

من در اینها می خواهم چند نکته را از زنده‌ها و خودم یادگار کنم
 من اول روز محرم در منزل خانوادگی بنیاد آمدم که وقت آن بود
 تا عصر بزرگتر شدم ملاقات کردم در روز و مادرم فوت شد عمو دم تمام
 موقع شهادت باقی‌مانده بودم و کسی را نداستم و در سال ۱۳۵۹
 بود که با عمو از اهواز آمدند و بعد از مصلحت‌ها رفتند اول
 تصمیم گرفتم به بیسج رفته و بعضی وقت‌ها هم قره‌قروان را دیدم
 چون بیسج در زمان نیافتن بودم به خود رفته و در آنجا بعضی
 لحظه‌ها بعد از آن که آمدند سر لازم با پدرم و بعد از
 قدری سیزده صبرم با در خود با هم با لفافه
 به صبرم رفتم و در آنجا در کتاف خنجرم و
 در ماه صبرم دوم خود را دوباره به صبرم رفتم

و در تمام حلاله کردت فتم و معیار خرد ماه
از آنجا بر شتم چون بوجر حیدر در زفن و در خرد کرد
و بر خود و طیف زدم که با در در حسن جاهایی که عمر و شرف
با مناطق هستند خدمت کنیم و در ما در دست دوم
بچه جنوب فتم و در این وقت بود که محمد روح فتم
و در بهار است که گفتند که انعام زدم و به عمو زاده خود
تلفن کردم و آمدند مرا به بهار است که گفتند تبریز اعلم
رک زو بلا فاعله بدار حکمت فتم زو باره به مسجد ابدی
عمود غرمت بودم و در یک کج فتم خواستم بر این
در عاقل تو فتم و در فقره به در حسن ما اقدم می رفتیم به پایگاه
روشن خود به همین عمو زاده ام هر روز سردار استوار استوار

آنچه بود با هم به فداکیت می برافشیم . می از خاطر این بود
 که در درون آن هفتاد و یک سال بودیم ما شین تو با ما تعارف
 کرد و هفتاد و یک سال بودیم در دست زخمی شده و در دره
 افتادیم و نینده در روز دستیم این که ما بر داشتیم و مینا اصل
 آنچه اول این که بود با برتت که بر دستیم و یا حتی با هیچ خود داریم
 همه شیم تا در روز خودم به طور مظلومانه و با بر لایق دست
 بفرستیم بعضی سید کردند و هفتاد و یک سال بودیم در دست
 گو با نینده با برتت که بر دستیم و یا حتی با هیچ خود داریم
 که خدا ما مصلحت تو نیست و این بود که در ما مصلحت
 رو صید داد و بر ما مصلحت و طعم نیست این خود را
 در قبایل و نسلونه انجام داده و در سبز حش از اراد

شرفنده سوختم و صحت روزی زنده در آنکه من بودم که خدیو هم سخن
بودم و همدانکه در حال در خوابید بودم دیدم سید را آمد و حال
فرار سید را از در من بوسید و بدنامی گفتن آقا را هم بیرون رفت
ان شاء الله خواهم مرا او بکشد از خواب سید را بیدار کنم و بگویم مردم در من
رویدار تازه ایما در کرد. فلان من عاجزانه در آن خواهر را که تقصیر
دارم بی بسدی با رعایت کند و احکام است که ما بی
بی در که در غیر انصاف خودم سپرد اما از بی باقی دلدار
میباشد منوایر از فایده استخوان خطاب است از زنده ترین
زینت که حقا حیا است.

خرف نیده در این است که این مسئولیت ادارات و
در کارها در این حد است از این جهت با سید و از روز رسیده بخوار
و با آنجا با این دست بر دارا و از این انقد

۹

و جبهه و عوالم شهدا در برابر شکر و خورشید این ملت بی‌پایه
 را بدرخشد و حق این ملت و حق را با یگانگی کند و بجهت ما خود
 را فدای کند و اعتدال و امام را در کسب جرات با خود در این
 که مادران حتی جرات از فرزندان خود و ما هم می‌ماند خود را در
 این ایستادگی دادند و در هر و همه که هم در ادارات با کفایت
 در روزه عوار خون ملت ما و ملت و مریه که ما تلفات است که همه
 استواری ما هر غیر از این را به هم جرات به اعتدال کند جرات
 جبهه می‌رویم جرات اه ملت طلبیدگی از ظلمت راه می‌رویم
 و ما استواری دنیا نیست و ما در این است که همه ملت جرات است
 که دنیا فانی است و حیات حضرت علی (ع) هم در

۱۰
الذی عزیزاً الافرۃ دنیا فریمه آفرت لیسر سو حرم لیسر دنیا
کبارید در آفرت آن را لیسر دارم ار صالح و در استغفر بلسر
نوست خوب لیسر دارم و در غیر انصیرت در عینم لیسر
خواهد ماند پس تقاضا دارم قبول استغفره کاره فراد و فخره
بلسر و قمار بلسر باقی بلسر رسو، خوار لیسر انجور و غیره و انصیر
بلسر و به خود بلسر و این لیسر الی لیسر کلار و لیسر انصیر
الهی لیسر او از لیسر آید و من با این هم لیسر و به لیسر
تو اسم تا انداز لیسر خود را لیسر و آرزو دارم بلسر
اسم لیسر لیسر و ادا لیسر دهنتان را لیسر
که امر خلاف این عمل نایند در آفرت حلونه جو لیسر این

۱۱

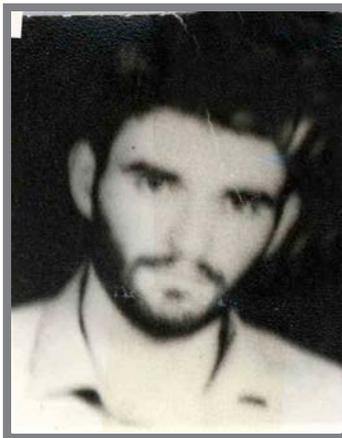
احمال خلافت خواهد بود و این تقاضای من در باره
 باقی بماند چنانچه در عالم زیاده نماند
 و من در آخر یاد آور می گویم که پول و سایر اموال مرا بعد از
 من به زیاده نماند و مسجد و از زیاده بود به مصیبت خود
 و به راهش خارج نماید در غیر این صورت در روز قیامت
 حلال نخواهم کرد. ضمناً توضیح اینکه پول و اموال
 من که از کورده پس انداز کردم و تاکنون هم به حقوق
 می گویم به عمر خواهم به ما محرم بچیزی نسریم و تا پول
 خود را به او دارم و این پولها را الله تعالی امام محو
 می نماید و اگر حق کسی را از پول مرا فرود نماید به نفع خود

خرج کنند در روز قیامت جوابگو خواهد بود و این را
به حضرت ابوالفضل می‌نویسم که بول مراد راه خدا خرج کنند
و تمام مبارک این نام من خرج کنند و بنویسند
و هستی می‌نویسند عوارده ام ~~و بنویسند~~
خواهرم مهروم مخفی جنازه بنده در مقدمه حضرت زینب
دفن کنند و صفت آن را بنویسم بعد از آن سوگند شهادت کنند
و به اسم من در از خانه دولت حضرت بنویسند و از من سینه بنویسند
بس بنویسند
به امید بیرون رفتن مردم بیگناه
آدمی قره صبا علی بن اوستاس بیجاک مرادعلی اسدزاه
در وقت گذشته به ~~عوارده ام~~ ~~بنویسند~~

قصه ز وصیت نامم و ادعای اسرار
 نبد، بعد از این بیخ که شهادت نام هر چه تر صبح می دم و آن در تو من چنین سعادتی
 را از خدا بر تو دارم نعم با اصفاف و در آن روز می است که با این از این انقلاب
 و در چنین اسم در هر مرتبه و بیست و یک روز من خوشم فرود من دست هفتاد
 نفوس و بیست و یک انقلاب و اما از صده تا بیست و دو روحانیت معظم اربع
 تا از این و می جوای و می بر چه و بیست و چهار خان زندان ای ای ای
 احکام صولت کنیم بجان فدا اسرار و صفود من در شهادت ای عزیز در صیانت
 جلوه یابنغ تو خواهد بود آیا بعد از این نیستید؟ و هر چه تلف است به
 انقلاب کمک کنید و برادر خواه عزیزم اگر جان من فدای ملک من حداقل
 سالها تکلیف من این راه و این راه فاطمه صفت نام و بیست و یک دولت
 و رهبران سید و رسول شیاطین را بخور و این بر ضرر و بر او از این بر هم بند
 لا اله الا الله و محمد رسول الله در سر اسکرین از این نشاندند اخبار شما است
 آذربایجان غمخیز - قوه صیای ادبی - روستای بیست و یک بیست و یک بیست و یک
 آذربایجان غمخیز
 قوه صیای ادبی
 بیست و یک بیست و یک بیست و یک
 بیست و یک بیست و یک بیست و یک

من عاجزانه از دست شما تقاضا دارم صاحب را خالی نگذارید و در صاحب در مقامات
 شرکت فعال داشته باشید و نیاز چشم کم نامزدید و بی سبب است شرکت
 کنید و در صاحب دعای ترسک و عمل بر نیز از همدیگر جدا نشدند اما است که
 ملت ما را به سعادت رساند در از فرستند، بگویند بعضی از منافع
 این است که در نگاه کنید زیرا به فرموده امام باقر (ع) صاحب نیست
 و ضایعند هم فدای نیست مدد یا بطلان محض و توفیق از حقوق هر چه
 طاعت بر سر راه و سبک و البته هر کس که خود تقاضای امتیاز در حق
 و فرزند بر سر راه و بیع هر چه و امید است و ضمناً اطفال نیز تقاضای
 انتقالی رخصت خود مدد نیز با رعایت و عوارض و عایدت کرده و طبق قانون
 عمل نمایند و غیبت داشته بزرگس و حرم مقام باشد حرام بوده و حلف
 مشروع است و باینکه آن اعتبار بخورد که آن را امیر است ملت بر سر
 احکام الهی و اصول امور است عمل نمایند مردان و زنان و نیز زنان مسلمان
 نباید ذریه میکنند و مردی از نگاه آن کسیر و عیب همگی و با خود نیست
 نیاید کسی عیب و کمالات در موقع بر داشت محمول به محملهای به عیب رسیده
 دیگر آن است در از غیبت بلند ما بقیعت ما و حدیث عاقبت اظهار تو به بلیتم و ملای
 آت عمل بلیتم ملت ما باید از نعمت طار انجام و سوسولین کند محض ما اگر تقصیرات مجلس استانی
 بلند و از تقصیرات امام بیرون بلیتم و بر این بیرون انقلاب شهد ما دادیم به تقصیر امام
 انقلاب ما با خون رشید در آذربایجان جنگ نیست سال هم طول بکشد ما است شهید چه و راست
 تاکنون از زنده نگه داشتن یاد ما بقیعت ما و حدیث عاقبت اظهار تو به بلیتم و ملای

نام: سعید
نام خانوادگی: اشرف پور
نام پدر: محمد صادق
نام مادر: مدینه
تاریخ تولد: هجدهم اسفند ۱۳۴۳
محل تولد: سلماس
تحصیلات: -
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: نوزدهم اسفند ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * جبهه به انسان کمک می کند که چگونه زیستن را بیاموزد.
- * جبهه به انسان خود و خدایش را می شناساند.
- * جبهه به گفته امام از اهم واجبات است.

بسمه تعالی

به نام او که آفرینش آسمان و زمین برّ و بحر در دست اوست.
به نام او که جان همه در دست اوست و اوست که میمیراند و زنده می‌کند و عاقبت
برگشت همه بسوی اوست.

جبهه مکان آموزش به خدا رسیدن است.

جبهه به انسان کمک می‌کند که چگونه زیستن را بیاموزد.

جبهه به انسان خود و خدایش را می‌شناساند.

و جبهه ...

امروزه در موقعیتی قرار داریم که جبهه به گفته امام از اهم واجبات است و زندگی پشت
جبهه بدون خبر داشتن از داخل جبهه برای افرادش مرگ‌آور است.

جبهه مکانی است که زندگی سرافرازانه را به انسان می‌آموزد تبری با شیطان را به انسان
می‌آموزد، که این نبرد جانانه را در هیچ مدرسه‌های درس نداده‌اند.

دوم از اینکه تصمیم داشتیم یک ماه مرخصی گرفته و برای انتخابات برسم ولی تکلیفی
بر گردن داریم که باید ادا کنیم. شماها دعا کنید تا خدا نیز انشاءالله بلکه ما را از این امتحان
خویش سرافراز قبول کند و ما را نیز جزء مقربان خویش گرداند.

(خدایا! به امام امت طول عمر، اسرای اسلام آزاد، رزمندگان اسلام هر چه زودتر پیروز،
شهدای اسلام با شهدای کربلا محشور و به تمام ملت ایران و جهان حرکتی دوباره جهت
سرنگونی کفر عطا فرماید.)

به تمامی اهل خانواده تک به تک سلام دارم. من خوب میدانم که از اینکه زیاد در خانه
حضور ندارم شاید ناراحت شوید ولی چه کنیم برای پیروزی باید مایه گذاشت، امیدوارم
که خدا به تمام خانواده‌های رزمندگان صبر عطا فرماید. به همه سلام برسانید یوسف و منیر
خانم و اکبر آقا و مهری و بیوک و حمید و همچنین زهرا و مینا و حاج صادق و مدینه خانم
تک به تک و دیگر قوم و خویشان

والسلام

۶۵/۷/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم
 در روزی که من از این عالم فانی رخصت گردم و در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید، وصیت های خود را به شما عزیزان می‌نویسم. امید است که در راه حق قدم نهاده و در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.

اول: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.
 دوم: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.
 سوم: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.
 چهارم: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.
 پنجم: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.
 ششم: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.
 هفتم: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.
 هشتم: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.
 نهم: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.
 دهم: من را در جوار رحمت خداوند متعال بجا آید.

و این وصیت نامه را در روز دوشنبه ۱۳۸۵/۰۵/۲۱ در تهران، در منزل خودم نوشته‌ام. امضاء: [نام و نام خانوادگی]



نام: نادر
نام خانوادگی: اشرف پور حوری
نام پدر: علی
نام مادر: سریه
تاریخ تولد: پانزدهم شهریور ۱۳۴۳
محل تولد: شهرستان ارومیه
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوازدهم اسفند ۱۳۶۵
محل شهادت: فاو عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* ای فامیلان و آشنایان از شما می خواهم که هر چه بدی از کودکی و بزرگی من دیده اید و شما را رنجانده ام حلالم کنید و ای دوستان و پدر و مادر عزیزم و نور چشمانم از شما معذرت می خواهم که نتوانستم پسر خوبی باشم و در این مورد نهایت عفو و بخشش را می طلبم.

* ای پدر و مادر و برادران و خواهرانم از شما خواهش دارم که در سوگواری اینجانب زیاد گریه و زاری نکنید که دشمنان اسلام خوشحال بشوند و خوشحال باشید که پسران در راه خدا و قرآن و دینش شهید شده است.

* ای امت شهیدپرور از شما می خواهم که همیشه سنگربان اسلام و این امام امت باشید و او را تنها نگذارید و در ضمن جبهه ها را خالی نگذارید چرا که خون شهیدان در آن جوش می زند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باری پدر و مادر عزیزم می دانم که برایم زحمات زیادی را متحمل شده اید که مرا بدین سن و سال رسانیده اید و نیز می دانم که در کودکی در اثر شلوغی شما را رنجانیده ام. به هر حال عزیزان سپاسگذارم و از شما تقاضای عاجزی که دارم آن است که مرا حلال کنید و اما شما خواهر بزرگوام تقاضامندم که هر چه بدی دیده ای مرا حلال نموده و برایم دعا بکنید و در عبادت‌هایتان از خداوند بخواهید که گناهانم را ببخشد.

و اما خواهر کوچکم و شما برادرانم رضا، ناصر، جواد از شما می خواهم که بعد از نبودن من درس‌هایتان را خوب بخوانید و انشاءالله بتوانید در دانشگاه قبول شوید و خودتان را به رتبه های عالی علم برسانید. همچنین^۱ امیدوارم که مرا حلال کرده باشید و با مردم مهربان باشید و نمازهایتان را مرتب بخوانید و به ناصر و جواد قرآن یاد بدهید.

باری رضا جان از تو می خواهم از جواد و ناصر خوب مواظبت کنی و آنها را نرنجانی و پدر و مادرم را اذیت نکنی و سعی کنی که همیشه مرد و متین باشی.

باری مادر جان و پدر عزیزم، از شما خواهش می کنم که نمازهای عقب افتاده مرا بجا بیاورید. و در نمازهایتان از خداوند متعال بخواهید که در آن دنیا مرا به خاطر گناهانم ببخشد. و برایم هر سال مجلس یادبودی برگزار کنید.

باری ای فامیلان و آشنایان از شما می خواهم که هر چه بدی از کودکی و بزرگی من دیده اید و شما را رنجانده ام حلالم کنید و ای دوستان و پدر و مادر عزیزم و نور چشمانم از شما معذرت می خواهم که نتوانستم پسر خوبی باشم و در این مورد نهایت عفو و بخشش را می طلبم.

و ای پدر و مادر و برادران و خواهرانم از شما خواهش دارم که در سوگواری اینجانب زیاد گریه و زاری نکنید که دشمنان اسلام خوشحال بشوند و خوشحال باشید که پسران در راه خدا و قرآن و دینش شهید شده است.

پدر و مادر عزیز از شما می خواهم [از] هر کسی که به من^۲ بدهکار است بگیری و

۱-در اصل وصیت((نیز))

۲-در اصل وصیت((برایم))

تمامی پولهایم را از بانک بگیرید و به هر کسی که بدهکار بودم بدهید و بقیه را به اشخاص مستضعف بدهید تا برایم دعایی به جا بیاورند فقط به محمود حسن زاده ۲۰ تومان بدهکارم. و ای امت شهیدپرور از شما می خواهم که همیشه سنگربان اسلام و این امام امت باشید و او را تنها نگذارید و در ضمن جبهه ها را خالی نگذارید چرا که خون شهیدان در آن جوش می زند. دیگر قابل عرض ندارم و از شما امت ارومیه بار دیگر عاجزانه می خواهم که تا زمانی که پدر و مادرم مرا حلال نکرده اند مرا دفن نکنید.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم تلاح

بیتا صفت تمامه بوده وصیتنامه منیه یادست خطا خودم در صورتی که را ارسال نموده و امیدوارم که خیر بر اینها افتد

• جاری بود و صد غمخیز میباشم که برام زحمت زیاد را دستگیر شده اند که سواد منی که
• وصلان و ساد فضا و غیره میباشم که در دهه دهه های سالها در این دنیا میباشم. بعد از این
• سیمیا سارا ام و از شما ششای عاقلی که در این دنیا است که سواد منی که
• و اما شما حواصرتان که تقاضای شما که در حوضه های دیدمان سواد منی که در این دنیا
• در عبادت شما از حواصرتان که تقاضای شما که در حوضه های دیدمان سواد منی که در این دنیا

تاریخ ۱۱۳۸ هجری قمری

• اما حواصرتان که تقاضای شما که در حوضه های دیدمان سواد منی که در این دنیا
• بر حواصرتان که تقاضای شما که در حوضه های دیدمان سواد منی که در این دنیا
• سواد منی که در حوضه های دیدمان سواد منی که در این دنیا
• در حوضه های دیدمان سواد منی که در این دنیا

• تاریخ ۱۱۳۸ هجری قمری
• سواد منی که در حوضه های دیدمان سواد منی که در این دنیا

• تاریخ ۱۱۳۸ هجری قمری
• سواد منی که در حوضه های دیدمان سواد منی که در این دنیا

Handwritten signature and a red rectangular stamp.

۲۸۴ / ۱۲

نام: پاشا
نام خانوادگی: اصغرزاده
نام پدر: قربان
نام مادر: صفیه
تاریخ تولد: هفدهم مهر ۱۳۴۷
محل تولد: روستای شاه بندلو تابعه
شهرستان چالدران
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهارم اسفند ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان ماکو



عبارت های کلیدی

* خداوندا! گناهکار و روسیاهم و چیزی برای عرضه ندارم. فقط به رحمت و کرم تو دل بسته ام و امید آن دارم که مرا پاکیزه بپذیری و شهادت در راهت را نصیبم گردانی.

* هموطنان عزیزم، پس از آن که سلاح بُرنده ایمان را برگرفتید و بدان مجهز شدید، جهاد را شروع کنید و بر علیه نظام های کفر و الحاد بخروشید.

* برادران و خواهران دینی در انجام واجبات و ترک محرمات کوشا باشید و با حضور خود در تمام صحنه ها مشقت محکمی بر دهان یاوه سرایان کویید.

* از امت حزب الله خواستارم که امام را یار و یاور باشند و تنها نگذارند و به فرامین و پند های امام عمل کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ »^۱

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان، برادران و خواهران عزیز در این دنیای فانی که امروز از رشهای الهی و انسانی چنین آسان در زیر چکمه دژخیمانه حب نفسها و مقامها پایمال می شود و آن هنگام که انسان خود را در میان لجنزار ذلتها می بیند، هنگامی است که خداوند امر به هجرت می کند و ندا می دهد که ای انسان! چرا نشسته ای در میان این همه بدبختی ها.

برخیز و سلاح ایمان در دست گیر و میثاق الهی خویش را با من تجدید کن و هجرتی آغاز کن. هجرت از پستی ها و ذلالت ها به سوی نیکی ها.

هموطنان عزیزم، پس از آن که سلاح بُرنده ایمان را برگرفتید و بدان مجهز شدید، جهاد را شروع کنید و بر علیه نظام های کفر و الحاد بخروشید و فریاد توفنده تان را بلند کنید که ای آدمها، خود را انسان کنید و بر علیه ظلم بخروشید.

برادران مسلمان هر آن چه را که مسیر هوای سبیل الله را دارد، با ایمان استوارتان به گورستان نیستی ها بسپارید و هر آن چه را که تاب و توان دارید، از آن بهره گیرید و در راه جهاد برای^۲ خدا به کار ببندید. خلاصه کلام اینکه همه چیزتان برای خدا باشد، همه چیزی برای خدا، همه کار برای خدا و همه جا برای خدا.

خداوندا! گناهکار و روسیاهم و چیزی برای عرضه ندارم. فقط به رحمت و کرم تو دل بسته ام و امید آن دارم که مرا پاکیزه بپذیری و شهادت در راهت را نصیبم گردانی. برادران

۱- الانفال/۷۲

۲-در اصل وصیت((با))

و خواهران دینی در انجام واجبات و ترک محرمات کوشا باشید و با حضور خود در تمام صحنه‌ها مشت محکمی بر دهان یاوه سرایان کوبید.

پدر عزیزم و مادر مهربانم، نیک می‌دانم که در بزرگ کردنم رنج‌ها کشیدید و چه کنم که نتوانستم فرزند خوبی برایتان باشم و زحماتتان را جبران کنم. امید آن دارم که خداوند به شما اجر دهد و موفقتان گرداند. در آخر از امت حزب الله خواستارم که امام را یار و یاور باشند و تنها نگذارند و به فرامین و پندهای امام عمل کنند.

از همه کسانی که از بنده بدی دیده‌اند، می‌خواهم که ببخشند و حلالم کنند. التماس دعا دارم.

بنده حقیر و مسکین محمد مهدی (پاشا) اصغرزاده

۶۵/۱۰/۳۰

بسم تعالی
و صحت نامه
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ
أَوُّوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ نَجِّمُهُمُ أَوْلِيَاءُ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا
مَالَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُبَاهِظُوا وَإِنْ اسْتَشْرَكُوا كُمْ فِي الدِّينِ مَعْلَبِكُمْ
الدُّعَا الْأَعْلَى قَوْمٌ يَكْفُرُونَ وَيَتَّبِعُهُمُ شَيْطَانٌ وَاللَّهُ يَأْتِلُونُ بِصَبْرٍ
در این دریا می فانی که امروز از شهرهای الهی و انسانی زمین آسان در زیر کعبه
در ضیاء حسب نفسها و تمامها یا بیال می شود و آن مثلا که انسان خود را
در میان نینزار از آنها می بیند این مثلا است که خداوند امر به معرفت می کند و نورا
در می دهد که می انسان بر اندیشتهای در میان این همه بر بختی ها بر صبر و صلاح ایمان
در دست کبر و شیاق الهی فوسش را با من تجدیدین . و معرفتی را آنما کن معرفت

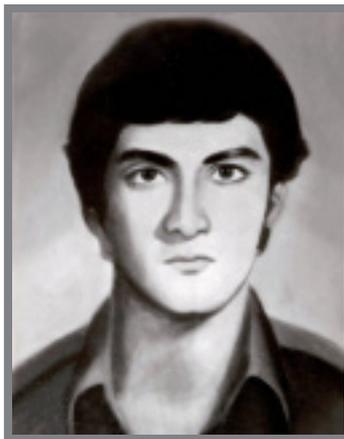
از بیعتی ها و زوال آنها بسوی نیلها و فوئیها. مملوستان عزیزم سیر از آنکه سلاح تیرت
 ایسان را بر گرد ^{منید} ویران ~~چیز شد~~ چهار را شروع کنید و بر عید نظامهای کفر و انجاد
 خبر و تید و فریاد توفنده تان را بلند کنید و ^{فریاد} زینند که ای آدمها خود را از آن تبدیل
 کنید و بر علیه ظلم خبر و تید. برادران مسلمان هر آنجا که سیر سوی سبیل
 اسرار در با ایسان استوارتان، گورستان سستیها بسیار دید و هر آنجا که
 در تاب و توان دارید از آن بهره گیری و در راه جهاد با فدا کار کنید. خلاصه کلام این
 که همه چیزتان برای فدا باشد و همه چیز برای فدا هم کار بران فدا و همه جا برای فدا.
 خرافه را کنار و رویه در راهت مستم و چیزی برای عرض ندارم تقویا و محبت و کرم
 تو دل سببم و امید آن دارم که بر ایگزینه پیگیری و شهادت در راهت را
 نصیبم گردانی. برادران وضو اهران دینیم در انجام واجبات و ترک محرمات کوش

باشید و ~~مجلس~~ و با حضور حشود در تمام صحنه‌ها مشت مصلی در دهان یاره در این
کو بیره پیر عزیزم مادر بهر نام نیک می‌دانم که در بزرگ کردنم رنجها کشید بی‌رونی چه کنم که
نتوانم قدم فرزند خوبی باشم و زحماتتان را جبران کنم امید آن دارم که خداوند شما را
اجر دهد و موفقتان گرداند در آفرین است ضریبا... خواستام که اما ~~را~~ ایار
و یار باشند و ~~هم~~ آنها نکل از زنده فراموشی و نیده‌های اما عمل کنند.
از همه کسانی که از بیره بی‌دیده اند بیفتند و حلالم کنند.
والسلام

محمد مهدی (پاشا) اصغرزاده
۶۵۱۰۷۶۶



نام: غلامعباس
نام خانوادگی: اصغرزاده
نام پدر: احمد
نام مادر: تلی
تاریخ تولد: دوازدهم فروردین ۱۳۴۰
محل تولد: شهرستان چابپاره
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست و سوم مهر ۱۳۵۹
محل شهادت: دزفول
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * من در راهی می روم و با تصمیمی که گرفته ام امید به زنده ماندن من نیست، زیرا با خدا عهد بسته ام که شهید بشوم.
- * برای من ننگ است که در خانه بمانم و عراقی ها در دزفول و یا در هویزه به ناموس ما تجاوز بکنند و من با دل پر به جبهه می روم.
- * و از شما خواهش می کنم که بعد از من اصلاً گریه نکنید و شما ها راه مرا ادامه بدهید و برای طول عمر رهبرمان دعا کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند در هم کوبنده ستمگران
پدر عزیزم و مادر مهربانم و خواهرانم و برادران ارجمندم. با سلام و درود امام امت و
شهیدان راه الله می خواهم چند کلمه با شما سخن بگویم .

پدر جان سلام حالت چطور است؟ امیدوارم که حالت خوب باشد. پدر جان من می دانم
که من و دیگر برادرانم و خواهرانم را با چه بدبختی بزرگ کرده ای و ای مادر مهربانم،
می دانم که شبهای زیادی برای من بیدار مانده ای و چه زحمتهای برای من کشیده ای و ای
خواهرانم شما هم می دانم که چه محبتها برای من کرده اید. و ای برادر کوچکم و ای برادر
بزرگم که بعد از من امید خانواده هستید. می دانم که چه حقی در گردن من دارید و ای زن
برادر عزیزم که تنها امید من در غربت بودی و با مهربانی جای همه کس را پر کرده بودی.
خداوند پشت و پناه [شما] باشد و من چیزی که ندارم برای شما بدهم ولی انشاءالله اگر خدا
بخواهد شما همه برای من افتخار خواهید کرد. پدر و مادر و خواهر و برادرانم و زن برادر
عزیزم؛ من در راهی می روم و با تصمیمی که گرفته ام امید به زنده ماندن من نیست، زیرا با
خدا عهد بسته ام که شهید بشوم. چون برای من ننگ است که در خانه بمانم و عراقیها در
دزفول و یا در هویزه به ناموس ما تجاوز بکنند و من با دل پر به جبهه می روم و انشاءالله
به آرزوی خودم خواهم رسید و از شما خواهش می کنم که بعد از من اصلاً گریه نکنید
و شما ها راه مرا ادامه بدهید و برای طول عمر رهبرمان دعا کنید. عزیزانم در آخر ضمن
خداحافظی توجه شما را به این شعر جلب می کنم: خدایا

آنکس که ترا شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهان اش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند^۱

غلامعباس اصغر زاده - ۵۹/۷/۷

نام: محمد مهدی
نام خانوادگی: اصغرزاده
نام پدر: قربان
نام مادر: صفیه
تاریخ تولد: هفدهم مهر ۱۳۴۷
محل تولد: چالدران
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهارم اسفند ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: شهرستان ماکو



عبارت های کلیدی

- * برادران و خواهران دینیم! در انجام واجبات و ترک محرمات کوشا باشید.
- * یار و یاور امام باشید.
- * امام را تنها نگذارید و با جان و دل فرامینش را جامه عمل بپوشانید.
- * امید ان دارم که مرا پاکیزه بپذیری و شهادت در راهت را نصیبم گردانی.

بسمه تعالی

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۱

در این دنیای فانی که امروز ارزشهای الهی و انسانی چنین آسان در زیر چکمه‌ی دژخیمانهای حب نفسها و مقامها پایمال می‌شود و آن هنگام که انسان خود را در میان لجنزار رذالتهای^۲ می‌بیند. این هنگام است که خداوند امر به هجرت می‌کند و ندا در می‌دهد که ای انسان چرا نشسته‌ای در میان همه بدبختی‌ها بر خیز و سلاح ایمان در دست گیر و میثاق الهی خویش را با من تجدید کن. و هجرتی را آغاز کن هجرت از پستی‌ها و رذالتهای بسوی نیکیها و خوبیها. هموطنان عزیزم پس از آنکه سلاح برنده‌ی ایمان را برگرفتند و بدان مجهز شدید جهاد را شروع کنید و بر علیه نظامهای کفر و الحاد بفروشید و فریاد توفنده‌تان را بلند کنید و فریاد زدید: که ای آدمها خود را به انسان تبدیل کنید و بر علیه ظلم بفروشید. برادران مسلمان! هر آنچه را که مسیر سوای سبیل... را دارد، با ایمان استوارتان به گورستان نیستی‌ها بسپارید و هر آنچه که در تاب و توان دارید از آن بهره‌گیرید و در راه جهاد با خدا به کار بندید. خلاصه‌ی کلام این که همه چیزتان برای خدا باشد و همه چیزی برای خدا، همه کار برای خدا و همه جا برای خدا.

خداوندا! گناهکار و روسیاه درگاہت هستم و چیزی برای عرضه ندارم. فقط به رحمت و کرم تو دل بسته‌ام و امید آن دارم که مرا پاکیزه بپذیری و شهادت در راهت را نصیبم گردانی. برادران و خواهران دینیم! در انجام واجبات و ترک محرمات کوشا باشید و با حضور خود در تمام صحنه‌ها مشت محکمی بر دهان یاهو سرایان کوبید. پدر عزیزم، مادر مهربانم! نیک می‌دانم که در بزرگ کردنم رنجها کشیدید ولی چه کنم که نتوانستم فرزند خوبی باشم و

۱. آیه سوره

۲. اصل: لنجرا رذالتهای آمده است.

زحماتتان را جبران کنم. امید آن دارم که خداوند شما را اجر دهد و موفقتان گرداند. در آخر از اَمّت حزب... خواستارم که امام را یار و یاور باشند و تنها نگذارند و به فرامین و پندهای امام عمل کنند.

از همهی کسانی که از بنده بدی دیده‌اند می‌خواهم که ببخشند و حلالم کنند.

والسلام

محمدمهدی (پاشا) اصغرزاده

۶۵/۱۰/۲۶

امضاء

بسمه تعالی

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۱

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان: برادران و خواهران عزیز! در این دنیای فانی که امروز ارزشهای الهی و انسانی چنین آسان در زیر چکمه دژخیمانه حب نفسها و مقامها پایمال می‌شود و آن هنگام که انسان خود را در میان لجنزار زلالتها می‌بیند، هنگامی است که خداوند امر به هجرت می‌کند و ندا می‌زند که ای انسان! چرا نشسته‌ای در میان این همه بدبختیها برخیز و سلاح ایمان در دست گیر و میثاق الهی خویش را با من تجدید کن و هجرتی آغاز کن هجرت از پستیها و زلالتها بسوی نیکیها.

هموطنان عزیزم! پس از آنکه سلاح برنده ایمان را برگرفتید و بدان مجهز شدید جهاد را شروع کنید و بر علیه نظامهای کفر و الحاد^۲ خروشید و فریاد توفنده‌تان را بلند کنید. که ای آدمها خود را انسان کنید و بر علیه ظلم بفروشد. برادران مسلمان! هر آنچه را که مسیر سوای سبیل الله را دارد با ایمان استوارتان به گورستان نیستیها بسپارید. و هر آنچه که در تاب و توان دارید از آن بهره گیرید و در راه جهاد با خدا کار بندید. جهاد را مراتبش اول جهاد اکبر کنید و نفستان را بکشید و سپس جهاد اصغر را آغاز کنید و در کارهایتان سعی کنید همه چیز برای خدا، همه کار برای خدا و همه جا برای خدا باشد.

خداوند! گناهکار و روسیاهم و چیزی برای عرضه ندارم فقط به رحمت و کرم تو دل بسته‌ام و امید آن دارم نه مرا پاکیزه بپذیری و شهادت در راحت را نصیبم گردانی. برادران و خواهران دینی! در انجام واجبات و ترک محرمات کوشا باشید و با حضور خود در تمام

۱. آیه سوره

۲. اصل: الهاد آمده است.

صحنه‌های انقلاب آمریکا و عیادانش را مایوس کنید و یاور و یار امام باشید امام را تنها نگذارید و با جان و دل فرامینش را جامه عمل بپوشانید.

پدر عزیزم و مادر مهربانم! نیک میدانم که در بزرگ کردنم رنجها کشیدید و چه کم که نتوانستم فرزند خوبی برایتان باشم و زحماتتان را جبران کنم امید آن دارم که خداوند به شما اجر دهد و موفقتان گرداند. از تمامی کسانی که از بنده بدی دیده‌اند می‌خواهم که بنده را ببخشند و حلالم کنند.

* التماس دعا دارم *

بنده حقیر و مسکین خداوند

محمدمهدی (پاشا) اصغرزاده ۱۰/۳۰/۶۵ بپوشانید.

۲۵ / ۱۰ / ۳۰

بسم الله الرحمن الرحیم
بیت نامه محمد مهدی (پانا) اصغرزاده

ان الذین آمنوا وهاجروا رجاءد ویا ماوالهمس وانفسهم فی سبیل الله والذین اورو و تصروا اولادکم یتقیهم
اولیا * بعضی والدین «منو لهم» مهاجروا ما لکم من ولا یتقهم من شی حتی یهاجروا وان استصروکم من
الذین تغلبکم النصر الا علی قوم بیدتم و یتقیهم میثاق والله بما تعملون بصیر *

بنام الله با سادار حرمت خون شهیدان، برادران و خواهران عزیز در این دنیای فانی که امروز ارزشهای
الهی و انسانی چنین آسان در زیر چکش درخیمانه حب و نسیب و مقامها پایمال میشود و آن هنگام که
انسان خود را در میان لجنزار زلالتها می بیند هنگامی است که خداوند امر به غیرت میبرد و ندانیم
که ای انسان چرا نتستغی در میان این همه بدبختیها، بولجیز و سلاح ایمان در دست گیر و میثاق الهی
خود را با من تجدید کن و هجرتی آغاز کن شجرت از یسقطیا و زلالتها بسوی نیکیها *

مردمان عزیز پیش از آنکه سلامت برندم ایمان را بزرگترید و بدان مجتهد شدید جهاد را شروع کنید و
بر علیه نظامهای شر و الظلم و بی عدالتی و فریاد توندن آن را بلند کنید - که ای آدمها خود را انسان
عید و بر علیه ظلم بخروشید - برادران مسلمان هر آنچه که در مسیر سوی سبیل الله را دارد با ایمان
استوارتان به گروستان نیستیها بسپارید و هر آنچه که در تاب و توان دارید، از آن بهره گیرید و در راه
جهاد با خدا کار بندید - جهاد را مراتبی اول جهاد اگر کنید و نستان را بکنید و سپس جهاد مستمر
را آغاز کنید و در راه پیمان می کنید همه چیز برای خدای خود همه کار برای خدا و همه جا برای خدا -
پایبند ...

خداوند ... داده شما در روسیاهم و جبری برای عرضه ... از قطعه رحمت و کرم تو دل مستغلام و امید آن
دارم که مرا یا نیزه برونیزی و شهادت در راهت را نصیبم گردانی - برادران و خواهران دینی در انجام
واجبات و ترس و خطرات تنها باشید و با عهد حضور خود در تمام صحنه های انقلاب آمریکا و عبادان را مایوس
کنید و راه و بار امام باشید امام را تنها نگذارید و با جان و دل فراموشی را جامعه غفل بیوشانید -
بدر چنین زمانه و سرمانه نیک میدانم که در بزرگ کردن رنجها کنید و چه کم که نتوانستم فرزند خویش
برایتان باشم و رحمتتان را جبران کنم امید آن دارم که خط خداوند به شما اجر دهد و مؤمنان گرداند -
از تمامی کسانی که از بندگی دیدماند می خواهم که بندگی را ببخشند و حلال کنند -

* التماس دعا دارم *

بنده حایر و مسکین خداوند

محمد مهدی (پانا) اصغرزاده
۲۵ / ۱۰ / ۳۰



بسمه تعالی

رکعت نهم

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَدُوا وَأَنزَلْنَا إِلَيْهِمُ الرِّسَالَةَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ
أَوَّلُوا وَأَوْلَىٰ وَلَئِن كُنْتَ تُفِئُهُمُ أَهْلِيًّا لَمَجِدِّهِمْ أَفَتَأْتُهُم بِلُحُوبٍ مُّضْرِبٍ
فِي أَعْيُنِهِمْ فَذُكِّرُوا كَمَا تُدْرِكُونَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَدُوا وَأَنزَلْنَا إِلَيْهِمُ الرِّسَالَةَ
وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ أَوَّلُوا وَأَوْلَىٰ وَلَئِن كُنْتَ تُفِئُهُمُ
أَهْلِيًّا لَمَجِدِّهِمْ أَفَتَأْتُهُم بِلُحُوبٍ مُّضْرِبٍ فِي أَعْيُنِهِمْ فَذُكِّرُوا كَمَا تُدْرِكُونَ
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَدُوا وَأَنزَلْنَا إِلَيْهِمُ الرِّسَالَةَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ
أَوَّلُوا وَأَوْلَىٰ وَلَئِن كُنْتَ تُفِئُهُمُ أَهْلِيًّا لَمَجِدِّهِمْ أَفَتَأْتُهُم بِلُحُوبٍ مُّضْرِبٍ
فِي أَعْيُنِهِمْ فَذُكِّرُوا كَمَا تُدْرِكُونَ

در این دنیا می فانی که امروز از شهرهای الهی و انسانی زمین آسان در زیر و کعبه
در ضیاء حب نفسها و مقامها پایمال می شود و آن هنگام که آسان خود را
در میان لجنزار آرزوهای بنده این دنیا است که خداوند امر به ^{عقبت} عقبت می کند و در
دری دهد که ای آسان چرا نشستی در میان این همه برینتی ها بر صبر و سلاح ایمان
در دست امروستی ای خوشتر را با من تجدید کن . و هرگز با آمار کن عقبت

از بیستی ها و ورد آنها بسوی نیلها و فریجا . سو طنان عزیزم سیران آنگه سلاح تیرت
 ایسان را بگرد ^{منظر} و بدان مجتهد شد ~~جهاد~~ را شروع کنی و بر عهد نظامهای کفر و الحاد
 خیره تید و فریاد تو صده تان را بلند کنی و ^{فریاد} ز سینه کنای آدمها خود را نشان تبدیل
 کنی و بر علیه ظلم خیره شیده برادران مسلمان هر آنی را که سیر مسوای سبیل
 اسیران اردو با ایسان استوارتان ، گورستان بنسبتی ها بسیار بدید و هر آنی که
 در تاب و توان دارید از آن همه کسری بدید و در راه جهاد با خدای کار بندیدید . ملاقات کلام این
 که همه چیزتان برای خدا باشد و هم چیزی برای خدا همه کار برای خدا و همه جا برای خدا .
 خدایند آنجا کار و در سایه در قامت مستم و چیزی برای عرضت ندانم مقصودت و کرم
 تو دل سببم و امید آن دارم که مرا با کینه بیدیری و شهادت در قامت را
 نصیبم گردانی . برادران و خواهران دینیم در ایام واجبات و ترک عمریات کوش

باشید و ~~...~~ و با حضور خود در تمام صحنه‌ها مشت مطلق در همان یاقه برایان
گویدید. پدر عزیزم مادر بهر نام نیکی می‌دانم که در بزرگی کردنم رنجها کشیدید و بی‌چشمه
فتوا سقم فرموده‌اید باشم و در حماقتان را جبران کنم امید آن دارم که خداوند شما را
اجود دهد و موفقتان گردد و در آخر فرزندانت ضریب... خواستارم که اما ~~...~~ برایار
و یاورد باشند و ~~...~~ آنها نگذارند و فراموش و نیندای اما عمل کنند.
از همه کسانی که از بنده ببری دیده اند بیفتند و حلالم کنند.
والسلام

محمد مهدی (پاشا) اصغرزاده
۶۵۱۰/۶۶



نام: محمد
نام خانوادگی: اصغری
نام پدر: محرم
نام مادر: سمیه
تاریخ تولد: یکم دی ۱۳۴۴
محل تولد: شهرستان ماکو
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هجدهم فروردین ۱۳۶۶
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش و گلوله
مزار: صحن امامزاده شهرستان خوی



عبارت های کلیدی

* خدایا آیا من نیز توانستم حتی برای یکبار هم شده باشد ذره‌ای از حقوقی که برگردنم داری ادا کنم؟

* [خدایا] تو همیشه عطا کردی و از من خطا دیدی، ولی بار خدایا تو به بنده‌ای که او را آفریده‌ای بهتر و بیشتر از خودش به او نزدیکتری، بهتر از خودش او را می‌شناسی، دیگر لازم نیست چیزی بگویم، تنها انتظار از رحمت بر ماست

* خدایا مرا ببخش و بیامرز، از تو می‌خواهم اول پاکم کنی بعد مرگم را برسانی از تو می‌خواهم که مرا صاف و بی‌آلایش از این دنیای فانی بیرون ببری.

* سلام گرم را محضر امام عزیزیمان برسانید و به او بگویید که محمد در وصیت نامه اش نوشته است که تنها برای خداوند و به اطاعت از او پا در این راه نهادم و تا پای جان خواهم ایستاد و در راه او نه یک جان بلکه اگر هزاران جان نیز داشتم حاضر به دادنش بودم.

* از اختلافات و تفرقه افکنی که آفتی برای اسلام است به دور باشید و پیوسته به یاد خدا باشید.

* ای برادران عزیز رزمنده قدر و منزلت خودتان را همچنان حفظ نمایید، تا برای همیشه دست خدا بالای سرتان باشد و با توکل و اخلاص کامل به پیش تازید که خدا با شماست و پیروزی از آن سپاه اسلام است، و بدانید که آزادی کربلای حسینی به ضربات پی در پی شما بستگی دارد و بدانید که چشم تمامی شیفتگان انقلاب اسلامی به دستان پرتوان شما دوخته شده است و این شماست که باید پرچم سبز توحید لاله الا الله را در اقصی نقاط جهان به احتزاز در آورید.

* اگر خدای متعال توفیق شهادت را نصیب حالمان کرد مبادا برایم غمگین و دل‌تنگ باشید، چرا که تحویل امانت به صاحبش ناراحتی ندارد بلکه دعا کنید خدا قربانی شما را نیز پذیرا باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَا وَ الصَّدِيقِينَ

السلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التي حلت بفنائك عليك منى سلام الله ابداً
ما بقيت و بقى الليل و النهار و لاجعله الله آخر العهد منى لزيارتكم، السلام على الحسين
و على على بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين.^۱
انا لله و انا اليه راجعون.^۲

همه از او بیم و بازگشتان به سوى اوست.

بار پروردگارا می دانم از توام و برای توام و بازگشتم نیز بسوی تو خواهد بود، اما آیا
خود را در مسیر تو قرار داده‌ام؟

آیا در مدت عمرم برای تو بوده‌ام؟ آیا زیستنم برای تو بوده است؟ می دانم که نیستم و
نبودم و خود نیز اقرار می کنم، خود نیز اعتراف می کنم، ولی آیا این معترف شدنم درمان
دردی خواهد بود؟ خدایا می دانم از فرمان تو سرپیچی کردم، تو را از خویشتن خویش
ناراضی کردم، تو به خاطر اعمال من رنجیده ای، از من گله مند شده ای، ولی هرگز حتی
برای یکبار نیز نخواستی مرا تنبیه واقعی کنی، چون دوستم داشتی، چون نمی خواستی من
در رنج و مشقت باشم و نمی خواستی به زحمت افتادن مرا ببینی، اعتراف می کنم چون می
بینم که همیشه با من بودی حتی زمانی که من به یاد تو نبودم، تو مرا در زیر دست رحمت
نگاه داشتی، برای من دلسوزی می کردی و همیشه می گفتی ای بنده من ای بنده من

ولی من چه، خدایا آیا من نیز توانستم حتی برای یکبار هم شده باشد ذره‌ای از حقوقی
که برگردنم داری ادا کنم؟ آیا من نیز یکبار تو را از وجودم صدا کردم؟ نه هرگز این چنین
نبوده است، بلکه تو همیشه عطا کردی و از من خطا دیدی، ولی بار خدایا تو به بنده‌ای که
او را آفریده ای بهتر و بیشتر از خودش به او نزدیکتری، بهتر از خودش او را می شناسی،
دیگر لازم نیست چیزی بگویم، تنها انتظار از رحمتت بر ماست، جز در تو خویش را بر در
که اندازم؟ از چه کسی طلب مغفرت کنم و از چه کسی بخواهم این همه بار سنگین گناه را

۱- فرازی از زیارت عاشورا

۲- بقره/بخشی از آیه ۱۵۶

که سنگینی آن کمر می شکند از دشمنان بردارد و دست نیاز به سوی که دراز کنیم؟
خدایا مرا ببخش و بیمارز، از تو می خواهم اول پاکم کنی بعد مرگم را برسانی از تو می
خواهم که مرا صاف و بی آرایش از این دنیای فانی بیرون بری.

اگر لیاقتش [را] داشتم و شربت شیرین شهادت را نوشیدم به چند وصیتی که در زیر نوشته
ام تا حدالامکان جامه عمل ببوشانید، سلام گرمم را محضر امام عزیزیمان برسانید و به او
بگویید که محمد در وصیت نامه اش نوشته است که تنها برای خداوند و به اطاعت از او پا
در این راه نهادم و تا پای جان خواهم ایستاد و در راه او نه یک جان بلکه اگر هزاران جان
نیز داشتم حاضر به دادنش بودم.

از اختلافات و تفرقه افکنی که آفتی برای اسلام است به دور باشید و پیوسته به یاد خدا
باشید، مبدا روزی رسد که نعوذبالله ان الانسان لفی خسر^۱، مصداق حال [ما] باشد که انسان
هر لحظه در معرض خطری بس بزرگ است. ای برادران عزیز رزمنده قدر و منزلت خودتان
را همچنان حفظ نمایید، تا برای همیشه دست خدا بالای سرتان باشد و با توکل و اخلاص
کامل به پیش تازید که خدا با شماست و پیروزی از آن سپاه اسلام است، و بدانید که آزادی
کربلای حسینی به ضربات پی در پی شما بستگی دارد و بدانید که چشم تمامی شیفتگان
انقلاب اسلامی به دستان پرتوان شما دوخته شده است و این شماست که باید پرچم سبز
توحید لاله الاالله را در اقصی نقاط جهان به احتزاز درآورید.

پدر و مادر گرامی، از اینکه نتوانسته‌ام برای شما فرزند خوبی باشم و همیشه موجب اذیت
و ناراحتی شماها بودم عذر می خواهم و از شما بزرگواران می خواهم که مرا حلال کنید تا
بلکه خدای متعال قدری از گناهانم را از دوشم بردارد.

پدر و مادر و خانواده گرامی، اگر خدای متعال توفیق شهادت را نصیب حالمان کرد
مبدا برایم غمگین و دل‌تنگ باشید، چرا که تحویل امانت به صاحبش ناراحتی ندارد بلکه
دعا کنید خدا قربانی شما را نیز پذیرا باشد. می خواهم برادرانم قاسم و رسول را افرادی
مؤمن و معتقد به انقلاب اسلامی بار بیاورید و به آنها سفارش کنید به نمازشان اهمیت
بدهند. خواهران عزیزم، اهمیت فوق العاده قائل^۲ شدن به نماز و حفظ حجاب وظیفه اصلی
شماست، در ضمن اگر خداوند قربانیان را قبول کند مرا در گلزار شهداء یا در کنار عزیزانی
که در میان ما بودند و حالا با رفتنشان محبت خودشان را بر دل ما و بار سنگین مسؤولیت

۱. عصر/۲

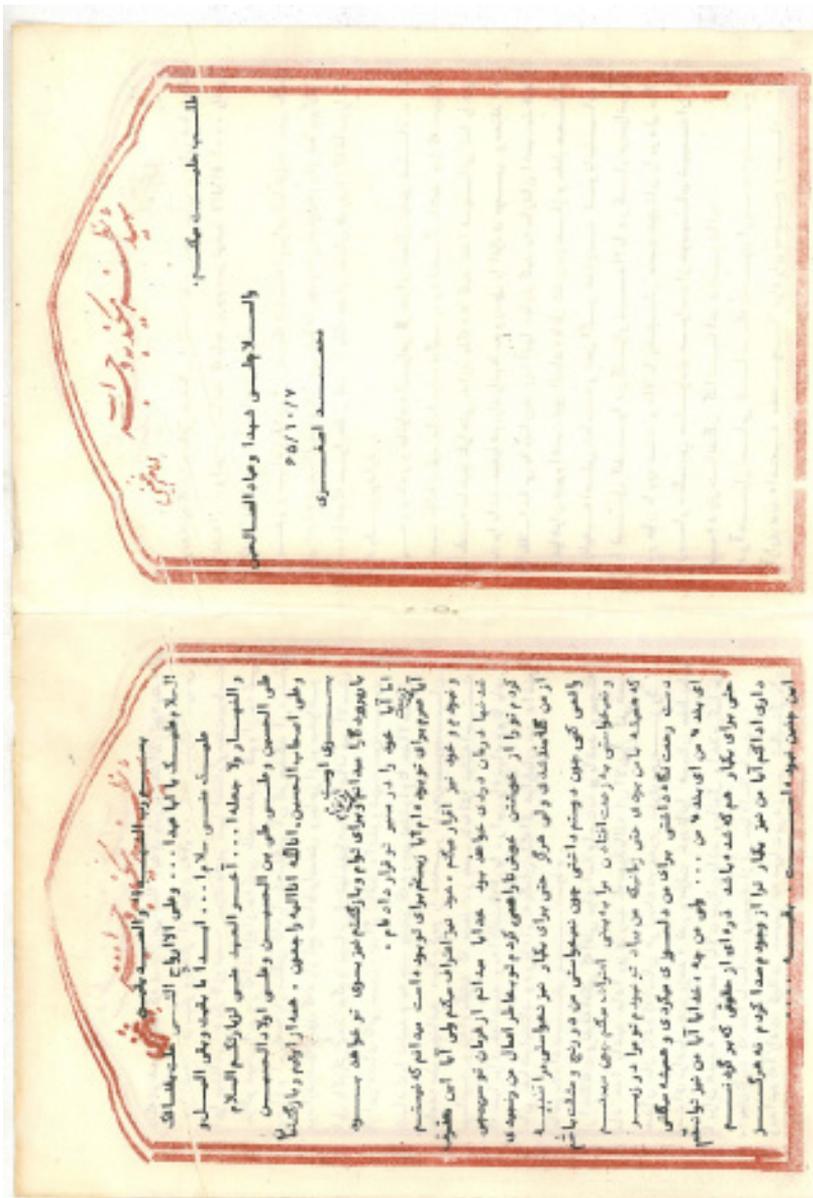
۲. در اصل وصیت ((قایل))

حراست از خونبهای شهیدان به دوش ماندگان گذاشته اند دفنم نمایید.
در آخر از تمامی کسانی که به نحوی از بنده رنج و آزاری دیده اند مخصوصاً برادران
بسیجی و سپاهی، طلب حلیت می‌کنم.

والسلام علی شهدا و عباد الصالحین

محمد اصغری

۶۵/۱۰/۷



وصیت نامه شهیدان و ایثارگران

دومین

طلب طلبت مکتوب:

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

۶۸/۱۰/۷

مستند امنبری

وصیت نامه شهیدان و ایثارگران

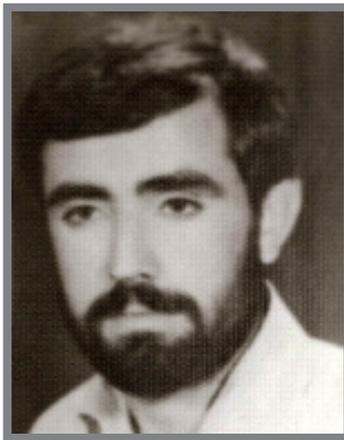
دومین

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ... وطلبی الایحاح التوسل علیک بطلبک
 طلبت نفسی سلام... ایستاد ما شهید وطلبی السلام
 والنهار ولا جملة... آخر الصید نفسی لایرککم السلام
 علی الصین وطلبی علی بن الحسین وطلبی الایاد الحسین
 وطلبی اصحاب الحسین، ائمه الاثمه ورحمتهم... عهد از انکم وراکتکم

بسم الله الرحمن الرحیم

بانه بوده لایا سید الاخرای توام وبارگشتم نیز سیدی تو میخاهد بسپرد
 اما آیا عید را در سیر تو قرار داد نام .
 آیه هم برای توبه و ایمان راستم برای توبه و است میدانم که نیستم
 و توبه و عید نیز انبار مکتب . عهد نیز انبار مکتب ولی این حقوق
 ند ندیا دربان دودی میخاهد بود عهدا میدانم از فرمان تو سپیدی
 کردم تو را از عهدت عشق تا راهی کردم تو میخاهد افعال من و عهدی
 از من گاه شدنی ولی هرگز حتی برای بیکار نیز میخاهدی بر تنبیه
 راهی کنی چون دستم داشته چون نمیخوای من در رنج و شکت باشم
 و نمیخوای به از عهدت انکارن برا به منی انبار مکتب من بدست
 که عهدت با من بودی حتی زمانیکه من بیاد تو نبودم تو را در سیر
 دست و عهدت نگاه داشته برای من دلگیری مگر می و عهدت مکتبی
 ای عهد ۹ من ای عهد ۹ من... ولی من چه عهدا آیا من نیز میخاهم
 حتی برای بیکار هم که عهد میخاهد از راهی از حقوق که بر کرد نسیم
 داری او را کتم آیا من نیز بیکار ترا از عهدت عهدا کردم به هرگز
 این چنین نبود عهدت...
 طلبت

نام: مهدی
نام خانوادگی: اصغری اصل
نام پدر: محمد
نام مادر: افروز
تاریخ تولد: هفتم تیر ۱۳۴۰
محل تولد: شهرستان ماکو
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: جهادسازندگی
تاریخ شهادت: شانزدهم خرداد ۱۳۶۳
محل شهادت: حاج عمران عراق
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * شکر خدای را که ما را با دستی خالی بر تمام دشمنان پیروز نمود.
- * کاش صدها جان داشتم تا به همه آنها از اسلام دفاع می کردم. دریغا که ندارم، ولی با همه حال اگر جسمم در یک جبهه بجنگد روحم در همه جبهه و پشت جبهه ها در پرواز است.
- * ای ملت ایران با جان و مال به دفاع این دین خدا برخیزید که خداوند پاداشی بس عظیم در آخرت به جهادکنندگان عطا خواهد کرد به پا خیزید و یقین داشته باشید که پیروزی با بندگان خداست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم رب الشهداء

«نصر من الله و فتح قریب^۱»

«همه ما باید فدای اسلام عزیز بشویم.»

(امام خمینی)

حمد و سپاس خداوند بزرگ را که راه راست را بر من نشان داد و افتخار شرکت در جهاد علیه کفار نصیب کرد و شکر خدای را که دشمنان ما را از ناآگاهان و ابلهان قرار داده است و شکر خدای را که ما را با دستی خالی بر تمام دشمنان پیروز نمود. من عاجزتر از آنم که بتوانم شکر همه نعمتهایی را که خداوند بر ما ارزانی داشته است به جای بیاورم ولی امیدوارم که با دفاع از اسلام و میهن اسلامی بتوانم یک شکر از هزاران نعمت به جا آورم. کاش صدها جان داشتم تا به همه آنها از اسلام دفاع می کردم. دریغا که ندارم، ولی با همه حال اگر جسمم در یک جبهه بجنگد روحم در همه جبهه و پشت جبهه ها در پرواز است.

همیشه با خدا راز و نیاز می کنم که خدایا ما رزمندگان راه تو حاضریم همه مشقتها و دردها را تحمل کنیم، ولی عاجزانه از درگاہت می خواهم که به امام ما و روح ما در جهان را طول عمر و سلامت جسم عنایت بفرمایی^۲.

خدایا روح شهدای ما را شاد و راهشان را مستدام بدار و بازماندگانشان صبر و بردباری عطا بفرما.

خدایا وحدت امت اسلامی ایران را بیشتر بفرما.

و اما تو ای مادرم و تو ای خواهرم که دلی سوخته دارید و تو ای برادرم که به یاری حزب الله شتافته ای و شما ای اقوام من که خوبیها به گردن من دارید و شما ای ملت ایران با جان و مال به دفاع این دین خدا برخیزید که خداوند پاداشی بس عظیم در آخرت به جهادکنندگان

۱. صف/۱۳

۲. در اصل وصیت ((بفرما))

عطا خواهد کرد به پا خیزید و یقین داشته باشید که پیروزی با بندگان خداست. به اقوامم اکیداً سفارش می‌کنم که اگر من به سوی خدا شتافتم عزاداری برای من لازم نیست، بلکه صبر و شکیبائی از خود نشان دهند و سپاسگزار از خدا باشند. من بر هیچ کس حقی ندارم و امیدوارم دیگران از حقوقی که بر گردن من دارند بگذرند و مرا حلال کنند.

آنچه در این دنیا به من تعلق بگیرد باید در راه خدا به فقرا و مسکینان داده شود. من اکیداً سفارش می‌کنم که وکیل وصی من برادرم (بلال) در نبود ایشان مادرم می‌باشد. اگر حقوقی به من تعلق گیرد برادرم می‌تواند در آن مورد تصمیم بگیرد.
«والسلام»

به امید پیروزی حق بر باطل

۶۰/۱۲/۵

ساعت ۱۰ شب

شاهد من خدای من

مهدی اصغری اصل

۴۵۴
س

و بسم رب الشهداء

قربین الله رفیع القربین

هیه ما باید فدای اسلام عزیز شویم

(امام حسین)

«وصیت نامه»

۱۳۹۷/۶/۲۳

محمد مصوی اصل

خبر پیاس هلاکتی که راه راست را بر من نشان داد و
افتخار شرفت در جبهه عدل و تقسیم مرد و شیر خدای را
دشمنان ما را از ناگاهان دایمان قرار داده است و شکر
خدای را که ما را با دستش خالی بر تمام دشمنان پیروز نمود
من عاجز تر از آنم که بتوانم شکر حق تعالی را بگویم
ما از زمان رانده شده است بجای ما و مردم که اسیر و
اسلام و بیعت اسلام را بر ما تحمیل کرده اند و نعمت خداوند
ما را خن صدها سال رانده است تا با همه آرزوهای اسلام دفاع می کنیم
در دفاع از مردم که با همه حال از همه مردم عزیزترند
در همه جبهه و پشت همه در برابر است .
همیشه با خدا را در روز قیامت که خدا ما را از بند راه نوحه هر چه
مشغول و در راه تحمل کنیم که عاقبت از رحمت حق تعالی است .
ما در روح ما در جبهه اول محترم و سلامت جسم عبادت تقویا .
شهادت ما را شاد و راهتان مستدام باد و ما را از نعمات آن بهره مند
عطا فرمایا ، خداوند است اسلام را بر ما تقویت فرمایا .

و اما

نوعی مادام و برای خواهری که دینی سخته دارد و دوا ندارد که با هر وقت
قتل فتی ای و شمایل اقوام من که هر چه بر گردن من زده و ما ایست
ایران با حال و حال به دفاع از دین خدا بپردازیم که خداوند با راستی
عظیم را خیرت به جبهه دشمنان عطا خواهد کرد . بیایید و یقین
راشته شده به سرور که با همه جان خداست .
ما اقوام البیضاء میباشیم که در زمین بسجده استایم عزرازی
برای من لازم نیست بلکه صبر و شکیبایی از خودت رهنه میباشی از خدا
باشند .

من بر همه کس حق بر دارم و امیدوارم در آن از حق تو هم بر در من
 در این دنیا بگذرد و در آخرت تقدر
 آنچه در این دنیا من تعلق بخیر ما در راه خدا جفا و وسعت
 داشته شد.
 من اللواتی نساغرت من اسم الله و من جوی من بر دارم (بند اول) در نزد
 ایشان ما داریم نیاید. اگر حق تو من تعلق کرد بر دارم
 مستواند را بر سر و شکر من کرد.

۶۲/۱۰۱۶۰

«والسلام» به اسیر برودت و خوشی

قریه اصغری اصل
 «۲۰/۱۲/۵۵»
 «سپتامبر ۱۰ شنبه»



شاهسمن خدای من

۶۳/۹۷۲

نام: قوچعلی
نام خانوادگی: اصغری پهلوان
نام پدر: غلام
نام مادر: سارا بگم
تاریخ تولد: بیست و نهم دی ۱۳۴۸
محل تولد: روستای پهلوان از توابع شهرستان
تکاب
تحصیلات: چهارم ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست و هشتم مرداد ۱۳۶۷
محل شهادت: روستای ترخان ربط سردشت
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

* من از اینکه شما پدر و مادر عزیزم مرا اسماعیل وار به استقبال شهادت بدرقه کردید احساس بی نهایت شادی می کنم

* مادر جان هنگامی که خبر شهادت مرا می شنوی به جای اینکه لباس دامادی بر تنم ببینی لباسهای غرق در خون مرا می بینی، اشک مریز. بلکه شادی کن چون باعث افتخار شماست که من در رکاب حسین زمان کشته شده ام.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درود به رهبر انقلاب. درود به پدر و مادرم و درود به پدران و مادران شهیدپرور اسلام. قوچعلی با شما سخن می‌گوید. مادر عزیزم سلام گرم مرا از صحرای کربلای سردشت بپذیر. من از اینکه شما پدر و مادر عزیزم مرا اسماعیل وار به استقبال شهادت بدرقه کردید احساس بی‌نهایت شادی می‌کنم و امیدوارم که خداوند اجر شما را در آخرت اعطا فرماید. مادر جان هنگامی که خبر شهادت مرا می‌شنوی به جای اینکه لباس دامادی بر تنم ببینی لباسهای غرق در خون مرا می‌بینی، اشک مریز. بلکه شادی کن چون باعث افتخار شماست که من در رکاب حسین زمان کشته شده‌ام.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی (عج)، خمینی را نگهدار

از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا

فدای شما و دین اسلام

قوچعلی اصغری



بسم سرورین بزم
این جوانهای ایران هستند که باید تو زنجار را گرم نمایی

بسم الله الرحمن الرحیم وصیت نامه اینجانب قویچلی اصغری

۶۷/۱۴۶۷

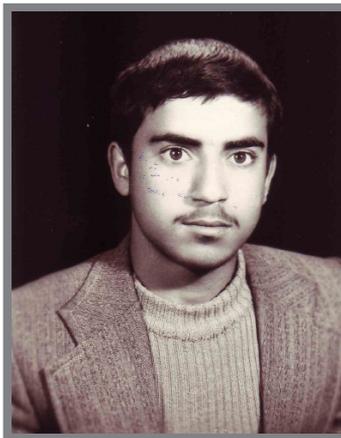
درود بر رهبر انقلاب درود بر پدر و مادرم و درود بر
پدران و مادران شهید پرور اسلام قویچلی باباشا سفین
و گوید مادر عزیزم سلام گرم مرا از تو برای سر دست
بپذیر من از اینکه شما پدر و مادر عزیزم مرا اسماعیل طار
به استقبال شهادت بدرقه کردید احساس بی نهایت
شادی می کنم و امیدوارم که خداوند اجر شما را در آخرت
اعطا فرماید مادام جان هنگامیکه خبر شهادت مرا شنیدی
بجای اینکه لباس دامادی بپوشی لباسهای فرق
در خون مرا می بینی انگ صریز بکنه شادی کن چون
اعت افتخار شماست که من در رکاب حسین زمامگیر شمام
خواهیم خدایا ما انقلاب همه زمین را نگهدار

از عمره یکماه بر عمر رهبر افرا ۶۷/۱۴۶۷

هدای شما و دین اسلام قویچلی اصغری

همه پهلوانان انقلاب اسلامی با بسزای زندهگان ساحتشور سگرمای تیره من علیه السلام

نام: فتح الله
نام خانوادگی: افشاری
نام پدر: یوسف
نام مادر: معصومه
تاریخ تولد: اول فروردین ۱۳۴۷
محل تولد: خوی
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و هفتم اردیبهشت ۱۳۶۵
محل شهادت: حاج عمران
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * من از شما دور شدم و به خالق خود رسیده و مسافری بودم که باید برمی گشتم.
- * واجبات اسلام را بطور کامل بجا بیاورید.
- * حجاب اسلامی را رعایت کنید، که ریشه اسلام حجاب است.

بسم الله الرحمن الرحيم

اول پیامی که به ملت شهید پرور ایران می‌خواهم عرض کنم، که اکثر ملت ایران و مسلمانان جهان از خدا و دین بیخبر بودند که امام امت ملت را بیدار کرد و چنانکه پیامبر اکرم (ص) در آن زمان منت بزرگی بود بر دوش ملت حالا هم امام عزیز منت بزرگی از طرف خداوند بر دوش این ملت میباشد. یعنی ما هر چه داریم اول از خدا بعداً از امام امت دارا هستیم پس بر شما باد پیروی از امام.

دوم: خدا بشر را نیافرید مگر آزمایش کند در این جنگ مردم و مردمها آزمایش شدند. پس این همه نعمت بزرگی از طرف خدا عطا شد. برای دوستان مخصوص خودش چون حضرت علی میفرماید «جهاد دری از درهای بهشت میباشد که خداوند فقط بر روی دوستان مخصوصی باز می‌کند». بر شما باد حمایت از اسلام و جنگ. قدم به جایی بگذارید که آخرت را یادآوری کند نه عاشق دنیا کنند. هر کاری که می‌خواهید بکنید برای خدا و در رابطه با خدا و رضایت خدا باشد. هر کسی که می‌خواهد همه این دنیا و آن دنیا را مشاهده کند بیاید به جنگ.

سوم: از خانواده خود و دوستان می‌خواهم که از دوری من (از شهادت من) آه و ناله نکنند به شخصیت‌های مملکت که هر کدام به منزله بازویی بودند برای اسلام و آنچنان خدمت‌های زیادی کرده بودند، به اسلام و آنچنان مظلومانه شهید شدند به آنها گریه کنید.

مادر، پدر، خواهر، برادر مگر من از اولاد شش ماهه‌ی حسین (ع) بالاتر هستم که خودش را از گهواره پایین انداخت و به فریاد پدرش لبیک گفت. من هم می‌خواهم جوابگوی این کلمه باشم «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» اگر پدر و مادرم و هر که بخاطر من گریه کند مثل اینکه راضی نبود من زودتر به خالق خود برسم و سعادت پیدا کنم و معشوقه‌ی خود را دریابم. و مثل اینکه به روح من شکنجه وارد می‌سازد و یک میخ در روی چشمم گذاشته و رویش یک سنگ آسیاب می‌چرخاند.

از مادر خیلی تقاضا دارم آنچه بیادم می‌آید می‌گویم مادر بخاطر من گریه نکن که منطقی شهید یک منطقی دیگری است که می‌سوزد مثل شمع و روشن می‌کند اتاق را و دیگران

از روشنایی او بهره‌مند میشوند و با سوختن من و ما و ماها و کلاً شهیدان محفل اسلام روشن میشود و الباقی از این روشنایی استفاده میکنند و یک جزء دیگر که مادر و پدر این گل غنچه‌های که تقدیم اسلام کرده‌اید در قیامت محفل شما را روشن و شما را در مقابل حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و مخصوصاً که در مقابل خداوند تعالی سرفراز و بلند نگه میدارد.

پس هیچ جای نگرانی و آه و ناله نیست. خدای نکرده اگر مادر من بخاطر شهادت من فریاد بکشد و در میان مردم و ناله کند و صدایش را یک نامحرم بشنود دیگر بس است برای او که معصیت کرده و یک مادر شهید نباید اینطور کند. مادرم! حرف زیاد است، اما این آخرین حرفی است که می‌گویم. اگر تو ناراحت شدی و خودت هم مریض هستی مریضی شما شدت پیدا می‌کند و بخاطر یک فرزند از همه جا میمانی و سایر فرزندان را ناراحت میکنی.

اگر من نبودم که خدا داده بود و خدا هم گرفت و یا در آخر میگرفت این مال خدا بود و حضرت علی (ع) میگوید که ناله بر یک فرد که از دنیا رفته بیجاست و هر قدر گریه کنی نمیاید. اما شما بر او میرسید و فرمود حالا که همه باید بمیرند پس چرا در راه خدا جهاد نکند و در راه خدا چرا کشته نشود و حسین بن علی (ع) فرمود دنیا زیبا است اما به طرف خودش میکشد و فرمود حالا که همه باید بمیرند چرا در راه خدا و با شمشیرها تکه تکه نشوند و حضرت علی (ع) فرمود برای من بهتر است که هزارها شمشیر بر من وارد آید در راه خدا کشته شوم، بهتر از این است که در بستر مرگ طبیعی از دنیا بروم. و شما شکر کنید که شما چنین فرزندی بزرگ کرده‌اید که در راه خدا شهید شد.

و برای بشر هر آن احتمال مرگ است و خودش نمیداند و من خودم را رساندم به سربازان امام زمان تا اگر عمر تمام شده باشد در راه خدا بروم.

و اما برادران:

برادران عزیزم دیگر من از شما دور شدم و به خالق خود رسیده و مسافری بودم که باید برمیگشتم، زودتر کشته و به مقصد خود رسیدم و معشوقه خود را دریافتم این است که به شما می‌گویم از من نگران نباشید و من با شما درد دل دارم که می‌گویم:

۱- واجبات اسلام را بطور کامل بجا بیا آورید.

۲- هرگز دل عمیق به این دنیای بی‌وفا که همه را از هم جدا می‌کند نبندید. پس حالا که اینطور شد خدمت خلق خدا کنید و غصه این کوچک را نخوردید.

من از شما و پدر و مادرم و خواهرانم تقاضا دارم که چون من اولین فرد هستم از خانواده خود که از شما خداحافظی کرده و بسوی خالق خود پرواز کردم، شاید برای شما گران بیاید که برادر ما رفت و ناراحت شوید. اگر بخاطر من ناراحت شدید معلوم است که آخرت را از یاد بردید و برای خودتان توشه کاخ برنداشتید. این دنیا خلق نشده برای اینکه کار کنی و نتیجهات بماند در این دنیا و خودت بروی، این دنیا خلق شده برای آزمایش و توشه کافی برداشتن برای آخرت. پس بطور کامل باید استفاده کرد و توشه برداشت و من شما را بدنبال خود به شهادت دعوت میکنم.

۱- اتحاد و وحدت را در میان خودتان حفظ کنید تا دشمن خارجی برای شما اثر نکند و همچنین اگر مبارزه با نفس خودتان نکردید دشمن میتواند به شما اثر کند. ۲- نسبت به هم خوب باشید و خوبی کنید و از من عبرت بگیرید. اگر من برای شما بد برادری بودم شما به هم خوب باشید و اگر خوب بودم مثل [من] باشید و بهتر از من باشید.

۳- هرگز مادر و پدر خود را فراموش نکنید و اگر مرا میخواهید من میگویم گریه نکنید. خدمت والدین کنید. از عوض من هم بکنید. برادران اگر مادرم مریض هست مبادا به شما بیاید بگوید که من مریضم، هرگاه احساس کردید که مادر و پدرم ناراحت هست دلداری داده و به صبر دعوت کنید.

مادرم را هم به دکتر ببرید چون همیشه بچه زیر سایهی خدا و پدر و مادرش زندگانی می‌کند. شما از رفتن من ناراحت نباشید از آنروز بترسید که یک روزی، یکی از آنها را از دست بدهید و آنها خدمت نکرده. پس قدر آنها را بدانید که پدر عرشی است برای فرزند و مادر زمینی که زیر سایه عرض و آسمانها در روی زمین زندگی میکنند. همچنین از زنداداشها تقاضا دارم که آنها به این حرفها گوش کنند هرگز راضی نشوند میان دو برادر اختلاف بیندازند.

و اگر انتظار امانتی از من داشتید هم برادران و هم زنداداشها و خواهران، این امانت پدر و مادرم هست که در بین شما هستند. آنها را ناراحت نکنید که ناراحتی آنها باعث ناراحتی روح من و اگر من به آنها بد بودم شما مرا عبرت خود قرار دهید و خوب باشید به آنها.

و اما خواهران:

۱- واجبات اسلام را رعایت کنید.

۲- حجاب اسلامی را رعایت کنید که ریشه اسلام حجاب است اگر حجاب باشد، یعنی از احتیاجات تمام مردم دنیا برطرف میشود.

۳- خواهران و برادران و پدر و مادر مهربانم! هرگز بر من گریه نکنید که از خود غافل میشوید و ضد انقلاب را شاید شاد کنید و اگر من در یک تصادف یا در یک عمل ناشایسته یا در اثر چیزهای دیگر کشته و یا اعدام میشدم بهتر بود یا حالا که در راه خدا شهید میشوم بهتر است. من از خواهران و زنداداشتهای مهربانم تقاضا دارم که عوض گریه بر من خدمت شوهر کنند و از فرمان شوهر سرپیچی نکنند تا دم مرگ.

در آخر این روسیاه در پیشگاه حق تعالی ۲ روز روزه قضا دارد. از پدر و مادر خود تقاضا دارد که اگر امکان شد با پول یا چیز دیگری این ۲ روز را بدهند برای من هر چه زودتر روزه بگیرند. «به امید دیدار شما در بهشت موعده»

خدا حافظ

شهید راه خدا فتح الله افشاری

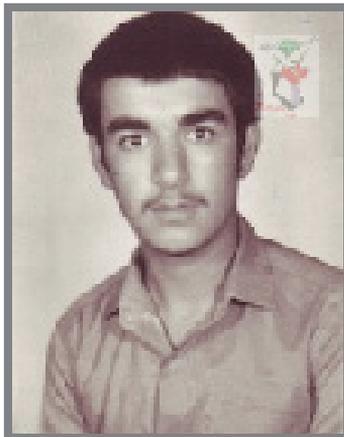
۱۳۶۴/۱۲/۳۰

امضاء

توجه! وجنازه مرا در خوی که قطعه شهیدان درست شده در آنجا دفن کنید که مخصوص شهیدان است.

«برقرار باد جمهوری اسلامی ایران»

نام: عباس
نام خانوادگی: افشانی
نام پدر: علی
نام مادر: منصوره
تاریخ تولد: سی‌ام شهریور ۱۳۴۸
محل تولد: خوی
تحصیلات: -
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هفتم خرداد ۱۳۶۵
محل شهادت: دزفول
نحوه شهادت: بمباران هوایی
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

- * از غیبت و دروغ و تهمت دوری کنید و مشت محکمی بر دهان صدام و صدامیان بزنید.
- * حجاب اسلامی را رعایت کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با سلام به پیشگاه امام زمان ولیعصر (عج الله) با درود و سلام رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و سلام و درود به تمامی خانواده‌های شهدای معظم جنگ تحمیلی ایران در جبهه‌های حق علیه باطل.

ای پیامبر! تشویق و ترغیب کن مؤمنین را بر جنگ با دشمنان^۱ اسلام. خدایا! هنگامی قلم را برداشتم تا وصیتنامه بنویسم، در حالی که از سر تا پا گناه و معصیت و نافرمانی است. خدایا! گناهانم را بریز و مادرم را از من راضی گردان. پروردگارا! ببخش گناهان مرا و بیمارز مرا و هنگام کشته شدن از شهدای واقعی خود حساب کن. هر چند که مصلحت بدانی همان است پس اگر مصلحت داشتی من کشته شدم از گناهانم در گذر. چرا که هیچکس نمیتواند مانند تو مهربان باشد.

خدایا! امیدم بر توست، جز تو امید دیگری ندارم و از شما امت شهید پرور میخواهم که در نمازهای جماعت و نماز جمعه‌ها و تشییع جنازه شرکت کنید. از غیبت و دروغ و تهمت دوری کنید و مشت محکمی بر دهان صدام و صدامیان بزنید. به شما خواهران عزیزم وصیت میکنم که حجاب اسلامی را رعایت کنید و حجاب شما خواهران، پاسدار خون شهداست. چون احتمال زیاد است جوانان را به فساد بکشاند و خداوند مهربان را ناظر اعمال خود بدانند و کارهای نیک انجام دهند.

و از شما امت شهید پرور میخواهم که نمازهایتان را در اول وقت بخوانید چون مستحب است و از شما خواهران و برادران عزیزم میخواهم بیشتر قرآن بخوانند که با خواندن قرآن خانه‌های خودشان را نورانی کنند و همیشه دعاگوی امام امت باشند.

این یک نعمتی است که در دست ما ملت ایران افتاده باید قدرش را بدانیم و از شما امت شهید پرور شهرستان خوی میخواهم که بیشتر دعا بخوانید مخصوصاً دعای کمیل و دعای توسل و دعای امام حسین (ع) دعای ایام هفته و تعقیب نمازها و این دعاها از شمشیر بیشتر نفوذ می‌کنند. دعا سپر مؤمن است، دعا عامل قبولی اعمال است.

و از شما امت شهید پرور می‌خواهم اخلاق اسلامی را رعایت نمایند و این دعاهاست که

۱. اصل: دشمنان آمده است.

رزمندگان دلیر اسلام را به پیروزی میرساند و از پدر و مادرم می‌خواهم از نبودن^۱ من گریه نکنند و شما افتخار کنید فرزندی را بزرگ کرده و در راه خدا قربانی کرده امیدوارم خداوند این قربانی را قبول نماید. انشاء...

و مادرم به زحمتهای زیادی کشید امیدوارم مرا ببخشد و مرا حلال کند. امیدوارم خداوند در آخرت اجرش را بدهد و از خواهرم میخواهم اگر من به شهادت رسیدم صبر داشته باشد و از برادرانم میخواهم از نبودن من ناراحت نباشد. خداوند در آخرت اجرشان را میدهد انشاء... . و چون گریه آنان موجب خوشحالی دشمنان اسلام میشود.

بنده گناهکار عباس افشانی

۶۵/۱/۲۷

لسان الرحمن الارحم

۶۵، ۱۲۷

وصیت نامه عباس افشانی

با سلام به بیگانه امام زمان و عمر و عمر (ع) با دو دو ستم رهبر کبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران
 و ستم دود و دستان خاوار، های دستان های عظم جف کجایی ایران رهبر های حق علی باطن
 ای پانیر تسلیف و ترغیب کن فرسین را بر جنبه با دوستان اسلام
 خدا یا هفتای قلم را بر دستم تا وصیه نادر بنویسیم در حالی که در سرتاپا شاه و عصیه دنا و ای
 خدا یا نا هانم! بریز و با دم را از من و از من و از من پروردگار را ببخش نانا هان مرا و بیامرز مرا و
 فکرم گفته شدن از سخای واقعی خرد حساب کن هر چند که صلحت بد ایشان است پس اگر
 صلحت داشتی من گفته شدم از نانا هانم در گذر چورا که هیچ کس نمی تواند تا نهر تو نهر با نهد
 خدایا ای دم بر تو است جز تر امید دیگری ندارم و از شما آیت شهید پر مجرا هم که روزهای جهنت
 در نماز جمعه ها در شمع جنازه بتمکنت کیند از صیبت و روح و آهت دردی کنی دست مملکت درها
 صدام و صدامان بر من بد شما خواران عزیزم وصیه می کنم که حجاب اسلامی را بپوشید و حجاب نما
 خواران با سدا خول تنه صا است چاره اعمال زیاده است چندانکه بپشاد بپشاد و خواران
 مهربان را ناط اعمال خور بد است و کارهای کتب انهم دهه داز شما آیت شهید پروردگار مجرا هم که
 ناز های آن را در اول وقت بخورند چون مستحب است و از شما خواران و خواران عزیزم خواران
 بیشتر قرآن بخورند که با خواران قرآن خانه های خواران را خواران کشته و وصله و کادری
 امام آیت باشد این یک نعمت است که در دست ما ملت ایران افتاده با بد قدرش را بدانییم
 و از شما آیت شهید پروردگار خواران عزیزم که بیشتر دعا بخورند مخصوصاً دعا که کمال در دعا برسد

در دعای امام حسین (ع)، دعا با نام حق تعالی و تعقیب نمازها و این دعاها از مختصرترین و بهترین است
 دعا سپردن است دعا عاقل بفرک اعمال است
 در این است که هر چه در هر حال اخلاق اسلامی را رعایت بکنند و این دعاها مسکنه و شادمانی است
 را به میوه های رسیده و از پیرو دارم می خواهم از نه بودن من گریز ندهد و شما اقتدار کنید فرزندی
 را بر سر کار کرده و در راه خدا قربان کرده امیدوارم خداوند روح قرآن را بر شما نماید و دست و پا
 و دارم به زحمت های زیاد که کشید امیدوارم مرا ببیند مرا اصلاح کند امیدوارم خداوند
 در آخرت اجرش را بدهد و از خواهرم می خواهم اگر من به کمالات رسیدم صبر و استقامت
 و از برادرانم می خواهم از بودن من ناراحت نباشند خداوند در آخرت اجرش را
 را می دهد ان شاء الله و چون رسید آنان موجب خوشحالی دشمنان اسلام نباشد

بنده ضحاک حاجت طلب
 ۱۳۷۲/۲۷

نام: صابر
نام خانوادگی: اکبری
نام پدر: غلامحسین
نام مادر: طویی
تاریخ تولد: سوم خرداد ۱۳۴۹
محل تولد: روستای عظیم کندی از توابع
شهرستان شوط
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: پنجم اسفند ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: روستای عظیم کندی



عبارت های کلیدی

بسمه تعالی

وصیتنامه بسیجی شهید صابر اکبری از ماکو - شوط

یا مهدی

خدایا مرا پاکیزه از این دنیا ببر و بر گناهانم قلم عفو بکش.

یا الله ، یا حسین(ع)، یا علی(ع)، یا محمد(ع)، یا فاطمه(ع)، یا زهرا(ع)، من این حمله را با نام شما آغاز می‌کنم.

سلام بر امام و سلام بر شهدای ایران. چند حرفی با برادرانم و خواهرانم و پدر و مادرم دارم. مادر جان تو برای من خیلی زحمت کشیدی. شیرت را برای پسری که در راه خدا قربانی دادی حلالش کن. پدر جان من می‌دانم تو به جز ما پنج پسر کسی را نداری. پدر جان چه می‌شود که یکی از آن پنج پسر را در راه خدا قربانی بدهی که آن هم(من) باشم. پدر جان من افتخار می‌کنم که چنین پدری دارم و برادر جان با این که تو از بنده بزرگتری، من از تو می‌خواهم سنگر بنده را خالی نگذاری. برادر جان از طرف بنده از پدر و مادرم و برادرانم و خواهرانم برای من طلب عفو بخواه. من آرزو می‌کنم در راه خدا شهید بشوم. پدر جان از طرف 'من' صورت تمام بچه‌ها را ببوس. اگر من شهید شدم بنده را در روستای خودمان در طرف راست جمشید دفن کنید.

والسلام

۱. در اصل وصیت نامه کلمه «عوض» آمده بود.

۲. در اصل وصیت نامه کلمه "از" آمده بود که حذف شد.

نام: بایرامعلی
نام خانوادگی: اکیو عطاری
نام پدر: مسلم
نام مادر: لاله
تاریخ تولد: نهم فروردین ۱۳۳۱
محل تولد: روستای کلیسا کندی از توابع
شهرستان ماکو
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: شانزدهم اسفند ۱۳۶۸
محل شهادت: روستای بهلول آباد ارومیه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: روستای کشمش تپه شهرستان ماکو



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده و مهربان که تمام کرات زمین و آسمان و تمامی که در روی زمین نفس می کشند.

اینجانب بایرامعلی عطاری نام پدر مسلم تاریخ تولد ۱۳۳۱ شماره شناسنامه ۱۲۱۹ صادره از حوزه پنج شهرستان ماکو.

اولاً هر شخصی وظیفه دارد که هر ماه یا حداقل یک سال وصیتنامه خویش را بیان نماید اینجانب در این دنیا چیزی یا وسایل مادی بسیار ضعیف دارم.^۱ هر^۲ ثروتی دارم در دید همگان یا خانواده ام می باشد.

اینجانب یک پاسدار هستم و شب و روز اجل مرگ در سرم دور می زند، چه یک ساعت بعد یا چه وقتی که می رسد. خوب، مرگ حق است. خداوند بزرگ و منان انسان را یک روز آفریده و یک روز هم جانش را می گیرد.

ما از خداوند عهد و پیمان بسته ایم تا راه سرخ حسین بن علی(ع) را ادامه دهیم و انقلاب را به صاحبش که امام زمان(عج) است تحویل دهیم، البته به رهبری امام عزیز خمینی کبیر. ما باید اسلام را به گفته امام عزیزمان به دنیا و جهان صادر نماییم چنانچه امام عزیز می گوید تا بانگ «محمد رسول الله» بر جهان طنین بیفکند^۳ مبارزه هست.

بنده از همسر استدعا دارم و تقاضا دارم اگر بنده در این راه خونین اسلام شهید شدم، چنان درسی به فرزندانم بیاموزد که راه بنده یا راه امام خمینی را ادامه دهند. خودش چنان کند که زینب(س) سرپرست یتیمان امام حسین(ع) شد. بچه هایم را از گمراهی نجات دهد و اسلحه بنده را به دست پسرانم بدهد. پسرانم و دخترانم تا آخر درس را ادامه دهند و امید دارم که همسرم مواظب فرزندانم باشد و چنان نگهداری کند که فرزندانم احساس بی پدری نکنند.

۱ در اصل وصیت نامه کلمه "می باشد" آمده بود.

۲ در اصل وصیت نامه کلمه "چه" آمده بود که حذف شده است.

۳ در اصل وصیت نامه کلمه "تا" آمده بود که حذف شده است.

و در مال دنیا چیزی ندارم جز وسایل خانواده. مقدار ۴۰۰۰ تومان مهریه همسر می باشد و مقروضی به هیچ کسی را نداشته و ندارم و وسایل خانواده متعلق به فرزندانم می باشد. دارای یک حیاط ششدانگ و یک اتاق [] کوچک می باشم.
وسایل خانواده از قبیل ۱- یک طاقه فرش ۳×۴، ۲- یخچال ۱۲ فوت جنرال الکتریک، ۳- اجاق گاز، ۴- ۱۰ دست لحاف و تشک و متکا، ۵- ۱۰ عدد پتو، ۶- تلویزیون ۱۴ اینچ، ۷- رادیو ضبط و رادیو بزرگ رومیزی و سایر وسایل و یک کمد، زیلو امید است که همسر نگهداری نماید تا تحویل فرزندانم نماید. هیچ کس حق ندارد با زور بچه هایم را از دست همسر بگیرد مگر همسر دست از فرزندانم بکشد و همسر اختیار نماید

آن وقت بچه هایم را به دست مادرم بسپارد.

و حق همسر در خانه است آن هم در شرع مقدس اسلام هر چه در حق همسر بیوه در قوانین اسلام ذکر شده.

و امیدوارم که مادرم مرا حلال نماید و شیرش را برایم حلال نماید و برادرانم و خواهرم مرا حلال نماید و از بدی بنده چشم پوشی نماید و بنده را با قلب حقیقت حلال کنند. و سرپرست خانواده ام پسر بزرگم سهراب می باشد و دارای چهار فرزند می باشم. سهراب پسر بزرگم، سجاد پسر کوچکم، و حکیمه دختر بزرگم و سکینه دختر کوچکم و حمیده دخترم

و امید است که همسر از بدی های من گذشته و حلال کند و هر پنج شنبه ها فرزندانم را به مزار بنده بیاورد
و مواظب فرزندانم که هر یک را همانند جگرگوشه خود میدانم، باشند و مواظبت نماید و اذیت نکنند

یا حسین بن علی (ع)

خداحافظ... علی یار و نگهدار تان باد

اینجانب بایرامعلی آکلیون عطاری

۱۳۶۵/۲/۱۰

۱. در اصل وصیت نامه کلمه "دارم" آمده بود که واژه "می باشم" جایگزین شده است.
۲. در اصل وصیت نامه جمله "که هر یکی را از هر یکی جگرگوشه باشند" آمده بود که اصلاح شد. ۵

داداشنهایی ضروری فروردین ماه ۱۳۴۵

بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ: ۲۰/۱۲/۴۵

شماره سند: ۱۳۴۵/۱۰۰/۱۰۰
موضوع: ...

اینجانب ...
۱- ...
۲- ...

اینجانب ...
همه ...
موضوع ...
موضوع ...
موضوع ...

موضوع ...
موضوع ...
موضوع ...



داداشنهایی ضروری اردیبهشت ماه ۱۳۴۵

بسم الله الرحمن الرحیم

موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...

موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...

موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...

موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...

موضوع: ...
موضوع: ...
موضوع: ...

۱۳۴۵-۱۰۰

نام: ذبیح الله
نام خانوادگی: الفی
نام پدر: قنبر
نام مادر: قمر
تاریخ تولد: سوم فروردین ۱۳۴۰
محل تولد: شهرستان چالدران
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی
تاریخ شهادت: بیست و یکم فروردین ۱۳۶۲
محل شهادت: سیلوانای ارومیه
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: شهرستان چالدران



عبارت های کلیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

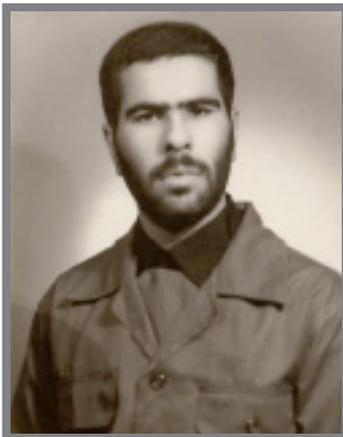
برادر عزیز، من راه^۱ اسلام را گرفتم و می خواهم این راه را ادامه بدهم^۲ و همیشه شهادت را من تعقیب می کنم و این را می دانم که نمی دانم کاری پیش می آید. اگر یک ناراحتی به من پیش آمده باشد، من از شما می خواهم که فرزندم را یک فرزند اسلامی به بار آورید و ضمناً این را هم برای شما وصیت می کنم که فرزند من را یک دکتر به بار آورید و به مردم مستضعف^۳ کمک بکند^۴ برادر عزیزم، من از اول که با سکینه ازدواج کردم^۵ و خودم برای خود^۶ آرزو کردم که یک پسر داشته باشم و آن را یک دکتر به بار آورم تا بتواند به برادران سپاه یا برادران ارتش و یا برادران مجاهد و یا برادران بسیج که در جبهه ها در حال جنگ هستند^۷ و زخمی می شوند به آنها کمک کند^۸ و آن ها را زخمی نگذارد تا از بین بروند و برادر عزیزم اگر زخم بخواند برود کاری به آن نداشته باشید و بگذارید برود و اگر بخواند با فرزند خودش زندگی بکند هیچ. من این وصیت نامه را که می نویسم از مال دنیا هیچ چیزی ندارم. برادر عزیزم من این راه را انتخاب کردم که من بروم به این راه و بمیرم تا که ایران به دست مزدوران عراقی و یا کردستانی نیفتد و دلم می خواهد که ضدانقلاب را سرنگون کنیم و هم وطنان با آزادی و دلشادی زندگی خودشان را ادامه دهند.

۱۶/۸/۱۳۵۹

-
۱. در اصل وصیت نامه جمله «من این راه راه، راه این اسلام را گرفتم» آمده بود.
 ۲. در اصل وصیت نامه جمله «میخواهم ادامه این راه را بدهم» آمده بود.
 ۳. در اصل وصیت نامه کلمه «که» آمده بود که حذف شده است.
 ۴. در اصل وصیت نامه کلمه «مستضعفین» آمده بود.
 ۵. در اصل وصیت نامه کلمه «کمکی بکنند» آمده بود.
 ۶. در اصل وصیت نامه جمله «من از اول ازدواج که ازدواج با سکینه کردم» آمده بود.
 ۷. در اصل وصیت نامه جمله «و خودم به خودم آرزو کردم» آمده بود.
 ۸. در اصل وصیت نامه جمله «در جبهه ها جنگ می کنند» آمده بود.
 ۹. در اصل وصیت نامه کلمه «می کند» آمده بود.

۲۱، ۲۳۲۹
برادر عزیز من این راه را از راه السعیم را که صحت و منافع آن را از راه
و هم در هم و همیشه شهادت ما من تقیب می کنم و این را من دانم که نمیدانم
که کار در پیش می آید و اگر یک نادر حق بر من پیشتر آمد با کد من از شما من خواهم
که فرزندان من را یک فرزند از راه سلامت آورید و من این را هم بر آن
و سبب می کنم که فرزندان من را یک دکتر در میان آنها برود و من مستحق آن هستم
گفتند برادر عزیز من از اول از دواج که از دواج با کد می آورم و خودم به خودم
آرزو کردم که یک سر و دست سالم و آن را یک دکتر در میان آنها بیاورم و من
سپاه و یا برادران ارشد و یا برادران حاضر و یا برادران بیک که در همه جا جنگ
می کنند و زخمی می شوند به آنها کمک می کند و آن زخمی را از اول از بین برونند و برادر
عزیز من و من پیشتر دانم اگر چه از اول بود کار که بر آن زدند و من خود را برود
آذربایجان غربی

نام: محسن
نام خانوادگی: الله وردی زاده
نام پدر: رضاقلی
نام مادر: مرحمت
تاریخ تولد: هفتم فروردین ۱۳۴۳
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی
تاریخ شهادت: یکم خرداد ۱۳۶۵
محل شهادت: حاج عمران عراق
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: شهرستان خوی



عبارت های کلیدی

* همه باید بدانیم که خداوند بر همه اعمال ما ناظر است. کوچکترین تهمت و بهتان کفران نعمت و معصیتی بزرگ می باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

با درود به پیشگاه مقدس آقا امام زمان و با درود به امام امت (و) بت شکن زمان و با سلام بر خانواده های معظم شهدا، وصیت نامه بنده حقیر و سر تا پا گناه محسن الهوردی زاده فرزند رضا قلی در مورخه ۶۵/۲/۲۷

خواستم نه به عنوان وصیت، بلکه به عنوان چند تذکر کوچک به شما امت حزب الله و خانواده عزیزم عرض کرده باشم. شما امت شهیدپرور همان طوری که تا به حال همیشه و در زمانهای حساس انقلاب ثابت کردید که پیرو نایب امام زمان (عج) (و) پیر جماران ارواحنا له الفدا بوده اید و به فرامین ایشان عمل نموده اید، از این به بعد هم که انشاءالله پیرو صادقی خواهید بود و دومین خواهشی که از شما امت حزب الله دارم مانع آمدن فرزندانمان به جبهه های نور علیه ظلمت نباشید. همه باید بدانیم که خداوند بر همه اعمال ما ناظر است. کوچکترین تهمت و بهتان کفران نعمت و معصیتی بزرگ می باشد.

برادر عزیز و مهربانم از اینکه به شما ازحمت داده ام خیلی پوزش می طلبم و برای شما صبر و اجر افزونی خواهانم. مادر عزیز از زحماتی که برای من کشیدی طلب عفو دارم و انشاءالله خداوند به شما ثواب آخرت بدهد که فرزندی برای اسلام فدا نموده ای و همیشه و در همه حال شکرگزار پروردگار متعال باشید.

خواهرانم از اینکه نتوانسته ام برادری مهربان و خوب برای شما باشم، معذرت می خواهم و انتظار دارم که بیشتر به عبادت پردازید. در فراق من گریه و زاری نکنید که موجب ناراحتی روحم شود.

اما ای همسر، از اینکه نتوانستم مسایل شما را درک کنم و یک همسر خوبی برای شما باشم، از شما حلالیت می خواهم و تنها خواهشی که دارم بیشتر به تربیت دخترم اهمیت داده و سعی کن دختری نمونه باشی و به فرزندم بگو که پدرت به تو خیلی عشق می ورزید و همیشه به یاد تو بود. در خاتمه از تمام کسانی که مرا می شناسند، طلب بخشش و عفو دارم

محسن الهوردی زاده

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم و خواهم و ~~بسم الله الرحمن الرحيم~~

فواششی که دارم بیشتر به تربیت دخترم ^{یادداشت}

اهمیت بده و سعی کن که فرزند

نفسه را ~~بهر~~ با ~~دیده~~ و به ~~دوره~~ زنده شود

پدرت به تو خیلی عشق می ورزید

و همیشه ~~بهر~~ ~~دیده~~ ~~بهر~~ ~~دیده~~

بود و در خانه از تمام کسانی که مرا

می ستاید طلب عفو و بخشش دارم

در حق من بابت ~~بهر~~ ~~دیده~~ ~~بهر~~ ~~دیده~~ و بدو

رسد ~~بهر~~ ~~دیده~~ ~~بهر~~ ~~دیده~~ ^{فرا رفته} به ~~بهر~~ ~~دیده~~

صیقل گرفته می توان دید خوش در جریان

است و به ~~بهر~~ ~~دیده~~ ~~بهر~~ ~~دیده~~

و به ~~بهر~~ ~~دیده~~ ~~بهر~~ ~~دیده~~ ^{یادداشت}

تو مان بدو کار می دارم که ~~بهر~~ ~~دیده~~ ~~بهر~~ ~~دیده~~

به ~~بهر~~ ~~دیده~~ ~~بهر~~ ~~دیده~~

چون وصیت نامه را ~~بهر~~ ~~دیده~~ ~~بهر~~ ~~دیده~~

و می توان ~~بهر~~ ~~دیده~~ ~~بهر~~ ~~دیده~~

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

ساعت ۱۲ ظهر ۱۳۹۷/۲/۲۵

نام: ابراهیم
نام خانوادگی: الهیاری
نام پدر:
نام مادر:
تاریخ تولد:
محل تولد:
تحصیلات:
ارگان اعزام کننده:
تاریخ شهادت:
محل شهادت:
نحوه شهادت:
مزار:



عبارت های کلیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

[...] ضبط صوت دارم بپردازید و اگر احیاناً کسی ادعا طلب‌کار بودن از من را کرد به آنها بپردازید (ابتدا از طریق فروش وسائلی که در این اطاق است) و از هر که طلبکار هستم چیزی نمی‌خواهم و حلال می‌کنم تکلیف بقیه امور به عهده برادر بزرگم حسین عزیز می‌باشد و هر تصمیمی که او با پدرم بگیرد صحیح است.
بامید دیدار روز موعود

ابراهیم الهیاری

۵۷/۹/۱۵

امضاء



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

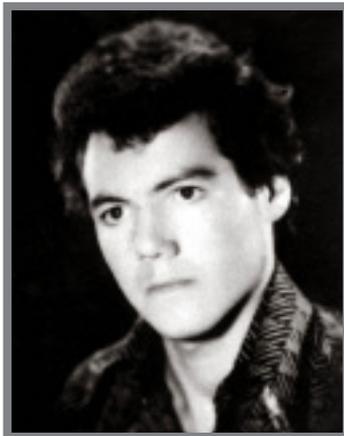
دین نامه یا وصیت نامه را در روز شنبه تمهید می نویسم من راهی
 را انتخاب کرده ام که با تمام تعلیم در وجودم به یادگار این راه ایمان
 بازم این راه را در حق است راه خداست که هزاران نفر
 به این راه رفته اند که اگر روزی اینست که من نیز سعادت
 سعادت در راه حق را داشته باشم راهی که مردان پاک خدا
 رسیده من همین صفتی که خدا آرزو داشته که بهتر از من خطا نمی
 کند سخته را حیران کنم همه مردم را دوست دارم و اگر روزی
 به دست دنیا و آخرت کفم است هیچ کس را دلاست
 نمی دهم و کسی بر او راهی و حق است فرزند باید که هر کس
 را قواکم مرا می بینند بدانند که تیرگی بدید من تسلیت
 به تمام مردم خواهد بود که مرا در جمع می خوانند که با کلامی است
 بزرگ و بزرگوار که در راه است آن است که به سعادت من و او
 موقع خرید با طری دقت کند تمام ری. او. و دیگر باشد



همه جان را دوست دارم ^{خشن} بیشتر از خودم و من خدایم
 را با آنکه عظمت بیشتر از همه شما دوست دارم خداوند
 کریم در قرآن می فرماید که اگر بنده گان من اگر مرادوست
 دارید در راه من بچنگید و اگر گان خود را بیشتر از من
 دوست دارید بچنگ من بیایید من به گفته نایب الامام
^{عبدالله شریف} حضرت میرزا محمد علی آل کمالی فرموده الشرف علیہ السلام را هر را
 آنچه ب من کنم که من دانم و با ایمان علی اعتقاد دارم که
 راه خداست و امید دارم که خداوند بزرگ بزرگ گان
 این بنده نالایق چشم ببوسد از همه شما می خواهم که راه خداوند
 در راه حق را فراموش نکنید بخداوند عزت ایمان داشته باشید
 در دنیا کارهای را که می گوید انجام دهید من نمی فرماید آن که به من بدنگار
 داشته جز شرفست تفاوتی نیست که می تواند با پس دادن سوم
 چیزهای شده و تفاوتها بول نقد که در تقییر و غیر تقییر مضموم
 موق خرید با شرفی وقت بگذرد می او و او که باشد

خوبی صورت دارد. بپرورید و آنرا احساناً بفرستید. در طلب
کتاب بروید ازین کتابگرد به کتابخانه بپرورید (دانشگاه اصفهان) فزونی
و شایسته که در این الحاق است (دانشگاه طب) هشتمین
منی موافقت و حلال می نم تکلیف بقیه امور به خنده برادر بزرگوار
عینی عزیز ما داشته بپرورید تقصیر که او با پرور بگرد هیچ است
با منیه دنیا را دور موقوف
ابوالحسن الهیوندی
۵۲۹۱۵

نام: خداوردی
نام خانوادگی: : الله یاری نژاد
نام پدر: حسین
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: دوم مرداد ۱۳۴۲
محل تولد: شهرستان خوی
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و سوم فروردین ۱۳۶۲
محل شهادت: موسیان
نحوه شهادت: اصابت ترکش
مزار: روستای ولدیان تابعه شهرستان
زادگاهش



عبارت های کلیدی

* جهاد دری است از درهای بهشت که فقط به روی عده معدودی از بندگان خدا باز می شود

* و بدانید که این دنیا مثل مسافرخانه ای است که وقت معدودی در آن خواهید ماند و بعداً به دنیای همیشگی مهاجرت خواهید کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جهاد ایثار و فداکاری را در انسان استحکام می‌بخشد و رزمندگان اسلام را به خدا نزدیک می‌سازد.

جهاد دری است از درهای بهشت که فقط به روی عده معدودی از بندگان خدا باز می‌شود. هستند عده زیادی که در سر خود آرزوی جهاد در راه خدا را می‌پروانند ولی چون لیاقت جهاد ندارند لذا نمی‌توانند به این آرزوی دیرینه خود برسند. امام حسین(ع) می‌فرماید این ستمکاران می‌کوشند چراغ هدایتی را که پیامبر(ص) میان امت من برافروخته است خاموش کنند، ولی توکل ما بر خداست. ما به سوی او باز می‌گردیم و بازگشت همه به سوی اوست.

پس ای امت شهیدپرور، چنان که آیه قرآن می‌فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۱ «ما از خدائیم و بازگشت ما به سوی اوست» پس با اطاعت از امر امام حسین(ع) از خواب غفلتی که شما را در خود فرو برده بیدار شوید و بدانید که این دنیا مثل مسافرخانه ای است که وقت معدودی در آن خواهید ماند و بعداً به دنیای همیشگی مهاجرت خواهید کرد.

اگر شما به دوستی شیطان تن در دهید و به اسلام اعتقاد نداشته و در جهاد اصغر شرکت نکنید بدانید که ناگهان بدن های شما آماجگاه تیرهای صدامیان خواهد بود و در آن روز بازگشت و توبه از شما پذیرفته نخواهد شد و برای شما گریزگاهی نیست.

چنان که به گفته رهبر عزیز که فرمود اخیراً در فاس مراکش ابرقدرت ها دور هم جمع شده اند و علاوه بر آن که اسرائیل را شناسائی کرده اند وی را یک دولت رسمی هم شناخته و بیمه کرده اند. پس بیائید با هم اتحاد برقرار کرده و در مقابل اسرائیل غارتگر بعد از تمام شدن جنگ تحمیلی مقاومت کنیم.

تو ای پیکر آهنین از سنگینی حق ناله مکن و بار طاقت فرسای وظیفه را مردانه به منزل برسان. و ای بر آن سرباز و رزمنده ای که در حین انجام وظایف خود در جنگ سستی کند

و یا به فرمانده خویش خیانت روا دارد.

خدایا به من آن لیاقت را بده که از گفته رهبرم که اطاعت از فرماندهان اطاعت از من است را به جای آوریم. چه ساعت و شب که آن شب چون فرا رسید با گفتن لبیک یا خمینی به حرفش اطاعت کنم و پوزه صدامیان را با دست امام مهدی (عج) به زمین بمالیم و از تو می خواهم که این لیاقت را به من عطا کنی.

ای مردم عراق می بینم که شما برای منظوری دور هم گرد آمده اید که انجام آن منظور خدای بزرگ را خشمگین می سازد و این نیت پلید شما موجب آن می شود که خداوند کریم روی از شما برگرداند.

تا زنده هستیم نمی گذاریم ستمکاران به دولت و فرماندهی برسند. مگر اینکه پس از مرگ سازمان سلطنت دیگران باشد. من هم به عنوان یک رزمنده به شما بشارت می دهم که تا خون در رگهای ما جریان دارد نخواهیم گذاشت که ابرقدرت ها بر ملت مظلوم حکومت کنند، مگر آن که همه ما شهید شویم و دیگر حزب الهی در جامعه وجود نداشته باشد.

پس مگر شماها نبودید که آرزوی شمشیر زدن در پشت امام حسین (ع) را می کردید. پس بدانید که کربلای حسین (ع) با یک صحنه دیگر شروع شده است. بدانید که وقت عذر تمام شده است و باید مشتاقانه برویم که امام فرمود مسئله جنگ را باید به این زودی حل کنید و راه قدس را از راه کربلا آزاد کنید.

سخن خیر بگوئید تا بدان معروف شوید و کار خیر کنید تا با اهل خیر شوید و عجول و فاش کننده راز نباشید. (قال علی (ع))

ای پدران و مادران، کار خیر شما فرستادن فرزندانان به جبهه ها می باشد. مبدا از رفتن پسرانان به جبهه جلوگیری کنید که فردا در محضر خدا نمی توانید جواب زینب (ع) را بدهید که او تحمل ۷۲ شهید را کرد و من هم بشارت (می دهم) که راه کربلا به این زودی باز خواهد شد.

به امام زیاد دقت کنید و خود را تسلیم او سازید و به خانواده های شهدا زیاد احترام بگذارید. چون امام فرمود: خانواده های شهدا چشم و چراغ این ملت هستند و به آنها آزار نرسانید که رهبرمان گفت هر کس خانواده های شهدا را آزار دهد مثل اینکه مرا آزار کرده است و از این نوع افراد زیاد حرف بپرسید که معدن ایثار و شهادت هستند و از من به عنوان وصیت این را قبول کنید.

ای پدر^۱ و مادرم، افتخار کنید که زینب در قیامت به شما ها افتخار خواهد کرد و شاد باشید که امانت را به امانتدار خود سپردید و به من اصلاً گریه نکنید که خودم این راه را انتخاب کردم و با هدف خویش هم شهید شده ام و دعای امام از یادتان نرود و به خانواده های شهدا زیاد احترام بگذارید که چون وصیت امام است.

(با) کسانی که به امام بدبین هستند رفت و آمد نکنید و از خواهران و برادرانم می خواهم که به من گریه نکنند و به من ناکام نگویند. چون من خودم به این راه رفتم و شهید شدم و کاری کنند که منافقین رسوا شوند و اسلحه مرا به زمین نگذارند.

ای ملت غیور، از شما می خواهم که دعای امام از یادتان نرود و همیشه به حرفهای او عمل کنید و نگذارید منافقین و گرانفروشان ملت را از انقلاب ناراضی کنند و مسئله جنگ را از یاد نبرید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

۱۳۶۲/۱/۱۶

۱. در اصل وصیت نامه کلمه «پر» آمده بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۶ / ۱ / ۳

خداوند!... تو خود میدانم عملگر دما، نه برای آن است که پسر یاست و سلطنت
 دست یابیم و ما از روی دشمنی و کینه تیزی، سخن بگوئیم، لیکن، بیگار ما برای این است که
 پرچم آئین تو را بر افراشته گردانیم.
 (حضرت امام حسین علیه السلام)

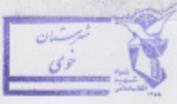
آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند
 بسم الله الرحمن الرحيم
 سرید الشهداء والهدی القین

خداوردی الهیاری ۷۲,۵۳۹۴

جهاد افتاد و دنیا بکامی و بدست انسان است و کما می بینید و در سر کافران اسلام با خود از توبه می سازند
 جهاد برای این است از راه های دوستی که فقط به روی خود نمی رود و بی خودی از زمین کمان خدا بازی می شود همیشه بقیه ای
 باقی می ماند و در سر خود کتبی جهاد در راه خدا برای پروردگاری چون بیایست جهاد در راه خدا لغای تو است
 بیایستی اگر تویی دوست خود برسد.

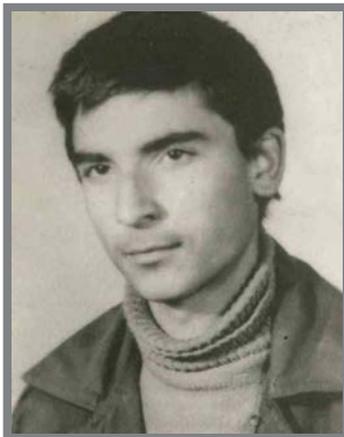
سلام بر منی که می آید این مسلمانان می گویند چون خدا تو را که پیامبر (ص) می آید امت من تو هستی
 داشت خلقتش که تو را تو را که ما بر خدا است ما نسوی او بازی می تویم و باز است همه نسوی او هست
 این او است همیشه بر هر حیوان که آید هر آنی می فریاد. ان الله و اننا لله و اننا اليه راجعون (ما از خدا می آید و باز است)
 (عسوی او است) پس با اطاعت آن امر هر چه تو را (استخوان غفلت که شما را در خود فرو برده است
 شود و بداند که این دنیا عمل با حق خداست که وقت معهودی در آن نخواهد ماند و بعد از
 نمودنای جنگی می آید و بعد از آن که در وقت شیطانی تو در دهر و بدست اسلام اقتدار
 نداشتی و جهاد با حق می آید که بداند که در کوهان لیزهای شما اما نگاه تیرهای خدا می آید
 خواهد بود و در کوهان عزت باز است و تو در آنجا بودی تو را اهد شده و برای آنها لوبه طاق
 است چنانکه بد گفتی بعد از آن که در کوهان لیزهای تو را لیس مرگ است و در هم جمع شده اند
 و علاوه بر آنکه این لیس (سلسله ای) که در کوهان لیزهای تو را لیس مرگ است و در هم جمع شده اند
 این بیایند با هم اتحاد بر تو کرده و در مقابل اسلام با تو را که در تمام دنیا جنگ جهانی است
 تو را که این لیس مرگ از دست تو می آید که در کوهان لیزهای تو را لیس مرگ است و در هم جمع شده اند
 بر من که بر من وای تو را که در کوهان لیزهای تو را لیس مرگ است و در هم جمع شده اند

کانون سیاه پاسداران لشکر ۳۱ عاشورا



VIA
۲۹

نام: محمد
نام خانوادگی: امراهی
نام پدر: یحیی
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: دهم مرداد ۱۳۴۴
محل تولد: روستای قره قشلاق از توابع
شهرستان سلماس
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و پنجم فروردین ۱۳۶۲
محل شهادت: شرفانی
نحوه شهادت: -
مزار: روستای قره قشلاق



عبارت های کلیدی

✳️ شعار مرگ بر آمریکا یادتان نرود، چون مسئله اصلی با آمریکاست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احيا عند ربهم يرزقون^۱
گمان نبرید آنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند، بلکه آنها زنده اند و در نزد پروردگارشان روزی می خورند.

در مرحله اول از شما ملت شهیدپرور ایران می خواهم که گفته های این امام آگاه و این امامی که مثل کوه بر جای خویش استوار است، اطاعت کنید و با عمل این کار را انجام دهید، چرا که عمل غیر از گفتن است. برادران و خواهران مسلمان، شما نباید در حفظ و نگهداری اسلام و قرآن سستی کنید. سستی شما عزیزان اسلام را به خطر می اندازد و در این حالت نمی توان کار کرد.

پیام من به برادران حزب الهی این است که جای رزمندگان و شهیدان را در جبهه خالی نگذارند. و چنان که امام بزرگوار خمینی کبیر می فرماید: جوانان بروند به جبهه و این مسئله را زود حل کنند و جبهه رفتن واجب است.

دیگر (اینکه) شعار مرگ بر آمریکا یادتان نرود، چون مسئله اصلی با آمریکاست. اسلام با آمریکا سر و کار دارد. دیگر نمی خواهم مزاحم شما عزیزان بشوم. و در آخر از دوستان و آشنایان می خواهم که آنچه از من بدی دیده اند مرا ببخشند و از پدر و مادرم تمنا می کنم که برای من گریه نکنند، چرا که شهیدان زنده اند.

والسلام

محمد امراهی

۷۳
۷۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۷۳
۷۳

وصیت خانم محمد امراهی

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفَعُونَ»
(گمان نبرید آنکه کتله در راه خدا کشته شده‌اند و مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و در نزد پروردگار سزا
روزی می‌خورند)

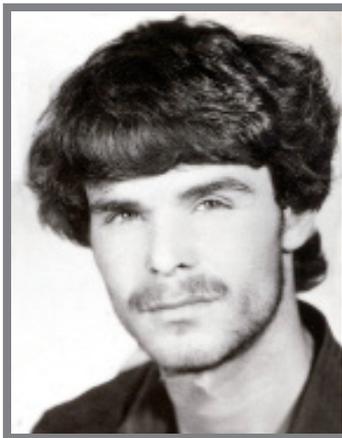
در مرحله اول از مسأله استعجابی پروردگاران می‌خواهم که گفته‌اند هر این امام آگاه و این امامی
که مثل که در جوار خورشید استوار است اطمینان کنید و با عمل این کار را انجام دهید
چون که عمل غیر از گفتن است برادران و خواهران مسلمان شما نباید در حفظ و نگهداری
اسلام و قرآن سستی کنید سستی شما عزیزان اسلام را به خطر می‌اندازد در این
حالت شما ندانید کار کرده.

پیام من بر برادران فرزانه‌های این است که جبار و مستغنی اسلام با سستی آن را در جیب
خالی نگذارند و میدانند امام بزرگوار حسین کبیری فرمایند جوانان بروند به جیب و این
مسئله را از نو در حل کنند و به جیب رفتن واجب است.

دگر به فضل است... منتظر معاصرتک بر کس که از یادمان نرود چنین مسئله اصلی با
آنکه نیست اسلام با آنکه می‌سودند دارد دیگر نمی‌خواهم می‌فرزندان بدوم و در آن
از روستان و آستانیان می‌خواهم که آنگاه ازین می‌برود به‌اندازه مرا بیخفتند و از پروردگارم تقاضا
می‌کنم که برابر من گریه نکنند چرا که سستی آن زنده‌اند.

والسلام

نام: محمد علی
نام خانوادگی: امراهی قلعه جوق
نام پدر: فرمان
نام مادر: سلطان
تاریخ تولد: دوم دی ۱۳۴۳
محل تولد: سلماس
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و سوم تیر ۱۳۶۱
محل شهادت: پیرانشهر
نحوه شهادت: اصابت گلوله
مزار: سلماس



عبارت های کلیدی

* هیچ نیرویی یارای مقابله با نیروی ایمان نیست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَطِيعُوا... وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^۱

حالا بر هر مؤمن متعهد و دوستدار خدا و وظیفه ای بس خطیر محول شده است که باید هر انسان عاشق راه الله^۲ را با جان و دل خویش به پایان رساند و کوچکترین غفلتی به خویش راه ندهد که موجب مرگ و نابودی است. ای ملل مستضعف و دربند کشیده مسلمان به پا خیزید. به پا خیزید که سکوت شما مایه ننگ شماست. به پا خیزید و با برخاستن خویش به دنیا و ابرقدرت‌های شرق و غرب بفهمانید که هیچ نیرویی یارای مقابله با نیروی ایمان نیست و در مقابل آن یک ذره ای نیز به شمار نمی‌رسد، چه برسد که در برابر نیروی ایمان بایستد. اکنون من نیز به یاری خداوند و امر امام امت خمینی بت شکن اعزام برای جنگ با کفار می‌شوم و تا جان در بدن دارم تمام وجود خویش و قطره قطره خون خود را در این راه می‌گذارم. امام امت که فرموده‌اند جوانان عزیز داوطلبانه به جبهه بروند و مسئله را حلش کنند، اکنون من نیز به فرمان امام لیبیک گفته و به جبهه اعزام می‌شوم تا خدمتی به اسلام عزیز نمایم.

در پایان از پدر و مادرم می‌خواهم که هر چه بدی از من دیده‌اند به بزرگواری خویش ببخشند تا زمانی که من به خواست خداوند شهید شدم با خیال آسوده روحم از دنیا اوج بگیرد و به دیار ابدی بشتابد. در پایان برای پدر و مادرم از خداوند متعال مغفرت و دعای خیر می‌خواهم.

محمدعلی امراهی

۱۳۶۱/۴/۱۲

۱.سوره نساء / آیه ۵۹

۲. دراصل وصیت نامه کلمه " آن " آمده بود که حذف شده است

وصیت نامه
بسم الله الرحمن الرحيم تاریخ ۰۲/۰۲/۱۳۹۱

وَدَعُوهُ لِلسَّعِيْدِ اِنَّ لَاسْمُوْتِ نَفَقٍ يَتَعَلَّمُ الْقُرْآنَ اَنْ يَكُوْنَ فِي تَعَلُّبِهِ

بسم الله الرحمن الرحيم تاریخ ۰۲/۰۲/۱۳۹۱ در سال میلاد خودم این وصیت نامه را برای
انگاز و ارشاد برای خانواده، مادرم و خودم خوانم و بعد از آنم ریور و همسایه های من کنم لا اربابا
اندا و فرزندانی را فرزندانی نکند لا لیک به صدای امام و است بگویند و دست از دامن خودمان
باز نکنیم همیشه در خدمت روحانی مبارز با دشمنان به دستور رهبریم به جبهه حق علیه
اطلاق بروم اگر من شهادت دهم یا مظلومانه شهید شوم و هیچ گونه کفریه و زاری و ناراحتی
ندیدم این اسلام امتیاح به خدایم دارد و حضرت امام حسین (ع) با یاران خود را فدای دین
اسلام می کرد ای ترکان در راه خود نمودن در مدرسه امام خمینی درس خواند اما با بدستور
نمودم به دانشگاه عشق من روم مادر عزیزم لیلی و کتاب رسایل نبیه به هلال مهر شهرستان سلمان
شاه کردستان سالار شهیدانم خون من بدل جانیت تا میروم قرآنم
با اسلام کنم و دوستانم و هم کسانم عزیز و همسایه هایم را به این زودی راه قوچ و کردی با اینها
و با آنرا شود نماز صبح و بعد از آن کار و نماز ظهر در کربلا حضور رجب برسانید امیدوارم شما دوستانی
نرم نسیم مثل ما بیخ شویید به فدای رهبر ای کتبید عازم جبهه حق علیه باطل شویید

ای در آستانه در بیستی فدای جان فدا دار بیستی فدای همتدارا گفته لید
نمای کردی و در بیستی درخت غم به جانم ریخته کرده به درگاه خدا تا نام همیشه
فریاد من قدر کند و بگویند این تکست و آدم مثل من

تاریخ ۰۲/۰۲/۱۳۹۱ محمد علی اسراعی



شهرستان: سلماس نام: محمدعلی م. خانوادگی: امراهی تاریخ تولد: ۱۳۲۳

محل تولد: سلماس تاریخ شهادت: ۱۳۴۴/۴/۲۳ محل شهادت: بیرانشهر

میزان تحصیلات: دیپلم نام عملیات: ارگان مربوط: (سپه)

~~~~~

وصیتنا به برادر شهید محمد علی امراهی  
"بسم الله الرحمن الرحيم"

( انا بعد الله واشبعوا الرسول واولی الامر منکم، محمد بن ابراهیم ۱۱۰، ۳، ۲۳ )

حالا برهر مسومن متعهد و دوستدار خدا و نایبهای پس خاتیر محول شده است که باید هر انسان عاشق راه الله، آتربا جان و دل خویش به پایان رساند و کوچکترین غفلی به خویش راه ندهد که موجب مرگ و نابودی است، ای ظل مستضعف و دریند کشیده مسلمان بها خیزید، بها خیزید که سکوت شما مایه تنگ شهادت بها خیزید و باسرخاستن خویش به دنیا و ایرقد رتبهای شرق و غرب بفهمانید که هیچ نیروئی مبارای مقابله با نیروی ایمان نیست و درمقابل آن یک ذره ای نیز بشمار نمی رسد چه برسد که در برابر نیروی ایمان بایستد. اکنون من نیز بیاری خداوند و امر امام امت خمینی بت شکن اعزام برای جنگ با قمار میشوم و تاجان دریدن دارم تمام وجود خویش و قاره قاره خون خود را در این راه میگذارم. امام امت که فرموده اند جوانان عزیز داوطلبانه به جبهه بروند و مسئله را حلش کنند اکنون من نیز به فرمان امام لبیک گفته و به جبهه اعزام میشوم تا خدمتی به اسلام عزیز نمایم. در پایان از پدرو مادرم میخواهم که هرچه بدی از من دیده اند به بزرگواری خویش ببخشند تا زمانی که من بخواست خداوند شهید شدم با خیال آسوده روحم از دنیا آج بگیرد و به دیار ابدی بشتابد در پایان برای پدرو مادرم از خداوند متعال مغفرت و دعای خیر میخواهم.

محمد علی امراهی

۶۱/۴/۱۲



۲۷۸۲-۲-۱

نام: مهدی  
نام خانوادگی: امینی قاضی جهانی  
نام پدر: ابوالفضل  
نام مادر: جمیله  
تاریخ تولد: هفدهم اسفند ۱۳۴۵  
محل تولد: شهرستان خوی  
تحصیلات: دانشجوی دوره کارشناسی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نوزدهم دی ۱۳۶۵  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: شهرستان خوی



### عبارت های کلیدی

- \* دوست دارم این بار حسین وار بجنگم و حسین وار شهید شوم.
- \* هر کس از ما پیامی و کلامی می خواهد آن را در امام بجوید.
- \* عرفان و اخلاص و تقوی و صفا و لقاء در کنار راحت دنیا و در میان تریبون ها و سمینار ها و اجلاسیه ها و مجالس اخلاق پیدا نمی شود.
- \* تقوی و اخلاص و لقاء در زیر لحاف های گرم و نرم پوست خز پیدا نمی شود.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت نامه ما شامل کلیه نامه ها و دفترها و مطالبی که نوشته ایم می باشد. صبح چهارشنبه ۱۷/۱۰ کنار خاکریز در محوطه گردان ساعت ۱، ۴/۱ این مطالب را می نویسم. از کار روغنکاری اسلحه ها فارغ شدم و جنونی ساختم و آمده برای نوشتن. هر لحظه آماده ام تا به منطقه عملیاتی برویم. تصمیم گرفته بودم بعد از رفتن صفایی و بهداد دیگر نخندم، شادی نکنم. از خدای تعالی نیز خواسته بودم که دیگر روی خوش این دنیا را برویم نشان ندهد و مرا هیچ وقت مسرور نگرداند مگر به لقای خوش و نیکوی حضرتش. اما امروز این تصمیم را شکستم و دارم با برادرها شوخی و مزاح می کنم و خلاصه حسابی شاد و سرحالم چرا که برای پیوستن به شهدا دارم بار و بنه سفر را می بندم. نمی دانم چه در پیش است. ولی احساس می کنم که هنگامه خوش لقا نزدیک باشد. فراوان از خدای تعالی درخواست کرده ام و می کنم که در میدان جهاد و توفیق استقامت، صبر و صلابت و سرانجام شهادتی حسین گونه برایم عنایت فرماید.

دوست دارم این بار حسین وار بجنگم و حسین وار شهید شوم. تا یادم نرفته بگویم که من و برادرم جعفر صادق وصیت نامه ای ننوشته ایم. چرا که هم وقت نشد و هم مطلبی نداشتیم و در خود لیاقتی سراغ نداشتیم که بنویسیم. مطلب را هر چه بود شهدا با خون خود بر صفحه تاریخ خونبار نهضت حسینی ما نگاشتند و چه خوب نگاشتند.

هر کس از ما پیامی و کلامی می خواهد آن را در امام بجوید. سخن را سخنسرایان فراوان گفته اند و شعر و سرود شاعران بسیار سروده اند و آهنگ و آواز را نغمه سرایان زیاد سر داده اند. هان، ما نه شاعریم و نه سخنران و نه نغمه خوان. امانتی بودیم که باید تحویل صاحب اصلی مان می شدیم.

وظیفه ای داشتیم که باید عمل می کردیم. خونی داشتیم که باید در راه اسلام بر خاک می ریختیم تا فردا و فرداها هزاران هزار حسینی سر از زمین بردارند و دوباره همه جا را کربلا و هر روز را عاشورا سازند.

ما عبدی بودیم که می‌بایست به مولا که خواسته و ناخواسته می‌بایست به مولا رجوع داده می‌شدیم. و خدای تعالی بر ما منت گذارد و این رجوع ما را احسن قرار داد و جزع ما را معراج و پرواز از خاک تا آنسوی افلاک که ما نه عزم سفر داریم و قصد سخنرانی و شعرخوانی و غزل‌سرایی برای مان بعد از ما.

این عرصه، عرصه عمل است میدان، میدان جهاد است و آنانی که در نهایت راحت این دنیا به سرداران سرود عرفان، عشق، اخلاص، صفا، لقاء و هزاران القاب و عناوینی چنین و چنان پرداخته‌اند جز لاف و گزاف به چیزی دگر مشغول نیستند.

و آنها که کتاب و مقاله و گفتار در مراتب سیر و سلوک می‌نویسند و دل خود را به این عناوین و القاب و مشغولیت‌ها خوش کرده‌اند بسی در غفلتند و فراوان در خواب.

عرفان و اخلاص و تقوی و صفا و لقاء در کنار راحت دنیا و در میان تربیون‌ها و سمینارها و اجلاس‌ها و مجالس اخلاق پیدا نمی‌شود.

هان ای طالبان عرفان و اخلاص و ای دم‌زندگان از لقاء و وصال و ای شکوه‌کنندگان از فراق و غربت خود را به این ظواهر و تجملات اخلاقی نفریبید و فریفته‌بندگانش نیز نشوید. هر کس هوای لقاء مولا دارد بسم الله، پای در میدان عمل گذارد و بیابد آنچه را که می‌خواهد. این گوی و این میدان.

تقوی و اخلاص و لقاء در زیر لحاف‌های گرم و نرم پوست خز پیدا نمی‌شود. جام شیرین وصال را در چای خوری‌های مجالس ظاهری اخلاص و عرفان نمی‌توان یافت و زنگار صفحه دل را با مطالعه کتب مکتوبه نمی‌شود پاک نمود. هر کس طالب تقوی است خود را در میدان جهاد اندازد و ایمانش و تقوایش را در زیر آتش خمپاره و گلوله‌های سرخ و آتشین که به سینه انسان نشانه می‌روند بیازماید. که چقدر مرد حلاجی است. هر که طالب اخلاص است سر به سوی کوی مخلصان بگذارد و از خرمن اخلاص مخلصان جبهه خوشه‌بچیند و هر آنکه از لقاء و وصال دم می‌زند قدم به سوی سربداران صحنه جهاد بگذارد و ببیند که اینان چه آسان از قید و تعلقات دنیوی خود را رهیده‌اند، سر سپردن در راه حضرتش چقدر برایشان راحت است. راحت تر از سخنرانی‌ها و دم‌زدن‌های لفاظان. آنانی که یک عمر سنگ‌الزمان (عج) را به دروغ به سینه زده‌اند و سرگردان و حیران به دنبال حضرتش می‌گیرند.

بیایند و بنگرند که چه سان این بسیجی‌ها هر شب در کنار حضرتش در چه مجلس انسی نشسته‌اند، حافظان قرآن بیایند و قرآن مجسم را در الله اکبر لحظات آخر شهادت شهدای

این دیار بنگرند و زاهدان و صوفیان برای عرض ادب به پیشگاه این مشایخ زهد و عرفان گام به این دیار گذارند. چه گفتم و چه می خواستم بگویم. الله اکبر. ببین سخن به کجا کشید. داشتم وصیت نامه خودم و برادرم جعفر صادق را می گفتم.

در مورد کفن و دفن

اولاً اگر جنازه ما مفقود شد از والدین محترم تقاضا می‌کنیم که هیچگونه ناراحتی و حزن و اندوه به دل راه ندهند که این نهایت آرزوی ما بوده و هست و قطع و یقین بدانند که مادرمان فاطمه زهرا(س) و مهدی فاطمه(ع) بالا سر ما هستند و هوای ما را دارند. ثانیاً اگر جنازه ما به دستتان رسید هیچکس حق خواندن نماز برای ما را ندارد، جز حاج آقای الهیارلو حفظه الله تعالی.

ثالثاً جنازه ما حتماً در کنار برادران مان در گلزار شهدای خوی دفن شود.

رابعاً مجلس عزاداری ما را هیچ یک از مساجد خوی حق ندارند برگزار کنند جز مسجد امین الله که حاج آقا امینی با عمری زحمت و تلاش و پول حلال و نیت خالص برای خدای تعالی آن را ساخته اند.

در مورد اینجانب مهدی امینی: حدود ۳۰۰۰ تومان پول در بانک مسکن شعبه مرکزی تهران دارم و دفترچه اش نیز در دانشگاه است لطف نموده و حساب خمس آن را از جمع کارکرد آن در چندین سال که حساب داشتم حساب نموده و پرداخت نمایند به حساب امام امت. و همچنین برادر جعفر صادق در بانک مسکن خوی حدود ۶۰۰۰ تومان پول دارند که آن را نیز حساب خمسه را جدا نموده و بقیه به والدین محترم تعلق دارد.

اینجانب مهدی امینی مدت ۱ ماه روزه واجب دارم که ۱۴ روز آن متعلق به برادر عباس مختارخانی است که برایشان نذر کرده بودم. اگر خودشان سالم بودند، خودشان بگیرند از اینکه من به علت مرضی نتوانستم بگیرم عذر می خواهم و اگر نشد لطف کنند و خلاصه بگیرند. صمناً برادر جعفر نیز حدود سه ماه روزه قضا دارند که خانواده محترم سعی کنند جبران نمایند.

**مهدی امینی.**

**جعفر طایفه باقرلو**

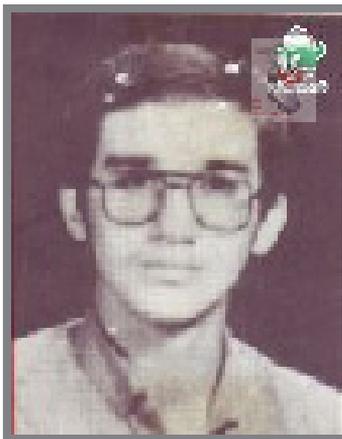
۶۵/۱۰/۱۷

مهدی امینی: دفترچه یادداشت من و همچنین چندین برگه و دفترچه کوچک در دانشگاه لابلای کتابهایم نیز جزو وصیت نامه می باشد.





نام: امیر  
نام خانوادگی: اولاد دیلمقانیان  
نام پدر: اسدالله  
نام مادر: عفت  
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۹  
محل تولد: ارومیه  
تحصیلات: اول متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نوزدهم دی ۱۳۶۵  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: باغ رضوان زادگاهش



### عبارت های کلیدی

- \* انشاءالله از مردان خدا باشید.
- \* در راه اسلام قدم بردارید و برای اسلام تلاش کنید.
- \* پیروزی و فتح ما حتمی خواهد بود.

## بسم رب الشهداء و الصدیقین

انا لله<sup>۱</sup> و انا الیه راجعون (ما از سوی خدا آمدیم و به سوی او برگردانده می شویم) خداوند درهم کوبنده منافقان اسلام و درود بر شهیدان کربلای حسین (ع) سلام بر یاران باوفای حسین و امام امت و ابراهیم زمان و حسین زمان، خمینی حامی مسلمین و مستضعفین جهان.

درود به یاران با وفای امام، درود بر تمام شهیدان گلگون کفن کربلای ایران. سلام بر عاشورای حسین (ع)، سلام بر سنگرهای پرخون مرزبران که توسط مزدوران بیگانه و جیره خواران شرق و غرب از آستین صدام خائن به در<sup>۲</sup> آمده است، مرگ بر منافقان [که] می خواهند این انقلاب نونهال ایران را ناتوان سازند.

ولی باید بدانند ملت مسلمان ایران مثل هر سلاح ایمان به خاطر برپائی حکومت الله به جمهوری اسلامی رای آری داده است و در پای رای خود تا آخرین قطره خود تا آخرین نفس خود ایستادگی خواهند کرد تا استعمار شرق و غرب را به جای خود بنشانند. به یاری خدای متعال و رهبری امام امت، بت شکن، این انقلاب را از مرزهای کشور به کشورهای دیگر ما به کشورهای اسلامی صادر خواهیم کرد. حتی اگر به جای زمین خون جاری شود صدام خائن و دیگر مزدورانش کوچکتر هستند که بتوانند جلوی این رهبر و ملت به خروش آمده را بگیرند.

نیروهای نظامی پاسداران مردم ایران زمین به یاری [...] صدام یزید و دیگر مزدورانی که با صدام خائن همکاری می کنند، چنان درسی خواهند داد که بدانند یک من گندم چند مثقال است. صدام خائن به عذاب خدا دچار شده و با دستهای خود قبر ننگین خودش را می کند. چنان دیوانه شده است که محمدرضای معدوم چنان دیوانه نشد. برادران! شما را به خدا قسم اگر انشاء الله شهادت نصیب من روسیاه شد جنازه مرا به خانواده ام تحویل دهید موقع دفن

۱. اصل: انا الله آمده است.

۲. اصل: بدر آمده است.

به زادگاه خودم ببرند و در آنجا دفنم کنید و دیگر آنکه سلام بر پدر و مادر چشم براهم. درود بر شما و خدا انشاءالله به شما سلامتی و صبر عنایت بفرماید. پدرجان و مادرجان! اگر قسمت شد و دیگر برنگشتم به خانه شهادت رسیدم شما را قسم به خدا می‌دهم [...] مثل آن اشخاص نباشید که اگر یک حادثه ناگوار برایشان پیش آید دیگر خدا را از یاد می‌برند ولی من امیدوارم که آن اشخاص نباشید از آن مردان خدا باشید که در چنین مراحل خدا را شکر می‌کنند. امیدوارم که انشاءالله از مردان خدا باشید.

خداوند در آخرت به شما عوض دهد. پدرجان! از تمامی قوم و خویشان و از همسایگان و دوستان برای من حلالی بگیرید. پدرجان! در مجلس ختم من زیاد خودتان را به زحمت نیاندازید. فقط دعا کنید که اسلام پیروز باشد.

اگر انشاءالله اسلام پیروز شد پس فرزندی دارید و هم این دنیا و هم آخرت دعا کنید که خداوند گناهان مرا ببخشد. دیگر عرضی ندارم خداوند شما را در راه اسلام ثابت قدم کند و شما هم در راه اسلام قدم بردارید و برای اسلام تلاش کنید بر بالای سنگ قبرم کلمه ناکام را ننویسید چون من این راه را به اختیار خودم رفتم. بالای سنگ قبرم را گل لاله بکارید<sup>۱</sup> و در پایین سنگ قبر اگر توانستید شکل یک کلاشینکف را کنده‌کاری کنید.

والسلام علیکم و رحمۀ الله و برکاه

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

۱. ناخوانا است.

۲. اصل: بکنید آمده است.

سختی با دوستان و آشنایان و امت حزب الله

### رب اشرح لی صدری و یسرلی امری و احلل عقده من لسانی یفقه قولی

با درود و سلام بیکران بر امام زمان و نائب بر حقش امام خمینی این درهم کوبنده ستمگران و یاور مستضعفان و با عرض تبریک و تسلیت به خانواده‌های معظم شهدا و با آرزوی صبر و مقاومتی فولادین به خانواده‌های عزیز مفقودین.

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیا عند ربهم یزرقون<sup>۱</sup>

با درود بر شهیدان تاریخ پرفراز و نشیب که برای استقرار مکتب توحید و تشیع سرخ علوی و تمامیت ارضی خود جهاد کردند و شربت شهادت نوشیدند و درود بر رهبر کبیر انقلاب امام خمینی که باعث شد تا مسلمانان ایران به خویشتن خویش باز گردند و بر علیه طاغوت ۲۵۰۰ ساله بشورند و او را از تخت فرعونیی خویش بزیر آورند و وطن را از لوث وجود ناپاکش پاک کنند.

آری زمانی فرارسیده که رسالت خود را نسبت به خدا و خلق ادا نمائیم و امید بر اینکه با توسل به خداوند متعال بتوانیم تمام دشمنان اسلام و مسلمین را از کشور خود خارج کنیم و این یکی از وظایف هر مسلمان است که با تجاوز به اسلام و ناموس و وطن در مقابل هر تجاوزگری ایستاده و تا آخرین نیرو آن را نابود و از کشور اخراج کند و اکنون زمانی فرا رسیده که با این یورش به متجاوزین عراقی که از هیچگونه عمل غیراسلامی و غیرانسانی مقابله نمی‌کنند نشان دهیم که دین خدا تا چه سرنوشتی چه خواهد شد آیا با این جملات زنده به کاشانه‌ام بازمی‌گردم یا آینده [...] بررسی کنیم در هر صورت هر دو برای ما سعادت و کامیابی را دربردارد و این یکی از مزیت‌هایی است که ما کشته شدن به بهشت می‌رویم و دشمن با هلاک شدن خشم و عقوبت الهی را در انتظار دارد ولی با امید به قدرتی داریم که هیچ قدرتی بالاتر از آن نیست. خداوند بر ما منت نهاده که در جبهه حق می‌جنگیم و این خود شکر بینهایت را دربر دارد که ما بندگان هرگز قادر نیستیم شکر آنرا به جا آوریم. اما نمی‌دانم! نمی‌دانم چگونه انسان پذیرای این راه حق نمی‌شود و سعادت را انتخاب

۱. آیه سوره

۲. ناخوانا است.

نمی‌کند و این خود جای تاسف است که انسان نمی‌خواهد در این راه قدم بردارد و رو به سوی انحراف و انحطاط سوق پیدا می‌کند اگر بخواهیم با این مسائل بحثی داشته باشیم به حدودی که انسان را ارضا کند نخواهیم رسید مگر اینکه اسلام را شناخته و تا اینکه راه حق را پیدا کرده و در کانال اسلام و انسانیت حرکت کنیم.

امید بر اینکه تمام ما بندگان خداوند در پی آن باشیم که اسلام را شناخته و بدان عمل کنیم که در اینصورت رضایت او را فراهم کرده‌ایم. و حال که آماده‌ایم در راه خدا جهاد کنیم سلاح شهادت خود را به همراه داریم تا زمانیکه این سلاح در اختیار ماست پیروزی و فتح ما حتمی خواهد بود و به این آرزو به پیش می‌رویم تا افتخار شهادت نیز نصیب ما شود. همچنانکه حسین و علی (ع) در مقابل ستمگران تسلیم نشدند و شهادت را با آغوش باز پذیرا شدند.

ما نیز با سرمشق قرار دادن این مردان بزرگ و رهبران بشر به مقابله با خصم می‌رویم در این صورت دشمن بداند که ما تسلیم نخواهیم شد و تا آخرین نفس در برابر ایشان می‌ایستیم پس چه بهتر که در این راه انسان معتقد و با ایمان کشته شود، بالاخره ما در گور خواهیم رفت و نیز اگر تمام ستمگران هر چه زودتر نابود شوند همه جهان سراسر بهشت برین می‌شود و در اینجاست که انسان رو به رشد و تکامل می‌رود و راه خودسازی و سعادت را می‌یابد و در اینجا هم بندگان از خالق راضی هستند و هم خالق از مخلوق رضایت خواهد داشت و این خود هدف ماست که انشاءالله بالاخره به آن خواهیم رسید.

والسلام علی من التبع الهدی

امیر اولاد دیلمقانی

امضاء<sup>۱</sup>

---

۱. در پایان وصیت نامه آمده است. هسته مقاومت بسیج دانشآموزی و انجمن اسلامی دبیرستان شهید دکتر چمران و تبلیغات و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه



مثل آن اصحاب نباشید که اگر ماه حادثه تا کوار برایشان پیش آید تا بگر خدا را از یاد من برند و این من استوار  
 که آن اشخاص نباشید از آن مردان خدا باشید که در چنین مراحل خدا را شکر من کنند امیدوارم که انشاء الله  
 از مردان خدا باشید خداوند در آخرت به شما عیب دهد بدر جان از شامی قویو عیبشان و از حسابان و  
 دوستان برای من جلالی بگردد بدر جان در مجلس ختم من زیاد خودتان را به رحمت نیاندازید فقط دعا کنید  
 که اسلام پیروز باشد اگر انشاء الله اسلام پیروز شد پس فرزندی دارید و هم این دنیا و هم آخرت دعا کنید کسیه  
 خداوند گناهان مرا ببخشد تا بگر منم ندارم خداوند شما را در راه اسلام ثابت قیوم کند و شما هم پیروز اسلام  
 قدم بردارید و برای اسلام تلاش کنید بر بالای سنگ قیوم کلمه تا کام را ننویسید چون من این راه را به اختیار خودم  
 رفتم بالای سنگ قیوم را گل لاله بکنید و در پایین سنگ قبر اگر توانستید شکل یک گلشنک را کنده کاری کنید  
 والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خدا یا خدا یا تا انقلاب مهدی حسین را تکبیرار

وصیتنامه بنده گنبدگار امیر اولاد دایمقامان اعزاسی از اربوبه به لشکر ۳۱ خاشیوا

سخنی با دوستان و آشنایان و احباب حزب الله

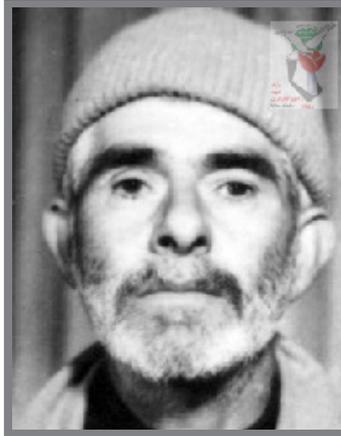
رب ارحم الراحمین و امیر امیر و اهل فقه من لسانی بقیه تویی

با درود و سلام بزرگان بر امام زمان و تائب بر حقن امام حسین این در هم گفته شد گران و یار مستضعفان  
 و با عرض تبریک و تسلیت به خانواده محترم شهدا و با آرزوی عسر و یاقوس قبولین به خانواده محترم عزیز  
 مفقودین و لا تحسبن انهم قتلوا فی سبیل الله انما یتل احیاء عند ربهم یرزقون

با درود بر شهیدان تاریخ پر فراز و نشیب که برای استقرار مکتب توحید و تشیع سرخ طبری و تاجت ارضی خود  
 جهاد کردند و تربیت شهیدان توحیدند و درود بر رهبر کبیر انقلاب امام حسین که باعث شد تا مسلمانان  
 ایران به خویشتن خویش بازگردند و بر علیه طاغوت ۵۰۰ ساله بشویند و او را از تخت فرعونی خنجر زهر  
 آلود و پلین را از لوث وجود ناباکش بانه کنند . آری زمانی فرا رسیده که رسالت خود را نسبت به خدا و خلق  
 ادا ننمایید بایست بر اینکه ما توسل به خداوند متعال نتوانیم تمام دستان اسلام و مسلمین را از کسیر غسود  
 خنجر کیم باین یکی از وظائف هر مسلمان است که با تجاوز به اسلام و ناموس و وطن در مقابل هر تجاوز گری  
 ایستاده و تا آخرین نیرو آفران تا بوند و از کسیر اخراج کند و اکنون زمانی فرا رسیده که با این پیشوایان

سرنوشت چه خواهد شد آیا با این حملات زنده به کاشانام بازمی‌گردم یا اینکه به بیرون فرود می‌آیم  
در هر صورت هر دو برای ما سعادت و کامیابی را در بر دارد و این یکی از منتهی‌های است که ما با کشته شدن  
به بهشت می‌رویم و دشمن با هلاک شدن خشم و عقوبت الهی را در انتظار دارد ولی ما امید به قدرش داریم  
که هیچ قدرش بالاتر از آن نیست خداوند بر ما منت نهاده که در جبهه حق می‌جنگیم و این خود شکر بهشتی است  
را در بر دارد که ما بندگان هرگز قادر نیستیم شکر آنرا به جا آوریم .  
اما نمی‌دانم! نمی‌دانم چگونه انسان پذیرای این راه حق نمی‌شود و سعادت را انتخاب نمی‌کند و این خود  
جای تأسف است که انسان نمی‌خواهد در این راه قدم بردارد و به سوی انحراف و انحطاط سوق پیدا میکند  
اگر بخواهیم با این مسائل بحثی داشته باشیم به حدودی که انسان را ارباب کند نخواهیم رسید مگر اینست که  
اسلام را شناخته و تا اینکه راه حق را پیدا کرده و در گامال اسلام و انسانیت حرکت کنیم .  
امید بر اینست که تمام ما بندگان خداوند در این آن باشیم که اسلام را شناخته و بدان عمل کنیم که در اینصورت  
رضایت او را فراهم کردیم . و حال که آماد تمام در راه خدا جهاد کنیم سلاح شهبانست خود را به همراه داریم  
تا زمانیکه این سلاح در اختیار ماست بیروزی و فتح ما حتمی خواهد بود و این آرزوی بهشت می‌رویم تا افتخار  
شهادت نیز نصیب ما شود . همچنانکه حسین و علی (ع) در مقابل ستمگران تسلیم نشدند و شهادت را با  
آبوش باز پذیرا شدند ما نیز با سریش فرار دادن این مردان بزرگ و رهبران بشر به تقابله با خشم می‌رویم  
در این صورت دشمن بداند که ما صلح نخواهیم شد و تا آخرین نفس در برابر ایشان می‌ایستیم پس چه بهتر  
که در این راه انسان معتقد و ایمان داشته شود بالاخره ما در گهر خواهیم رفت و نیز اگر تمام ستمگران هر چه  
زودتر نابود شوند همه جهان سراسر بهشت برین می‌شود و در اینجا است که انسان روبه رشد و تکامل می‌رود  
و راه خودسازی و سعادت را می‌یابد و در اینجا هم بندگان از خالق راضی هستند و هم خالق از مخلوق  
رضایت خواهد داشت و این خود هدف ماست که انشاء الله بالاخره بدان خواهیم رسید .  
**انجمن مقاومت بسیج دانش آموزی**  
**انجمن اسلامی دبیرستان شهید دکتر جمران**  
**تعلیمات و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آرمینه**  
و السلام علی من اتبع الهدی  
امیر **علیرضا اولاد** و همکاران  
م

نام: عزیز  
نام خانوادگی: اولیایی لاله‌لو  
نام پدر: بلال  
نام مادر: سارا  
تاریخ تولد: یکم آبان ۱۳۱۲  
محل تولد: ارومیه  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و چهارم تیر ۱۳۶۳  
محل شهادت: دره پانی زادگاهش  
نحوه شهادت: انفجار مین ضدانقلاب  
مزار: شهرستان ارومیه



### عبارت های کلیدی

\* همیشه پیشبیان اسلام، انقلاب و امام باشید، که این نعمت بزرگی است.  
\* هرگز امام را تنها نگذارید.

## بِسْمِ تَعَالَى

### خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ<sup>۱</sup>

با درود و سلام بر پیشگاه معظم امام زمان و نائب برحقش امام خمینی و با سلام درود بر ارواح پرفتوح شهداء اسلام و با سلام و آرزوی پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل تا این جان در بدن زنده است تا دستم بدنم پایم حرکت می‌کند باید در راه اسلام و امام و انقلاب حرکت کنم تا زمانی که قدرت وجودم برای انجام خدمت به جمهوری اسلامی مفید باشد، هرگز [دست] از مبارزه و جنگ علیه دشمنان اسلام نخواهم برداشت.

من اولین تصمیمی که گرفته‌ام و به جبهه اعزام می‌شوم از خدا می‌خواهم اگر لیاقت شهادت را دارم برایم نصیب بکند. نظر بنده حقیر از اعزام به جبهه خدمت به اسلام، روبرو جنگ کردن با دشمنان و صدامیان است اگر من شهید شدم اصلاً ناراحت نشوید هر وقت به من ناراحت و افسوس کنید امام حسین حضرت سیدالشهدا را به یاد بیندازید و ببینید که چگونه مظلوم شهید شد.

امام حسین بخاطر اسلام با کفار مبارزه کرد و سرانجام شهید شد و امروز صدام کافر و اعیادی داخلی آمریکا با اسلام مخالف هستند و ما باید از کوچک و بزرگ بسیج شویم تا انشاءالله ریشه‌شان را از روی زمین و از سرزمین اسلامیمان ایران پاک شود.

فرزندان کوچکم را حتماً در مکتب اسلامی تربیت نمایید و همیشه پشتیبان اسلام و انقلاب و امام باشید که این نعمت بزرگی است، که ای مسلمانان قدرش را بدانید و کفران نعمت نکنید و در آخر به تمام خانواده تک‌تک سلام می‌فرستم و به دوستان و آشنایان سلام مرا برسانید و هم بگوئید که همیشه پشتیبان اسلام و انقلاب و امام باشند و هرگز امام را

تنها نگذارید./.

خدایا از عمر ما بگناه و بر عمر رهبر افزا  
به امید پیروزی لشگریان حق بر علیه باطل

بنده حقیر  
عزیز اولیایی

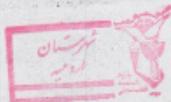
بسمه تعالی

خدا یا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی رانتهدار

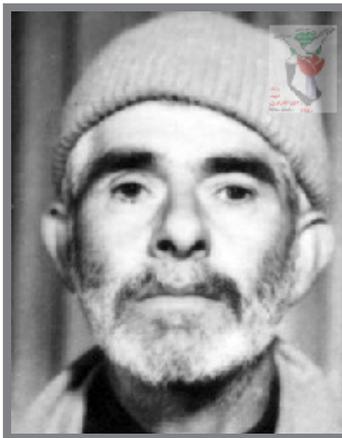
قصتی از وصیتنامه شهید عزیز اولیایی عضو بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایروم  
ولا تحسبن الذین یقاتلون فی سبیل اللہ امراتنا بل احیاء عند ربهم یرزقون  
با درود و سلام بر پیشگاه معظم امام زمان و نائب برجسته امام خمینی و باسلام درود بر ارواح پر حق و شهادت  
اسلام و باسلام و آرزوی پیروزی یزیدیان اسلام در جبهه های نبرد حق علیه باطل تا این جان دریدن زند  
است تا دستم بدنم باهم حرکت می کند باید در راه اسلام و امام و انقلاب حرکت کنم تا زمانی که قدرت وجودم  
برای انجام خدمت به جمهوری اسلامی مفید باشد هرگز از مبارزه و جنگ علیه دشمنان اسلام نخواهم بروناست  
من اولین تصمیمی که گرفته ام و به جبهه اعزام می شوم از خدمت می خواهم اگر لایق شایسته شهادت را دارم  
برایم نصیب بکند نظر بنده حقیر از اعزام به جبهه خدمت به اسلام و پیروزی کردن با دشمنان و صدایمان است  
اگر من شهید شدم اسمم ناراحت نشوید هر وقت به من نیاز داشت و افسوس کنید امام حسین حضرت سید الشهدا  
را به یاد بیاورید و ببینید که چگونه مظلوم شهید شد امام حسین بخاطر اسلام با کفار ان مبارزه کرد و سرانجام  
شهید شد و امروز صد امام کافر و اعیادی داخلی آمریکا با اسلام مخالف هستند و ما باید از کوچک و بزرگ بسین  
شویم تا انشاء الله ریشه شان را از روی زمین و از سرزمین اسلامی ایران پاک شود فرزندان کوچک را حتما  
در مکتب اسلامی تربیت نمایند و همیشه پشتیبان اسلام و انقلاب امام باشند که این نعمت بزرگی است که ای  
مسلمانان قدرش را بدانید و کفران نعمت نکنید و در آخر به تمام خانواده تشکر سلام می فرستم و به دوستان و  
آشنایان سلام مرا برسانید و هم بگوئید که همیشه پشتیبان اسلام و انقلاب و امام باشید و هرگز امام را تنها  
نگذارید خدا یا از عمر ما بگناه بر سر رهبر افزا . . .

به امید پیروزی لشکریان حق لرطبه باطل

بنده حقیر عزیز اولیایی



نام: امیر  
نام خانوادگی: اهری سلماسی  
نام پدر: احمد  
نام مادر: طلعت  
تاریخ تولد: بیست و دوم تیر ۱۳۴۲  
محل تولد: سلماس  
تحصیلات: حوزوی  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: سی ام دی ۱۳۶۵  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: -  
مزار: زادگاهش



### عبارت های کلیدی

- \* ولی فقیه، نایب امام زمان (عج) بوده و واجب الطاعه می باشد.
- \* مسئله وحدت و حضور گسترده در جبهه می باشد.
- \* اگر خمسی بر حقم باقی است بپردازید.

## بسمه رب الشهداء و الصدیقین

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ<sup>۱</sup>

بنده‌ی حقیر به وحدانیت خداوند تبارک و تعالی و به رسالت حضرت محمد(ص) و به امامت امیرالمؤمنین علی(ع) و یازده فرزند پاکش و به برپائی حکومت عدل توسط حضرت مهدی(عج) و به وجود برزخ و قیامت و بهشت و جهنم شهادت میدهم. خدای بزرگ را سپاسگزاری میکنم که در این دوران اسلامی و پربرکت زندگی کردم و در زیر سایهی حکومت ولی فقیه به فراگیری علوم اسلامی و شرکت در مسائل اجتماعی موفق شدم و باز جای شکر فراوان است که باب جهاد به رویمان مفتوح گشته، توفیق شرکت در آن پیدا کردم و خون بی‌مقدارم را در راه حضرتش نثار نمودم. از خداوند متعال خواستارم که بحق امام حسین(ع) مرا نیز هم‌ردیف با سایر شهدا به لقائش دعوت نماید و دست رحمتش را بر سر این عاشقان تازه از راه رسیده‌اش بکشد.

به تمامی مردم مسلمان عرض میکنم که ولی فقیه، نائب امام زمان «عج» بوده و واجب الطاعه میباشد و هر دستوری را که صادر میفرماید، بدون معطلی باید اجراء گردد. اینطور نباشد که ایشان برای یک مطلب چندین بار تذکر بدهند از جمله مسائلی که حضرت امام بیشتر روی آن تکیه دارند، مسئله وحدت و حضور گسترده در جبهه می‌باشد کسانی که اختلاف ایجاد میکنند و یا در جبهه شرکت فعالانه ندارند متوجه باشند که روز قیامت مسئول درگاه خداوندی خواهند بود و در آنجاست که انگشت حسرت بر دندان بگزند و آرزو کنند که یککاش در دنیا خاک بودند و به این مصیبت بزرگ گرفتار نمی‌آمدند.

به خانواده‌ی عزیزم تبریک می‌گویم که تنها فرزند ذکور خود را به پیشگاه خدای متعال هدیه دادند و خویش را در مقابل پیامبر اکرم(ص) و فاطمه زهرا(س) و ائمه طاهرین(ع) روسپید گردانیدند، امیدوارم با کمکهای بیشتر خود به این قیام مقدس، در صف مقدم انصار... قرار بگیرند انشاءالله. و اگر خمسی در حقم باقی است بپردازید. از همهی ذوی‌الحقوق،

مخصوصاً اساتید بزرگوام حاج آقا عبدالحمید بنابی و حاج آقا عبدالمجید بنابی و حاج آقا هادوی بخاطر زحمات بی دریغشان تشکر میکنم و از ایشان و همهی آشنایان و دوستان طلب حلیت می‌نمایم. همه‌ی شما را به خدای متعال می‌سپارم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله... و برکاته.  
الْأَحْقَرُ أَمِيرُ أَهْرِي

## بسم الرحمن الرحيم

### الحمد لله رب العالمين و صلى الله على رسوله و على اهل بيته الطاهرين

خدای متعال را شکرگذاری میکنم که توفیق عنایت فرمود که یک عضو از اعضای سپاه محمد صلی الله علیه وآله بشوم و همراه برادران عزیزم برای حفظ اسلام و قرآن تلاش و مجاهده نمایم. و [از] خدای تبارک و تعالی عاجزانه خواهانم نیت همه‌مان را خالص کرده و اعمال قلیل ما را با فضل و کرمش قبول فرماید.

من با اینکه بنده خوبی نسبت به مولایم نبودم، با این همه همیشه مورد توجه حضرتش قرار داشتم، و نمیدانم با چه آبرویی ملاقاتش خواهم کرد، اگر از دوران تحصیلم یا از دوران طلبگیم سؤال کند چه جوابی خواهم داد و... (اللهم اجعلنی عندک و جیها بالحسین علیه السلام فی الدنيا والاخره<sup>۲</sup>) در مقابل بندگان خدای متعال هم شرمنده‌ام، حقوق مربوط به والدین و اهل خانواده و هم‌درس و استاد و مردم، را بنحو مطلوب انجام نداده‌ام. در خیلی مواقع تصمیم می‌گرفتم که رفتارم را مطابق با احکام مقدس اسلام بکنم ولی متأسفانه به علت عدم تزکیه نفس، معمولاً موفق به این امر نمیشدم، امیدوارم باذن خدای متعال در آخرت جبران نمایم. از همه این عزیزان طلب حلیت میکنم.

به پدر و مادرم که از عزیزترین افراد در نزد من هستند سلام عرض میکنم و دست الهی آنها را با اخلاص می‌بوسم، عزیزانم روایتی است که میفرماید: در قیامت پدران و مادران آرزو میکنند که ای کاش ما هم فرزند شهیدی داشتیم.

امیدوارم که خدای متعال مرا جزو شهداء مقرر فرماید تا بتوانم همراه شما در جنة بقا، متنعم به نعم الهی باشیم، تذکراً عرض میکنم که شما فرزند خود را از دست ندادید، بلکه برعکس بدست آوردید، چون دست‌پرورده شما این توفیق را پیدا کرد که کشته راه خدای تبارک و تعالی بشود و شاید که کمکی به نهضت اسلامی کرده باشد، پس خواهش میکنم شکرگذار خداوند منان باشید و دعا کنید درجات همه شهداء را، خدای متعال آنقدر بالا

۱. اصل: وصیتنامه امیر اهری سلماسی، تاریخ شهادت، روز شنبه ۱۳۶۵/۱۰/۲۹

۲. بخشی از فرازهای سجده زیارت امام حسین در روز عاشورا

ببرد که به محضر مقدس امام حسین علیه السلام شرفیاب بشوند و به فیض اکمل برسند. از تمامی بزرگوارانی که استادی این حقیر را به عهده داشته‌اند و زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند تشکر می‌کنم و اجرشان را از خدای متعال خواستارم. به دو استاد بزرگوارم حاج‌آقا عبدالحمید بنابی و حاج‌آقا عبدالمجید بنابی از ته دل سلام عرض می‌کنم و اعتراف می‌کنم که تأثیر فوق‌العاده‌ای در شناختن ائمه اطهار علیهم السلام داشته‌اند. به خدمت استاد بزرگوار دیگرم حاج‌آقا هادوی نیز عرض ارادت می‌کنم که فصل جدیدی در تحصیل دروس حوزه‌ایم بوجود آوردند. در آخر از همه دوستان و آشنایان طلب حلیت می‌کنم. از خانواده گرامیم خواهانم که از دادن صدقه و نه از<sup>۱</sup> روزه مرا بی‌نصیب نگذارند و لطفاً کتابهای درسی مرا به کتابخانه مدرسه ولی عصر «عج» بناب هدیه کنند. همه‌تان را به خدای متعال می‌سپارم.

کوچکتان امیراھری

۱۳۶۵/۹/۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا جَبْرَ لِلذِّنِّ قَبْلَ الْوَجْهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَبُلْجَا عِبْدِ رَحْمَتِ رُفُو

۶۵۶۴ وضعیت نامه

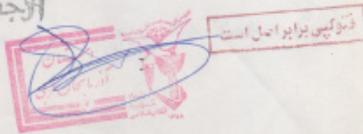


بندگی و طاعت و خلاقیت خداوند ببارکت و تعالی و به  
رسالت حضرت محمد ص و به امامت امیرالمؤمنین  
علی ع و یازده فرزند پاکش و به برپائی حکومت عدل

توسط حضرت مهدی ع و به وجود روز قیامت و بهشت و جحیم شهادت میدادیم انندی  
بزرگ راساکنزری میگویم که درین دوران اسلامی و پرپرکت زندگی کردم دور زیر سایه حکومت  
ولی فقیهیه فخر آسیری علوم اسلامی و شرکت در مسائل اجتماعی موفق شدم و باز جای شکر فراوان است  
که باب جوابه و بیان مفتح گشته توفیق شرکت در آن پیدا کردم و خون بی مقلام لدر راه حضرتش  
نثار نمودم از خلافت منتقل خواهم که به بحق امام حسین ع. عزائیز همسودیف بار بار شهیدان با نقاش  
و عورت نماید دوست را تشکر بر سر این عاشقانانه از راه رسید جانشین گشته

به نامی مردم مسلمان عرض میکنم که ولی تقیّه، نائب الام زمان نبوده و در باب اطلاع میدهند و هر  
 دستوری که صادر میفرماید، بدون معطلی باید اجرا شود. اینطور نباشد که ایشان برای یک مطلب  
 چنین بارتدگر بنده از جمله سالکی که حضرت امام ششم در آن تکیه دارند، مسند وحدت حضور کرده  
 جبهه میباشند که آن که اختلاف ایجاد میکنند و یا در سید شرکت فعالند ندارند متوجه باشند که هر قیامت  
 مشول درگاه خداوندی خواهند بود و در آنوقت که انگشت حرمت بر دستان کند تا کند که یکبارش در  
 دنیا خاک بودند و این مصیبت بزرگ گرفتاری نمی دهند. به خانواده عزیزم تبریک میکنم که بخوانند  
 و کور و در پناه خدای متعال حوی و داند و خوش از و طالبی یا مبرک کنم و خاطر زهره و آنم و خط همین از پسید  
 گردانند امیدوارم که گهای ششتر خود بیان قیام مقدس، در صف مقدم انصار... قرار گیرند از شاه...  
 اگر کسی در علم باقی است، بپردازید. از همه ذوی القرب و محرومان استید بگرام حاج آقا عبدالمجید بنابی  
 و حاج آقا عبدالمجید بنابی و حاج آقا عاودی بخاطر زحمات بی دریغشان تشکر میکنم و از ایشان و ذمه استیانی  
 و دوستان طلب حاجت می نمایم. همواره به خدای متعال می سپارم. و الله اعلم و درود است... و بکاتبه

الأخیر ایثارگری



بسم الله الرحمن الرحيم

و دستنامه امیر اهری سلماس - تاریخ شهادت: پروردگانه ۱۳۶۵/۹/۲۹



الحمد لله رب العالمین و علی الله عالی رسوله و علی اهل بیته الطاهیرین  
خدای متعال را شکرگذاری میکنم که توفیق هدایت فرموده که مشی  
افراطیها و بیجاها بمنعمانی الله عامه و آله بجوم و هدایم برادران عزیزم برای حفظ  
اسلام و قرآن تلاش و سعادت نمایند - رخدای توارک را تعالی ما جزا کند خواهانستم  
تبت همه مان را خالص کرده و آنه آل فضل ما را با فضل و کرمش قبول فرماید من سا

اینکه بدهد خوب نیست به دو لایم سویم - ما این همه همیشه مورد توجه حضرتان قرار داشته و دستنامه ما چه آموزش علاقتش  
خواهم کرده اگر از دوران تصدیم با از روز - تشکیم ستارال کتبه چه جوابی خواهم داد - ( اللهم اجعلنی سفید و جیبها  
یا الحسنی علمه السلام فی النجاة و الاخره ) فرقیل مدگان خدای منة الهم فرستادم - حقوق مربوط به والدین و اهل  
خانواده و محرمین و انسان مومنین - را به دو بطلوب انجام ندهام - در خطای مبالغه نمیکردم که رفتارم را مطابق بسا  
احکام فقهی اسلام با تمام ولی شناخته به حالت عدم تذکره نمان - معمولاً " برقیه امین امیر نهمم - امیروارم جان خدای  
متعالی فرخترت بمران تمام - از همه امین عزیزان طلب عذرت کردم -

به بنامم فرم که از عزیزترین افراد عزیزم سفید سلام عرض میکنم دست الهی آنها را اما خلاص من بوسه عزیزانم  
رومانی است که مدغماید از فریاد است پدرین و دران آرزو میکنند که ای گاش ماهم فرزندانم می دانستم - امیروارم گشته  
خدای متعال بر ایزد شیدا - مقرر فرماید تا تا و نام جراه شما در جبهه ملا - متقدم به تمام الهی باقیم - مدافرا " عرض میکنم  
که در فرزند خود از دست خدای بزرگوار بزرگوار بزرگوار آورید - چون دست پرورده - فدایم بومق رایبها گرمکه کشیده را  
خدای متعال را خدای متعال شود و شامه که گنگی به خفته اسلامی کرده است - پس خواهش میکنم شکرگزار خدایند بدان کیفیت  
و دعا کنند بر جات همه شهید - را - خدای متعال آنها را تا لایم که به نه فرماید امام حسن علیه السلام فرمایند بفرموده  
و به نفس اکل برسد -

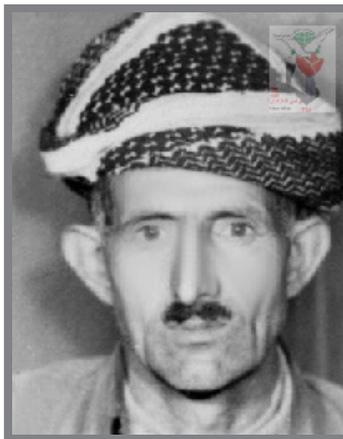
فرستادم بزرگوارانی که استای من جعفر و انه عهده نالدهانه و روحیات فراوانی را متجدد خداوند شکر میکنم  
و امر تارن را خدای متعال فرستادم - به بنام خدا بزرگوارم حاج آقا سید احمد مناسی و حاج آقا سید محمد مناسی از همه  
آل سلام عرض میکنم و ان شاء الله که تاثیر فوق العاده ای در شناختن الله اطهار علیهم السلام داشته اند - به خدمت  
استاد بزرگوارم حاج آقا هادی نیر عرض اوقات من کنم که نعل جیبی در تحصیل دروس حوزه امدم بوجود آورنده چراغ خیر  
از همه بوعالی و شایار طلب حاجت میکنم - از خانواده شرامیم خواهانم که از نه و صنفه رنه از روز به مراسم نصیب نگارند  
و الله " که با همی درسی مرانه کتابخانه مدرسه ولی عصر " هم" کتاب جیبی کند - همه تان رایه خدای متعال می سپارم -

کرمگان امیر اهری - ۱۳۶۵/۹/۲۹

نایب و شکر از امیر اهری روحانیت - دفتر تبلیغات اسلامی مسوزه علمیه سلماس

توفیق برانجام  
استان آذربایجان غربی  
شماره ۱۳۶۵/۹/۲۹

نام: اصغر  
نام خانوادگی: ایران سرشت  
نام پدر: عثمان  
نام مادر: الف  
تاریخ تولد: یکم آبان ۱۳۱۰  
محل تولد: ارومیه  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیست و ششم شهریور ۱۳۶۲  
محل شهادت: زادگاهش  
نحوه شهادت: اصابت گلوله ضدانقلاب  
مزار: شیخ شمزین ارومیه



عبارت های کلیدی

\* اسلام و قرآن پیروز می شود.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت‌نامه شهید اصغر ایرانسرش<sup>۱</sup>

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَدَلَ الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ

شهید اصغر ایرانسرش پیشمرگ مسلمان کورد محال ترگور روستای شیخ ثمزین فرزند اوسمان. مرحوم دارای ۶ سرعائله در اوایل انقلاب اسلامی به شعار الله‌اکبر پیوست و به همکاری رزمندگان حق شتافت. تمام مشکلات خانوادگی را زیرپا گذاشت و دنبال ایمان و حق رفت همیه در منطقه ترگور که پاسداری می‌کرد تبلیغات ایشان فقط دعوت به اسلام و انقلاب بود همیشه مکتبهای الهادی را محکوم می‌کرد هرگز تسلیم منافقین و دروغگویان نمی‌شد. از اینکه حزب منحلہ دمکرات و نوکران اجنبی نتوانستن او را تسلیم بکنند اعم از عقیده و عمل این بود که نقشه ترور مرحوم را کشیدن، او مانده کوه ایمان هیچ ترسی از آنها را نداشت می‌گفت من تسلیم آنها نمی‌شوم بگذار مرا شهید کنند آنها با شهید کردن ما نتوانستن هیچ غلطی بکنند عاقبت<sup>۲</sup> آنها نابود و به فنا می‌روند ولی اسلام و قرآن پیروز می‌شود چنانچه در صدر اسلام پیروز بوده و حال هم پیروز است و پیروز می‌شود. اگر از شهید سؤال می‌کردی چرا اسلحه برداشته‌اید شما از این گروهکها چه دیده‌اید می‌گفت آنها با خدا می‌جنگند آنها کمونیست هستند کمونیستها منکر مکتب ما هستند.<sup>۳</sup>

وصیت‌نامه برادر شهید اصغر ایرانسرش<sup>۴</sup>

---

۱. از متن پیداست این وصیت‌نامه توسط شخص دیگری نوشته شده است.

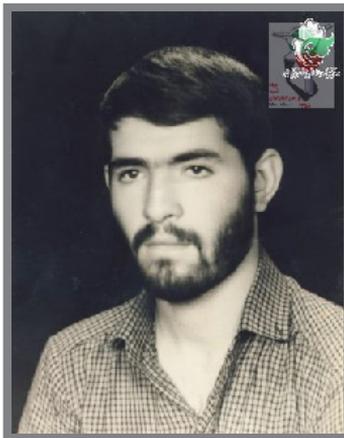
۲. اصل: عقبیت آمده است.

۳. با مداد نام شهید به همراه کدشناسایی شهید درج شده است.

۴. اصل: ایرانسروش آمده است.



نام: بیاض  
نام خانوادگی: ایران نژاد  
نام پدر: علی  
نام مادر: عدالت  
تاریخ تولد: شانزدهم اسفند ۱۳۳۸  
محل تولد: میاندوآب  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران  
تاریخ شهادت: چهارم فروردین ۱۳۶۳  
محل شهادت: جزیره میجنون عراق  
نحوه شهادت: اصابت گلوله  
مزار: زادگاهش



### عبارت های کلیدی

- \* با یاری فرزند حسین از دشمنان انتقام خواهم گرفت.
- \* شهادت آخرین و دیرینه ترین آرزوی من بود.
- \* شهادت در راه اسلام یک افتخار است.
- \* امام امت، خمینی بت شکن را تنها نگذارید و بی تفاوت نباشید.
- \* ولایت فقیه است که این جامعه را به راه راست هدایت می کند.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فُيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء ۷۴)

«مؤمنان باید در راه خدا با آنانکه حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد راه خدا کشته شود یا فاتح گردد زود باشد که او را در بهشت ابدی اجر عظیم دهیم.»

وصیت‌نامه‌ام را با خون خود خواهم نوشت. با عشق حسین رمز پیروزی را خواهم نوشت. هر کجا باشم خون حسین خواهم نوشت. با دشمنان در ستیز خواهم بود حق حسین خواهم نوشت. با یاری فرزند حسین از دشمنان انتقام خواهم گرفت. حق حسین را با خون خود خواهم نوشت. گر حسین در این زمان نیست با حسین زمان حق حسین [را] خواهیم گرفت.

سلام بر حسین زمان و روح خدا و درود بیکران بر ارواح پاک شهیدان اسلام. شهادت آخرین و دیرینه‌ترین آرزوی من بود. شهادت یک معشوق بود و من یک عاشق دل‌باخته او. چند وقتی بود که او را و خریدار جانان را می‌جستم ولی پیدا نمی‌کردم چون لیاقت آن را نداشتم. شهادت در راه اسلام یک افتخار است.

یعنی رسیدن به الله به ملکوت آسمانی. پس در حقیقت خداوند ما را خواست و لحظه موعود رسید و ما فیض پرافتخار را یافتیم و به معشوق خود رسیدیم و به آرزوی خود در این باره رسیدیم. می‌دانیم که اکثر شهدای اسلام از قشر جوان است و همه‌شان آرزوی شهادت را داشتند.

بلی آنها رفتند و یک دنیا غم را برای خانواده خود باقی گذاشتند و باید یادآور شد که افتخار بزرگی را نیز برای خود و خانواده‌شان بدست آوردند. پس شهدا ناکام از دنیا نمی‌روند بلکه به کام خود می‌رسند. بنده نیز می‌روم و آرزوی دیگری ندارم. تنها آرزویم آن‌اند که پیروزی حق بر باطل و اسلام بر کفر جهانی است که ندیدم. و دیگر خونی به دل دارم و آن

این است که بعضی از مسئولین به فرمان امام خوب عمل نمی‌کنند [...] گذارند. و افراد را نه شناخته و تحقیق نکرده بیرون می‌کنند و یا خود حاکم شرع شده حکم صادر می‌کنند و به جوانان پاک و انقلابی مارک انحرافی می‌زنند و اینانند که امام را تنها می‌گذارند و ولایت فقیه را قبول ندارند و حتی به شهادت برادران اعتقادی ندارند.

برادرها و خواهرها! شما را به خدا امام امت خمینی بت‌شکن را تنها مگذارید و بی تفاوت نباشید از ولایت فقیه پیشتیبانی کنید. ولایت فقیه است که این جامعه را به راه راست هدایت می‌کند.

چند سخنی نیز درباره‌ی خود بنویسم. برادران اگر توانستید مرا در نزد قبر شهدای باروق دفن کنید.

و ارث پدری مرا به مادرم بدهید و حقوق مرا نیز به مادرم بدهید و جریان را با مادرم در میان گذاشته‌ام. برای من از همه حلالیت بگیرید چون شاید از روی ناآگاهی کسانی را از خود رنجیده ساخته باشم.

و شما ای مادر مهربانم! مثل کوه استوار و مقاوم باش. گرچه فرزندی از دست دادید و در عوض افتخار بزرگی کسب کردی. می‌دانم که داغم بر شانیهایت سنگینی می‌کند. می‌دانم که دیگر مرا از یاد نخواهی برد.

مادرم افتخار کن و به اسلام پایبند باش و فرمانده مرا از یاد مبر و همیشه از خداوند طول عمر برایش خواستار باش که اوست روح خدا و اوست امید مستضعفان و اوست آزادی‌بخش در این قرن.

و شما خواهر مهربانم! سرافراز باش و زینب‌گونه باش و پیام‌رسان خون شهدا باش و چنان حالتی به خود بگیر که دشمنان فکر آن را نکنند که تو غمی به دل داری اری سرافراز باش. و شما برادران بزرگم! بخاطر بنده ناراحت نباشید و غمی به دل راه ندهید چون شما افتخاری کسب کرده‌اید که نصیب همگان نمی‌شود و اگر توانستید اسلحه‌ام را به زمین نگذارید و همیشه بخاطر اسلام با دشمنان الله در ستیز باشید. به امید روزی که عدل جهانگیر مهدوی که بر جهان حکومت کند.

فرزند صالح گلی است از گلهای بهشت (حضرت محمد(ص)  
شهید قلب تاریخ است.

بیاض ایران‌نژاد



وصیت نامه شهید سید علی بن ابی طالب علیه السلام  
بسم الله الرحمن الرحیم تاریخ ۱۳۰۱ هـ

خداوند قادر مبین را که در سبیل اللذین یسرون المیرة قاله یا الاخر من یقاتل  
فی سبیل الله فیقتل او یقتل یتوفی حیاتاً او غیباً (الاستیعاب)

مؤمنان باید در راه خدا با تمام حیات و اموال خود بجنگند  
چون کشته شوند یا در راه خدا شهید شوند یا قتل گردند نزد خداست و اولاد ایشان  
بسیار اجر عظیم دهیم

۱۸۷۳۲۴

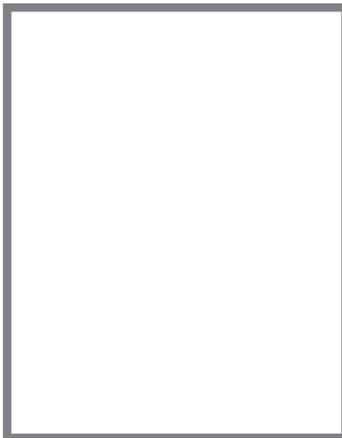
۱۸۷۳۲۴۷۷۴۰۱ ✓

۳۲/۱۴۹

وصیت نامه ای که خود خواهم نوشتم با اعتقاد حقین برین روزگار  
هر جا باقی خون حقین خواهم نوشتم با دشمنان در روز عظیم حقین  
باید بفرزند حقین از سبیل انستقامت خواهم نوشت حقین را با حقین خود خواهم نوشت  
و حقین در این زمان نیست یا حقین زمان حق حقین خواهم نوشت  
بعد از این روزگار یعنی در هر چه که خواهد بود از این روزگار  
شهادت آخرین و در دنیا قرین آن روزی من ببرد شهادت یک استعدادی  
رود و من یک عاشق دنیا ختم او چند وقتی بود او را و غیره با حقین با می چشم  
حقین بیاوردی که در حقین که در دنیا تم شهادت در راه اسلام یک افتخار  
است حقین بر سرین به الله بیکوت که با حقین حقین خلدن به اسلام  
و حفظ خود در سبیل حقین بر افتخار و با حقین بود معنوی خود در سبیل حقین  
خود در این دنیا بر سرین من دانستم که اگر در سبیل اسلام از حقین حلال است و  
مهر شان از حقین شهادت را داشتند به آن غایت شهادت دنیا هم را با حقین  
خاندان خود با حقین که است و با حقین یاد که در شهادت افتخار حقین را نیز با حقین خود  
خاندان شان نیست که در دنیا من و خدا تا حکام از دنیا نیز در دنیا حکام خود  
میرد به حقین بر سرین و اگر حقین دیگری ندانم تنها آن حقین کن با حقین بر سرین  
حقین بر با حقین با اسلام بر کفر جهانی است که در سرین و دیگر حقین بر حقین  
بر آن اول است که حقین از حقین بر حقین تمام خود عمل بر حقین  
تمام بر سرین و افراد با حقین با حقین و تحقیق که در سرین و حقین



نام: جعفر  
نام خانوادگی: بابازاده  
نام پدر: صادق  
نام مادر: کلثوم  
تاریخ تولد: دهم شهریور ۱۳۴۴  
محل تولد: سلماس  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران  
تاریخ شهادت: ششم اسفند ۱۳۶۲  
محل شهادت: جزیره مجنون عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وصیت به پدر و مادرم

سلام بر شما ای مادر و پدر عزیزم! امیدوارم [م] که سلامت بود[ه] باشید. سلام بر برادرانم و خواهرانم زینب، لیلا امیدوارم که سلامت باشند. تنها وصیتی که به شما دارم از مادرم، خواهشمندم که میان ملت برایم گریه نکند. مادر! میدانم که داغ فرزند برای مادر بیشتر است ولی چه کنم اسلام، دینم، مکتبم مرا به جبهه کشاند و شهادت باعث افتخار من شد ولی مادر برایم بیشتر گریه نکن. هر وقت که من یادت آمدم هر پنجشنبه به قبرم بیا و ملاقات کنم. میدانم که مرا نمیبینی ولی من شما را خواهم دید و به خواهرم بگو که برایم گریه نکند چون برادری ناقابل را در راه اسلام داده است. دیگر عرض ندارم.

جعفر بابا زاده

امضاء

-

حاج میرزا...

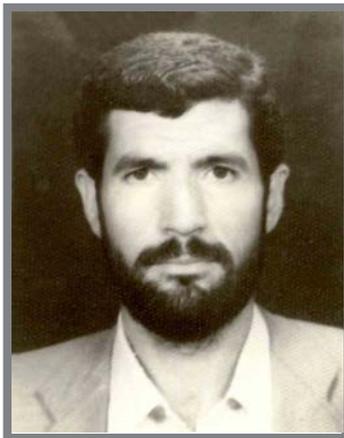
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصیت به پسر و مادرم

سلام بر شما ای مادری پسر عزیز امیدوارم که سلامت بود باشید  
سلام بر خودم و شما هر نام زینب علیا امیدوارم که سلامت باشید  
تو و منی که به هم دارم از مادرم خواهش می‌کنم که میان من و  
برای من ننگد مادری نام که دایمی خودم برای مادر بختی است  
ولی چه کنم سلام دینم منم مرا که چه کنم نرسد  
باست اعتبار من همه علی مادری را به من بختی نرسد  
نورست که من یاد است آدم هر چه من به فرج باد و موافقت  
کنم می‌توانم که مرا نمی‌بینی ولی من تمام سلام دادم و سلام  
بگو که برای من ننگد هر چه بر منی تا قابل کرد راه اسلام  
ماه است دیگر عرض سلام

*[Handwritten signature]*  
۱۳۰۱/۱۱/۶

نام: مقصود  
نام خانوادگی: بابازاده  
نام پدر: یعقوب  
نام مادر: یورقون  
تاریخ تولد: بیست و نهم اسفند ۱۳۳۶  
محل تولد: شهرستان شوط  
تحصیلات: -  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: نهم دی ۱۳۶۶  
محل شهادت: ماووت عراق  
نحوه شهادت: -  
مزار: زادگاهش



### عبارت های کلیدی

- \* من خودم آزادانه راهم را انتخاب کردم.
- \* تمام شما اهل خانواده ام و فامیل ام را به پیروزی از امام امت و پیام شهیدان را جامه عمل بپوشید.

## بسم الله الرحمن الرحيم

۲۶/۱۰/۶۶ مورخ شنبه ساعت ۵/۸

بنام نامی یگانه قانونگذار جهان هستی

والسلام علی من تبع الهدی، با تقدیم احترام مقصود بابازاده

با سلام [و] درود به رهبر کبیر انقلاب، بنیانگذار<sup>۱</sup> جمهوری اسلامی و سلام [و] درود به رزمندگان کفرستیز، لشکریان [...] با درود فراوان به ارواح طیبه مقدس پاک شهیدان عالم اسلام و با درود فراوان به رهبران واقعی جهان اسلام و با آرزوی آزادی اسرای اسلام و با آرزوی شفای عاجل به تمام مریضان عالم اسلام بخصوص مجروحان عالم اسلام، بخصوص مجروحان ایران، البته وصیتنامه را در خانه نوشتم توی چمدان در توی یک سررسید نامه سال ۶۵ میباشد، ولی آنکه لازم به تذکر است در مورد خانه سازمانی و خانهای که هم اکنون ساکن هستیم. قیمت مشخص خانه سازمانی در سند آن در چمدان سیاه هست. آن مقدار پول که پیش قسط دادیم و مابقی آن هم قسطی داده خواهد شد. دو تا مرد عادل و عموهایم و دائیام و آقام [...] موسوی قیمتگذاری کنند. هر طور که اسلام میگوید بین سهم بنده و سهم برادرم بطوری مساوی تقسیم کنند، سهم بنده بین خانواده خودم و سهم برادرم را هم به خودش بدهند و در ضمن آنچه در دفترچه یادداشتام نوشتهم خوب بخوانند و عمل کنند. یعنی در مورد قرض و طلبهای بنده وصیتنامه [...] حتماً وصیتنامه البته توی نوار هم ضبط کردم آن میباشد. البته مادرم هم اختیار تام دارد و اگر هیچیک از ما هم یعنی بنده و برادرم و خواهرم نداد میتواند تا زمانی که مادرم در قید حیات<sup>۲</sup> است تمام املاکم در اختیار ایشان است. البته سهم خودم را میگویم و برادرم هم حق ندارد تا زمانی که مادرم در قید حیات<sup>۳</sup> است آن [را] از خانه بیرون کند. گفتم، قیوم بعد از بنده [...] میباشد. البته سهم خواهرم را نیز در نظر بگیرد. هر چه شرع اسلام میگوید. باید اگر خواست سهمش از اموال پدریاش بدهید و دیگر بار البته نوشتم توی وصیتنامه ولی باز هم مینویسم. من خودم

۱. اصل: گزار آمده است.

۲. ناخوانا

۳. اصل: حال حیاط آمده است.

۴. اصل: حال حیاط آمده است.

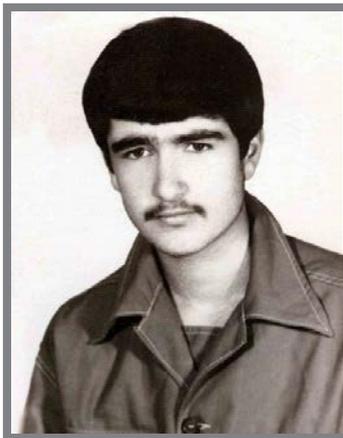
آزادانه راهم را انتخاب کردم و با روح باز هم به رویش عاشقانه عشق ورزیدم. به همان هم رسیدم و دیگر پنجاه تومان به آقای منصور حسنی اصل بدهکارم، در غیاب بنده پی بدهید و بار دیگر از شما تقاضا دارم و خواهش مندم هر کس بگوید مقصود به من بدهکار است لطفاً طلب آنها را پی بدهید و از طرف من حلیت بخواهید و در آخر وصیت اصلی بنده به برادرم این است که فرزندان بنده حتماً از تحصیل باز ندارید. سفارش اصلی بنده همین است و آن وصیتنامه در موقعی که بچه‌ها بزرگ شدند بدهید بخوانند تا بدانند که راه اصلیشان را بشناسند و برای خودشان سرمشق<sup>۱</sup> قرار دهند و همسر هم اگر خواست بنشینید، پیش بچه‌ها باشد و اگر هم رفت آزاد است. تمام شما اهل خانوادهام و اهل فامیلام را به پیروی از امام امت و پیام شهیدان را جامه عمل بپوشید و در زمانی که اگر شهید شدم برای من گریه نکنید بلکه برای اباعبدالله گریه کنید، تمام شماها را به خدای قادر توانا میسپارم. خداحافظ، خدا نگهدار شماها باشد.

(والسلام)



است تمام امدانم در اختیار ایشان است البته سهم خودم را هم فرستادم و برادرم هم حق ندارد  
تا زمانی که ما دم در حال حیات است آن از خان بیرون نماند نسبت تمام قیوم بقدر بند سهم  
من باشد البته سهم خواهرم را نیز در تقوای بگیری هر چه شرع اسلام مقرر کرده باید از خواست  
سهم اش از اصول پدرانش بدهید و دیگر بار البته نوشته تور و وصیت نام دل بزم به نرسیم من خودم  
آزادانه را هم را انتخاب کردم و به روح بزم به رویش اشتقاقت و در بزم به نرسیم به نرسیم  
و دیگر بجهاد تو با آمان نشود و حجت اصل به حکام در مویب بنده پس بدهید و یاد دیگر  
از شما نماند و خواستند هر کس بگویم تا خود را بنده بکار است لطفاً طلبه آن را پس  
به جیب و از طرف من حلیت براهید و در اکثر وصیت اصل بنده به برادرم این است که هر دو را بنده را  
حتماً از تحصیل باز نماندید سوارش اصل بنده همین است و آن در وصیت نام در صورتی که بخواهم  
بر برگ شده به بدهید نخواسته تا بداند که راه اصلی نشان را بنده بنده و بر او خردن است سر مشکی  
قرار دهند و محرم هم اگر خواست بنشیند پس بچه ها باشد و اگر هم رفت اگر داد است  
نام شما اصل خانوادام و اصل نام اصل نام را به پیرو دار نام است و بیام شهید را جاه  
عمل پس بنشیند و در محله از آن اگر شهید شدم و از این گره نماند بلکه بر او امان است  
گرچه کسیر تمام شده رایج خدا قادر توانا من سیدم خدا جانم خدا نکره در شما باشد (والسلام)

نام: رضا  
نام خانوادگی: بابایی بخشکندی  
نام پدر: علی بابا  
نام مادر: کلثوم  
تاریخ تولد: دهم شهریور ۱۳۴۴  
محل تولد: سلماس  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: سپاه پاسداران  
تاریخ شهادت: ششم اسفند ۱۳۶۲  
محل شهادت: جزیره مجنون عراق  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

\* شهید دارای دو اسم و مشخصات است.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[...] اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لَإِيْمَانَ بِيَانٍ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاَمَنَهُ ؟ غَفِرْلَنَا ذُنُوْبَنَا وَ كَفَّرَ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ.

پروردگارا! ما چون صدای منادی که خلق را به ایمان میخواند شنیدیم؟ و ایمان آوردیم. پروردگارا! از گناهان ما در گذر و زشتی؟ بپوشان و هنگام جان سپردن ما را با نیکان محشور گردان.

درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی و با سلام [و] درود [...] شهادتی که در راه اسلام عزیز جان باختند و درود و سلام بر ملت شهید پرور ایران. چون در اسلام بر هر مسلمانی واجب است وصیتنامه‌های [...] شد لذا حقیر نیز وصیتنامه‌ام را تقدیم می‌دارم.

[...] به حال من مرده بودم و این لحظه آغاز جهاد و شهادت این احساس را در خود میبینم که تازه دارم متولد میشوم و زندگی خود را آغاز میکنم زیرا<sup>۱</sup> که برای حفظ اسلام باید از بذل جان و [...] دریغ نکرد. زیرا که بهشت را به بها میدهند نه به بهانه. حال بطور خلاصه هدف و پیام خود را مینویسم.

حقیر برای حفظ اسلام و مسلمین و ولایت فقیه و حکومت جمهوری اسلامی ایران و رهبری امام خمینی این راه را آگاهانه و از روی شناخت انتخاب کردم و این راه را بهترین سعادت [...] انسانهای روی زمین میدانم.

پیام به همه برادران و خواهرانم: شما را به خدا قدر و ارزش یکدیگر را بدانید و از غیبت و حسد و کبر و دروغ و حب دنیا بپرهیزید.<sup>۲</sup> وقتی از اینها دوری جستید اینقدر قوی میشوید که احساس میکنید خدا را دارید ببینید. عزیزانم! بهترین هدف الله است و کسی که میتواند

۱. اصل: ناخوانا

۲. اصل: زیر آمده است.

۳. اصل: پرهیز آمده است.

ما را زودتر به الله برساند خط ولایت فقیه است.  
به برادران و خواهران معلم: به این نسل که مثل شمع میسوزند و به دیگران نور می‌رسانند،  
به این نسل که مقام والای پیامبری دارند، شما را به خون شهداء قسم، مسئولیت بسی خطیر  
خود را به نحو احسن انجام دهید که اگر شما انجام دهید جامعه ما پاک میشود. برادر و  
خواهر اگر پاک نشوید و تزکیه نشوید نمیتوانید دانشآموزان را تزکیه کنید.  
در پایان عظمت اسلام و مسلمین و نابودی کفار و منافقین و طول عمر رهبر انقلاب امام  
خمینی را خواهانم.

به امید پیروزی اسلام و نابودی منافقان و ریاکاران

فدائی اسلام رضا بابائی

۶۱/۸/۲۶

وصیت نامه

۲۶ ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (بِسْمِ اللَّهِ)

ترتیباً ائمتنا سوختا شتا و یا ئینا دبی و لای بیان آن ایستد بیزینم ما شتا شتا  
خا نخر کتا ذنو بنا و کبیر صتا شتا شتا و قو صتا شتا لای شتا

بیرور دگمالا ما چو نصد ای شتا رتی که خلعترا به ایمان می خواندند شنیدیم اجناب

مکریم در ایمان آوردیم بیرور دگمالا از شتا آن ما در گذر و زشتی کرد ایما  
را بیوسان و هنگام جان سپردن ما را به با ایگان حضور شکران

با درود ز او ان هم هر هیکه کبیر انقلاب امام خمینی و با سلام درودیم

تنامی بگردایم که در راه اسلام عزیز جان باختند و درود و سلام به ملت  
سکینه بیور ایران.

چون در اسلام بر هر مسلمانی واجب است وصیت نامه ای داشته  
باشد لایا حقیر نیز وصیت نامه ام را تقدیم می دارم.

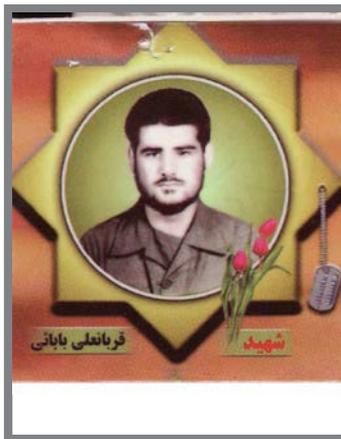
تا به حال من سرده بودم و این حفظ اعظم آمانت حیات و سعادت است  
این اجلسی لا در دعوی بنیم که تازه دارم متولای عموم و زینتی جناب

خود را آمانت می کنم زیرا که برای حفظ اسلام باید از بزرگ جان و مال  
هر چه دریغ نکرد زیرا که بصفت را به بعضی دهند نه به بیگانان.

حال راجع به خلاصه هدف و پیام خود را می نویسم .  
 ۱ - مقصد برای حفظ اسلام و مسکن و ولایت فقیم و مصلحت  
 جمعی اسلامی ایران و رهبری امام خمینی این راه را آنگونه  
 از روی شفا آشنا ساگر دم و این راه را بقصد سعادت  
 هم انسانهای روی زمین می رانم .  
 ۲ - پیام به همایونان و جاهدانم : شما را به خدا اعدا در راهی  
 یکدیگر را بداند و از غیبت و جد و کبر و دروغ و حب دنیا  
 بپرهیزد و حق از اینها دوری پیشد اینقدر سعی می شود که اجناس  
 می کنید خدا را دارید می بیند بخیر انم بقدرت هدی الله است و کی  
 هم که می تواند ما را زودتر به الله برساند خدا ولایت فقیم است .  
 ۳ - به برادران و خواهران علمه : به این شکل که شکل شعاع می سوزند  
 به زمینان نور می رسد به این شکل که تمام ولای و پیامبری دارند  
 شما را به خون شهداء قسم مسئولیت بر عهده خود را به خود  
 امن انجام دهید که اگر شما انجام دهید جا هم ما را که می  
 بدارد و خواهد اثر پاک نشود و تنگید نشود می توانید دانش  
 آموختن را تنگید کنید .

در باب این عظمت اسلام و مسلمین و ~~کلمه~~ تا بودی کفار و  
منافقین و طغیان محمد رهبر انقلاب امام حسین را خواهم  
به امید پیروزی اسلام و نابودی  
منافقان و بریا کافران  
فدا شدی اسلام و مسلمانان  
۶۱/۸/۲۶

نام: قربانعلی  
نام خانوادگی: بابایی  
نام پدر: نوروز  
نام مادر: جهان  
تاریخ تولد: پانزدهم آذر ۱۳۴۵  
محل تولد: ارومیه  
تحصیلات: دوم متوسطه  
ارگان اعزام کننده: بسیج  
تاریخ شهادت: بیستم دی ۱۳۶۵  
محل شهادت: شلمچه  
نحوه شهادت: اصابت ترکش  
مزار: زادگاهش



عبارت های کلیدی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آنقدر در دریای خون شنا میکنیم تا به ساحل حقیقت برسیم. (علی علیه السلام)  
شکر خدائی را که توفیق آنچنان بما عطا فرمود که در راه او بتوانیم از اسلام و وطن  
اسلامیمان به دفاع برخیزیم و اگر ما را لایق آن بداند خونمان در این راه ریخته شود. امروز  
بنابر فرموده حضرت امام: صدام هر وقت که زورش برسد اسلام را مفهوم می‌کند و ما  
موظفیم که از اسلام دفاع کنیم.

این جنگ بین اسلام و کفر است، تمامی کفر متحد شده‌اند که اسلام را برای همیشه  
ریشه کن کنند و این بر هر نبرد مسلمان واجب است که از اسلام دفاع کند و من شکر میکنم  
خدا را که توفیق شرکت در جبهه اسلام بر علیه کفر را به ما عنایت فرمود. خدایا! خود  
میدانی با کولهباری از معصیت و نافرمانی به سویت می‌آیم. اگر مقدر فرمودهای که این روزها  
آخرین روزهای ما باشد.

تو را به آبروی محمد و آل محمد (ص) قسمت میدهم تا ما را نیامزیدی از این دنیا  
مبر. خدایا! بندهای هستم که در این مدت عمری که کرده‌ام نتوانستم بندهای صالح برای  
تو باشم و خود معترفم که گناهانم خیلی بیشتر است. ولی هیچ وقت از عنایت و بخشش  
تو ناامید نخواهم شد. میدانم که ارحم الراحمینی و سخنی داشتم با پدر و مادر عزیز و  
زحمتکشم، پدر و مادر مهربانم! از آن زمانی که وارد بسیج شدم نتوانستم آنطوری که شاید  
و باید در خدمت شما باشم و همواره برایتان زحمت میدادم ولی امیدوارم که مرا به بزرگی  
خودتان ببخشید و حلال کنید، چون نتوانستم برایتان اولاد مثمرالثمری باشم.

از این بابت خیلی شرمندهام، بدانید و آگاه باشید که امروز اسلام در خطر است و من  
احساس میکنم که جبهه اسلام نیاز به نیرو دارد و برای خود تکلیف دیدم که به سپاه اسلام  
ملحق شوم به جبهه بروم.

امیدوارم که اگر شهید شدم همچون کوه استوار باشید و اگر خواستید برایم گریه کنید  
اول برای امام حسین (ع) و حضرت علیاکبر علیه‌السلام گریه کنید. بعد برای من. خواهر  
جان! امیدوارم که با حفظ حجاب چنان که تا به حال هم رعایت کردی پاسدار خون شهیدان  
اسلام باش و زینگونه پیام شهیدان را همراه با امت اسلامیمان به گوش جهانیان برسانید.

دنیا چنان ارزشی ندارد که انسان به خاطر آن عمر خود را فدای آن کند و به آن مشغول شود و از آخرت غافل شود. دنیا مزرعه آخرت است که از آن باید برای عالم بقا و آخرت استفاده کرد نه اینکه خود را مشغول آن کرد. برادران عزیزم! سعی کنید تکالیف شرعی خود را به نحو احسن انجام دهید و همیشه با حق و یار حق باشید.

پدر، مادر، خواهر و برادرانم! همیشه پشتیبان ولایت فقیه که همان ولایت رسول الله (ص) است باشید و راهرو امام امت که او هم رهرو ائمه هدی است باشید. دنیا محل عبور است نه شهر سرور. پدرجان! مقداری پول دارم که مقدارش را خودت میدانی در هر جا که مصلحت دیدی خرج کن و ضمناً من مدت ۵ ماه روزه قضا دارم همچنین و مدت ۳ سال نماز قضا که در صورت امکان بجا آورید و افتخار کنید که شما هم توانسته‌اید یک شهید تقدیم اسلام و قرآن کنید و افسرده و غمگین نباشید و صبر کنید که خداوند با صابرین است. در حدیث آمده که مردمی از مشرق زمین بپا میخیزند و زمینساز حکومت مهدی (عج) میشوند.

که همانا این مردم، مردم کشور ایران هستند. امروز ایران زیر نظر امام زمان (عج)<sup>۱</sup> است. امام زمان، پیامبر اسلام و خداوند بر ایران نظر لطف دارند، اگر نظر لطف نداشتند با این همه سنگاندازیها که مقابل این انقلاب شده هرگز نمیتوانست تا امروز پایدار بماند و در مقابل دشمنان ایستادگی کند.

خداوند! به احترام امام زمان نظر لطف و مرحمت را از کشور اسلامی ایران قطع نفرما. پروردگارا! دشمنان سرسخت اسلام و انقلاب را مخصوصاً آمریکای جنایتکار و مزدور حلقه‌بگوش آنها صدام عفلقی را محو و نابود نفرما. خدایا! امام امت را از گزند بلیات محفوظ بدار و قائم مقام رهبری آیتالله منتظری<sup>۲</sup> را محافظت نفرما.

خدایا! این بنده گنهکار خود را ببخش و بیامرز، به خانواده شهدا، اسراء، مفقودین و معلولین صبر عطا نفرما و این جنگ تحمیلی را با پیروزی اسلام و جمهوری اسلامی به پایان برسان.

آمین یا رب العالمین

خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

۱. اصل علیه السلام آمده است.

۲. ر.ک تعلیقات

## جنگ جنگ تا پیروزی

مورخه سه‌شنبه دی ماه ۶۵-۱۰-۱۶ بنده گنه‌کار خدا قربانعلی بابائی  
امضاء

گریه کن ای دیده من آشنایان رفته‌اند  
ناله کن ای دل، دل من، باوفایان رفته‌اند  
چشمه می‌جوشد زخون لاله‌های سرخ باغ  
کز حریم گلشن ما خوشلقایان رفته‌اند  
آتشی افروخت در جانم فراق دوستان  
عاصیان ماندند برجاء، پارسایان رفته‌اند  
داغ گل بشکست بال بلبل افسرده را  
دل بجا مانده‌ست اما دلربایان رفته‌اند  
این ره عشق است (بابائی) تا به پایانش برو  
چونکه این ره را شهیدان تا به پایان رفته‌اند

وصیت نامه  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 آنقدر را مدد برای خود، شفا می کنیم تا به ساحل حقیقت برآیم  
 به سوی اسلام، شکر خواهی که تو بیق آید جان بی عطا شود و اگر در  
 راه داری بتو ایتم در اسلام و در حق اسلام بی دفاع بر خویشم و اگر راه  
 را لایق آن بدانم خود را در این راه میخیزم بشود و هر روز بنابر  
 فرمود حضرت امام، صدام هر وقت که از فرقی برسد اسلام را  
 میزد و میکشد و ما میخیزیم که از اسلام دفاع کنیم این جنگه بین اسلام  
 و کفر است تا خداوند بفرود شده اند که اسلام را برای همیشه  
 ریشه کن کنند و این بر هر فرد مسلمان واجب است که از  
 اسلام دفاع کند و من شکر می کنم خدا را که تو بیق شکر گشته اند  
 جهت اسلام بر علیه کفر را با غنایت فرمود خود را خدا می  
 دانم ای کاش که برای فرزندان وصیت و نافرمانی بسویت می آمم

اگر کمتر فرموده ای که این روزها سخت ترین روزهای ما است  
 را به آن بروی و بعد از آن صفت من شنیدم تا ما را  
 بنیاد **روز** زیدی در این دنیا هر خود را با بغض ای میگویم  
 در این عدت عمری که کرده ام نتوانستم بنده ای صالح  
 برای در باشم و خود معتزتم که گناهانم خیلی بیشتر است  
 یک هیچ وقت از عنایت و جنتش تو نالامید  
 انصافم شد میدانم که لرحم الراحمین و سخی دادم  
 با این روزها در عمری و زحمتی که دیدم و مادر مهربانم از  
 آن زمانی که عمارت بسج شوم نتوانستم از خطری  
 که بشاید و یا بد در خدمت شما باشم و همواره برایتان  
 زحمت میدادم ولی امید دارم با صرا به بزرگی خودتان  
 ببخشید و حلال کنید چون نتوانستم برایتان

املا در حضور القمیری با چشم از این بابت ضعیف نظر شده ام  
 بدانکه در آنگاه باشد که امروز اسلام در خطر است و  
 من احساس می‌کنم که جهاد اسلام نیاز به نیرو دارد و  
 برای خود تکلیف دادم که به سیاه اسلام ملحق شوم  
 به جهاد بروم امید دارم که اگر شهید شوم همچون گروه خودم  
 باشم و اگر خراسانم بر این گریه کنید اول برای امام  
 حسین و حضرت علی اکبر علیه السلام گریه کنید بعد برای  
 من. خدایم جان امید دارم که با حفظ حجاب خندان کوتاه  
 حال هر رعایت کردی پاسداری خون شهیدان اسلام باشم  
 و زینب گون پیام شهیدان را هر چه با اقتت اسلامیان  
 با کوشش جهانیان برسانند دنیا چنان از زمین نثار کرد  
 استان بخاطر آن مبر خود را فدای آن کند و آن

که در صورت امکان بجای آورید و انتظار کنید که السلام  
 برانستد و یک شهید تقدیم اسلام و قرآن کنید و ان شاء  
 خدای نیاید بر مسجرت کنید که خداوند با صابرین است  
 در حدیث آمده که هر دوی شهیدان بر روی دنیا می‌نویسند  
 و زینب با حکومت مهدوی می‌شوند که هانند  
 این مردم مردم کشور ایران هستند امروز در آن  
 زیر نظر امام زحان علیه السلام است تمام زحان  
 پیامبر اسلام و خداوند بر ایران نظر لطف دارند  
 اگر نظر لطف نداشتند با این همه سنگ آذاری ما  
 متاثر این انقلاب شده هرگز نمی‌توانست تا امروز  
 با وجود بر جان و در مقابل دشمنان ایستادگی کند  
 خوار و نهاده از امام زحان نظر لطف و رحمت است



در کشته را اسلامی ایران قطع نفرما پروردگار را  
دستان، بر سر سینه و پلام و انقلاب مرا متصرفاً  
۳ مریای جانیکار و مزد در جلد بگوشی آنها  
بهدام عطفی را محض ما بود در فرما  
خدا یا امام است را از کز بگفت محفوظ  
بدر و قائم مقام رهبری ۳ است ۱۰۰ منتصری  
را محافظت می نماید  
خواب این بنده کفایتکار خود را بگوشی و بیاسر  
به خاندان شهیدان ایران مقتودین و معلولین  
صبر عطا فرما بر این جنگ شعیلی را با پروری  
اسلام و جمهوری اسلامی بیاید برسان  
۳۰۰ یار شب العالمین

متراند  
گریم کنی اما چه می شناسان رفعت اند  
نالگو ای دل دل من با و طایان رفعت اند  
چشمه می جویند ز خاک لا اله الا الله سرخ باج  
بر فریم کنگش طایان رفعت اند  
پستی افروخت در جام فراق دوستان  
عاصیان مانند نه برجا با رستایان رفعت اند  
داغ کنی سنگت با دل بگل افسرده را  
دل بجا مانده است اما در پایان رفعت اند  
این ره عشق است (بابان) تا به پایانش برو  
چونکه این ره را شهیدان تا به پایان رفعت اند









